

# مروری بر عهد عتیق ۱

از پیدایش تا استر

آموزشگاه تربیت خادمین



Iranian Christian Church  
740 E.Arques Ave  
Sunnyvale, CA 94085  
USA

## مروری بر عهد عتیق ۱

نویسنده: دکتر هرمز شریعت

هدف کلیسای ایرانیان:

با قدرت روح القدس، نجات، شفا و آزادی روحانی در عیسای مسیح را به ایرانیان اعلام نماییم  
و آنها را شاگرد بسازیم تا مانند مسیح زندگی و محبت کنند تا اینکه این کلیسا یکی از ابزار دست  
خداوند برای وقوع پیوستن ارمیاء ۴۹: ۳۸ - ۳۹ باشد و در نتیجه خدا جلال یابد.

برای هر نوع سؤالات یا اطلاعات با نشانی زیر تماس بگیرید:

[www.kelisa-iranian.com](http://www.kelisa-iranian.com)

Copyright © 2002 by Iran Alive Ministries, INC

New Version 2008

## فهرست مطالب

۱	..... مقدمه
۲	..... آشنایی با روش تدریس
۴	..... روش مطالعه و حفظ کردن دروس
۷	..... منابع درسی
۸	..... کتاب مقدس
۱۵	..... پیدایش
۲۳	..... خروج
۲۸	..... لاویان
۳۵	..... اعداد
۴۲	..... تثنیه
۴۹	..... یوشع
۵۶	..... داوران
۶۳	..... روت
۶۹	..... اول سموئیل
۷۷	..... دوم سموئیل
۸۳	..... اول پادشاهان
۹۳	..... دوم پادشاهان
۹۹	..... اول تواریخ
۱۰۶	..... دوم تواریخ
۱۱۳	..... عزرا
۱۲۰	..... نحمیا
۱۲۷	..... استر
۱۳۴	..... ایران در کتاب مقدس
۱۴۰	..... ترتیب کتاب های عهد عتیق

## مقدمه

کتاب مقدس، راهنمای زندگی شخص و خدمتی برای هر مسیحی می باشد. یک مسیحی هر چه بهتر و بیشتر کلام خدا را بداند، از آن اطاعت کرده و عملاً "بکار ببرد، در زندگی شخصی و خانوادگی موفق تر شده و خادم مفیدتر و موثرتری نیز برای خداوندش می گردد.

ما چه بسیاری از ساعت های عمر کارهایی می کنیم که نه تنها برای خود و برای دیگران بهره ای ندارد، بلکه مضر نیز می باشد. مثلاً "دیدن اکثر برنامه های تلویزیونی، نه تنها اتلاف وقت است و روح القدس را در ما افسرده می کند، بلکه باعث می شود فکر، چشم و قلب ما از آنچه که از خدا نیست پر شود. این کار نه تنها مانع رشد روحانی و شخصیتی ما می شود، بلکه باعث می شود در مسیر روحانی خود حتی به عقب نیز برگردیم. اما برعکس هر یک ساعت که در کلام خدا صرف کنیم، تا به آخر عمر برای ما و برای هرکس که با او برخورد کنیم، ثمره و بازدهی خواهد داشت.

ما سالها وقت و پول خود را صرف می کنیم، به کالج و دانشگاه می رویم، از بسیاری چیزها می گذریم، بی خوابی ها را تحمل می کنیم و کلاس هایی را می گذرانیم که عملاً "در زندگی ما و دیگران بهره ای ندارند و نداشته اند. اما با گرفتن یک کلاس در مورد کتاب مقدس و جدی بودن در مورد آن، خداوند در فکر و قلب و روح ما ذخیره و گنجی را قرار می دهد که تا به آخر عمر باعث برکت ما، اطرافیان ما و هر کسی که با او برخورد می کنیم خواهد بود.

پس تشویق شده و از همین الان تصمیم بگیرید که درسهای این دوره را با جدیت فرا بگیرید. آنها را نه فقط به منظور کسب اطلاعات و گذراندن کلاس بخوانید، بلکه بگذارید در این دوره، کلام خدا فکر و قلب و زندگی شما را زیر و رو کرده و تبدیل نماید. تصمیم بگیرید در کتاب مقدس خبره شوید. گرسنه و تشنه حقیقت کلام خدا باشید. مشتاق دانستن فکر و قلب خدایی باشید که شما را نجات داد تا فرزند محبوب او باشید.

به عنوان یک خادم، بخواهید که با وسیله کار خود یعنی کتاب مقدس، به خوبی آشنا شده و بدانید آن را چگونه در زندگی شخصی و خدمت به دیگران بکار ببرید. به عنوان یک سرباز مسیح، با شمشیر روح القدس یعنی کتاب مقدس آشنا باشید تا مانند مسیح بتوانید آن را بر علیه دشمنان شیطان بکار ببرید و در جنگ های زندگی و خدمتی پیروز باشید. به عنوان یک رهبر، با چراغ کلام خدا مجهز باشید تا جلوی پای خود را دیده و بتوانید دیگران را در مسیر درست رهبری کنید. به عنوان یک شبان، با شیر و گوشت کلام آشنا شوید تا بتوانید غذاهای خوشمزه روحانی برای گله خود تهیه کرده و آنها را تغذیه درست نمایید.

## آشنایی با روش تدریس

دورهٔ درسی «مروری بر کتاب مقدس» شامل سه کلاس «مروری بر عهد عتیق ۱»، «مروری بر عهد عتیق ۲» و «مروری بر عهد جدید» می باشد. در این کلاس ها، کتاب های کتاب مقدس مورد بررسی کلی قرار می گیرد. هدف این است که دانشجو با تم اصلی، اهمیت و کاربرد هر کتاب آشنا شده و جای آن را در نقشه کلی خدا برای بشر بداند. همانطور که خواهید دید، معرفی و بررسی هر کتاب، شامل بخش های زیر خواهد بود. در زیر توضیح داده شده است که هدف و اهمیت هر کدام از این بخش ها چه می باشد :

**نویسنده و تاریخ نگارش** \_ در این بخش، نویسنده آن کتاب معرفی می گردد. اگر می بایست نکته خاصی در او بدانید، در اینجا مطرح می شود. تاریخ نگارش به ما کمک می کند تا بدانیم نگارش آن کتاب در مقایسه با وقایع تاریخی کجا قرار می گیرد و نویسنده آن را در چه شرایط تاریخی نوشته است.

**زمینه و موضوعات اصلی** \_ در اینجا با تم کلی آن کتاب آشنا می شوید و بطور کلی دست شما می آید که آن کتاب در مورد چه چیزی است و چرا نوشته شده است. همچنین اطلاعاتی که به فهم آن کتاب کمک می کند، مطرح می شود. چراکه زمینه تاریخی و یا فرهنگی هر کتاب کمک می کند که معنی آن را بهتر درک نماییم. در این بخش، همواره «کلمه کلید» آن کتاب مطرح می گردد. این کلمهٔ کلیدی، مهم ترین اطلاعاتی است که می بایست در مورد هر کتاب بدانید. کلمه کلیدی سعی می کند موضوع هر کتاب را در یک کلمه خلاصه کند. در نتیجه با دانستن آن کلمه، موضوع اصلی آن کتاب بخاطر شما خواهد ماند. از شما انتظار می رود، کلمه کلیدی هر کتاب را حفظ نمایید. به «آیات کلیدی» نیز توجه و دقت نمایید. در این آیات کلیدی، خلاصهٔ تمام آن کتاب را در یکی دو آیه می توانید مشاهده نمایید. «فصل کلیدی» مهم ترین فصل هر کتاب را معرفی می کند.

**بررسی** \_ در این قسمت، آن کتاب به چند بخش اصلی تقسیم بندی می گردد و هر بخش با جزئیات بیشتر شرح داده می شود. بدینوسیله، با هر کتاب آشنایی عمیق تری را پیدا می کنید. از شما انتظار می رود، بخش های اصلی هر کتاب را نیز حفظ نمایید (برای کمک به حفظ کردن، به درس «روش مطالعه و حفظ کردن دروس» در زیر مراجعه نمایید) .

**مکاشفه عیسای مسیح** \_ همانطور که خواهیم دید، در هر کتاب مقدس، می توان رد پای عیسای مسیح را پیدا نمود. هر کتاب در کتاب مقدس، مسیح را به نحوی معرفی می کند. بسیاری از آنها بطور مستقیم در مورد آمدن او و نقش او پیشگویی می کند.

**مکاشفه روح القدس** \_ در هر کتاب در کتاب مقدس، می توان نقش و اثر روح القدس را نیز مشاهده نمود. این مکاشفه گاهی مستقیم می باشد و گاهی در غالب سمبل ها می باشد.

**دروس اصلی روحانی** \_ هر کتاب از کتاب مقدس، حاوی درس های متعدد روحانی می باشد. از میان آنها چند درس روحانی انتخاب شده و بیان می گردد. موضوع این دروس اکثرا طوری انتخاب شده اند که نشان دهند از کل این کتاب چه دروس جامعه ای می توان گرفت. این درس ها را به دقت بخوانید و بگذارید بر قلب و زندگی و عملکرد شما تاثیر بگذارد. این دروس بر اساس مکاشفات و تجربه های شخصی و همچنین تجربیات خدمتی در کلیسای ایرانیان نوشته شده اند. در نتیجه مسایل فرهنگی ما ایرانیان و روش خدمتی بین ایرانیان در آنها در نظر گرفته شده است. در نتیجه این دروس کمک می کنند تا نه تنها خواننده در شخصیت و زندگی روحانی خود پیش رود، بلکه او را آماده می کند تا خادم موثرتری در بین ایرانیان باشد.

بعضی از درسهای روحانی به خواننده می آموزد که در کلیساهای خانگی می بایست چگونه خدمت نمود. لازم به تذکر است که در این درس ها وقتی از کلمه «شباهنگ» استفاده می شود، مقصود همان گروه ها یا کلیساهای خانگی می باشند. کلیساهای خانگی در کلیسای ایرانیان سن حوزه، «شباهنگ» نامگذاری شده است که به معنی «ستاره درخشنده صبح» و لقب عیسای مسیح در کتاب مکاشفه می باشد.

**سوالات برای مرور درس** \_ این سوالات دو هدف دارند : کمک برای مرور درس تا خود دانشجو بداند که آیا در واقع این درس را یاد گرفته است یا خیر. همچنین این سوالات، دانشجو را برای امتحان جلسه بعدی حاضر می کند. سوالات آن امتحان بر اساس همین سوالات مطرح می شود. سوالات در مورد هر کتاب حداقل شامل سه مورد زیر می شود (گرچه به آن محدود نمی گردد) : «کلمه کلیدی آن کتاب چیست؟»، «بخش های اصلی آن کتاب کدامند؟» و «دروس اصلی روحانی آن کتاب چه می باشند؟» در امتحان نهایی، کلاس، کلمه کلیدی و بخش های اصلی هر کتاب پرسیده خواهد شد.

## روش مطالعه و حفظ کردن دروس

بهترین و موثرتری روش مطالعه این است که :

۱ - ابتدا نت های درسی آن کتاب را بخوانید تا با آن کتاب آشنایی پیدا کنید.

۲ - کلمه کلیدی آن کتاب را حفظ نموده و آن را در کتاب مقدس خود در ابتدای آن کتاب در کنار عنوان آن کتاب یادداشت نمایید. همچنین زیر آیات کلیدی را خط کشید و یا روی آنها ماژیک رنگی بکشید.

۳ - شروع به خواندن آن کتاب کرده و همزمان مرتب به نت های خود رجوع کنید. آنچه می خوانید را به آنچه در نت ها خوانده اید ربط دهید. بخصوص به بخش بندی های توجه کنید و همواره بدانید که دارید کدام بخش را می خوانید و نت های درسی در مورد آن بخش چه می گویند. همچنین به درس های اصلی روحانی توجه نموده و دعا کنید حقایق آن قلب و زندگی شما را تحت تاثیر قرار دهد. از آن حقایق اطاعت کرده و زندگی خود را طوری تغییر دهید تا مشابه آن گردد.

۴ - بخش بندی های کتاب را حفظ نمایید.

۵ - سعی کنید «سوالات برای مرور درس» را بدون نگاه کردن به نت ها جواب بدهید.

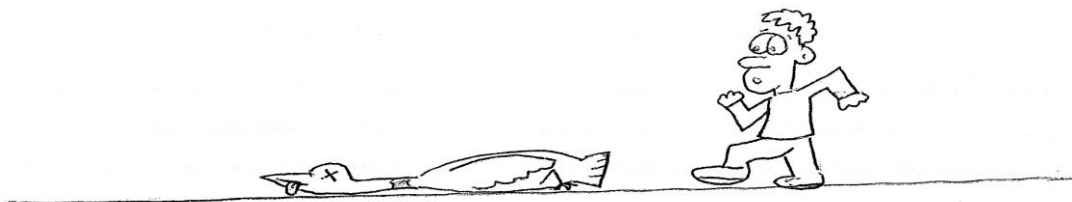
### روش های حفظ کردن

کمتر کسی پیدا می شود که در حفظ کردن مطالب مشکلی نداشته باشد. خود من در تمام طول تحصیلات دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی، در حفظ کردن مطالب مشکلی عظیم داشتم. نمرات دروس علمی و ریاضی من همیشه خوب بودند. اما برای دروس حفظ کردنی چون شیمی، تاریخ و جغرافیا، وقت بسیار زیاد می گذاشتم و اکثراً نتیجه مطلوب را نیز حاصل نمی کردم. زمانی که در دانشگاه الهیات ثبت نام کردم، متوجه شدم که می بایست تمام دروس را حفظ کنم. خوشبختانه با کمی تحقیق در مورد روش های حفظ کردن و البته با فیض و یاری روح القدس توانستم مطالب را بخوبی حفظ کنم بطوریکه با کمترین وقت در مقایسه با بقیه دانشجویان بهترین نمرات را می گرفتم.

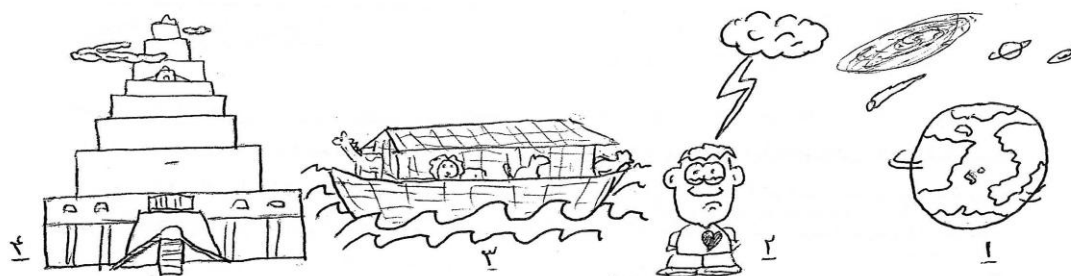
روش های متعددی برای حفظ کردن وجود دارد که شاید در آینده در کلاس یا سمیناری، آنها را بتوانم به دیگران تعلیم دهم. در زیر دو روش ساده را بیان می کنم که در این کلاس بیشترین فایده را دارد.

## روش بینایی و روش شنوایی

در روش بینایی، آنچه که می خواهیم حفظ کنیم را تبدیل به یک سری شکل می کنیم. اگر این سری اشکال به یکدیگر متصل شده و یک داستانی را تعریف کنند که بسیار بهتر می باشد. مثلاً برای اینکه حفظ کنیم که کلمهٔ کلیدی کتاب پیدایش «آغازها» می باشد، می توان این را در خاطر تصور کرد که یک «غاز» مرده در گوشه ای افتاده است و یک نفر آنرا «پیدایش» می کند. همیشه بهتر است که چنین صحنه ای را در گوشهٔ نت های خود تصویر نمایید. حتی اگر نقاشی شما خوب نیست، هرچه بکشید بسیار مفید است. مثلاً "در مورد صحنهٔ بالا :



بخش های کتاب مکاشفه از ۴ واقعه و ۴ شخصیت صحبت می کند. این وقایع: خلقت جهان، سقوط انسان، طوفان نوح و برج بابل می باشد. ۴ شخصیت شامل ابراهیم، اسحق، یعقوب و یوسف است. برای بخاطر سپردن ۴ واقعه، می توان شکل زیر را بخاطر سپرد :



برای بخاطر سپردن ۴ شخصیت، می توان از زندگی هر کدام یک تصویری را در آورد که ما را به یاد آن شخصیت می اندازد. می توان بخاطر آورد که ابراهیم کسی بود که خواست با چاقو، پسرش اسحاق را قربانی نماید. یعقوب کسی بود که نردبانی را در رویا دید که به آسمان می رفت. یوسف در حکومت مصر به نخست وزیری رسید.





روش دیگر بخاطر سپردن این است که مطالبی که می خواهیم حفظ کنیم را تبدیل به یک سری کلمات کنیم. با تمرکز روی آن کلمات و تکرار آنها با صدای بلند، آن کلمات حفظ ما می شوند که به نوبه خود کمک می کنند مطالب اصلی را بخاطر آوریم. مثلاً از حروف اول «پیدایش» و «آغازها»، کلمه «پا» حاصل می شود. بخاطر سپردن کلمه «پا» به ما یاد آوری می کند که «پ» یعنی پیدایش و «آ» یعنی آغازها.

برای بخاطر سپردن ۴ واقعه در پیدایش، می توان کلمه «جانب» را بخاطر سپرد. این کلمه به ما کمک می کند بخاطر آوریم که «ج» یعنی جهان، پس واقعه اول خلقت جهان است. حرف دوم «الف» است که یادآور انسان است پس واقعه دوم سقوط انسان است. حرف سوم «ن» است که یادآور نوح است پس واقعه سوم «طوفان نوح» است. حرف چهارم «ب» است که یادآور بابل است پس واقعه چهارم «برج بابل» است.

بعضی از افراد با دیدن بهتر مطالب را بخاطر می سپارند (اکثراً آقایان به این صورت هستند). بعضی ها نیز با شنیدن و تکرار مطالب آنها را بهتر بخاطر می سپارند (اکثراً خانم ها به این صورت هستند). شما ابتدا ببینید که در کدامیک قوی تر هستید. شاید هم بخواهید روشی را انتخاب کنید که مخلوطی از دو روش بالا باشد.

## اهمیت ربط دادن

مغز انسان طوری ساخته شده است که مطالب پراکنده را به سختی حفظ می نماید. مطالبی که به هم مربوط هستند (مثلاً یک داستان جالب) بهتر در فکر انسان می ماند. برای همین لازم است که در این کلاس به نحوی، کلمه کلیدی را به اسم آن کتاب وصل نمایید (شبیه کاری که در بالا در مورد «پیدا کردن غاز مرده» و یا کلمه «پا» کردیم). بخصوص لازم است که درس های روحانی را به کلمه کلیدی و یا بخش های اصلی که حفظ کرده اید مرتبط سازید.

مثلاً در کتاب پیدایش، از ۴ واقعه تاریخی، یاد می گیریم که خدا، خدای تاریخ است. از ابراهیم درس ایمان می گیریم. از اسحاق روش پیدا کردن همسر را یاد می گیریم. از یوسف یاد می گیریم که خدا چگونه از انسان ها برای مقاصد خود استفاده می کند. بنابراین وقتی بخش های اصلی کتاب پیدایش را با روش های بالا بخاطر سپردیم، آنگاه درس های روحانی را به این بخش ها مرتبط می کنیم. بدینوسیله، درس ها را نیز می توانیم بخاطر بسپاریم.

## منابع درسی

در تهیه دروس این دوره، از منابع مختلفی استفاده شده است. تقریباً تمام دورس روحانی از مکاشفات و تجربیات در زندگی شخصی و خدمت کلیسایی تهیه شده اند. برای نوشتن قسمت های دیگر، از منابع زیر استفاده شده است اما نه به صورت ترجمه. بلکه بنا به هدف مشخصی که داریم (تربیت خادم) و سلیقه و هدایت روح القدس، مطالب مختلف از کتب مختلف با مکاشفات شخصی تلفیق شده اند. منابع اصلی استفاده شده به شرح زیر می باشند :

۱- کتاب **Talk Through The Bible** نوشته **Bruce Wilkinson** و **Kenneth Boa** - تقریباً ۷۵ درصد مطالب از این کتاب گرفته شده است. بیشتر قسمت ها در ارائه زمینه، بررسی و بخش بندی از این کتاب گرفته شده است.

۲- کتاب **Spirit Filled Bible** نوشته **Jack Hayford** - بعضی مکاشفات عیسای مسیح و بیشتر مکاشفات روح القدس از این کتاب گرفته شده است.

۳- کتاب «عهد عتیق سخن می گوید» نوشته ساموئل شولتز و ترجمه مهرداد فاتحی \_ بعضی از اطلاعات تاریخی و فرهنگی از این کتاب گرفته شده است.

۴- کتاب **what The Bible Is All About** نوشته **Henrietta Mears** - بعضی مطالب در قسمت بررسی کتاب و زمینه فرهنگی و تاریخی از این کتاب گرفته شده است.

۵- کتاب **Halley's Bible Handbook** - بعضی مطالب در مورد زمینه فرهنگی و تاریخی از این کتاب گرفته شده است.

## کتاب مقدس

کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب می باشد که بوسیله ۴۰ نفر در طول ۱۶۰۰ سال نوشته های شده است. این ۴۰ نفر در سه قاره دنیا (آسیا، اروپا و افریقا) زندگی می کردند. از هر طبقه اجتماع، در بین آنها وجود دارد. در میان آنها، وزیر، ماهیگیر، پادشاه، چوپان، کاهن، نبی، باجگیر، و طبیب دیده می شوند .

### پیغام اصلی کتاب مقدس چیست؟

اگرچه بسیاری از نویسندگان کتاب مقدس در یک محل نبودند، یکدیگر را نمی شناختند و حتی در قرنهای مختلف زندگی می کردند، با این وجود در نوشته های آنها در این ۶۶ کتاب، تناقضی وجود ندارد. این نوشته ها پراکنده نمی باشد بلکه هر کتاب مانند بخشی از یک تابلو می باشد که وقتی در کنار یکدیگر قرار می گیرد، صحنه ای را با یک پیغام واحد و زیبا ترسیم می نماید. این پیغام، داستان عاشقانه خالق این جهان است که مخلوق خود را به شدت دوست می دارد و مشتاق رابطه نزدیک و ممتد با او می باشد .

در این داستان، انسان گناهکار از خدای پرمحبت جدا شده در درد و رنج و مرگ و نابودی قرار می گیرد. اما این خدا برای نجات انسان محبوبش دست به کار شده و با جانفشانی او را به پیش خود بر می گرداند. پس عجیب نیست که صفحات اول پیدایش با صفحات آخر مکاشفه شباهت بسیار دارد.

### نویسنده اصلی کتاب مقدس کیست؟

چرا چنین کتب مختلفی همگی یک داستان را تعریف می کنند؟ چونکه در واقع این کتابها یک نویسنده دارد یعنی روح القدس که از طریق انسانها و با استفاده از شخصیت های آنها، کتاب این داستان و حقایق روحانی در مورد خدا را در غالب کلمات آورده است (دوم پطرس ۱ : ۲۱، دوم تیموتاوس ۳ : ۱۶). پس چه خوب است که هنگام خواندن کتاب مقدس، با روح القدس، نویسنده کتاب مشارکت داشته و از او بخواهیم تا منظور خود را در مورد هر آیه برای ما باز نماید.

### شخصیت اصلی کتاب مقدس کیست؟

گرچه کتاب مقدس بسیار مهم است، اما باید به خاطر داشته باشیم که ما کتاب مقدس را نمی پرستیم بلکه مسیح را که کتاب مقدس معرفی می کند، می پرستیم. عیسیای مسیح، شخصیت اصلی کتاب مقدس می باشد. مسیح خود می گوید که عهدعتیق از او سخن می گوید (یوحنا ۵ : ۳۸ و لوقا ۲۴ : ۴۴-۴۶). او اول و آخر، الف و یا، ابتدا و انتها می باشد (مکاشفه ۲۲ : ۱۳).

بیشتر از یک چهارم کتاب مقدس نبوت می باشد. دو واقعه مهم در تمام کتاب مقدس مرکزیت دارد : آمدن مسیح برای نجات بشر و بازگشت ثانوی او برای داوری بشر. عهد عتیق به این ۲ واقعه در آینده می نگرد و عهد جدید، به ۱ واقعه در گذشته و ۱ واقعه در آینده نگاه می کند.

در اولین کتاب عهد عتیق، پیدایش ۳ : ۱۵، نخستین وعده آمدن عیسای مسیح داده می شود و در آخرین کتاب آن، ملاکی، نیز از آمدن او سخن می گوید. در عهد جدید نیز عیسای مسیح و کارهای او مرکزیت دارد و از آنچه که مسیح در گذشته کرده است ، آنچه که در حال حاضر می کند و آنچه که در آینده خواهد کرد ، سخن می گوید .

### **آشنایی با عهد عتیق و عهد جدید**

کتاب عهد عتیق شامل ۹۳ کتاب و عهد جدید ۲۲ کتاب می باشد (توجه کنید که  $9 \times 3 = 27$ ). کلمه "عهد" نه به معنی دوره بلکه به معنی "پیمان" می باشد. "عهد" همواره بین دو طرف بسته می شود که هر کدام از طرفین تعهد می کنند مسئولیت هایی را به عهده گرفته و به انجام برسانند. "عهد"، "قرارداد" نیست. در "قرارداد" ، اگر یکی از طرفین به وظایف و تعهدات خود عمل ننماید، آن قرارداد می تواند نسخ شود. اما در "عهد" ، حتی اگر یک طرف در انجام وظایف خود کوتاهی کند، باز طرف دوم به انجام وظایف خود متعهد می باشد و این عهد به قوت خود باقی می باشد .

خداوند با ما "عهد" بسته است و نه "قرارداد". او بدون توجه به کوتاهی به و گناهان ما، نقشه نجات ما را ریخت و آن را به انجام رسانید. در کتب "عهد عتیق" می بینیم که بعد از گناه بشر و سقوط او از حضور خدا، خداوند دست بکار شده و نقشه ای را برای نجات بشر می کشد. طبق این نقشه، او قومی گمنام، ضعیف و ناچیز را انتخاب می کند تا از طریق آنها دنیا را برای آمدن خود آماده سازد. در کتب "عهد جدید" می بینیم که او به میان بشر می آید تا آنها را نجات بخشد و به نزد خود بازگرداند. در "عهد عتیق" وعده ها و پیشگویی های بسیاری را می بینیم در مورد اینکه خدا برای نجات بشر چه خواهد کرد. در "عهد جدید"، انجام این وعده ها و پیشگویی ها را می بینیم. خلاصه "عهد جدید" این است : خدا کاری را که در "عهد عتیق" گفته بود انجام می دهد را کرد.

### **زبان کتاب مقدس**

عهد عتیق تقریباً تمامی به زبان عبری می باشد. فقط قسمت های بسیار کمی از آن به زبان آرامی می باشد. زبان کتب عهد جدید، یونانی می باشد.

## کتاب عهد عتیق

۳۹ کتاب عهد عتیق را می توان به ۵ گروه تقسیم نمود:

۵ کتاب: کتب تورات (شریعت).....از پیدایش تا تثنیه

۱۲ کتاب: کتب تاریخی.....از یوشع تا استر

۵ کتاب: کتب شعری.....از ایوب تا غزلها

۵ کتاب: کتب انبیای بزرگ.....از اشعیا تا دانیال

۱۲ کتاب: کتب انبیای کوچک.....از هوشع تا ملاکی

## اعتبار کتب عهد عتیق

دلایل محکم و متعددی در مورد اعتبار کتاب های کتاب مقدس وجود دارد. به عنوان نمونه، باستان شناسان نسخه های قدیم تمام کتب عهد عتیق را از زیر خاک پیدا نموده اند. مثلاً "در طومارهایی که در غاری در "قمران" در کنار دریای مرده در سال ۱۹۴۷ کشف شد (به نام Dead Sea Scrolls)، تمام عهد عتیق (بجز کتاب استر) موجود بود. این نوشته ها به دستخط بوده و در زمان نابودی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی نوشته های شده است. این کشف و کشفیات دیگر نسخه های قدیمی ثابت می کند نسخه ای که در دست ما می باشد موثق بوده و طی هزاران سال تغییری در آن داده نشده است.

بعلاوه در قرن سوم قبل از میلاد در شهر "اسکندریه" در مصر، ۷۰ نفر از دانشمندان یهود کتب عهد عتیق را به یونانی (زبان بین المللی آن زمان) ترجمه کردند تا یهودیان یونانی زبان در سراسر دنیا بتوانند آنرا خوانده و در کلیسه هایشان استفاده کنند. این ترجمه به "ترجمه هفتاد" (LXX or Septuagint) معروف می باشد. این ترجمه تا به امروز باقی است و دلیل دیگری می باشد که متن عهد عتیق امروزه با آنچه که ۲۳۰۰ سال پیش استفاده می شده است یکسان است.

عیسای مسیح خود اعتبار عهد عتیق را تایید کرد و آنرا در تعالیم خود بکار برد (یوحنا ۱۰: ۳۴-۳۵ و متی ۲۲: ۲۹ و ۴۳-۴۵ و لوقا ۱۶: ۱۷ و لوقا ۲۴: ۲۵) بعلاوه نوشته های رسولان نیز عهد عتیق را تایید می کند (دوم تیموتاوس ۳: ۱۶ و دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱). عیسای مسیح فرمود چون مردم عهد عتیق را نمی دانند در اشتباه می افتند (مرقس ۱۲: ۲۴). پس چه بسیار مهم است که عهد عتیق را خوب بدانیم.

کتب عهد جدید بر پایه کتب عهد عتیق نوشته شده است و مرتب به آیات آن مراجعه می کند. به عنوان مثال، کتاب عبرانیان خود ۸۵ بار و کتاب مکاشفه بیشتر از ۲۴۵ بار از عهد عتیق نقل قول می کنند.

## مکاشفه خدا

دو منبع انسانی برای دانش وجود دارد : منطق و تجربه. این دو کمک می کنند تا دنیای مادی اطراف خود را درک کنیم. اما هر دو برای درک مسایل روحانی و شناخت خدا ناکافی و محدود می باشند. سوالاتی وجود دارند از قبیل: "من چه کسی هستم؟ از کجا آمده ام؟ به کجا می روم؟ هدف از زیستن و مردن چیست؟ چگونه می توانم آرامش و شادی در قلب خود داشته باشم؟ آیا خدا وجود دارد؟ او کیست و با من چه رابطه ای دارد؟" که جواب آنها از فکر و تجربه انسانی خارج است .

پس برای جواب به آنها به منبع سومی خارج از خود انسان لازم است. به راستی اگر خدا مسائل روحانی را بوسیله کلام خود و روح القدس برای ما باز نمی کرد، عقل و تجربه انسان هیچگاه قادر به پی بردن به آنها نمی شد. از همه مهمتر، اگر خدا خود را به انسان مکشوف نمی کرد، ممکن نبود انسان با زور و کوشش و هوش و تجربه خود خدا را بشناسد.

البته خلقت تا اندازه ای کارها و شخصیت خدا را آشکار می کند (مزمور ۱۹ : ۱-۶ و رومیان ۱ : ۲۰) و با مشاهده و مطالعه آن تا حدود کمی می توان به عظمت خدا و خصوصیات او پی برد. بعلاوه خدا نور معرفت خود را نیز در قلب هر انسان گذاشته است (رومیان ۱ : ۱۹). او همچنین بوسیله نوشته انبیاء و مردان خدا، با بشر سخن گفته است (دوم پطرس ۱ : ۲۱). اما بیشترین مکاشفه از خدا زمانی بود که خود او در جسم انسانی در میان ما ظاهر گشت و ما شکوه و جلالش را دیدیم (عبرانیان ۱ : ۲-۱ و یوحنا ۱ : ۱۴).

بله خدا سخن گفته است. او حرف خودش را زده و اکنون منتظر جواب ما می باشد. او حرف زده و این کلام او به عمق مغز و استخوان انسان فرو می رود (عبرانیان ۴ : ۱۲). انسان دو انتخاب دارد. یا می تواند آنرا پذیرفته، از مرگ ابدی نجات یافته و صاحب حیات جاودان شود و یا اینکه آنرا رد کرده و در مرگ باقی بماند. پس یا می توان آنرا پذیرفت تا با نجات دهنده خود آشنا شد یا رد کرد و در دوری، تاریکی و گمراهی باقی ماند. البته خدا به انتخاب هر شخص احترام گذاشته و می گذارد تا نتیجه انتخاب خود را ببیند (رومیان ۱ : ۲۱-۲۴). شخصی می گفت: "خدا هیچوقت نمی خواهد کسی را به جهنم بفرستد. اما وقتی انسان به برای رفتن به جهنم پافشاری می کند، خدا چون زورگو نیست و به انسان انتخاب آزاد داده است، چاره ای ندارد جز اینکه اجازه دهد انسان به خواسته خود برسد .

## دروس اصلی روحانی

با توجه به کل کتاب مقدس می توان درس های زیر را آموخت.

### (۱) خدا محبت است

در تمام کتاب مقدس و در بیشتر از ۱۰,۰۰۰ واقعه ثبت شده در آن، می توان محبت خدا را دید. در شریعت عهد عتیق و در ریزش فیض خدا در عهد جدید، محبت خدا دیده می شود. حتی وقتی خدا قوم خود و فرزندان خود را تنبیه می کند، محبت او دیده می شود (عبرانیان ۱۲ : ۶). در کتاب مقدس می بینیم که در سختی و آسایش، خدا محبت است. در شکست و پیروزی، خدا محبت است. در بیماری و سلامتی، خدا محبت است. همه چیز عوض می شود اما محبت خدا ثابت می ماند. هیچ چیز نمی تواند محبت او را تغییر دهد و ما را از محبت او جدا سازد (رومیان ۸ : ۳۵ \_ ۳۹).

اولین چیزی که باید برای هر مسیحی و بخصوص هر خادم خدا جا بیافتد اطمینان به این حقیقت است که خدا محبت است و او را دوست دارد. اطمینان به محبت خدا، مانند صخره ای است که خادم خدا در سختی به به آن تکیه کرده و جنبش نمی خورد. او مطمئن است که همه چیز برای خیریت او که خدا را دوست دارد و به حسب اراده خدا خوانده شده است، با هم در کار هستند (رومیان ۸ : ۲۸).

آیا این اصل برای شما جا افتاده است؟ آیا به محبت خدا برای خود شک می کنید؟ آیا در این مورد در هر شرایط خوب و بد، اطمینان دارید؟ آیا خود را در محبت خدا محفوظ می دارید (یهودا ۲۱)؟ با اطاعت از خدا است که می توان در این جریان محبت او باقی ماند (یوحنا ۱۵ : ۹ \_ ۱۰).

### (۲) خدا قادر مطلق است

در تمام کتاب مقدس می بینیم که در نهایت خدا در کنترل است. انسان به برای خود نقشه می ریزد اما در نهایت نقشه خدا انجام می شود. انسان ها با گناه خود و سرکشی خود به کار خدا لطمه زده و آن را به سوی نابودی و شکست می برند اما در نهایت خدا در کنترل است و نقشه او برای نجات بشر به انجام می رسد . خدا به انسان حق انتخاب داده است و به این حق انتخاب احترام می گذارد. در نتیجه او عامل هر اتفاق در دنیا نمی باشد بلکه شیطان و انسان نیز اتفاقاتی را باعث می شوند. اما باز در نهایت خدا در کنترل می باشد. این مساله نشانه ضعف خدا نمی باشد بلکه برعکس، نشانه قوت اوست. اگر من به عنوان معلم، از قبل همه چیز را در کلاس درس کنترل کرده باشم و کسی حق صحبت کردن و سوال کردن نداشته باشد، اقتدار خود را به عنوان معلم کلاس نشان داده ام. اما اگر به دانشجویان اجازه دهم که هر سوالی که خواستند همانجا از من بکنند و بعد بتوانم جواب هر سوال غیر منتظره را بدهم، آن موقع اقتدار بیشتری را به عنوان معلم نشان داده ام. همین مساله در مورد خدا نیز صادق می باشد .

قادر مطلق بودن خدا به ما این قوت قلب را می دهد که هیچ چیزی از کنترل او خارج نیست و هر چیزی را (حتی لعنت هایی که انسان به سر خود می آورد را) خدا می تواند برای برکت استفاده نماید. انقلاب اسلامی در ایران و اتفاقاتی که در ایران افتاده و می افتد، نقشه خدا را خنثی نمی کند، بلکه برعکس، خدا از همین اتفاقات استفاده می کند تا طبق وعده خود در ارمیاء ۴۹، ایران را نجات دهد. پخش شدن ایرانی ها، آمدن خود شما به خارج کشور و ایمان آوردن شما همه وسایل دست خدا برای انجام همین نقشه می باشد. پس می توانیم با قوت قلب به خدمت خود ادامه داده و کلام خدا را با جرات و جدیت در بین ایرانیان پخش نمایم و از هیچ مساله و اتفاقی نترسیم و این اطمینان را داشته باشیم که حتی اتفاقات ناگوار را خدا برای برکت دادن و نجات ایران و ایرانی استفاده خواهد نمود .

### **۳) خدا دوست دارد که انسان با او همکار شود.**

خدا خود قادر مطلق است و می تواند هر کاری را که می خواهد بکند. اما بخاطر علاقه ای که به انسان دارد، تصمیم گرفته است که در نقشه های خود، انسان را نیز شریک کند و حتی بسیاری از کارها را بدون انسان نکند. من می توانم به تنهایی کار باغبانی و تمیز کردن حیاط خانه ام را انجام دهم اما دوست دارم که فرزندانم در این کار با من شریک و همکار شوند. وقتی به تنهایی کار می کنم، از آن کار لذتی نبرده بلکه برایم خسته کننده نیز می باشد. اما وقتی فرزندانم در آن کار با من شریک می شوند و با هم کار می کنیم، از آن لذت هم می برم!

در طول کتاب مقدس می بینم که خدا از طریق انسان عمل می کند. در طول کتاب مقدس، مردان و زنانی را می بینیم که خود را به خدا سپرده و با خدا همکار شده اند. مرتب می بینیم که انسان های ناچیز و کوچک، تنها با تسلیم شدن به خدا، وسیله دست خدای پر قدرت شده و کارهای عظیم انجام داده اند.

امروز نیز خدا به دنبال افراد ناچیز و کوچکی چون من و شما می گردد که خود را تسلیم او کنند. خدا از طریق افرادی چون من و شما کار عظیم نجات ایران و به وقوع پیوستن ارمیاء ۴۹ را به انجام خواهد رسانید. امروز خدا من و شما را به همکاری دعوت می نماید. او نه به لیاقت ما نگاه می کند و نه به توانایی ما چون خود او به ما لیاقت و کفایت می بخشد (دوم قرن تیان ۳ : ۵). سوال او امروز از ما این نیست که : "آیا می توانی؟" بلکه این است : "آیا می خواهی؟"

آیا می آید خود را تسلیم خدا کنیم، از زندگی کوتاه، یکنواخت و بی معنی زمینی آزاد شده و شریک کارهای ابدی، عظیم، پرهیجان و شگفت انگیز خدا برای بنای ملکوت او در بین ایرانیان و نجات ایران و ایرانی شویم؟ جواب شما به خدا چیست؟



## **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کتاب مقدس شامل چند کتاب است؟ بوسیله چند نفر نوشته شده است؟ در طول چه مدت نوشته شده است؟
- عهد عتیق شامل چند کتاب است؟ عهد جدید شامل چند کتاب است؟
- (۲) پیغام اصلی کتاب مقدس در یکی دو جمله چیست؟
- (۳) نویسنده اصلی کتاب مقدس کیست؟
- (۴) شخصیت اصلی کتاب مقدس کیست؟
- (۵) فرق بین "عهد" و "قرارداد" چیست؟
- (۶) عهد عتیق به چه زبانی نوشته های شده است؟ عهد جدید به چه زبانی می باشد؟
- (۷) کتب عهد عتیق را می توان به ۵ گروه تقسیم کرد. آنها را نام برده و بنویسید هر کدام شامل چند کتاب می شوند؟
- (۸) طومارهای دریای مرده چه هستند و چه اهمیتی دارند؟
- (۹) ترجمه ۷۰ در قرن ..... قبل از میلاد در شهر ..... انجام شده است. این ترجمه، عهد عتیق را از زبان ..... به زبان ..... ترجمه می کند.
- (۱۰) سه منبع دانش انسان کدام می باشد؟
- (۱۱) سه درس اصلی که از کل کتاب مقدس می گیریم کدام هستند؟

## پیدایش

پنج کتاب اول عهدعتیق «تورات» نام دارند. کلمه «تورات» به زبان عبری به معنی «شریعت» می باشد. به این ۵ کتاب (Pentateuch) یا «اسفار پنجگانه» نیز گفته می شود. کلمه «سفر» به معنی «کتاب» می باشد.

### نویسنده و تاریخ نگارش

موسی در ۱۴۴۰ قبل از مسیح آنرا نوشته است.

### زمینه و موضوعات اصلی

پیدایش «کتاب آغازها» می باشد. در آن آغاز همه چیز جز خدا نشان داده شده است. در آن آغاز دنیا (۱ : ۱) و آغاز انسان (۱ : ۲۷) و آغاز روز سبت (۲ : ۳-۲) و آغاز ازدواج (۲ : ۲۴-۲۲) و آغاز گناه (۳ : ۱-۷) و آغاز قربانی و نجات (۳ : ۱۵ و ۲۱) و آغاز خانواده (۴ : ۱-۱۵) و آغاز تمدن (۴ : ۱۶-۲۱) و آغاز حکومت دولتی (۹ : ۱-۶) و آغاز ملت ها (۱۱) و آغاز قوم اسرائیل (۱۲ : ۱-۳) و ... بیان شده است.

در پیدایش، می بینیم که پس از گناه و سقوط انسان، خدا چگونه نقشه نجات بشر را می کشد. برای این منظور، او ابتدا افرادی خاص را انتخاب می کند و سپس قومی ضعیف و گمنام را بر می گزیند تا از طریق آنها نجات دهنده را به دنیا بفرستد.

### کلمه کلیدی : آغازها

آیات کلیدی : ۳ : ۱۵ و ۱۲ : ۳

۳ : ۱۵ ..... «وعداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می گذارم، او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه پای وی را خواهی کوبی»  
۱۲ : ۳ ..... «و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت.»

### فصل کلیدی : ۱۵

در این فصل خدا عهدی را که در فصل ۱۲ با ابراهیم می بندد را باز می کند. خدا به ابراهیم چهار قول می دهد :

- ۱- قول دادن سرزمین وعده (۱۵ : ۱۸)
- ۲- قول دادن فرزندان کثیر (۱۳ : ۱۶)
- ۳- قول دادن برکت (۱۲ : ۲).
- ۴- قول اینکه تمام جهان از او برکت خواهند یافت (۱۲ : ۳)

## **بررسی**

کتاب پیدایش دو قسمت اصلی دارد. قسمت اول شامل ۴ واقعه و قسمت دوم شامل شرح حال ۴ شخصیت می باشد.

### **(۱) چهار واقعه (فصل های ۱ تا ۱۱) - ابتدا چهار واقعه مهم تاریخی شرح داده می شود.**

**خلقت** - خدا ابتدا دنیا را خلق کرده و سپس موجودی شبیه خودش را به نام انسان خلق می کند تا با او رابطه و مشارکت نزدیک داشته باشد. خدا به او حق انتخاب داده و او را در بهترین محیط قرار می دهد. باید توجه داشت که کتاب مقدس خلقت را به صورت علمی ارائه نمی دهد بلکه از آن به صورت یک واقعه تاریخی نام می برد. گرچه هدف کتاب مقدس بحث علمی نیست ولی مطالب آن هیچگاه علم درست را نقض نمی کند. کلمه «روز» در زبان عبری «یوم» می باشد که هم به معنی روز است و هم به معنی «دوره». در نتیجه روزهای خلقت را هم می تواند به صورت زمان ۲۴ ساعته در نظر گرفت و هم به صورت یک «دوره» نامعلوم چرا که کلام خدا می فرماید: یک روز در نزد خدا هزار سال است.

**سقوط انسان** - انسان از آزادی و حق انتخاب خود سوء استفاده کرده و با گناه خود از حضور خدا و مشارکت او دور می شود. در نتیجه همانطور که خدا از قبل به او گفته بود (۲ : ۱۷)، مرگ روحانی، روانی و جسمانی او را فرا می گیرد.

**طوفان نوح** - انسان سیر قهقرایی خود را ادامه داده به جایی می رسد که حتی افکار قلبی او نیز شریانه می باشد (۶ : ۵). خدا بعد از ۱۲۰ سال اخطار، دنیا را نابود کرده اما نوح و خانواده اش را نجات می دهد و از آنها می خواهد که بارور و کثیر شده و دنیا را دوباره پر سازند.

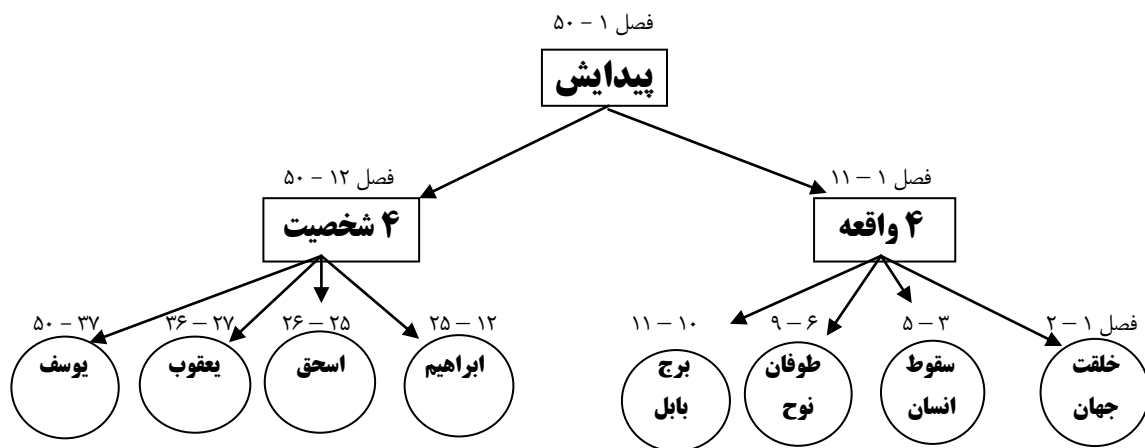
سه پسر نوح، پدر اقوام مختلف زمین می شوند (۱۰). سام پدر اقوامی چون عبرانیان، آشوری ها و بابلی ها و اقوام آسیایی می شود. حام پدر اقوامی چون کنعانی ها، مصری ها، فلسطینی ها و اقوام افریقایی می شود. یافث پدر اقوام اروپایی چون یونانی ها می شود.

**برج بابل** - اما نسل نوح بی اطاعتی کرده و برخلاف دستور صریح خدا، بجای پخش شدن، در یک جا جمع شده و با ساختن برج، دین خود را برقرار می کنند. خدا با نابود کردن برج و مشوش ساختن زبانیشان، آنها را پخش کرده و اقوام و زبانهای مختلف را بوجود می آورد.

**۲) چهار شخصیت (فصل های ۱۱ تا ۵۰) -** این چهار شخصیت ابراهیم، اسحق، یعقوب و یوسف هستند که «پدران قوم» (Patriarchs) خوانده می شوند. خدا ابراهیم را از شهر «اور» می خواند تا از نسل او قومی ایماندار را تشکیل دهد و در نهایت از نسل او مسیح را آورده و تمام دنیا را نجات بخشد. خدا وعده خود را به ابراهیم به هر کدام از این چهار شخصیت تکرار می کند.

کلمه «عبری» کجا می آید؟ عبری کلمه ای است کلدانی که که از «عبور کردن» می آید و یادآور این است که ابراهیم خدا را شنید و اطاعت کرد و از رود فرات و سرزمین خود عبور کرده و به سرزمینی که خدا به او نشان داد رفت.

کلمه «اسرائیل» از کجا می آید؟ بعد از آنکه یعقوب با خدا کشتی گرفت، خدا اسم او را عوض کرد و اسرائیل گذاشت که به معنی «کسی که مجاهده می کند» می باشد (۳۲ : ۲۸).



## مکاشفه عیسای مسیح

**(۱) پیشگویی ها** - پیشگویی های زیادی در مورد عیسای مسیح در پیدایش وجود دارد که از کلی به جزئی می رود.

- \* مسیح از ذریت زن خواهد بود (۳ : ۱۵) و نه از ذریت مرد! (اشاره ای است به تولد از یک باکره)
- \* مسیح از نسل ابراهیم خواهد بود (۱۲ : ۳)
- \* مسیح از نسل اسحق خواهد بود (۲۱ : ۱۲ و ۲۶ : ۴)
- \* مسیح از نسل یعقوب خواهد بود (۲۸ : ۱۴)
- \* مسیح از قبیله یهودا خواهد بود (۴۹ : ۱۰)

**(۲) ظاهر شدن مسیح** - مسیح در عهد عتیق بارها به صورت جسم ظاهر می شود. در عهد عتیق همانند عهد جدید، هرگاه خدای جسم پوشیده خود را به انسان نمایان می سازد، خود را به صورت مسیح آشکار می کند. در پیدایش، عیسای مسیح چند بار در جسم ظاهر می شود. او به ابراهیم ظاهر شده و ابراهیم با او در مورد سدوم و عموره چانه می زند (فصل ۱۸). در فصل ۳۲، مسیح به یعقوب ظاهر می شود. یعقوب با او (که خود را «خدا و انسان» می خواند) کشتی گرفته و می گوید «تا برکت ندهی نروم».

**(۳) نمونه ها** - وقایع و افراد مختلفی در پیدایش «نمونه» هایی از مسیح هستند.

«نمونه» (Type) شخص یا واقعه تاریخی می باشد که مسئله ای روحانی را باز می کند. افراد و وقایع و حتی اشیاء مختلفی در عهد عتیق «نمونه» عیسای مسیح هستند. این به این معنی نیست که آنها در سطح عیسای مسیح هستند (مثلاً گوسفند قربانی نمونه ای از قربانی شدن مسیح می باشد) بلکه فقط به این معنی است که سایه ای از کار یا شخصیت عیسای مسیح را می توان در آن نمونه مشاهده نمود.

**آدم** نمونه ای از آدم دوم (مسیح) بود که باید می آمد (رومیان ۵ : ۱۴). هر دو بیگناه وارد جهان شدند و پدر هر دو خدا بود. آدم سرمنشاء خلقت کهنه است و مسیح سرمنشاء خلقت تازه می باشد.

**قربانی خدا** در باغ عدن و **قربانی هابیل** که بوسیله خدا پذیرفته شد، هر دو نمونه مسیح می باشند که خود را در راه بشر قربانی نمود و بره ای بود که گناه جهانیان را برخورد گرفت.

**ملک صدیق** (به معنی پادشاه عادل) به عنوان کاهن و پادشاه شهر سالیام (صلح و آرامش و سلامتی) نمونه ای از مسیح است (عبرانیان ۷ : ۳). **نان و شرابی** که می دهد نیز مسیح را آشکار می کند.

**کشتی نوح** نمونه ای از مسیح و کار او برای نجات بشر می باشد که هر که وارد آن شد، نجات پیدا کرد.

**نردبان یعقوب** به آسمان نیز نمونه ای از مسیح می باشد که انسان را به خدا و زمین را به آسمان وصل می کند. داستان **قربانی کردن اسحق** بوسیله ابراهیم و قوچی که خدا برای قربانی مهیا کرد، هردو نمونه های زیبایی از قربانی عیسای مسیح برای گناه بشر می باشند.

شخصیت و زندگی **یوسف** نمونه بسیار مهم و قوی از عیسای مسیح است. شخصیت و زندگی او در بیشتر از ۱۳۰ مورد به عیسای مسیح شباهت دارد. هر دو محبوب پدرشان و منفور برادرانشان بودند. بر علیه هر دو توطئه شده و برای پول فروخته شدند. هر دو با وجود بیگناهی محکوم شدند. و هردو در آخر به جلال رسیدند و هردو باعث نجات قوم خود شدند.

### **مکاشفه روح القدس**

**خلقت** - روح القدس همانند پدر و پسر، در خلقت دست داشت (۱ : ۲).

**کار او در یوسف** - روح القدس در یوسف طوری کار می کرد که حتی فرعون این امر را اقرار کرد (۴۱ : ۳۸). گرچه نام روح القدس در پیدایش زیاد برده نشده ولی کار او را در آوردن حیوانات به کشتی نوح و همچنین دست او را در زندگی مردان ایمان می توان دید.

### **دروس اصلی روحانی**

دروس روحانی بسیاری در پیدایش می باشد که کتابهای بسیار گنجایش آنها ندارد. بعضی از این دروس به شرح زیر می باشند :

#### **(۱) خدا، خدای تاریخ است**

کنترل تاریخ در دست اوست که آنها برای نیل به تنها هدف او یعنی نجات بشر بکار می برد. او اجازه می دهد که انسان تاریخ را بسازد و حتی با گناهان خود آنها لکه دار کند. اما خدای ما آنقدر عظیم و پر قدرت است که باز هم کنترل از دست او خارج نیست و تاریخ را استفاده می کند تا کار خود را پیش ببرد. به عنوان مثال او از انقلاب ایران و وقایعی که در ایران رخ داده و رخ می دهد استفاده می کند تا ایران و ایرانی را نجات بخشد.

## ۲) خدا از انسان استفاده می کند

خدا برای انجام نقشه هایش تصمیم گرفته است که از انسان استفاده کند. در تمام کتاب پیدایش می بینیم که خدا از انسان ها استفاده می کند. او با انسان ها کار دارد. در پیدایش می بینیم که او مرتب با انسان ها ملاقات کرده و نقشه و اراده خود را برای آنها ظاهر می سازد. افرادی مثل نوح، ابراهیم، اسحق، یعقوب و یوسف همه انسان ها معمولی مثل من و شما بودند که در نقشه الهی خدا برای نجات جهان جا گرفتند و قسمتی که خدا به آنها سپرده بود را به انجام رسانیدند.

خدا می تواند و می خواهد از من و شما برای نجات ایران و ایرانی استفاده کند. او می خواهد که شما مثل ابراهیم صدای او را شنیده و از او اطاعت کنید. از زندگی گذشته خود بیرون آمده و وارد سرزمین موعود او شوید. او قول می دهد که اگر چنین کنید، او شما را برکت دهد، افراد زیادی را از طریق شما نجات دهد و از طریق شما باعث برکت قوم ایران شود. اما آیا گوش شما به دنبال شنیدن صدای او می باشد و آیا قلب شما آماده اطاعت می باشد یا اینکه زندگی راحت (اما یکنواخت و خسته کننده) در اور را ترجیح می دهید؟

## ۳) مهم ترین و با ارزش ترین چیزی که خدا از انسان می خواهد و با دیدن آن خشنود می شود، ایمان است

کتاب پیدایش پر از نمونه از مردان ایمان است. ایمان هابیل، خنوخ، نوح، ابراهیم، ساره، اسحق، یعقوب و یوسف در عبرانیان ۱۲ مورد تقدیر خدا قرار گرفته است. بدون ایمان نمی توان خدا را خشنود ساخت. بدون ایمان نمی توان چیزی از خدا دریافت نمود. ایمان به این معنی است که به وعده های خدا بیشتر از چشم خود اطمینان داشته باشیم. حتی وقتی شرایط مخالف آنرا نشان می دهند، باز ما روی وعده ها بایستیم. حتی وقتی به ظاهر به ضرر ما تمام می شود، باز هم از خدا اطاعت کنیم و اطمینان داشته باشیم که خداوند اطاعت و ایستادگی ما را برکت خواهد داد. آیا شما با ایمان زندگی می کنید یا با دیدار؟ آیا خدا از ایمان شما خشنود است؟

## ۴) ازدواج مساله مهمی در زندگی خادم می باشد و باید در آن مورد بسیار هوشیار باشد.

ابراهیم این مساله را بسیار خوب درک کرده بود که ازدواج سرنوشت ساز است. نه تنها برای پسرش اسحق، بلکه برای تمام نسل های آینده که از او بیرون می آیند. برای همین در قصه ۲۴، خادم خود را قسم می دهد که حتی بعد از مرگش، اجازه ندهد اسحق ازدواج غلط کند. ازدواج بعد از نجات، بزرگترین تصمیم زندگی می باشد که آینده ما و فرزندان ما را تعیین می نماید. از این فصل، درس های زیر را در مورد ازدواج یاد می گیریم.

۱- همسر باید ایماندار باشد. این اولین و مهم ترین شرط می باشد. ابراهیم خادم خود را قسم می دهد که زن اسحق از میان کنعانیان بی ایمان نباشد بلکه راهی طولانی را طی کرده و از میان زنان ایماندار، زنی را برای اسحق پیدا نماید (۲۴: ۳-۴)

۲- قبل از گشتن باید دعا کرد. خادم ابراهیم با دعا شروع می کند (۲۴ : ۱۲). همسر خوب هدیه ای از خدا می باشد. باید دعا کرد تا در این مورد حساس، اشتباه نکنیم بلکه هدایت خدا را دریافته و اطاعت کنیم.

۳- قبل از گشتن باید استاندارد های شخصیتی همسر را دانست. باید دانست به دنبال چه نوع شخصی می گردید. خادم ابراهیم تصمیم گرفت دنبال دختری پرکار، دست و دلباز و بخشنده با روحیه یک خادم باشد و برای همین نیز دعا کرد (۲۴ : ۱۴).

۴- باید جایی رفت تا با این نوع همسر امکان آشنایی باشد. نمی توان به مهمانی های آنچنانی رفت و انتظار داشت با یک همسر فهمیده و با شخصیت و با ایمان و پاک آشنا شد. چنین همسری آنجور جا ها پیدایش نمی شود. خادم ابراهیم سر چاه رفت آن هم در وقت عصر یعنی زمانی که دخترهای پرکار برای کشیدن آب به سر چاه می آمدند (۴۲ : ۱۱).

۵- همسر باید دلپسند (به چشم شما زیبا) و پاک باشد. بعد از ۴ مرحله و تست بالا، زیبایی نیز جای خود را دارد (۲۴ : ۱۶)

۶- باید شخص را با آن استاندارد که از قبل داشتیم مقایسه نمود. نباید به زودی احساساتی شد و همه چیز را فراموش نمود. باید چک نمود و دید آیا این شخص واقعا همان جواب دعای ما می باشد یا نه. خادم ابراهیم، رفقه را در عمل نیز دید و شخصیت نیکو و پر کار و بخشنده و روحیه خدمت گذار او را مشاهده نمود (۲۴ : ۱۷-۲۱).

۷- در مرحله بعد باید با والدین و خانواده او آشنا شد. خادم ابراهیم با پدر و برادر رفقه ملاقات نمود و با آنها صحبت نمود. شخصیت و روحیه خانواده خود نشان دهنده خیلی چیزها می باشد که گاهی شخص سعی در پنهان کردن آن دارد. رفتاری که او با خانواده و خانواده با او دارند، نشانگر بسیاری از مسایل می باشد. روحیه لابان، برادر رفقه، خود نشان دهنده این بود که این خانواده سالمی می باشند (۲۴ : ۲۹-۳۲).

۸- باید تایید و برکت والدین بخصوص پدر خانواده پشت چنین وصلتی باشد. تا این نایید نباشد، نباید قدم بعدی را برداشت (۲۴ : ۵۰ و ۶۰). وقتی دل والدین در این وصلت نیست (حتی اگر غیر ایماندار باشند) می توان این را اینطور برداشت کرد که خدا دارد «نه» می گوید و یا حداقل می گوید «صبر کن».

۹- نباید در این مساله عجله کرد و با زور خواست که شرایط را تغییر داد و دل والدین را به دست آورد. باید به خدا کاملاً اعتماد داشت و این روحیه را داشت که «گرچه همه چیز خوب و مثبت به نظر می آید و این همسر به نظر شایسته می باشد، اما حاضر هستم اگر خواست خدا باشد، این مساله را فراموش کنم» روحیه خادم ابراهیم در این مورد بسیار زیبا است (۲۴ : ۴۹)

۱۰- بعد از قدم های بالا و بعد از متعهد شدن نسبت به یکدیگر است که می بایست از لحاظ احساسی در گیر یکدیگر شد (۲۴ : ۶۷).



## **(۵) زندگی یوسف در سهای زیادی دارد برای شخصی روحانی که در زندگی سختی می کشد.**

یوسف نمونه عیسای مسیح است و از او می توان بسیار آموخت. از یوسف می توان آموخت که در سختی ها صبر داشت و از نیکویی خسته نشد. از او می توان امانت در کار را آموخت. او در هر جا که بود (حتی در اسارت) با امانت کار می کرد و حتی در زندان پیشرفت نمود.

از او یاد می گیریم که چگونه افرادی که به ما بدی کرده اند را ببخشیم و حتی به آنها محبت کنیم و این ایمان را داشته باشیم که حتی اگر افراد با نیت بد بخواهند به ما صدمه بزنند، خدا کار آنها را برای برکت دادن به ما و به نفع ما تمام خواهد نمود. آیات ۵۰ : ۱۹-۲۱، به نظر من از زیباترین آیات کتاب مقدس می باشد و نشان دهنده یک قلب زیبا و یک روحیه خداپسندانه می باشد. یک ایماندار باید از ته دل مطمئن باشد که تا وقتی او خدا را دوست دارد و در اطاعت خدا می باشد، هیچکس نمی تواند به او ضرری برساند، صدمه ای بزند و در کار و خدمت او اختلال ایجاد کند. اومی تواند با شادی مطمئن باشد هر کاری که بر علیه او انجام می شود، در نهایت به نفع او و ملکوت خدا خواهد بود (رومیان ۸ : ۲۸).

از یوسف می آموزیم که در ایمان محکم باشیم و شرایط ما را و رفتار ما را تغییر ندهند. یوسف چه در خانه فوطیفار، چه در زندان و چه در دربار مصر همان شخصیت و عملکرد را از خود نشان می داد. آیا می خواهید بدانید شخصیت شما در مسیح چقدر محکم و شکل گرفته شده است؟ ببینید آیا در موفقیت و شکست، روحیه و رفتار و گفتار شما یکی هست؟ وقتی کسی به شما توهین می کند و برای شما کارشکنی می کند عکس العمل شما چیست؟ همینطور اگر به موفقیت در کار رسیدید یا اینکه خدا مسئولیت بزرگی را در کلیسا به شما داد، روحیه شما و رفتار شما با دیگران چگونه است؟ آیا با گذشته فرق می کند؟

## **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی پیدایش کدام است؟
- (۲) ۴ واقعه و ۴ شخصیت در کتاب پیدایش کدام هستند؟
- (۳) چند مکاشفه از عیسای مسیح در کتاب پیدایش را نام ببرید.
- (۴) سه درس روحانی از کتاب پیدایش را بطور خلاصه بیان کنید.
- (۵) قدم های یک ازدواج خداپسندانه و پر برکت کدام می باشند؟
- (۶) عهد خدا با ابراهیم شامل چه مواردی می باشد؟
- (۷) «نمونه» Type در کتاب مقدس چه می باشد؟

# خروج

## نویسنده و تاریخ نگارش

موسی در ۱۴۰۵ قبل از مسیح آنرا نوشته است.

## زمینه و موضوعات اصلی

خروج نشان می دهد که چگونه قوم اسرائیل مانند نطفه ای در رحم مصر (به عنوان مادر) قرار گرفت و در وقت مناسب این قوم متولد شد. این کتاب در طول ۴۰ سال سرگردانی قوم اسرائیل در صحرای سینا نوشته شده است (بین ۱۴۴۵ تا ۱۴۰۵ قبل از میلاد).

دو تم اصلی در خروج می باشد : (۱) بازخريد قوم که در مراسم عيد فصیح نمایان است و (۲) آزادی که در خارج شدن قوم از مصر نمایان است.

**کلمه کلیدی :** بازخريد و آزادی

**آیات کلیدی :** ۶: ۶ و ۱۹: ۵ \_ ۶

۶: ۶ « بنابراین بنی اسرائیل را بگو، من یهوه هستم و شما را از زیر مشقت های مصریان بیرون خواهم آورد و شما را از بندگی ایشان رهایی دهم و شما را به بازوی بلند و به داوری های عظیم نجات دهم.»  
۱۹: ۵-۶ « و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قوم ها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود. زیرا که تمامی جهان از آن من است.»

**فصل های کلیدی :** ۱۲ تا ۱۴

در این فصول که محور عهد عتیق را تشکیل می دهند، خدا اسرائیل را از طریق خون (فصح) و قدرت (بازشدن دریای سرخ) نجات می دهد.

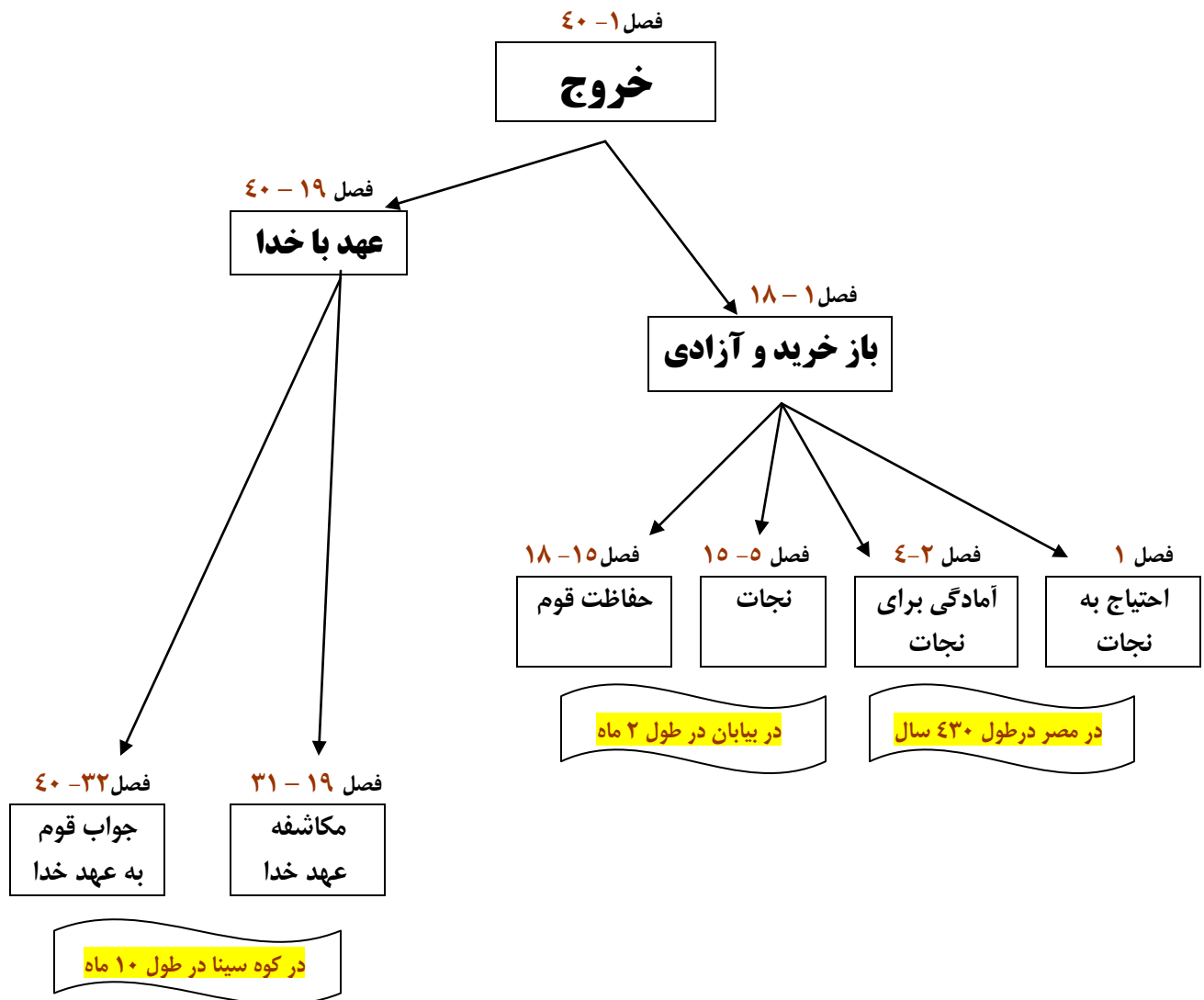
## بررسی

کتاب خروج شامل دو قسمت اصلی می باشد.

(۱) **بازخريد و آزادی از مصر (فصل های ۱ \_ ۱۸)** \_ بعد از ۴ قرن اسارت ، قوم اسرائیل فریادشان به آسمان بلند شده و خداوند موسی را بر می انگیزاند که قوم را نجات دهد. موسی با معجزات بسیار (۱۰ بلا) قوم را از مصر بیرون می آورد.

**۲) عهد با خداوند (فصل های ۱۹ تا ۴۰)** \_ حالا که قوم آزاد شده اند باید برای رابطه و زندگی با خدا تقدیس شوند (کنار گذاشته شوند). روی کوه سینا، موسی شریعت خداوند را دریافت می کند که شامل قوانین اخلاقی، اداری و روحانی می باشد. بعلاوه خدا به آنها می گوید چگونه خیمه را بسازند. بعد از داوری قوم بخاطر پرستش گوساله، خیمه ساخته می شود و تقدیس می گردد. سپس خدا شریعت را می دهد.

چرا خدا شریعت را می دهد؟ شریعت از یک طرف شامل قوانین اجتماعی است که به قوم یاد می دهد که چگونه با یکدیگر زندگی کند. از طرف دیگر، شامل قوانین روحانی و اخلاقی می باشد. این قوانین به قوم نشان می دهد که گناهکار هستند (چرا که هیچکس نمی تواند شریعت را بطور کامل نگاه دارد) و احتیاج به قربانی و نجات دهنده دارند. پس خدا شریعت را به عنوان آینه ای به بشر می دهد. آینه ای که ما را آنطور که هستیم یعنی وضع وخیم ما را نشان می دهد و احتیاج ما را به نجات دهنده بیان می کند. اما آینه فقط نشان دهنده است و هیچوقت تمیز کننده نیست.



## مکاشفه عیسای مسیح

در خروج پیشگویی مستقیم در مورد آمدن مسیح وجود ندارد. اما نمونه ها و تصاویر زیادی از مسیح وجود دارد.  
**موسی** \_ موسی شباهت بسیاری به مسیح دارد. هر دو برادران خود را نجات دادند. در بچگی هر دو در خطر مرگ بودند. هر دو داوطلبانه قدرت و مقام و جلال خود را کنار گذاشتند. هر دو نجات دهنده، رهبر و شفیع قوم بودند. (تثنیه ۱۸ : ۱۵).

**عید فصح** \_ عهد جدید بطور واضح می گوید که مسیح بره ذبح شده ما می باشد  
(یوحنا ۱ : ۲۹ و ۳۶ و اول قرنتیان ۵ : ۷)

**۷ عید** \_ هر عید تصویری از شخصیت و کار عیسای مسیح را بیان می کند.

**خروج** \_ رد شدن از دریای سرخ نمونه ای از تعمیدی می باشد که در آن نسبت به هویت قبلی مرده و هویت جدیدی که در مسیح پیدا می کنیم. (رومیان ۶ : ۲-۳ و اول قرنتیان ۱۰ : ۱-۲)

**نان و آب در بیابان** \_ عهد جدید هر دو را به مسیح ربط می دهد

(یوحنا ۶ : ۳۱-۳۵ و ۴۸-۶۳ و اول قرنتیان ۱۰ : ۳-۴)

**خیمه** \_ تمام جزئیات خیمه شخصیت و کار مسیح را در نجات و تقدس و جلال بیان می کند. خیمه، تصویر مجسمی از مسیح می باشد.

**کاهن اعظم (هارون)** \_ خدمت و وظایف کاهن اعظم نمونه زیبایی از «رئیس کهنه عظیم» ما یعنی عیسای مسیح می باشد (عبرانیان ۴ : ۱۴-۱۶ و ۹ : ۱۱-۱۲ و ۲۴-۲۸)

**ستون آتش و شمعان خیمه** \_ هر دو نشانه عیسای مسیح است که خود را نور عالی معرفی می کند.

## مکاشفه روح القدس

**روغن** \_ نشانه روح القدس می باشد (۲۷ : ۲۰) که کاهنان و عبادت کنندگان را برای عبادت آماده می کرد  
(۳۰ : ۳۱) . ما هم خدا را باید با روح و راستی بپرستیم. باید قبل از عبادت واقعی، با روغن روح القدس مسح شویم.

**میوه های روح القدس** \_ آنچه در غلاطیان ۵ : ۲۲ و ۲۳ دیده می شود در خصوصیات خدا در ۶ : ۳۴ و ۷ دیده می شود. وقتی از روح القدس پر هستیم و میوه های روح در ما نمایان می شود، در حقیقت شخصیت و خصوصیات الهی خود خدا در ما نمایان می شود و خداگونه می شویم.

**مسح خدمتی** \_ در ۳۱ : ۳-۱۱ و ۳۵ : ۳۰-۳۶ : ۱، روح القدس شخصا صنعت کاران را برای ساختن خیمه مسح می کند تا مافوق استعدادهای انسانی خود عمل کنند. هر خدمت حتی خدمت ساختمانی که برای خدا انجام می شود به مسح روح القدس احتیاج دارد.

**باد** \_ روح القدس بود که به صورت باد شدید، دریای سرخ را برای قوم اسرائیل باز کرد. اوست که دریاها را برای ما باز می کند.

## دروسی اصلی روحانی

### **(۱) نجات ما از اسارت هم به کار خدا و هم به کار ما بستگی دارد.**

برای دریافت نجات باید ایمان داشت و از خدا اطاعت کرده و از ملکوت شیطان بیرون آمد. او با قدرت و معجزات خود شیطان را در زندگی ما شکست می دهد اما هنوز به ما بستگی دارد که از خدا اطاعت کنیم، خود را در زیر خون بره قرار دهیم و از مصر بیرون آییم. آیا نجات را دریافت کرده اید؟ آیا از مصر (این دنیا) بیرون آمده اید یا هنوز در اسارت این دنیا می باشید؟

بعد از ایمان هم گاهی ما در بند شیطان می افتیم. برای آزاد شدن، ابتدا باید از ته دل خواست و مثل یهودیان به خدا برای آزادی دعا کرد. سپس وقتی خدا عمل کرد و شیطان را پس زد، ما باید از خدا اطاعت کرده و ما باید با پای خود از زمین مصر بیرون آییم. امروز در چه اسارتی هستید که می خواهید از آن آزاد شوید؟ دعا کنید، خون مسیح را بر در قلب خود بپاشید و از خدا اطاعت کنید و از اسارت بیرون آیید.

### **(۲) عید فصح نمونه ای از راه نجات است که خداوند در عیسای مسیح فراهم کرده است.**

برای نجات، طبق کتاب خروج، هر شخص می بایست :

- \* بره را گرفته و ذبح کند. مسیح برای هر شخص قربانی شد و هر کس شخصا باید این را بپذیرد.
- \* خون آنرا بپاشد. خون مسیح باید بر قلب و روح ما پاشیده شود و آنرا پاک کند.
- \* گوشت بره را بخورد. باید مسیح وارد تمام وجود ما شود و در ما هضم و جذب شود.
- \* خمیر مایه را دور کند. باید از گناه دوری کنیم و پاک زندگی کنیم.
- \* سبزیجات تلخ را بخورد. باید سختی هایی را که برای ما مفید می باشند را با شکرگزاری پذیرفت.
- \* آماده حرکت باشد. باید همیشه و در هر لحظه آماده اطاعت خدا باشیم.
- \* حرکت بکند. هر موقع روح خدا فرمان حرکت داد باید اطاعت کرده و حرکت کنیم. نباید به این دنیا طوری وابسته باشیم که نتوانیم برای خدا حرکت کنیم و در نتیجه در اسارت باقی بمانیم.

### **(۳) خدا آنهایی را که در رابطه درست با او باقی می ماندند را برکت می دهد.**

برکت های خدا اتوماتیک وار نیست. خدا از قومی که خودش با ریختن خورش آزاد کرده است انتظار دارد تا با او رابطه درست و نزدیک داشته باشیم تا برکات او شامل حال ما باشد. اصلاً بخاطر همین برقراری این رابطه و دادن برکات بود که خدا ما را نجات داد و آزاد کرد. بیایید بعد از نجات با خدا زندگی کنیم و در پاکی باشیم. فکر نکنیم فقط بخاطر اینکه اسم ما مسیحی شده است، خدا باید اصولی که در کلام خود دارد را زیر پا گذاشته و مخالف کلام خود ما را برکت دهد و تایید نماید.

#### (۴) موسی نمونه عالی یک رهبر روحانی می باشد.

از موسی می توان درسهای عالی در مورد خادم خدا بودن گرفت. موسی ۴۰ سال فکر می کرد کسی است و گرچه دید داشت و قلبا می خواست قوم اسرائیل نجات پیدا کند، اما مغرور بود. خدا مجبور شد ۴۰ سال روی غرور او کار کند تا موسی را فروتن کند.

خدا فقط از افراد **فروتن** استفاده می کند. البته از افراد مغرور هم استفاده می کند اما اول آنها را شکسته و خرد می کند تا فروتن شوند. چرا؟ چون شخص مغرور مستقل عمل می کند و فکر نمی کند که به خدا یا هیچ انسانی احتیاج دارد در نتیجه بجای برکت برای قوم خدا لعنت می شود و بجای بنا، ملکوت خدا را خراب می کند. اما شخص فروتن می داند در خود چیزی ندارد و کاملاً خود را محتاج خدا و دیگران می داند. در نتیجه خدا می تواند از طریق او عمل کرده و کارهای عظیم و پر ثمر انجام دهد.

طبق این تعریف آیا شما خود را فروتن می بینید یا اینکه خدا مجبور است شما را فروتن کند؟ اگر از دیگران بپرسی، آنها در این مورد چه می گویند؟

موسی **صبر** بسیار داشت و هر چقدر سختی می کشید و از قومی که زندگی خود را برای آنها داده بود جفا می دید اما دست بر نمی داشت به خدمت خود ادامه می داد و حتی با اشک و آه و ناله برای قوم **شفاعت** می کرد. هر خادم خدا دیر یا زود با سختی ها روبرو می شود. در این سختی هاست که صبر او و همچنین محبت او آزمایش می شود. وقتی در خدمت در سختی می افتید و همان کسانی که دارید خدمتشان می کنید به شما ضربه زده و با ناشکری بی احترامی می کنند، آیا ول می کنید و یا با فروتنی بخاطر محبتی که به خدا و به آنها دارید ایستاده و برایشان پیش خدا با اشک و آه و ناله شفاعت می کنید؟

#### سؤالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی خروج چه می باشد؟
- (۲) کتاب خروج دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) چهار نمونه و یا مکاشفه از عیسای مسیح را در خروج نام ببرید.
- (۴) سه درس روحانی از خروج را بطور خلاصه بیان کنید.
- (۵) قوم اسرائیل چند سال در اسارت مصر بودند؟
- (۶) روغن نشانه چیست و در کتاب خروج برای چه مصرفی استفاده می شود؟

# لاویان

## نویسنده و تاریخ نگارش

موسی در ۱۴۰۵ قبل از مسیح آنرا نوشته است.

## زمینه و موضوعات اصلی

در خروج دیدیم که چگونه خداوند قوم خود را بازخرید کرده و آزاد می کند و حتی دستور ساختن خیمه را نیز می دهد. کتاب خروج، با ساخته شدن خیمه خاتمه می یابد. اما می توان مشاهده نمود که این قوم، گرچه آزاد شده است و خیمه را نیز بنا نموده است، اما هنوز رابطه ای با خدای خود ندارد. البته خدا قدوس می باشد و برای داشتن رابطه با خدا، ابتدا باید مساله گناه حل شود. پس در کتاب لاویان، خدا به قوم می آموزد که چگونه برای گناهان خود کفاره کنند، به خدا نزدیک شده و با او رابطه برقرار نمایند.

تم اصلی کتاب لاویان، « قدوسی » می باشد چرا که نشان می دهد انسان چگونه باید به خدای قدوس نزدیک شود. این کتاب، به قوم تازه بازخرید شده دستورالعمل می دهد و به آنها می آموزد که چگونه عبادت کنند، چگونه خدمت کنند و چگونه از خدایی که قدوس است اطاعت کنند.

کسانی هستند که می گویند « شریعت » عهد عتیق در طی قرنهای به تدریج شکل گرفته و کم کم کامل شده است. اما در لاویان می بینیم که قومی بی سواد و تحصیل نکرده که بیشتر از ۳۰۰ سال در بردگی به سر می بردند، در عرض یک ماه داری قوانینی روحانی، اجتماعی، اخلاقی و کشوری می شوند که بسیار پیچیده و کامل می باشد. جز آنکه خود خدا آنها را آشکار کرده است هیچ توضیح دیگری را نمی توان یافت.

تمام وقایع کتاب لاویان در پای کوه سینا و در عرض مدت یک ماه اتفاق می افتد و این زمانی است که حدود یک سال از خروج آنها از مصر می گذرد.

**کلمه کلیدی :** قدوسیّت

**آیات کلیدی :** ۱۷ : ۱۱ و ۲۰ : ۷ \_ ۸

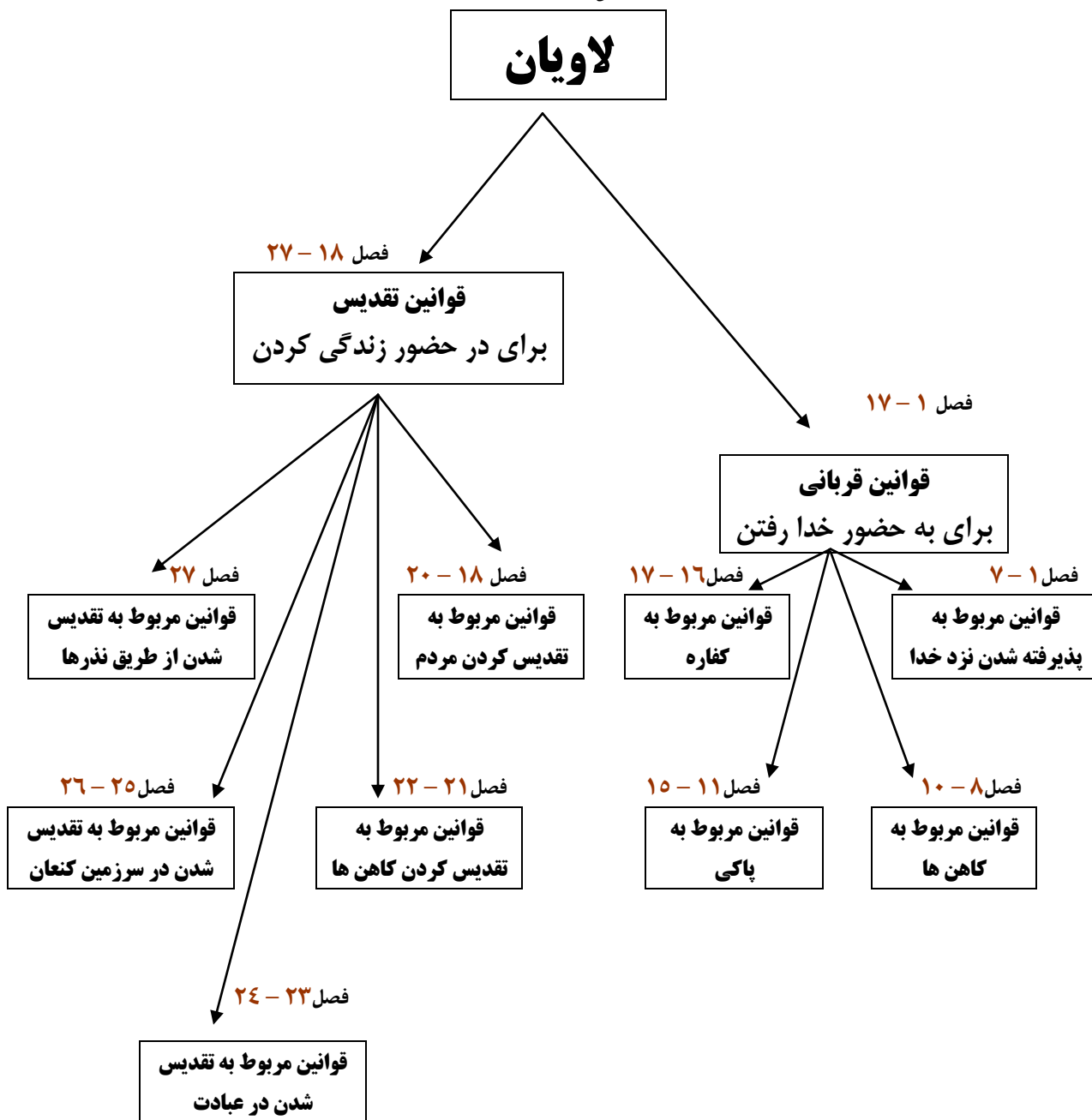
۱۷ : ۱۱ ..... « زیرا که جان جسد در خون است و من آن را بر مذبح به شما داده ام تا برای جان های شما کفاره کند، زیرا خون است که برای جان کفاره می کند. »

۲۰ : ۷-۸ ..... « پس خود را تقدیس نمایید و مقدس باشید، زیرا من یهوه خدای شما هستم. و فرایض مرا نگاه داشته، آن را بجا آورید. من یهوه هستم که شما را تقدیس می نمایم. »

## فصل کلیدی : ۱۶

این فصل راجع به «روز کفاره» که مهم ترین روز در تقویم یهودی ها می باشد صحبت می کند. یهودیان امروزه هنوز این «روز کفاره» را به عنوان «یوم کیپور» رعایت می کنند. در این روز، کاهن اعظم وارد قدس الاقداس می شد و ابتدا برای خود و سپس برای قوم کفاره می نمود تا آنها از جمیع گناهانشان طاهر شوند (۱۶ : ۳۰). کلمه «کفاره» به زبان عبری «کیپور» است که به معنی «پوشاندن» می باشد. در حقیقت خون قربانی، گناه را می پوشاند تا اینکه عیسای مسیح، بره نهایی خدا، گناه جهانیان را بر دارد (یوحنا ۱ : ۲۹).

### فصل ۱ - ۲۷





## بررسی

در لاویان خدا می خواهد قوم آزاد شده را به حضور خود آورده تا با او مشارکت داشته باشند.  
کتاب لاویان شامل ۲ بخش اساسی می باشد :

**۱) قوانین مربوط به قربانی (فصل های ۱ - ۱۷)** \_ این بخش نشان می دهد که چگونه باید بوسیله قربانی ها به خدا نزدیک شد. قربانی خونی، به هر شخص یادآوری می کند که بخاطر گناه، باید به خدای قدوس بهای گزافی یعنی جان را داد (۱۷ : ۱۱). خون حیوانات بیگناه جایگزین (فدیه) انسان گناهکار می شود چون « بدون ریختن خون بخشش گناهان وجود ندارد. » (عبرانیان ۹ : ۲۲)

**۲) قوانین مربوط به تقدیس (فصل های ۱۸ - ۲۷)** \_ قوم اسرائیل خدایی را خدمت می کند که قدوس است و از آنها نیز می خواهد که مقدس باشند. کلمه « مقدس » به معنی « پاک شده و جدا شده برای مقصود خاص » می باشد.

## مکاشفه عیسای مسیح

کتاب لاویان پر از نمونه ها و تصاویر است از عیسای مسیح و کارهای او. انسان با خواندن کتاب لاویان از خود می پرسد، خداوند چرا با این همه جزئیات برنامه گذراندن قربانی ها را توضیح می دهد؟ باید دانست که تمام سیستم گذراندن قربانی ها و جزئیات آن همگی اشاره به عیسای مسیح و جنبه های مختلف کار او بر روی صلیب می نماید. مطالعه دقیق تر آنها خود احتیاج به وقت و کلاسی جداگانه دارد. در زیر به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

**کاهن اعظم** \_ کار و وظیفه کاهن اعظم به کار و وظیفه کاهن اعظم ما یعنی عیسای مسیح شباهت بسیار دارد. کار شفاعت کردن، گذراندن قربانی، وصل کردن انسان به خدا نمونه کار یک کاهن بود که همگی به بهترین نحو و با نتیجه ابدی، بوسیله عیسای مسیح انجام شده و می شود.

**۵ نوع هدیه** \_ هدایا نمونه هایی از کارهای گوناگون مسیح می باشند :

۱- هدیه سوختنی : نشان دهنده این است که مسیح تمامی وجود خود را برای ما داد. پس نشان دهنده مرگ مسیح می باشد (فصل ۱) .

۲- هدیه آردی : نشان دهنده خدمت عیسای مسیح است پس نشان دهنده این است که عیسای مسیح، نان ما و حیات می می باشد (فصل ۲). نرم بودن آرد نشان دهنده شخصیت مسیح است که نرم و ملایم است.

۳- هدیه سلامتی : نشان دهنده مشارکت و صلحی است (کولسیان ۱ : ۲۰) که ما از طریق کار عیسای مسیح روی صلیب با خدای پدر داریم (فصل ۳).

۴- هدیه گناه : نشان دهنده مسیح است که روی صلیب بجای گناهکار جان داد. این هدیه نشان دهنده این است که مسیح ما را از گناه و احساس گناه پاک می کند (فصل ۵و۴).

۵- هدیه جرم : نشان دهنده این است که مسیح غرامت گناهان ما را نیز داد (فصل ۵ و ۶). گناهکار بعد از آنکه گنااهش بوسیله مسیح پرداخت شد باید خسارتی که به دیگران زده است را جبران کند.

**۷ عید** \_ هر عید تصویری از شخصیت و کار عیسای مسیح را بیان می کند.

۱- عید فصح : نشان دهنده این است که بره خدا، عیسای مسیح بجای ما قربانی شد تا ما نجات یابیم.

۲- عید نان فطیر : خمیر مایه معمولاً نمونه گناه است. خمیر مایه گناه نباید در ایماندار ساکن باشد. پس این عید یادآور این است که ایماندار باید در پاکی زندگی کند (اول قرنیتان ۵ : ۶-۸).

۳- عید نوبرها : نشان دهنده رستاخیز مسیح به عنوان نوبر همه ایمانداران است (اول قرنیتان ۱۵ : ۲۰-۲۳). عیسای مسیح در روز عید نوبرها از مردگان برخاست.

۴- عید پنطیکاست : نشان دهنده آمدن روح القدس بعد از صعود مسیح است.

۵- عید شیپورها : نشانه بازگشت ثانوی مسیح می باشد چرا که هنگام بازگشت مسیح، شیپورها به صدا در خواهند آمد (اول تسالونیکیان ۴ : ۱۶).

۶- روز کفاره : نشانه روز داوری در بازگشت ثانوی مسیح می باشد.

۷- عید خیمه ها : نشانه مشارکت ما با مسیح در بازگشت ثانوی او می باشد.

## مکاشفه روح القدس

گرچه کلمه «روح القدس» هیچگاه در کتاب لاویان بکار برده نشده، اما حضور او در مراسم عبادت دیده می شود.

**آتش** \_ آتشی که قربانی ها را می سوزاند، نمونه روح القدس می باشد. «آتش غریبه» (۱۰ : ۱) نشانه روحی غیر از روح القدس می باشد که در نزد خدا غیر قابل قبول است.

## دروس اصلی روحانی

۱- **خدا انسان را نجات می دهد (کتاب خروج) نه اینکه فقط از بندگی شیطان در آید بلکه تا وارد حضور و مشارکت با خدا گردد (کتاب لاویان).**

خدا قوم اسرائیل را از مصر نجات داد تا در آزادی او را عبادت کنند. قوانینی که خدا به قوم اسرائیل داد نه فقط برای این بود که زندگی پربرکتی داشته باشند، بلکه تا به آنها یاد بدهد چگونه به حضور خدا بیایند، در قدوسیت با او زندگی کنند و این رابطه را حفظ کنند.

خدا محبت است و اولین خصوصیت محبت، اشتیاق داشتن رابطه می باشد. خدا انسان را برای رابطه با خود آفرید پس همواره مشتاق ملاقات و مشارکت و زندگی روزانه با ما می باشد. خدا شما را نجات نداده تا فقط از اسارت شیطان و جهنم نجات بیابید و یا اینکه فقط به شما برکت دهد بلکه در وهله اول، شما را نجات داده است تا با او رابطه داشته باشید. آیا این منظور و هدف خدا در زندگی شما انجام شده است؟ رابطه با خدا مهم تر از هر کار و خدمتی است که برای او انجام می دهیم و در ارجحیت بالاتر قرار دارد. نباشد این اشتباه را بکنیم که آنقدر مشغول کار خدا بشویم که نسبت به رابطه نزدیک با او بی توجه شویم و فراموش کنیم که او قبل از هر چیز خود ما را می خواهد نه کار و خدمت ما را.

## **۲- برای وارد شدن به حضور خدا احتیاج به قربانی ها داریم و برای در حضور او ماندن و مشارکت دایم با او لازم است در قدوسیت زندگی کنیم.**

خدا به اسرائیل دو سری قوانین داد : قوانین مربوط به قربانی (برای به حضور خدا رفتن) و قوانین مربوط به قدوسیت (برای در حضور خدا ماندن). زندگی یک مسیحی نیز از دو مرحله تشکیل شده است : نجات و بعد از نجات. در نجات، ما بوسیله قربانی مسیح نجات می یابیم و وارد حضور خدا می شویم. اما بعد از آن باید با قدرت روح القدس در قدوسیت و پاکی زندگی کنیم تا در حضور خدا مانده و رابطه و مشارکت سالم خود را با او حفظ کنیم. برای نجات، به کار عیسای مسیح بر روی صلیب احتیاج داریم. برای قدوسیت و مشارکت سالم با خدا، به کار روح القدس احتیاج داریم. روح القدس ما را یاری می دهد تا بر گناه پیروز شده و در قدوسیت زندگی کنیم. با مشارکت با روح القدس می توان با خدا راه رفت و رابطه نزدیکی را در طول روز با او داشت. آیا شما نجات عیسای مسیح را تجربه کرده اید؟ اگر بله، آیا در پاکی و قدوسیت زندگی می کنید؟ اگر به علت گناه رابطه شما با خدا قطع شده است، بوسیله قربانی مسیح وارد حضور خدا بشوید و بگذارید که خون او شما را پاک سازد، آنگاه از روح القدس پر شوید تا بتوانید در پاکی و قدوسیت زندگی نمایید و با خدا راه رفته و زندگی کنید.

## **۳- کار کاهن، میانجیگری بین انسان و خدا می باشد.**

در عهد عتیق این کار به عهده فقط تعداد محدودی بود اما در عهد جدید این وظیفه به تک تک ما سپرده شده است (اول پطرس ۲ : ۵). کاهن بعد از آنکه خود را پاک می کرد، به قدس الاقداس وارد می شد و برای قوم بخور می گذرانید.

در عهد جدید، دعاها و هدایای ما بخورها هستند. به عنوان کاهن، اولین قربانی که می گذرانیم خودمان هستیم (رومیان ۱۲ : ۱-۳). به عنوان کاهن، باید به حضور خدا برویم و با او در مورد مردم صحبت کنیم (دعای شفاعت) و سپس به حضور مردم برویم و با آنها در مورد خدا صحبت کنیم (بشارت).

ما به عنوان کاهن باید پلی بین مردم و خدا باشیم. مردمی که خدا را نمی شناسند باید ما را دیده و بگویند «این پل، آنطرفش خداست» و بخواهند از طریق ما با خدا آشنا شوند. شما چگونه پلی هستید؟ آیا آنقدر زندگی نمونه دارید که مردم وقتی شما را ببینند بدانند که آن طرف پل به خدا وصل است؟ به عنوان پل، چقدر بار را می توانید تحمل کنید؟ آیا به عنوان کاهن، لباس سفید کهنات را به تن دارید؟ آیا به عنوان کاهن، برای دیگران به نزد خدا

رفته و دعای شفاعت می کنید؟ آیا به عنوان کاهن، به نزد مردم رفته به آنها بشارت داده و آنها را با خدا آشتی می دهید؟

پل می بایست هر دو طرف آن وصل باشد وگرنه به درد نمی خورد. ما هم باید به خدا وصل باشیم و هم به انسان ها. هم باید با خدا رابطه نزدیک و سالمی داشته باشیم و هم با انسان ها. آیا شما از یک طرف به انسانها و از یک طرف به خدا وصل هستید؟ در کدام طرف پل ضعیف هستید؟

#### **۴- تعریف قدوسیت تنها رابطه صحیح با خدا داشتن نیست. بلکه رابطه صحیح با دیگران نیز اصل مهمی را در قدوسیت تشکیل می دهد.**

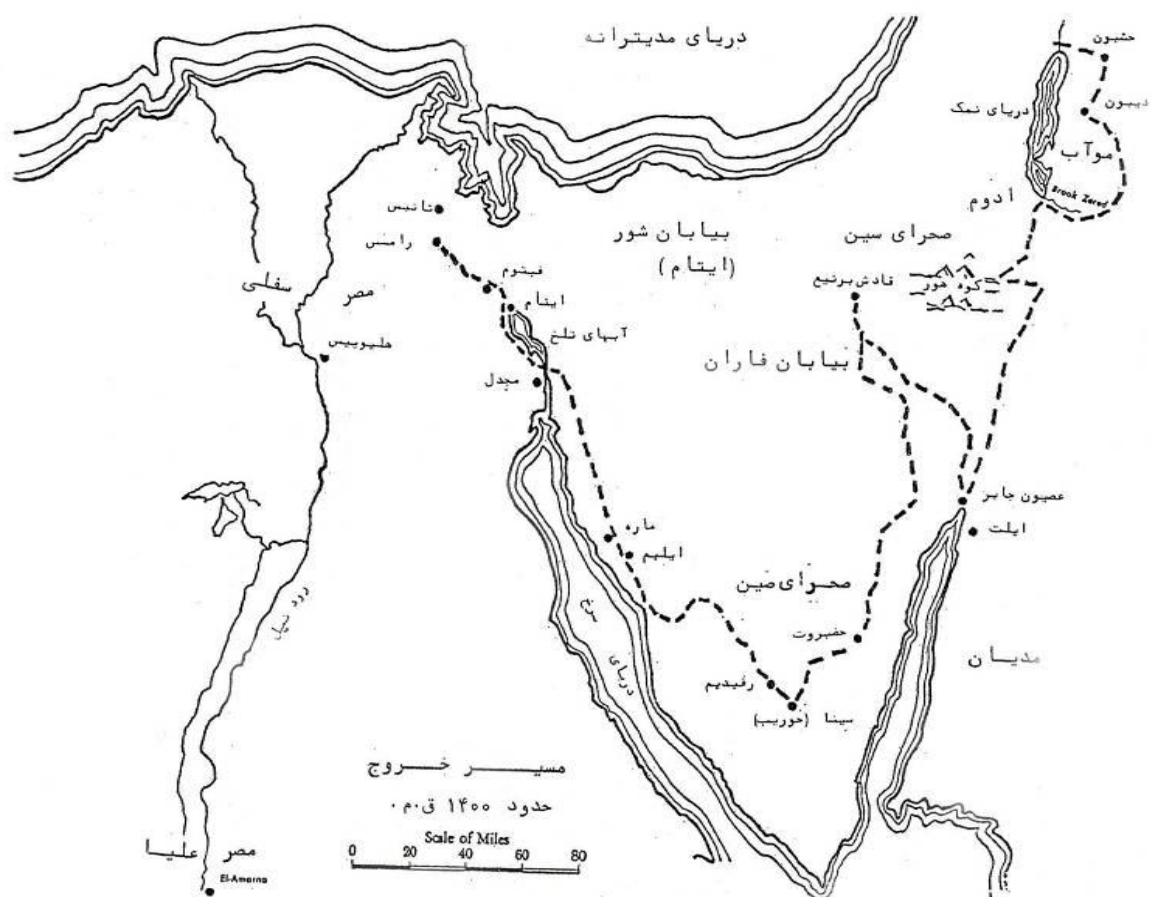
قوانینی که در لاویان می بینیم همگی فقط در مورد رابطه قوم اسرائیل با خدا نیستند بلکه قسمت مهمی از آنها مربوط به رابطه انسان ها باهم می شود. چرا؟ چونکه همانطور که عیسای مسیح تعلیم داد و در عهد جدید نیز مشاهده می کنیم، این دو رابطه به هم مربوط می باشند. عیسای مسیح فرمود تمام شریعت در دو اصل مهم خلاصه می شود: محبت به خدا و محبت به مردم. این دو جدا از هم نمی توانند به درستی عمل کنند.

یک شخص می تواند در رابطه با خدا خیلی مذهبی بوده و فرایض مذهبی را با جدیت انجام دهد. اما اگر در رابطه با همسایه اش با نادرستی رفتار کند، شخص مقدسی نمی باشد. کسی که با دیگران رابطه سالم و درست ندارد، نمی تواند رابطه سالم و نزدیکی با خدا داشته باشد. برعکس کسی که رابطه سالم و درست با خدا ندارد نیز نمی تواند رابطه سالم خود را با دیگران حفظ کند.

شما در قدوسیت کجا هستید. کلام خدا می گوید «بدون قدوسیت نمی توان خدا را دید.» (عبرانیان ۱۲: ۱۴). آیا در زندگی با پاکی زندگی می کنید؟ رابطه شما با خدا تا چه حد نزدیک است. بخصوص رابطه شما با دیگران چگونه است؟ فراموش نکنید بدون رابطه درست با دیگران ممکن نیست بتوانید شخص مقدسی شوید.

### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی لاویان چه می باشد؟
- (۲) کتاب لاویان دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) فصل کلیدی لاویان کدام می باشد و راجع به چه موضوعی صحبت می کند؟
- (۴) کلمه «مقدس» به چه معنی می باشد؟
- (۵) کلمه «کفار» به چه معنی می باشد؟
- (۶) سه عید از ۷ عید را نام ببرید و ذکر کنید نشان دهنده چه کار عیسای مسیح می باشد.
- (۷) سه درس روحانی از لاویان را بطور خلاصه بیان کنید.



# اعداد

## نویسنده و تاریخ نگارش

موسی در ۱۴۵۰ قبل از میلاد آن را نوشته است.

## زمینه و موضوعات اصلی

کتاب اعداد، کتاب «آوارگی» می باشد. اسم آن از دو سرشماری می آید که از قوم اسرائیل به انجام می رسد. شمارش اول در ابتدای کتاب و در کوه سینا انجام می شود و دومی در آخر کتاب و در دشت موآب. اما بیشتر کتاب اعداد، شرح آوارگی قوم اسرائیل در طول ۴۰ سال در بیابان است. خداوند قوم خود را از اسارت مصر بیرون آورده است تا آنها را وارد سرزمین موعود کند. اما قوم با وجود دیدن معجزات بی شمار، باز دل خود را سخت کرده و با بی ایمانی عمل می کنند.

ابتدا، دوازده جاسوس فرستاده می شوند تا زمین را جاسوسی کنند. ده نفر از این دوازده نفر، گزارش منفی می آوردند که تسخیر سرزمین موعود، سخت و حتی غیر ممکن می باشد. اما دو نفر از جاسوس ها (یوشع و کالیب) می گویند گرچه کار مشکل است اما با خدا، پیروزی حتمی می باشد. قوم گزارش منفی را باور می کند. خدا با وجود صبر زیادی که با آنها دارد، در آخر مجبور می شود آنها را داوری کرده و بگذارد که در صحرا ۴۰ سال آواره شده و در آنجا هلاک گردند.

این کتاب نشان می دهد نتیجه بی ایمانی و بی اطاعتی از خدا چه می باشد.

## کلمه کلیدی : آوارگی

## آیات کلیدی : ۱۴ : ۲۲-۲۳ و ۲۰ : ۱۲

۱۴: ۲۲ - ۲۳ ..... «چونکه جمیع مردانی که جلال و آیات مرا که در مصر و بیابان نمودم دیدند، مرا ده مرتبه امتحان کرده، آواز مرا نشنیدند. به درستی که ایشان زمینی را که برای پدران ایشان قسم خوردم، نخواهند دید، و هر که مرا اهانت کرده باشد، آن را نخواهد دید».

۲۰: ۱۲ ..... «و خداوند به موسی و هارون گفت: چونکه مرا تصدیق ننمودید تا مرا در نظر بنی اسرائیل تقدیس نمایید، لهذا شما این جماعت را به زمینی که به ایشان داده ام، داخل نخواهید ساخت.»

## فصل کلیدی : ۱۴

در این فصل، قوم اسرائیل از دستور خدا از اینکه وارد سرزمین کنعان شده و آنرا به تصرف در آورند، سرپیچی می کنند. خدا برای هر یک روز که کنعان را جاسوسی کردند (۴۰ روز)، یک سال آنها را تنبیه می کند.

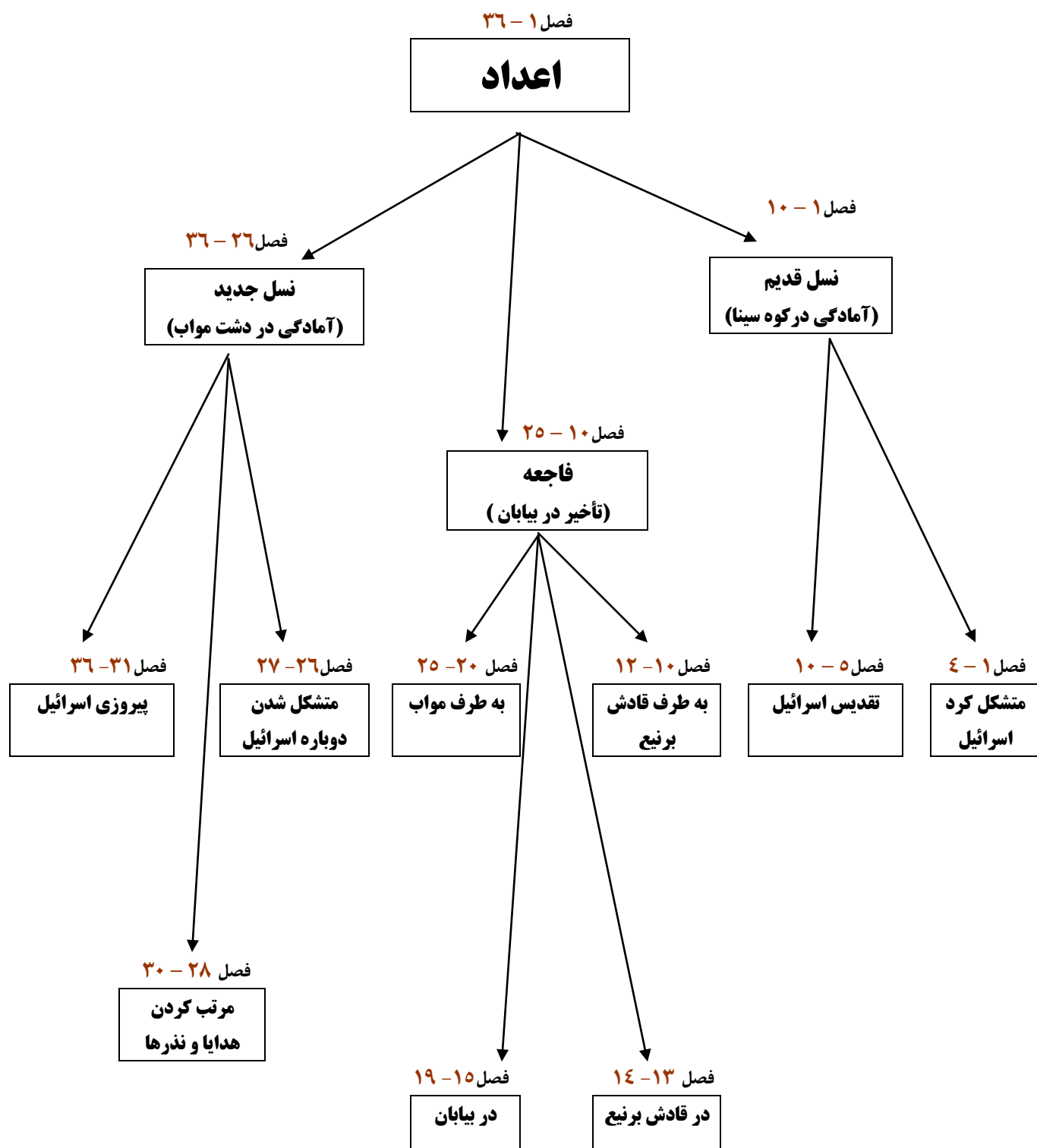
### بررسی

گفته می شود برای خدا یک شب طول کشید که قوم اسرائیل را از مصر بیرون آورد اما ۴۰ سال طول کشید تا «مصر» را از قوم اسرائیل بیرون بیاورد. در اعداد، خدا از یک قوم بی ایمان، سرکش و شاکی، در عرض ۴۰ سال قومی را می سازد که آماده گرفتن سرزمین موعود هستند. کتاب اعداد دارای سه بخش اصلی می باشد.

**(۱) نسل قدیم (فصل های ۱ تا ۱۰)** \_ در پای کوه سینا خدا به قوم خود دستورات بیشتری می دهد. خدای ما خدای نظم و ترتیب است. او ابتدا قبیله ها را دور خیمه مرتب می کند (فصل ۱ تا ۴) و سپس قلب آنها را آماده می کند (فصل ۵ تا ۱۰). جالب است که خدا، قبایل قوم خود را طوری در چهار طرف خیمه جا می دهد که از آسمان به صورت صلیب دیده شوند! (در قسمت شمال ۱۵۷،۶۰۰ نفر، جنوب ۱۵۱،۴۵۰ نفر، غرب ۱۰۸،۱۰۰ نفر و در شرق ۱۸۶،۴۰۰ نفر).

**(۲) فاجعه (فصل های ۱۰ تا ۲۵)** \_ قوم، در ابتدا خدا را اطاعت می کنند تا اینکه به کنعان می رسند. در قادش، بی ایمانی و شکایت و غرغر آنها شروع می شود (۱۱ : ۱). برای خدا، مهم ترین چیز، ایمان است. پس بی ایمانی آنها را نمی تواند تحمل کند. خدا می گذارد قوم در بیابان بمیرند و به وعده ها نرسند (البته بجز یوشع و کالیب، دو جاسوسی که با ایمان عمل نمودند).

**(۳) نسل جدید (فصل های ۲۶ تا ۳۶)** \_ وقتی نسل قدیم مردند، نسل جدید به دشت موآب می روند تا آماده شوند به سرزمین موعود وارد شوند. در موآب دستورات جدید گرفته و سرشماری جدید انجام می شود. در آنجا، یوشع به عنوان جانشین موسی معرفی می شود. در کتاب اعداد راجع به دو نسل، دو سرشماری، دو سفر و دو سری دستورات صحبت می شود.





## مکاشفه عیسای مسیح

**مار برنجی** \_ شاید واضح ترین نمونه از مسیح در کتاب اعداد، مار برنجی که بر نیزه بالا برده شد می باشد (۲۱ : ۴\_۹). در این واقعه، مصلوب شدن مسیح را می توان دید که بخاطر گناهان ما به صلیب کشیده شد. بعلاوه، گزیده شدن بوسیله مار نیز نقش داوری مسیح را نشان می دهد (یوحنا ۳ : ۱۴). این واقعه، نقش دوگانه مسیح را نشان می دهد. همان مسیحی که با مصلوب شدن، نجات دهنده بشر می باشد، داور جهانیان نیز می باشد.

**صخره** \_ صخره ای که از آن آب جاری شد و تشنگی بسیاری را رفع کرد نمونه ای از مسیح می باشد. عهد جدید می گوید آن صخره مسیح بود (اول قرن تیان ۱۰ : ۴). این صخره یک بار زده شد و از آن آب جاری شد در دفعه دوم دیگر احتیاج به زدن نداشت بلکه فقط گفتن کافی بود. عیسای مسیح یک بار برای ما زده شد تا از او آب حیات جاری شود و بعد از آن دیگر احتیاج به مصلوب شدن او نیست بلکه فقط اعتراف با ایمان ما برای جاری شدن این آب کافی می باشد. به همین دلیل بود که موسی برای زدن بار دوم صخره، تنبیه می شود و از رفتن به سرزمین کنعان محروم می شود.

**نان من** \_ نانی که روزانه از آسمان برای قوم نازل می شد، نمونه ای از عیسای مسیح به عنوان «نان حیات» می باشد (یوحنا ۶ : ۳۱\_۳۳). کلمه «من» به زبان عبری به معنی «این چیه؟» می باشد زیرا در ابتدا که قوم این نان آسمانی را دیدند پرسیدند «این چیه؟».

**پیشگویی بلعام** \_ بلعام آمدن مسیح را در ۲۴ : ۱۷ پیشگویی می کند. این آیه برای قرون زیادی در کتاب های تفسیر یهودیان ذکر شده و رهبران مذهبی و عالمان علم الهی یهودی برای قرن ها (حتی سالها بعد از مسیح) این آیه را مربوط به «ماشیح» (مسیح) می دانستند و در کتاب های تفسیر خود این موضوع را ذکر می کردند. به عنوان مثال، تفسیر این آیه در «طومارهای دریای مرده»، آن را مربوط به مسیح می داند.

**شهرهای ملجا** \_ این شهر ها نمونه ای از مسیح به عنوان ملجا و پناهگاه خطاکاران می باشد. عیسای مسیح مانند شهری می باشد که خطاکار به آن پناه برده و از داوری و نابودی نجات می یابد.

## مکاشفه روح القدس

**روح مسح** \_ در فصل ۱۱، به رهبران جدید احتیاج می باشد. پس روح القدس رهبران جدید را مسح می کند و آن روح القدس و مسحی که بر موسی قرار داشت بر آنها قرار می گیرد.

**روح نبوت** \_ در فصل ۱۱، روح القدس بر هر کس قرار می گیرد، آن شخص نبوت می کند.

**آتش و ابر** \_ آتش در شب و ابری در روز که قوم را هدایت می نمود، نشانه هدایت روح القدس است که برای هر ایماندار مسیحی در دسترس می باشد. ابر آنها را در روز از آتش سوزان بیابان حفاظت می کرد و آتش آنها را در شب در سرمای کشنده بیابان گرم می نمود.

**آتش سوزاننده قربانی ها** \_ آتشی که قربانی ها را می سوزاند، نمونه روح القدس می باشد.

### **۱ - گرچه در زندگی باید از بیابان ها گذشت، لازم نیست در آنها باقی بمانیم.**

خواست خدا برای اسرائیل فقط این نبود که آنها را نجات دهد. حتی خواست او این نبود که فقط با آنها رابطه داشته باشد. همراه با این دو هدف، او می خواست قوم خود را برکت بدهد. بهترین ها را به آنها بدهید و آنها را از لحاظ زمینی نیز خوشبخت و موفق کند. او می خواست آنها را به سرزمین وعده ها وارد کند.

خدا وعده های زیادی برای فرزندانش در مورد برکات روحی، روحانی و حتی مالی دارد. اما این وعده ها خودبخود نصیب ما نمی شوند. بلکه مانند فتح زمین کنعان، گرچه مال ما هستند اما باید آنها را با ایمان و شهامت و با جنگ به دست آورد. برای نجات از بندگی مصر، قوم احتیاج نداشت که بجنگند. خدا برای آنها جنگید و با معجزات دشمنان آنها را نابود کرد. اما برای وارد شدن به سرزمین موعود، گرچه خدا قوم خود را تنها نمی گذاشت، ولی می خواست آنها با جنگ آن سرزمین را تصاحب کنند. البته او پیروزی را از قبل برای آنها تضمین کرده بود.

خدا تنها نمی خواهد که ما از مصر نجات یابیم و بعد در بیابان زندگی کنیم. بلکه می خواهد بعد از نجات، وارد سرزمین موعود نیز شده و صاحب وعده خدا نیز بگردیم. چه بسیار مسیحیانی که نجات را دریافت کرده اند اما هنوز وارث وعده های خدا نشده اند. آنها در بیابان و در سختی زندگی می کنند. نجات را دارند ولی نه خوشی دارند، نه شادمانی و نه پیروزی. در زندگی نیز به جایی نمی رسند. در تمام زندگی خود، در بیابان دور خود می گردند تا زمان مرگشان فرارسد.

یک مسیحی ایرانی که در بیابان زندگی می کند، متأسفانه نه تنها خودش از برکات و وعده های خدا بهره مند نمی شود، بلکه هیچ تاثیری نیز برای نجات ایران و ایرانی نخواهد داشت. اگر می خواهیم ایران نجات پیدا کند، باید ابتدا تک تک ما صاحب وعده های خدا شویم و پری خدا را در زندگی شخصی خود تجربه کنیم. شما امروز در کجا هستید؟ در مصر؟ در بیابان؟ یا در کنعان؟

### **۲- خدا روحیه غلط را (غرغر و شکایت، ناشکری، بی ایمانی، دل بستگی به دنیا) را تنبیه می کند.**

خدا مانند پدری مهربان است که چون فرزندش را دوست دارد و می خواهد شخصیت درست در آنها ایجاد کند، با آنها کار می کند تا درست شوند و حتی اگر لازم باشد، تنبیه نیز می کند (اول قرنیتان ۱۰: ۱-۱۲). روحیه شکرگزار، نشانه ایمان واقعی است. این روحیه (که پشت آن ایمان است) خدا را خشنود می کند و بعلاوه دست خدا را باز می گذارد تا با قدرت و با معجزات در زندگی ما کار کند.

ما انسانها، روحیه منفی و غرغر و شکایت را جدی نمی گیریم. اما خدا خیلی جدی می گیرد! او برای مدتی با قوم اسرائیل مدارا کرد تا به آنها اعتماد کردن را بیاموزد. اما در آخر آنها را تنبیه و داوری کرد و از وارد شدن به کنعان و صاحب وعده ها شدن، آنها را محروم نمود. به اصطلاح ما ایرانی ها، «پدر، فرزندانش را از ارث محروم کرد» (اما نه از فرزند بودن). مسیحی که روحیه منفی دارد، هنوز فرزند خدا می باشد اما از مزایای این فرزندانی استفاده نمی کند و اگر در این روحیه منفی ادامه دهد، پدر او را تنبیه نیز خواهد نمود.

روحیه شما چگونه است؟ به عنوان یک مسیحی که صاحب صد ها وعده های عالی خداوند هستید، حق ندارید روحیه شاکی و منفی داشته باشید. من و شما باید «در هر امر شکرگزار باشیم زیرا این است اراده خدا برای ما». در خانه چگونه هستید؟ آیا مرتب ایراد گرفته و غر می زنید و شکایت می کنید یا اینکه مرتب اطرافیان خود را با روحیه مثبت خود تشویق و بنا می کنید. در کلیسا چطور؟ خدا به ما صدها وعده کتبی داده است. بیایید به این وعده ها ایمان داشته باشیم و با روحیه شکرگزار و مثبت و با دلیری قدم جلو گذاشته و صاحب این وعده ها شویم.

### **۳ – با ترس و بی ایمانی و روحیه سرکشی، ایماندار وارد آرامشی و وعده های خدا نخواهد شد بلکه عمر او بیهوده هدر شده و در بیابان زندگی، می میرد.**

بی ایمانی و ترس، مانع دریافت وعده های خدا می باشد. باید بنا به وعده های خدا با شجاعت برای دریافت آنها جنگید. باید با ایمان زندگی کرد نه با دیدار. یک بی ایمانی گاهی باعث می شود در یک مورد مهم تصمیم اشتباه بگیریم و در نتیجه، تمام عمر مان در بیابان تلف شود.

افتخار بعضی ها این است که می توانند ضعف ها، خطاها و گناهان آشکار و پنهان دیگران و کلیسا را ببینند و آنها را به همه خاطر نشان کنند. تنها دیدن شرایط منفی و ضعف ها هنر نیست و منفعتی ندارد. غرغر و شکایت هیچگاه مشکلی را حل نمی کند بلکه به مشکل اضافه می کند. دیدن ضعف ها وقتی مفید است که شخص برای آن دعا کرده و بعد با ایمان و با روحیه مثبت و شکر گزار، برای حل آن مساله همکاری نماید.

من تا بحال شخص پر ایمانی را ندیده ام که شخص منفی باشد. ایمان همیشه مثبت و شکرگزار است. برعکس، تا بحال کسی را ملاقات نکرده ام که شخص منفی و ایرادگیر باشد ولی در ایمان و زندگی خود موفق باشد.

### **۴ – خدا می خواهد تعداد رهبران مسح شده در کلیسا بسیار باشد.**

دل خدا این نیست که فقط تعداد محدودی در کلیسا مسح داشته باشند بلکه او می خواهد افراد زیادی را با روح الاقدس مسح کرده و روح نبوت را بر همه بریزد. (این را در نهایت در یوئیل ۲ : ۲۸-۳۲ و اعمال ۲ : ۱۶-۲۱ می بینیم.) او نمی خواهد فقط تعداد محدودی در کلیسا مسح رهبری را داشته باشند بلکه می خواهد لشکری عظیم از رهبران در کلیسا تربیت نماید چرا که هر یک رهبر نمونه و مسح شده، ملکوت خدا را در یک جهت گسترش می دهد.

در این مورد نباید دید محدود و کوچک داشت. باید قلب و دیدی وسیع مانند خدا داشت و دانست که خدا می خواهد در سطح وسیع عمل کند و افراد مسح شده بسیاری را در ملکوت خود داشته باشد. هدف این آموزشگاه همین می باشد تا خادمین و رهبران مسح شده برای ملکوت خدا تربیت شوند و هر کدام عامل موثری برای گسترش کار خدا گردند.

### **۵ – خدا می خواهد دل وسیع و دید ملکوتی داشته باشیم.**

در مورد پیشرفت و مسح خادمین و بخصوص آنهایی که در کلیسای ما نمی باشند، باید روحیه موسی را داشت (۱۱ : ۲۹). باید از روحیه انحصار طلبی آزاد شد. باید دید ملکوتی داشت نه دید کلیسایی. یعنی ملکوت خدا

را بسیار وسیع تر از یک کلیسا دید. در نتیجه، باید وقتی می بینیم که کار خدا پیش می رود (در هر جایی که باشد و بوسیله هر کس که انجام شود)، باید از ته دل خوشحال شد.

حسادت و طمع و روح رقابت، وسوسه ای است که هر خادم خدا را تهدید می کند. خداوند هارون و مریم را برای داشتن چنین روحیه ای تنبیه می کند (۱۲). چنین روحیه ای در کلیسا بسیار مخرب می باشد و باعث پاشیدگی و دلسردی می باشد. ما در کلیسا یک خانواده هستیم در نتیجه وقتی برادر یا خواهری در هر موردی (روحانی، خدمتی، کاری، مالی، اجتماعی، ...) پیش می رود، باید از ته دل خوشحالی کنیم. ما اعضای یک تیم هستیم و هر کس در این تیم گل بزند، تمام تیم برنده می شود و خوشحالی می کند.

به فیض خدا، ما در کلیسای ایرانیان چنین روحیه ای را داریم. حتی اگر خواهر و برادری در کلیسایی دیگر ما را جزو تیم خود نداند، ما آنها را جزو تیم خود می دانیم چرا که هر دو را جزو تیم خدا می دانیم. در نتیجه، اگر آنها گلی بزنند، ما آن را به حساب خود گذاشته و شادی می کنیم! حتی اگر دیگران دایره محبت خود را کوچک بکشند که ما را بیرون دایره بگذارند، ما شعاع دایره محبت خود را وسیع می کشیم تا آنها داخل دایره ما قرار بگیرند.

وقتی برادر و خواهری در کلیسا از شما جلو می زند چه احساسی می کنید؟ (بخصوص وقتی که احساس می کنید شما از او شایسته تر هستید) آیا احساس می کنید حق شما خورده شده است. آیا چون او را شایسته نمی دانید، در هر جا از ضعف های او سخن می گوئید تا او را پایین آورید؟ عیسای مسیح از شما می خواهد چه روحیه ای داشته باشید و چه کنید؟ دید شما کلیسایی است یا ملکوتی؟ دید شما و دل شما نسبت به کلیساهای دیگر (بخصوص در همین شهر) چیست؟ آیا فکر خدا و قلب خدا را در این مورد دارید؟

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی اعداد چه می باشد؟
- ۲) کتاب اعداد دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- ۳) فصل کلیدی اعداد کدام می باشد و راجع به چه موضوعی صحبت می کند؟
- ۴) کلمه «من» به چه معنی می باشد؟
- ۵) سه نمونه و یا مکاشفه از عیسای مسیح را در اعداد نام ببرید.
- ۶) سه نمونه و یا مکاشفه از روح القدس را در اعداد نام ببرید.
- ۷) سه درس روحانی از اعداد را بطور خلاصه بیان کنید.

## تثنيه

### نویسنده و تاریخ نگارش

موسی آنرا در پایان ۴۰ سال آوارگی، در سال ۱۴۰۵ قبل از مسیح نوشته است. شرح وفات موسی در فصل ۳۴ احتمالا بوسیله یوشع نوشته شده است.

زمینه و موضوعات اصلی

کتاب تثنيه، کتاب موعظه های موسی، رهبر ۱۲۰ ساله اسرائیل به نسل جدید می باشد. قوم اسرائیل اکنون در دشت موآب در قسمت شرقی شهر اریحا در کنار رود اردن قرار دارد و بعد از ۴۰ سال آوارگی، آماده وارد شدن به سرزمین موعود می باشد. نسل اول که از مصر بیرون آمدند، اکنون همگی مرده اند (بجز موسی، یوشع و کالیب). وقتی خداوند والدین آنها را با معجزات از مصر بیرون آورد و به آنها شریعت خود را داد، این نسل یا بچه بودند و یا اصلا به دنیا نیامده بودند. بنابراین خداوند در این کتاب، شریعتی که به پدرانشان داد را تکرار می کند و عهدی که با پدرانشان بست را با خودشان نیز تجدید می نماید. به همین دلیل است که اسم این کتاب «تثنيه» به معنی «دوباره» (از کلمه ثانی گرفته شده) می باشد.

کتاب تثنيه مانند کتاب لاویان شامل جزئیات بسیار از شریعت می باشد. اما برخلاف لاویان که مخاطب اصلی کاهنان هستند، در اینجا مخاطب اصلی مردم عادی هستند. موسی به نسل جدید خاطر نشان می کند که از نمونه بد پدرانشان عبرت گرفته و در اطاعت خدا زندگی کنند تا برکت یابند. تم اصلی این کتاب «مواظب باشید فراموش نکنید» می باشد که مرتب تکرار می شود. موسی از آنها می خواهد دو چیز را فراموش نکنند :

- ۱) اطاعت از خدا برای آنها حیات، برکت، سلامتی، پیروزی بر دشمنان و خوشبختی می آورد.
- ۲) بی اطاعتی از خدا باعث مرگ، لعنت، مریضی، شکست و فقر می شود. اگر از خدا بی اطاعتی کنند، خدا آنها را تنبیه خواهد کرد همانطور که پدران آنها را در قادش برنیه نمود.

بعلاوه، موسی ۳۴ بار از آنها می خواهد که وارد سرزمین موعود شده و آنرا به تصرف درآورند چون خدا آنرا به آنها داده است. در این کتاب از مردم خواسته می شود که شریعت را بشنوند (۵۰ بار) و با قلبی که از محبت خدا سرچشمه می گیرد (۲۱ بار)، شریعت را نگاه دارند (۱۷۷ بار).

تثنيه محبت خدا را آشکار می کند و عیسای مسیح از آن بسیار نقل قول می کند (متی ۴ : ۴ و ۷ و ۱۰ و ۲۲ : ۳۷-۳۸ و مرقس ۷ : ۱۰ و ۱۹ : ۲۹-۳۰). بخصوص در روبرو شدن با شیطان در بیابان، عیسای مسیح از آیات این کتاب استفاده می کند.

## کلمه کلیدی : تجدید عهد

### آیات کلیدی : ۱۰ : ۱۲-۱۳ و ۳۰ : ۱۹-۲۰

۱۰: ۱۲-۱۳ «پس الان ای اسرائیل، یهوه خدایت از تو چه می خواهد جز اینکه از یهوه خدایت بترسی و در همه طریقه‌هایش سلوک نمایی و او را دوست بداری و یهوه خدای خود را به تمامی دل و به تمامی جان خود عبادت نمایی و اوامر خداوند و فرایض او را که من امروز ترا برای خیریت امر می فرمایم نگاه داری.»  
۳: ۱۹-۲۰ «امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم. پس حیات را برگزین تا تو با ذریتت زنده بمانی و تا یهوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و با او ملحق شوی. زیرا که او حیات تو و درازای عمر تو است تا در زمینی که خداوند برای پدرانت ابراهیم و اسحق و یعقوب قسم خورد که آنرا به ایشان بدهد ساکن شوی.»

## فصل کلیدی : فصل ۲۷

در این فصل عهد رسماً بسته می شود: «پس موسی و لاویان کهنه تمامی اسرائیل را خطاب کرده گفتند ای اسرائیل خاموش باش و بشنو امروز قوم، یهوه خدایت شد.» (۲۷ : ۹-۱۰)

### بررسی

کلمه «تثنيه» از کلمه «ثانی» به معنی دوباره می آید. در این کتاب خدا عهد خود را که در پای کوه سینا (در کتاب لاویان) با قوم اسرائیل بست، با نسل بعدی دوباره تجدید می کند.  
کتاب تثنيه دارای سه بخش اصلی می باشد. موسی در سه موعظه، به گذشته، حال و آینده نگاه می کند.

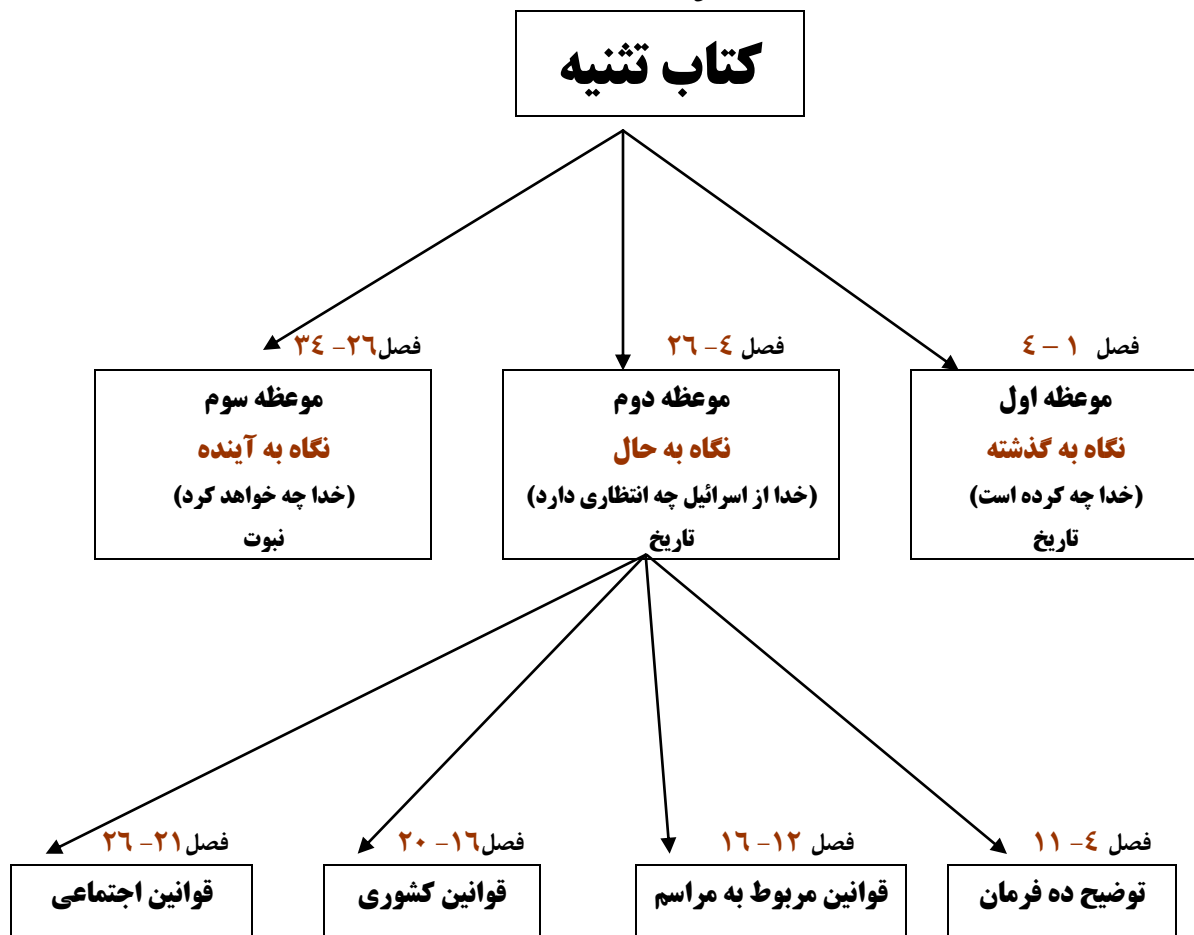
(۱) **موعظه اول – نگاه به گذشته (فصل های ۱ تا ۴)** \_ موسی به گذشته قوم رجوع می کند تا دو درس مهم را به آنها یادآوری کند : بی اطاعتی و بی ایمانی، قضاوت خدا را می آورد و اطاعت و ایمان، آزادی و برکت خدا را سرازیر می کند.

(۲) **موعظه دوم – نگاه به حال (فصل های ۴ تا ۲۰)** \_ در این قسمت، ده فرمان تکرار شده و توضیح داده می شود. شریعت خدا در مورد مراسم مختلف، قربانی ها، اعیاد، ده یک دادن بیان می شود. همچنین قوانین اجتماعی، اخلاقی، خانوادگی و کشوری تکرار می شود.

(۳) **موعظه سوم – نگاه به آینده (فصل های ۲۷ تا ۳۴)** \_ خدا در اینجا ابتدا با قوم خود تجدید عهد می کند. سپس موسی تاریخ آینده قوم را می نویسد. او نبوت می کند که در آینده نزدیک چگونه برکات و لعنت های خدا بر آنها خواهد آمد و در آینده دور چگونه بین اقوام پخش شده و در آخر بر خواهند گشت. چون به موسی اجازه داده نشد که وارد سرزمین کنعان شود، او یوشع را به عنوان جانشین خود تعیین می کند و با پیغامی از مردم وداع می

کند. خدا خود موسی را در مکانی نامعلوم دفن می کند (شاید برای اینکه از بت پرستی های بعدی جلوگیری نماید). البته موسی در متی ۱۷ : ۳ بالاخره وارد سرزمین موعود می شود.

فصل ۱-۳۴



## مکاشفه عیسیای مسیح

**پیشگویی به عنوان نبی** \_ در ۱۸ : ۱۵\_۱۹، موسی مستقیماً در مورد آمدن مسیح پیشگویی می کند : «یهوه خدایت نبی را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید. او را بشنوید» (اعمال ۷ : ۳۷). عیسیای مسیح خود به این پیشگویی اشاره می کند (یوحنا ۵ : ۴۶\_۴۷).

باید توجه کنیم که ما ایرانیان وقتی می گوئیم «عیسیای مسیح یک پیامبر نیست» برای این است که ایرانی نظر غلطی نسبت به عیسیای مسیح دارد و او را فقط یک پیامبر می داند مانند پیامبران دیگر. برای آنکه حقیقت را صاف و پوست کنده با عزیزانمان در میان بگذاریم، می گوئیم : «عیسیای مسیح یک پیامبر نیست بلکه خدا در جسم و پوست کنده با عزیزانمان در میان بگذاریم، می گوئیم : «عیسیای مسیح یک پیامبر نیست بلکه خدا در جسم و پوست کنده عالی می باشد.»

پس آیا عیسای مسیح پیامبر می باشد یا نه؟ جواب این است که عیسای مسیح، «پیام \_ بر» نمی باشد بلکه خود او «پیام» است. او خود کلمه جسم پوشیده است. عیسای مسیح می فرماید: «من راه و راستی و حیات هستم.»

آیا عیسای مسیح نبی می باشد؟ جواب این است که عیسای مسیح خیلی چیزها می باشد و در هر قسمت، نهایت آن چیز هست. ما کاهنان هستیم اما عیسای مسیح کاهن اعظم می باشد. ما می توانیم شبان باشیم، اما او کمال یک شبان و رئیس شبانان می باشد. ما می توانیم مبشر باشیم، اما او بهترین مبشر است. ما می توانیم معلم باشیم، اما او نیکوترین معلم می باشد. ما می توانیم رسول باشیم، اما او رسول اعظم است. ما هم می توانیم نبی باشیم، اما او نهایت یک نبی است. ما انسان هستیم، اما یک انسان کامل است.

**موسی \_** موسی شباهت زیادی به عیسای مسیح دارد. او تنها کس در عهد عتیق است که مانند عیسای مسیح دارای سه نقش نبی، کاهن و پادشاه (رهبر) می باشد. در عهد جدید، یک ایماندار مسیحی، کاهن و پادشاه می باشد و بنا به عطیه و خواندگی اش، می تواند نبی هم باشد. اما عیسای مسیح در هر سه این ها سر می باشد و ما فقط بدن هستیم.

## مکاشفه روح القدس

**روح نبوت -** روح القدس در این کتاب به موسی نبوت های زیادی می دهد (دوم پطرس ۱ : ۲۱). از جمله آمدن مسیح (۱۸ : ۱۵)، پخش شدن اسرائیل در بین ملل (۳۰ : ۱)، توبه قوم (۳۰ : ۲)، بازگشت قوم (۳۰ : ۵)، تشکیل دوباره کشور اسرائیل و ایمان آوردی یهودی ها (۳۰ : ۵-۶) و خوشبختی قوم اسرائیل (۳۰ : ۹).

## دروس اصلی روحانی

### **(۱) برکت بدون اطاعت وجود ندارد.**

نمی توانیم هم در بی اطاعتی از خدا زندگی کنیم و هم از خدا بخواهیم که ما را برکت دهد هر چقدر هم که طولانی دعا کرده و روزه بگیریم، اگر در بی اطاعتی هستیم، فایده ندارد. بی اطاعتی سه ضرر عمده دارد :

(۱) رابطه ما با خدا قطع می شود (در نتیجه رابطه ما با دیگران نیز مختل می شود).

(۲) برکات خدا و انجام وعده های او را از دست می دهیم.

(۳) لعنت را هم دریافت می کنیم.

چرا خدا از ما اطاعت می خواهد؟ آیا عقده خود کم بینی دارد که وقتی از او اطاعت می کنیم، احساس خوبی به او دست می دهد و حس می کند برای خودش کسی است؟ به هیچوجه! او از ما اطاعت می خواهد چونکه ما را دوست دارد و می خواهد با دادن سه برکت بالا، ما را خوشبخت کند (۱۰ : ۱۲). او می داند ما با بی اطاعتی وارد گناه می شویم و گناه اثرات مخرب در زندگی ما و اطرافیان مان از امروز تا ابدیت دارد.



شما در اطاعت کجا هستید. آیا فکر می کنید به خدا لطف می کنید وقتی از او اطاعت می کنید یا به خودتان؟ کدام قسمت از زندگیتان باید تحت اطاعت خداوندی خدا در آید؟ در کدام قسمت از زندگیتان برکت خدا وجود ندارد؟ در چه قسمتی به نظر می آید لعنت آن را فرا گرفته است؟ با کلام خدا چک کنید، از روح القدس بپرسید و حتی از اطرافیانتان بپرسید تا بدانید در کدام قسمت از زندگیتان مطیع کلام خدا نیستید. چرا همین حالا در مورد گناهان و بی اطاعتی های خود توبه نمی کنید؟ همین حالا در آن مورد توبه کرده و مطیع خدا شوید. چرا برکت را از خود دور کرده و لعنت را می طلبید؟ بیاید با توبه، لعنت ها را از زندگی خود دور کرده و برکات و وعده های خدا را دریافت و تجربه نماییم.

## **۲) خدا به ما حق انتخاب می دهد که برکت یا لعنت را در زندگی انتخاب کنیم و به این انتخاب ما احترام می گذارد.**

در آیات ۳۰ : ۱۹\_۲۰ می بینیم که خدا راه مرگ و زندگی، بدبختی و خوشبختی، برکت و لعنت را جلوی پای ما گذاشته است. اما ما را به انتخاب راه درست زور نمی کند. او برای برکت دادن ما همه کار کرده است (حتی حاضر شده است مرگ را بچشد) بعد تازه از ما التماس می کند که راه برکت را انتخاب کنیم و نه لعنت را. اکثر ما انسان ها روی خدا را زمین انداخته، به او و راه های او پشت کرده و لعنت را نصیب خود می کنیم. تازه بعدش طلبکار هم هستیم و از خود خدا هم دلگیر و عصبانی می شویم که تو چه خدایی هستی که مرا و دیگران را قضاوت می کنی و برکت نمی دهی. چند وقت پیش، از برادر ادوارد جمله خوبی شنیدم : «خدا کسی را به جهنم نمی فرستد اما به انتخاب کسی که می خواهد به آنجا برود، احترام می گذارد.» انتخاب امروز شما چیست؟ با انتخاب گناه، دارید مرگ و داوری و لعنت و جهنم را برای خود انتخاب می کنید. از خدا گله نکنید اگر زندگی شما برکتی ندارد. خداوند را با تمامی دل و جان انتخاب کنید تا زندگی و برکت به شما جاری شود.

## **۳) سرکشی، بی اطاعتی و بی احترامی فرزندان نسبت به والدین، از نظر خدا موضوع بسیار جدی و مهم است.**

این مساله آنقدر برای خدا مهم و حیاتی است که خداوند جریمه آنرا مرگ قرار داده است (۲۱ : ۱۸\_۲۱). این ممکن است که به نظر ما سنگین و غیر معقول به نظر آید. اما به جای اینکه خدا را با خود همفکر کنیم، بهتر است که به او اعتماد کرده و ما با او همفکر شویم. آنچه که برای خدا مهم است باید برای ما مهم باشد و آنچه که خدا سخت می گیرد را ما هم جدی و سخت بگیریم.

اکثر ما فلسفه های این دنیا افکار ما را شکل داده و حتی بدون آنکه خودمان آگاه باشیم تصمیماتی می گیریم که بیشتر بر وفق اصول دنیا است تا کلام خدا. یکی از حوزه های که به این صورت عمل می کنیم، تربیت و رابطه صحیح با فرزندانمان است. اکثر ما مسیحیان، حتی بعد از مدت ها که ایمان آورده ایم، باز هم فرزندانمان را طبق معیارها و فلسفه های غلط و مخرب امروزی تربیت می کنیم. طرز رفتار بسیاری از بچه ها در کلیسا و بیشتر

از آن روش های غلط و مخالف کتاب مقدسی که والدین مسیحی بکار می برند، دل مرا به عنوان شبان به درد می آورد. یکی از این موارد، موضوع بی اطاعتی و بی احترامی فرزندانمان است که اکثرا سرسری از آن رد می شویم. اما کلام خدا می خواهد این دو مورد را بسیار جدی بگیریم و از همان سالهای اول زندگی فرزندانمان با شدت با آن برخورد کنیم.

اکثر ما فرزندانمان را تربیت و تنبه نمی کنیم چرا که فلسفه های انسانی امروز دنیا را باور کرده ایم که تنبه بچه را عقده ای بار می آورد (بخصوص اگر والدین خود ما با خشم ما را تنبه کرده اند). و یا اگر هم بکنیم، آنها را برای چیزهایی مانند شکستن چیزی، شلوغ کردن، ریخت و پاش کردن، و یا نمره بد آوردن تنبه می کنیم و مساله بی اطاعتی و بی احترامی را سرسری رد می کنیم. اگر می خواهید طبق کلام خدا فرزندانمان را تربیت کنید، هر موقع بی اطاعتی و بی احترامی از آنها دیدید، باید بلافاصله آنها شدیداً تنبه نمایید. چرا؟ بخاطر شما؟ نه! بخاطر خودشان چرا که این مساله ریشه روحانی داشته و به زندگی روحانی آنها بیشترین ضربه را وارد می کند. وقتی فرزندانمان به شما بی اطاعتی و بی احترامی می کند، شما چه می کنید؟ کلام خدا از شما می خواهد چه کنید؟

#### **(۴) وظیفه هر ایماندار است که ایمان خود را به فرزندانش منتقل کند.**

خدا در آیات ۶: ۴\_۹ از ایمانداران می خواهد که شبانه روز در امر تربیت روحانی فرزندانشان کوشا باشند. او می خواهد نه به صورت کلاسی بلکه در امور معمولی زندگی، در رفت و آمد ها، در نشست و برخاست ها، هنگام خوابیدن و هنگام بیدار شدن ها، در همه این شرایط از راه ها و روش های خدا در زندگی با آنها صحبت کنیم. او می خواهد کلام خدا جلوی چشم ما باشد. خانه هایمان را با چیزهایی تزیین کنیم که ما را به یاد حقایق کلام خدا می اندازد.

ایمانداری که می گوید فرزندانمان را آزاد می گذارم تا خود تصمیم بگیرند و آنها را در خداوند تربیت نمی کند، نه تنها دارد از دستور خداوند بی اطاعتی می کند بلکه فریب خورده و خود ندانسته دارد فرزند خود را به شیطان تقدیم می کند. چرا که فکر می کند دارد فرزندش را آزاد می گذارد اما نمی داند که شیطان و دنیا فرزندش را آزاد نمی گذارند و هر روزه با فشار می خواهند او را مجبور کنند که همسرکل دنیا شده و راه مخرب شیطان را در زندگی دنبال کند. او تصمیم می گیرد که به فرزندش موعظه نکند اما نمی بیند که دنیا و شیطان بهترین واعظان خود را گمارده اند تا از طریق تلویزیون و فیلم ها روزانه چند موعظه آتشین به فرزندش بکنند.

این وظیفه هر مسیحی نسبت به خدا و فرزندانش است که آنها را از بچگی با نجات دهنده عالم آشنا کنند و او را دوست بدارند. اگر می گوییم فرزندانمان را دوست داریم، این بهترین کاری است که می توانیم برای آنها بکنیم چراکه زندگی سالم و موفق زمینی و حیات ابدی را برای آنها تضمین می کند.

آیا شما با فرزندانمان رابطه روحانی دارید؟ آیا رازگهان خود را با آنها در میان می گذارید؟ آیا بیشتر نگران این هستید که نمره درسی شان خوب شود تا رابطه شان با خداوند سالم باشد؟ آیا فقط چک می کنید که آیا تکالیف خود را انجام داده اند و یا همچنین چک می کنید که آیا رازگهان خود را داشته اند؟

### سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی تثنیه چه می باشد؟
- (۲) کتاب تثنیه دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) چرا این کتاب «تثنیه» نام نهاده شده است؟
- (۴) موسی مانند عیسای مسیح دارای کدام سه نقش می باشد؟
- (۵) فرق شریعتی که در کتاب لاویان بیان شده با آنچه که در کتاب تثنیه بیان شده است، چیست؟
- (۶) موسی در کتاب تثنیه از نسل جدید می خواهد دو چیز را فراموش نکنند. آن دو چیز کدامند؟
- (۷) سه درس روحانی از تثنیه را بطور خلاصه بیان کنید.

## یوشع

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب یوشع می باشد (غیر از آیات آخر فصل ۲۴ که از مرگ یوشع صحبت می کند) که آنرا قبل از مرگش در ۱۳۶۵ قبل از میلاد نوشته است.

یوشع برای سالها، خادم (خدمتکار) شخصی موسی بود. او یکی از ۱۲ جاسوسانی بود که در ۴۰ سال قبل، زمین را جاسوسی کرده بودند. او و کالیب تنها کسانی بودند که با ایمان به خدا، رای به ورود به سرزمین کنعان را دادند.

اسم او در ابتدا «هوشع» (به معنی «نجات») بود (اعداد ۱۳ : ۸). بعدها موسی اسم او را به «یهوشوع» (به معنی «یهوه نجات است») تبدیل می کند (اعداد ۱۳ : ۱۶) که یونانی آن «ایسوس» (نام عیسای مسیح) می باشد.

### کتاب تاریخی

کتاب یوشع اولین کتاب از ۱۲ کتب تاریخی می باشد. این کتب، وقایع تاریخی زیر را توضیح می دهد : ابتدا قوم اسرائیل سرزمین موعود را فتح کرده و در آن ساکن می شود. سپس داوران مدتی قوم را اداره می کنند. بعد دوران پادشاهان آغاز می شود که به تقسیم شدن پادشاهی شمالی و جنوبی می انجامد. آنگاه هردو پادشاهی به اسارت می روند. در آخر، خداوند یهودیان را به سرزمین خود بر می گرداند.

### زمینه و موضوعات اصلی

کتاب یوشع شرح می دهد که قوم خدا چگونه با اطاعت و ایمان، سرزمین موعود را تسخیر کرده و در آن ساکن می شوند. وقایع این کتاب در عرض ۲۵ سال اتفاق می افتند. در زمان ورود قوم اسرائیل به کنعان، آن سرزمین از شهر ها و مناطق مختلف تشکیل می شد. در نتیجه یوشع برای تسخیر آن منطقه، می بایست پادشاهان متعددی را شکست بدهد.

از لحاظ روحانی و اخلاقی، این اقوام آنقدر به قهقرا رفته بودند که در عبادت خدایان خود، زنا و قربانی کردن بچه ها معمول می بود. آنها مار را می پرستیدند و رابطه با حیوانات رایج می بود. با آنکه قرنهای قبل خدا را می شناختند، اما خدا را رد کرده و در بت پرستی و امیال نفسانی خود غرق شده بودند. در نتیجه، خدا آماده است تا آنها را داوری نماید و از قوم اسرائیل برای داوری کردن آنها استفاده می نماید.

## کلمه کلیدی : تسخیر

### آیات کلیدی : ۱ : ۸ و ۱۱ : ۲۳

۱ : ۸ ..... « این کتاب تورات از دهان تو دور نشود بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا برحسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده عمل نمایی زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت و همچنین کامیاب خواهی شد.»

۱۱ : ۲۳ ..... « پس یوشع تمامی زمین را برحسب آنچه خداوند به موسی گفته بود گرفت و یوشع آنرا به بنی اسرائیل برحسب فرقه ها و اسباط ایشان به ملکیت بخشید و زمین از جنگ آرام گرفت.»

### فصل کلیدی : فصل ۴۲

یوشع در این فصل قبل از مرگش دوباره و با جدیت از قوم می خواهد که عهد خود را با خدا تجدید کنند.

## بررسی

قوم اسرائیل در این کتاب، به وعده ای که خدا قرن‌ها قبل به ابراهیم داده بود دست می یابد. این کتاب به سه قسمت اصلی تقسیم می شود.

### ۱) آمادگی برای فتح کنعان (فصل های ۱ تا ۵) \_ در این ۵ فصل، قوم روحا" و جسما" برای فتح آماده

می شوند. خدا با یوشع صحبت می کند و به او قوت قلب می دهد. یوشع به خاطر می آورد که ۴۰ سال قبل، موسی ۱۲ جاسوس را برای دیدن سرزمین فرستاد و پس از بازگشت، برای تصمیم در مورد انجام اراده خدا، از آنها رای گیری کرد. او این خاطره دردآور را به یاد می آورد که چگونه یوشع و کالیب، ۱۰ به ۲، این رای گیری را باختند! و ورود قوم و یوشع و کالیب به سرزمین موعود ۴۰ سال به عقب افتاد. یوشع از این تجربه تلخ ۴۰ سال پیش، آموخته و این بار فقط دو جاسوس می فرستد. آنگاه قوم از رود اردن به طور معجزه آسا عبور می کنند.

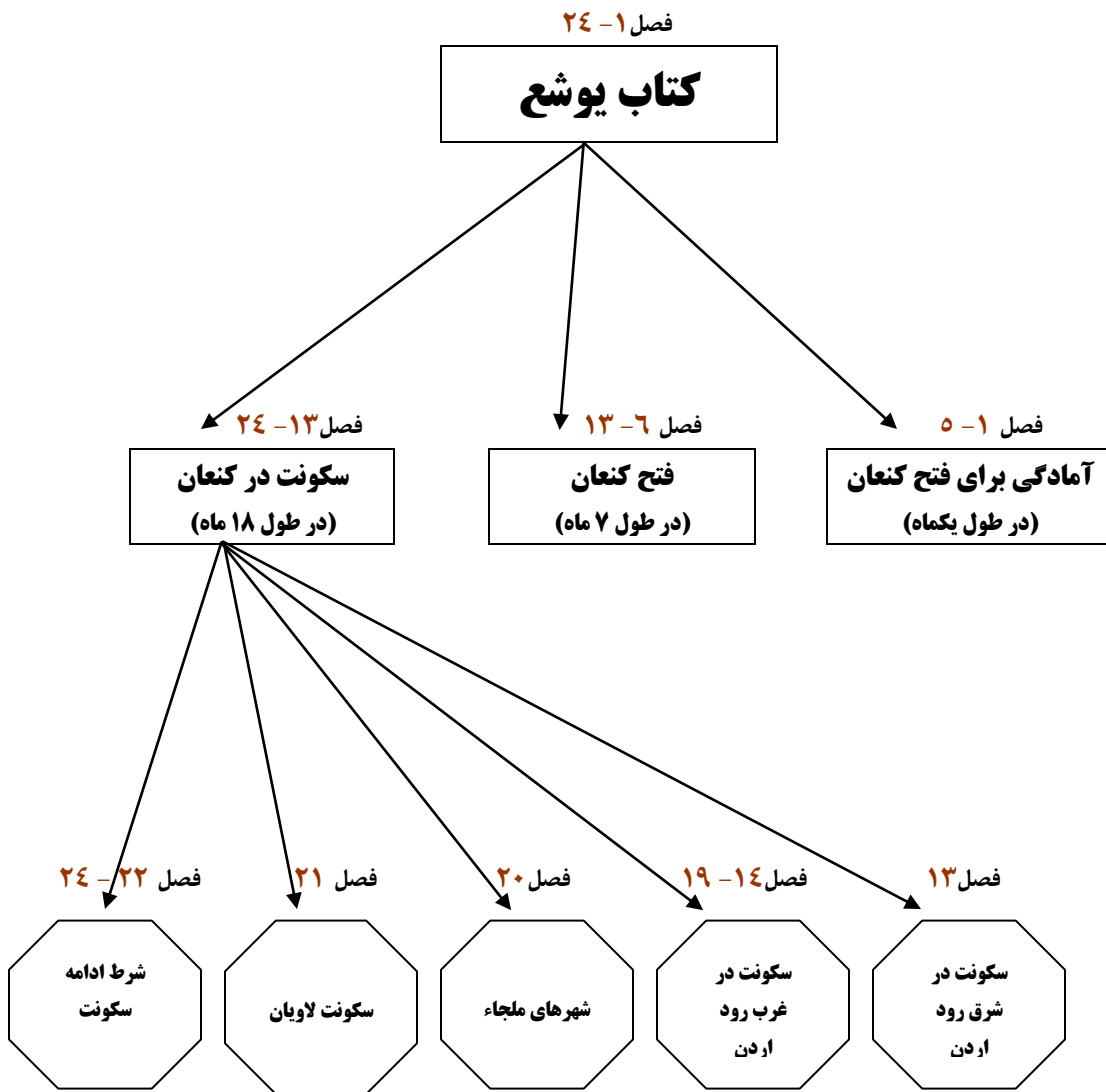
### ۲) فتح کنعان (فصل های ۶ تا ۱۳) \_ بعد از فتح معجزه آسای اریحا و درسی که در مورد گناه در فتح

عای می گیرند، قوم در سه حمله، سرزمین را فتح می کند. ابتدا قسمت مرکزی گرفته می شود و سپس قسمت جنوبی و در آخر، قسمت شمالی تسخیر می شود.

### ۳) سکونت در کنعان (فصل های ۱۳ تا ۲۴) \_ یوشع دارد پیر می شود و خداوند به او می گوید سرزمین

را بین ۱۲ قوم، کالیب (فصل ۱۴ و ۱۵) و لاویان (فصل ۲۱) تقسیم کند. در فصل های ۲۲ تا ۲۴، یوشع

به قوم راهنمایی های آخر را می کند. بعد از موعظه ای آتشین، از آنها می خواهد که با خدا تجدید عهد کنند.



### مکاشفه عیسای مسیح

**یوشع** \_ نمونه ای زیبا از مسیح می باشد. اسم او به معنی «بیهوشه نجات است» می باشد که همان اسم «عیسی» می باشد. یوشع مثل عیسای مسیح، قوم خدا را برای گرفتن وعده های خدا رهبری می کند (دوم قرنتیان ۲ : ۱۴ و رومیان ۸ : ۳۷). آن پیروزی که موسی نتوانست به دست آورد را یوشع به دست آورد. به همین ترتیب، آن چه که شریعت موسی نتوانست برای ما کسب کند را عیسای مسیح به دست آورد.

**سردار لشکر خداوند** \_ عیسی مسیح به یوشع در ۵ : ۱۳\_۱۵، به عنوان سردار لشکر خداوند ظاهر می شود و به یوشع اطمینان می دهد که این جنگ متعلق به خداوند است.

**طناب قرمز** \_ طناب قرمزی که راحاب به دریچه خانه اش به منظور نجات بست، نمونه خون مسیح است که ما را نجات می دهد (عبرانیان ۹ : ۱۹\_۲۲). باید بخاطر داشت که عیسی مسیح از نسل همین راحاب (یک زن گناهکار غیریهودی) می باشد (متی ۱ : ۵).

## **مکاشفه روح القدس**

**روح قدرت** \_ حضور روح القدس با یوشع بود و به او قدرت می بخشید (۱ : ۵\_۶).  
**تعمید روح** \_ اگر عبور از دریای سرخ نشانه تعمید بعد از ایمان است که لازمه نجات از مصر می باشد، آنگاه عبور از رود اردن، نشانه تعمید روح القدس می باشد که لازمه پیروزی بر شیطان و تسخیر وعده های خدا می باشد.

## **دروسی اصلی روحانی**

### **(۱) یوشع نمونه یک رهبر روحانی در کلیسا می باشد.**

او برای سالها خادم (خدمتکار) موسی بود. یک رهبر خوب باید در ابتدا یک دنباله روی خوبی باشد. در کلیسا نباید کسی را که در اطاعت و دنباله روی مشکل دارد را به رهبری دعوت نمود.  
یک خادم خدا باید فکر و زبان و اعمال او کلام خدا باشد (فصل ۱). او هرچه که می گوید و هرچه که تصمیم می گیرد باید طبق کلام خدا باشد. باید آنقدر روز و شب در کلام خدا تفکر کند که قلب و فکر او شبیه قلب و فکر خدا شود. اصلاً مانند خدا فکر کند، تصمیم بگیرد و عمل کند. شما تا چه حد کلام خدا را می دانید. آیا می دانید در هر مورد زندگی چه می گوید؟ آیا تفکر شما کلام خدا می باشد؟ همانطور که یک دکتر، کتاب طبابت خود را خوب می داند، یک خادم خوب خدا نیز در کلام خدا متبحر و کارآزموده می باشد.  
خدا از خادم خود می خواهد که قوی و دلیر بوده و با جرات و شهامت نه تنها خود در پیروزی زندگی کرده و وعده های خدا را دریافت کند، بلکه دیگر ایمانداران را نیز در فتح زمین های شیطان و دریافت وعده های خدا رهبری کند. یک خادم دعا نمی کند که خدا مشکلات او را بردارد بلکه دعا می کند که خدا خود او را قوی تر سازد تا بر مشکلات پیروز شود. او به دنبال زندگی ساکت و راحت نمی گردد بلکه به دنبال زندگی پر ماجرا و پر از پیروزی می گردد.

شما می خواهید در ملکوت خدا چه کنید؟ در یک گوشه خود را با مشکلات کوچک روزانه زندگی (کار، خواب، خوراک، پوشاک) خود را سرگرم کنید یا به مشکلات بزرگ و پیروزی های بزرگ می اندیشید؟ آیا از خدا می خواهید که زندگی بی دردسر و یکنواخت به شما بدهد که فقط زندگی کنید یا از او می خواهید به شما زندگی پر ماجرا بدهد تا برای ملکوت او کارهای عظیم کنید و شاهد معجزات و پیروزی های عظیم نیز باشید؟

## ۲) خدا از ما کارهای غیر ممکن می خواهد تا فقط با ایمان و اطاعت از او بتوانیم آنها را به انجام برسانیم.

عبور از رود اردن، فرو ریختن ناگهانی دیوارهای اریحا هر دو بوسیله ایمان و اطاعت از راه ها و نقشه های خدا بود. روش های خداوند گاهی عجیب است و با عقل و منطق ما نمی خواند (اول قرنیتان ۱ : ۱۷\_۲۹) اما موثر می باشد و به نتیجه می رسد. اکثر مواقع، خدا راه های خود را برای ما توضیح می دهد و می توانیم آن را درک کرده و با فهم از او اطاعت کنیم. اما گاهی نیز می شود که این راه ها از فهم و منطق ما بالاتر است در آن زمان لازم است خدا را بالاتر از عقل و منطق خود اطاعت کنیم.

خدا دیوار کمونیس را که ۷۵ سال مشغول ساختن آن بودند، نیز مانند دیوار اریحا، ناگهان فرو ریخت. همین خدا برای نجات ایران و ایرانی و فرو ریختن دیوارهای ادیان دروغین در خاورمیانه نیز نقشه های عالی دارد. این نقشه های او ممکن است برای ما عجیب باشد و با عقل و منطق و راه های انسانی ما نخورد. اما ما باید مثل یوشع آماده باشیم که به عقل خود تکیه نکنیم و راههای خدا را هرچند که عجیب و غیرمعمول باشند دنبال کنیم چراکه راه های او نتیجه می دهد و به نجات ایران و ایرانی می انجامد.

## ۳) گناه شخصی در کلیسا، بر همه تأثیر گذاشته باعث شکست جمعی در مقابل شیطان می گردد.

در فصل ۷، می بینیم که عخان، تنها یک نفر بود که گناه کرد. اما گناه او باعث شکست تمام قوم شد و در آخر خودش و خانواده اش، تاوان آن را دادند. گناهان ما نه تنها به خود ما صدمه می زنند، بلکه به خانواده ما و به کلیسای ما نیز صدمه می زنند. حتی گناهان مخفی ما نیز صدمه بخش هستند (مثل گناه پنهانی عخان).

به همین دلیل، مسالهٔ قدوسیت در زندگی شخصی را در کلیسا باید بسیار جدی گرفت و با گناه به شدت برخورد کرد. یک شخص نمی تواند در کلیسا بگوید : «این گناه به خودم مربوط می شود. به شما چه که در کار و زندگی شخصی من دخالت می کنید؟ چرا؟ چونکه طبق کلام خدا، گناه او بر همه تأثیر می گذارد. کلام خدا می فرماید خمیرمایه کمی تمام خمیر را ور می آورد. کلام خدا با گناهان شخصی افراد بسیار جدی برخورد می کند و حتی دستور می دهد کسی که در گناه شخصی است و توبه نمی کند را از کلیسا بیرون کنند (اول قرنیتان ۵ : ۱\_۱۳). کلیسا البته محل گناهکاران است. اما محل گناهکارانی است که می خواهند توبه کرده و عوض شوند تا از گناه آزاد شده و شفا یابند. نه محل گناهکارانی که می خواهند در گناه باقی بمانند.

یکی از چیزهایی که به خود من کمک می کند از گناه دوری کنم و اگر هم افتادم، زود توبه کنم، همین حقیقت است که می دانم گناه من نه تنها دل خداوند مرا می شکند و به خود من صدمه می زند، بلکه به همسر و بچه هایم و همچنین به ایمانداران کلیسا بطور مستقیم و غیر مستقیم ضربه می زند.

شما با چه جدیت با گناهان شخصی خود روبرو می شوید؟ آیا می دانید گناهان شخصی شما نه تنها به زندگی شما صدمه می زند بلکه چه بخواهید و چه نخواهید باعث صدمه خوردن همسر و بچه هایتان و کلیسا می باشد؟ اگر می خواهید مرد و زن خدا باشید و برکت و قدرت خدا در زندگی شما جاری باشد، گناهان شخصی را سرسری نگیرید بلکه به قوت روح القدس با آنها بطور جدی برخورد کنید.



## ۴) عهد با خدا را باید جدی گرفت.

در فصل ۲۴، یوشع قوم را به دادن تعهد دعوت می کند اما وقتی قوم سریع بله و آمین می گوید و متعهد می شود، تعهد سرسری آنها را نمی پذیرد و از آنها می خواهد که اگر راست می گویند با عمل آنرا نشان دهند. حرف زدن ساده است. تعهد زبانی دادن ساده است. چه بسیاری روزهای یکشنبه که بعد از موعظه ای از افراد خواسته ام ایستاده دعا کنند و به خدا در مورد موضوعی متعهد شوند. اما چه افسوس که چند دقیقه بعد دیده ام که هنوز پا از کلیسا بیرون نگذاشته اند دارند مخالف همان تعهد خود به خدا عمل می کنند. بیایید خود را گول نزنیم. بیایید با خود، با دیگران و از همه مهم تر با خدا روراست باشیم و خط خود را مشخص نماییم. اگر خداوند را انتخاب می کنیم، آنگاه با تمامی دل و جان او را دنبال کنیم. بیایید حرف خود را در عمل ثابت کنیم. می گوئید، بله من می خواهم با تمامی دل و بطور جدی خدا را دنبال کنیم. می دانید چه نشان می دهد که قلب و زبان و رفتارمان با هم می خوانند؟ چطور می توانیم نشان دهیم جدی هستیم؟ به این صورت که اگر می گوئیم او را انتخاب کرده ایم، آنگاه خدایان غیر را از زندگی خود دور خواهیم کرد. چه چیزهایی خدا هستند؟ هر چه که ما را کنترل می کند. هر چه که قبل از خدا قرار می گیرد. هر چه که پول و وقت و انرژی ما را می گیرد و از طرف خدا نیست. آیا شما در عهد خود با خدا جدی هستید؟ پس خدایان دیگر را از زندگی خود دور کنید. چه خدایانی؟

## ۵) هر موقع خداوند کار خاصی در زندگی ما می کند یا پیروزی خاصی می دهد، خوب است که یادبودی در آن مورد درست کرده و جلوی چشم خود بگذاریم.

خدا بعد از هر معجزه، از قوم اسرائیل خواست که یادبودی برای آن درست کنند (حتی با چیدن سنگ ها بر روی یکدیگر). ما انسان ها مثل قوم اسرائیل بسیار فراموشکار هستیم. خداوند معجزات زیادی در زندگی تک تک ما کرده و می کند. اما وقتی با سختی و مشکل بعدی روبرو می شویم، همه آنها یادمان رفته، ایمان را فراموش کرده، ترس و نگرانی دوباره وجود ما را فرا می گیرد و شروع به شکایت و غرغر می شویم. یکی از اصول روحانی در کتاب مقدس که انجام آن بسیار باعث برکت من شده است این است که هر موقع خدا کاری بزرگ یا معجزه ای در زندگیم می کند، نشانه ای از آنرا جلوی چشمم یا روی دیوار می گذارم. در این لحظه که مشغول نوشتن این درس هستم، بر روی دیوار جلوی میز من چند یادگاری دیده می شود: یک چتر ۵ سانتیمتری (به نشانه بدترین روز زندگیم که خدا قول داد بهتری روز زندگیم شود)، یک گردنبد (به نشانه روزی که خدا به من نشان داد چگونه محبت معجزه می کند) و یک دستبند کوچک (به نشانه روزی که خدا با معجزه دخترم را از مرگ نجات داد).

خواهرمان فریبا روزی به من گفت که یک جعبه دارد که هر موقع خدا در زندگیش معجزه ای کرد، آن را بر روی کاغذی نوشته و در این جعبه می اندازد. در روزهایی که با مشکلات جدید روبرو می شود و یا دلسرد و مضطرب می شود، دست در این جعبه کرده و شهادت کارهای گذشته خدا در زندگیش را می خواند تا دلگرم شده و ایمان او برای گرفتن معجزه بعدی تقویت گردد.

خدا در زندگی شما چه کرده است؟ معجزات، برکات و کارهای گذشته او را در زندگی شخصی و خانواده تان بخاطر بیاورید. سپس یادبودی را انتخاب کنید و خانه خود را با آن تزیین کنید. چقدر زیبا است که خانه ها ما با این جور چیز ها تزیین شده باشد تا به هر گوشه خانه که نظر می اندازیم به یاد محبت، وفاداری، قوت و کارهای گذشته او بیافتیم.

### **(۶) این کتاب بطور سمبولیک، کتاب راهنمای جنگ روحانی می باشد.**

کتاب مقدس تماما از جنگ روحانی صحبت می کند و یک مسیحی چه بخواهد و چه نخواهد، در این جنگ شرکت دارد. آسان ترین هدفی را که دشمن به راحتی می زند، کسی است که در جنگ است ولی خودش خبر ندارد در جنگ است و در میدان جنگ برای خودش می خرامد! یک مسیحی موفق و پیروز باید با دشمن خود (شیطان) و روش های او و راه های جنگ و پیروزی آشنا باشد.

روش های جنگی در این کتاب همگی برای جنگ روحانی با شریر، کاربرد مستقیم دارد. از جمله :

- \* طرز تسخیر و از بین بردن قلعه های شیطان (تسخیر اریحا در فصل ۶)
- \* دلایل شکست در جنگ روحانی (گناه عخان و شکست در عای در فصل ۷)
- \* طرز کامل کردن پیروزی در جنگ روحانی (تسخیر عای در فصل ۹)
- \* هوشیاری در حيله ها و فریب های شیطان (فریب جبعونی ها در فصل ۹)
- \* جدیت در نبرد با شیطان وقتی جنگ بالا میگیرد (پیروزی بر نیروهای متحد در فصل ۱۰)

### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی یوشع چه می باشد؟
- (۲) کتاب یوشع دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) دو نمونه و یا مکاشفه از عیسای مسیح را در یوشع نام ببرید.
- (۴) عبور از رود اردن نمونه ای از ..... می باشد.
- (۵) عبور از دریای سرخ نمونه ای از ..... می باشد.
- (۶) دو مکاشفه از روح القدس را در یوشع نام ببرید.
- (۷) سه درس روحانی از کتاب یوشع را بیان کنید.

# داوران

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب سموئیل می باشد که آنرا حدودا در سال ۱۰۴۰ قبل از میلاد (۳۵۰ سال بعد از نگارش کتاب یوشع) نوشته است.

## زمینه و موضوعات اصلی

کتاب داوران، وقایع بین مرگ یوشع و دوران پادشاهی را بیان می کند. این کتاب تضاد زیادی با کتاب یوشع دارد. در کتاب یوشع، یک قوم مطیع را می بینیم که با قوت خدا پیروز شده و سرزمین موعود را فتح می کنند. اما در داوران، قومی نامطیع و بت پرست را می بینیم که بخاطر سرکشی شان نسبت به خداوند، دوباره و دوباره شکست می خورند. دو کتاب یوشع و داوران را می توان در جدول زیر با یکدیگر مقایسه نمود.

داوران	یوشع
بندگی	آزادی
پسرفت (انحطاط)	پیشرفت
شکست به خاطر بی ایمانی	پیروزی بوسیله ایمان
«بنی اسرائیل آنچه در نظر خداوند ناپسند بود کردند و یهوه خدای خود را فراموش نموده بعل ها و بتها را عبادت کردند» (داوران ۲: ۷)	«حاشا از ما که یهوه را ترک کرده خدایان غیر را عبادت کنیم» (یوشع ۲۳: ۱۶)
اسرائیل خود را خدمت می کرد (داوران ۲۱: ۲۵)	اسرائیل خدا را خدمت می کرد (یوشع ۲۳: ۲۱)
اسرائیل نه خدا و نه قدرت او را می شناخت (داوران ۱۰: ۲)	اسرائیل خدا و قدرت او را می شناخت (یوشع ۲۳: ۱۶-۱۸)
استاندارد نظری و انسانی	استاندارد حقیقی و الهی
تحمل گناه	روبرویی جدی با گناه
بی ایمانی و سرکشی	ایمان و اطاعت

وقایع کتاب داوران در طول ۳۵۰ سال اتفاق می افتد. در طول این ۳۵۰ سال، در طی ۷ دوره، قوم خدا ۷ بار شریعت و طریق های خداوند را کنار گذاشته و «هر کس آنچه در نظرش پسند می آمد می کرد.» (۲۱: ۲۵) نتیجه ترک کردن خداوند، همیشه فساد درونی و شکست بیرونی است. در نتیجه، آنها ۷ بار به بندگی اقوام کنعانی در آمدند. اما خداوند هربار رهبرانی را بلند کرد (به نام داوران) که قوم را از یوغ بندگی دشمن نجات

دادند. وضع برای مدتی خوب بود اما دوباره قوم راه خدا را ترک کرده و در گناه می افتادند و روز از نو و روزی از نو، دوباره به بندگی اقوام کنعان در می آمدند. این دوره ۷ بار تکرار شد.

**کلمه کلیدی :** دوره ها

**آیات کلیدی :** ۲۰-۲۱ و ۲۱: ۲۵

۲۰-۲۱ ..... « لهذا خشم خداوند بر اسرائیل افروخته شد و گفت چونکه این قوم از عهدیکه با پدران ایشان امر فرمودم تجاوز نموده آواز مرا نشنیدید، من نیز هیچ یک از امتها را که یوشع وقت وفاتش واگذاشت از حضور ایشان دیگر بیرون نخواهم نمود.»

۲۱: ۲۵ ..... « در آن ایام در اسرائیل پادشاهی نبود و هر کس آنچه در نظرش پسند می آمد می کرد.»

**فصل کلیدی :** فصل ۲

این فصل خلاصه تمام کتاب است که نشان می دهد چطور یک نسل خداشناس تبدیل به یک نسل خداشناس می شود. همچنین نشان می دهد که چرا خدا کنعانی ها را نابود نمی کند و چطور این دوره ها شروع می شود.

### **بررسی**

بعد از مرگ یوشع، اسرائیل وارد یک دوره تاریک ۳۵۰ ساله می شود. بعد از آنکه یوشع و نسل او می میرند، نسل بعدی خداوند و اعمال او را نمی شناسند (۲: ۱۰). کتاب داوران دارای سه بخش اصلی می باشد.

**۱) دلایل دوره ها (فصل های ۱ تا ۳)** \_ بعد از چند پیروزی اولیه، قوم دست از کار کشیده و کاری که خدا از آنها خواسته بود را تمام نمی کنند و بقیه اقوام کنعان را به حال خود می گذارند. این سازش باعث می شود گناهان این اقوام به آنها سرایت کند. قبل از آنکه خود دوره ها در بخش بعدی توضیح داده شوند، در این بخش، دلیل اصلی چنین انحطاط روحانی و اخلاقی شرح داده می شود.

**۲) دوره ها (فصل های ۳ تا ۱۶)** \_ این فصول در مورد ۷ دوره صحبت می کند که شامل ۷ بار دور شدن از خدا، ۷ بار در بندگی افتادن و ۷ بار نجات یافتن می باشد. هر کدام از این دوره ها شامل ۵ مرحله مشخص می باشد که هر بار تکرار می شوند :

۱- سرکشی، گناه و دوری از خدا

۲- شکست و بندگی (تنبیه خدا)

۳- توبه و تقاضای کمک از خدا

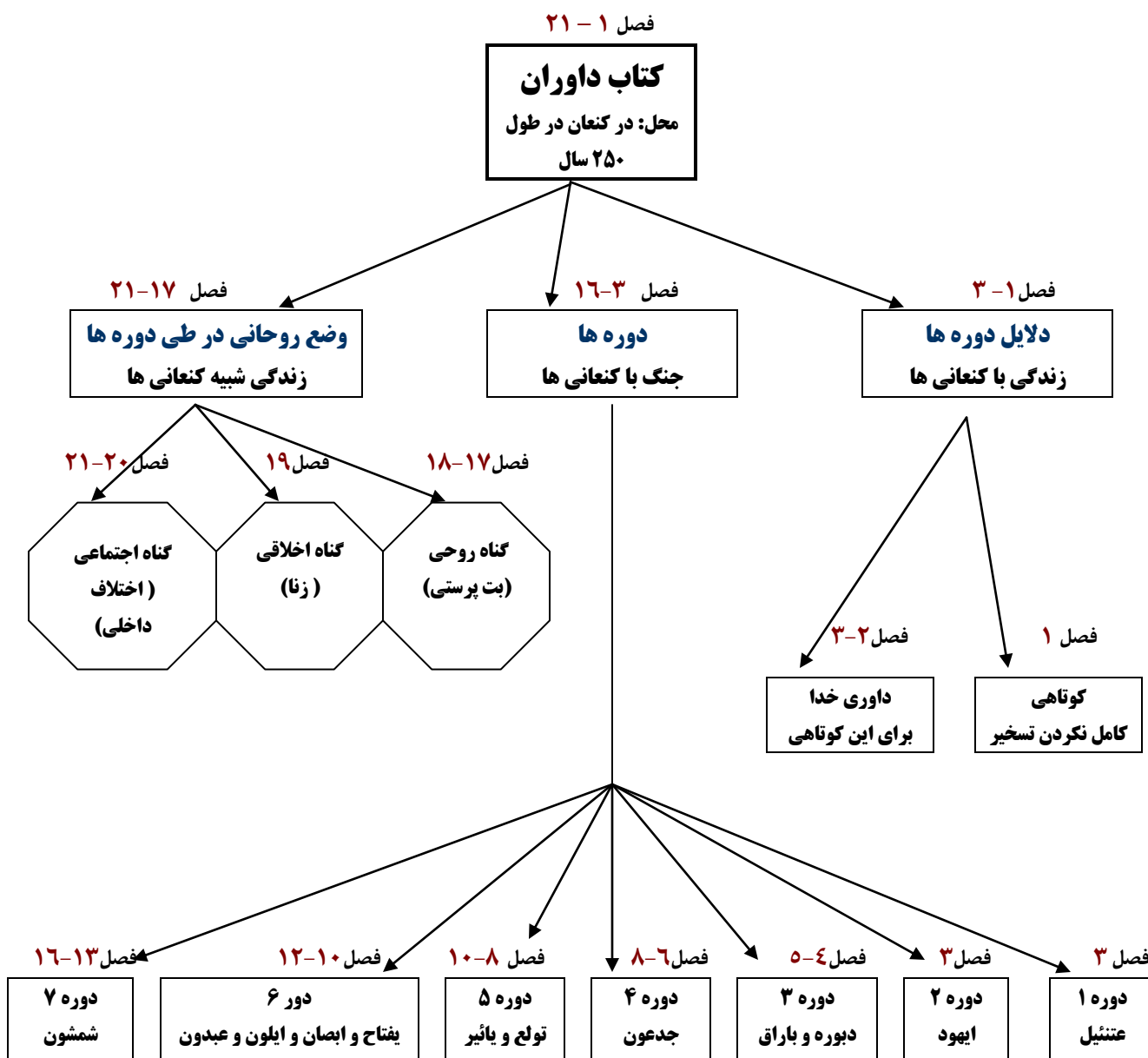
۴- نجات از دست دشمنان

۵- آرامش و برکت

اما متأسفانه اسرائیل هیچگاه از اشتباهات خود نمی آموزد و این ۵ مرحله، مرتب در زندگی آنها تکرار می شود.

تعداد داوران ۱۷ نفر می باشد که از ۱۳ داور در کتاب داوران و از ۴ داور در کتاب اول سموئیل نام برده شده است. داوران اصلی دبوره، جدعون، شمشون و سموئیل می باشند.

**۳) وضع روحانی در طی دوره ها (فصل های ۱۷ تا ۲۱)** \_ در این بخش، نگاهی به گذشته انداخته شده و نمونه هایی از گناهان قوم ذکر می شود. این جمله چند بار تکرار می شود که: «هرکس آنچه در نظرش پسند می آمد می کرد» (۱۷: ۶ و ۲۱: ۲۵). هرگاه انسان آنچه که به نظر خودش درست است را انجام می دهد، معمولاً "کاری می کند که در نظر خداوند شرارت است.



## مکاشفه عیسای مسیح

**داوران** \_ مانند داوران، عیسای مسیح نجات دهنده و داور عادل ماست (دوم تیموتاوس ۴ : ۵). او روزی دنیا را به عدالت داوری خواهد کرد (اعمال ۱۷ : ۳۱).

**ظاهر شدن به جدعون** \_ عیسای مسیح به جدعون ضعیف ظاهر شده با او صحبت مفصلی می کند و او را برای آزادی قوم مامور می کند (۶ : ۱۲-۲۶). در این آیات، عیسای مسیح ابتدا «فرشته خداوند» ، سپس «خداوند» و در آخر «یهوه» خوانده می شود. (کلمه «فرشته» در زبان عبری «مَلْک» به معنی فرستاده و پیغامبر می باشد).

**ظاهر شدن به مانوح** \_ عیسای مسیح به مانوح و زنش ظاهر شده و به آنها فرزندی می دهد (فصل ۱۳). وقتی از عیسای مسیح سوال می شود که اسم او چیست، جواب می دهد که اسم او «عجیب» است (۱۳ : ۱۸). در آخر جلوی چشم آنها در شعله آتش به آسمان صعود می کند (۱۳ : ۲۰).

## مکاشفه روح القدس

**روح مسح و قدرت** \_ روح القدس در برانگیختن و قدرت دادن به داوران بسیار فعال است :

- \* او بر عتئیل نازل می شود (۳ : ۱۰) .
- \* روح القدس جدعون را ملبس می سازد (روح القدس جدعون را می پوشد!) (۶ : ۳۴)
- \* او بر یفتاح می آید (۱۱ : ۲۹) .
- \* روح القدس شمشون را برانگیخته (۱۳ : ۲۵) و بر او مستقر می شود (۱۴ : ۶ و ۱۵ : ۱۴) .

**مشعل** \_ مشعل های لشکر جدعون نشانه روح القدس و سبوهای خالی نشانه انسانیت ما می باشد. برای آنکه شعله روح القدسی که در ما است بدرخشد و باعث پیروزی بر شیطان شود، باید این سبوها یعنی نفس ما شکسته شوند.

## دروس اصلی روحانی

**(۱) خدا صبور است اما بخاطر محبتی که به فرزندانش دارد، آنها را تنبیه می کند.**

در کتاب داوران، محبت و صبر خدا را می بینیم. هر موقع که قوم در گناه می افتادند، خدا اجازه می داد که دشمنانشان بر آنها پیروز شده و به آنها زورگویی و اجهاف کنند. این سختی ها کم کم آنقدر شدید می شد که در آخر قوم را به توبه می آورد. خدا بلافاصله توبه آنها را قبول کرده و آنها را از یوغ دشمنان آزاد می کرد. خدا هنوز عوض نشده است. بخاطر اینکه ما را چون فرزند دوست دارد، پس ما را تنبیه می کند تا که ما را به توبه بیاورد. چرا؟ تا اینکه دوباره در رابطه درست با او قرار گرفته و در زیر برکت او زندگی کنیم (عبرانیان ۱۲ : ۵-۱۱).

امروز با چه گناهی در زندگی سازش کرده اید؟ بدانید که برای این گناه بهای گزاف داده اید و خواهید داد. این گناه شما را به اسارت درآورده و تحت ضربه های شیطان قرار می دهد. توبه کنید تا خدا شما را نجات داده و با قدرت صاحب وعده ها و سرزمین موعود شوید. چرا فرزند خدا باشید اما بجای برکت، در بدبختی و اسارت شیطان زندگی کنید. حق و ارث شما خیلی بیشتر از این هاست. بدانید که اگر فرزند خدا هستید و در گناه ادامه می دهید، برکت از زندگی شما رفته و خدا اجازه می دهد در بدبختی و اسارت این دنیا گرفتار شوید تا اینکه توبه کنید.

## **(۲) خطر بزرگی که ما ایمانداران ایرانی را تهدید می کند این است که ایمان خود را به فرزندانمان انتقال ندهیم.**

نسل زمان یوشع، نسلی با ایمان، مطیع، غیور و شجاع بودند. اما خطای بزرگ آنها این بود که ایمان خود را به فرزندانمان منتقل نکردند. این خطری است که هر نسل ایماندار را تهدید می کند. بخصوص نسل ایمانداران فعلی ایرانی باید فرزندان غیور و پر از روح القدس تربیت کنند تا وسایل دست خداوند برای شکست شیطان و تصاحب زمین های او باشند. وگرنه نه تنها بچه های ما صاحب برکات نخواهند بود، بلکه همچنین در تمام عمر بازیچه دست شیطان و مورد ستم و آزار شیطان خواهند بود.

هدف ما نباید فقط به این محدود باشد که بچه های «خوب» تحویل جامعه بدهیم که نسبتا پاک زندگی می کنند و زندگی آرام و خوشبختی را دارند. بلکه باید هدف ما خیلی بالا تر از این ها باشد. یعنی اینکه باید بچه های ما پر از روح القدس بوده و زندگی آنها در این خلاصه باشد که خدا را جلال داده و ملکوت او را گسترش دهند. راستش را بخواهید هر موقع از پدر و مادرهای ایماندار ایرانی این جمله را می شنوم که «بچه های من بچه های خوبی هستند»، دل من به درد آمده و روح من محزون می شود. این فریب بزرگ شیطان است اگر به این قانع و راضی باشیم که بچه های ما نسبت به بچه های دنیا، «بچه های خوبی» هستند. خدا نمی خواهد ما نسلی را تحویل او بدهیم که «خوب» هستند، سرشان به کار خودشان گرم است. ممکن است در گناه نباشند اما برای خدا نیز بی ثمر هستند. نقشه شیطان همین است. خدا می خواهد ما سربازان به ملکوت خدا تحویل دهیم که زندگی آنها تسلیم خداوند است تا از آنها به هر نحوی که می خواهد استفاده نماید.

پس تست موفقیت ما والدین مسیحی تنها این نیست که آیا فرزندان ما نجات دارند یا نه بلکه تا چه حد برای ملکوت خدا موثر و برای ملکوت شیطان مخرب هستند. اما تازه این هم کافی نیست! آزمایش واقعی اینکه آیا ما والدین موفق بوده ایم در این است که آیا **نوه های ما** تا چه حد در روح قوی هستند و تا چه حد برای ملکوت خدا مفید و برای ملکوت شیطان مضر هستند (امثال ۱۷ : ۶) .

## **(۳) تحمل گناه دیر یا زود منجر به این می شود که آن گناه را بپذیریم.**

اگر ویروسی را نابود نکنیم دیر یا زود آن ویروس ما را نابود می کند. خدا از قوم اسرائیل خواست که همه اقوام فاسد و بت پرست در کنعان را بیرون کنند. اما اسرائیل این کار را کامل نکردند بلکه با بعضی اقوام سازش کردند. بخاطر داشته باشید که مسح خداوند بر کسی قرار می گیرد که نه تنها عدالت را دوست داشته باشد بلکه از گناه نفرت داشته باشد (عبرانیان ۱ : ۹).

خادم خدا باید با گناه سازش نکند. جدعون پاکسازی را اول از خودش (۶ : ۱۸) و خانه خودش شروع کرد (۶ : ۲۵\_۲۷). بخصوص با وسوسه گناه غرور مقاومت کرد و جلال را به خدا داد (۸ : ۲۲\_۲۳). برعکس شمشون با گناه راحت بود و دشمن (شیطان) ضربات گرانی بر او وارد آورد (۱۶ : ۲۱). شما با گناه در زندگی خود چگونه برخورد می کنید؟ آیا کمی از آنرا در زندگی خود تحمل می کنید؟ خداوند می خواهد که با هر گناه در زندگی خود با شدت برخورد کنید (متی ۱۸ : ۹) تا مسح و برکات او در زندگی شما جاری شود. بیایید با کوچکترین گناهی در زندگی خود سازش نکنیم. بیایید عدالت را دوست داشته و از گناه نفرت داشته باشیم. بیایید رابطه شیرین با خدا، مسح و برکت او را و ارث عظیم آسمانی خود را به لذت موقتی و تلخ مزه گناه نفروشیم.

#### **۴) خدا از انسان های ضعیف استفاده می کند که با ایمان، در او قوی شده و قومی را از اسارت شیطان به حضور خدا راهنما شوند.**

یهود بدون هیچ اسلحه ای و فقط با یک دشنه که خود ساخته بود، دشمن را نابود کرد. دبور، یک زن بود که به عنوان زن در فرهنگ آن زمان، در قوم خود احترامی نداشت و ضعیف حساب می شد. اما او یک نیبه بود که رهبری قوم را به دست گرفته و آنرا از دست دشمنانشان نجات داد. جدعون، شخصی که خود را کسی نمی دانست با یک لشکر کوچک، دشمن بیشمار را نابود کرد. گرچه جدعون خود را ضعیف می دید، عیسای مسیح او را «ای مرد زورآور» صدا می کند. روح القدس امروز هم به دنبال انسانهایی است که آنها را پوشیده (مانند جدعون) و از طریق آنها کارهای عظیم بکند.

شما خود را چگونه می بینید؟ ایمانتان باید نسبت به خودتان کم شود اما نسبت به خدایی که در شما ساکن است زیاد گردد. به ضعف های خود و محدودیت های خود نگاه نکنید بلکه به قدرت او که در شماست نگاه کرده و رویاهای بزرگ ببینید و برای خود هدف های عالی بگذارید.

#### **۵) خدا برای پیروزی های بزرگ به افراد زیاد احتیاج ندارد.**

خدا از جدعون سیاهی لشکر نخواست (۷ : ۲). خدا به سیاهی لشکر احتیاج ندارد. او از جدعون خواست که فقط با ۳۰۰ نفر سرباز جنگی دشمن را شکست داده و قوم خود را نجات دهد.

چند سال پیش خدا بطور واضح به من رویا و هدف داد که برای نجات ایران و ایرانی، هدف کوتاه مدت من در کلیسای ایرانیان باید این باشد که ۳۰۰ مرد و زن جنگی برای ملکوت خدا تربیت کنم. مردان و زنانی که مانند سربازان جدعون، شجاع (۷ : ۳) و آزموده شده (۷ : ۴) و هوشیار (۷ : ۵\_۸) و مطیع (۷ : ۱۷) و حاضر به مرگ (۷ : ۰۲) و با پشتکار و امین و تمام کننده کار (۸ : ۴) باشند تا بوسیله آنها ایران را نجات دهد. آن ۳۰۰ نفری که صبوی نفس خود را شکسته و اجازه دهند آتش روح القدس از درون آنها دشمن را فراری دهد.

آیا شما می خواهید یکی از این ۳۰۰ نفر باشید؟



### سوالات برای مرور درس

- (۱) کلمه کلیدی داوران چه می باشد؟
- (۲) کتاب داوران دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) دو نمونه و یا مکاشفه از عیسای مسیح را در داوران نام ببرید.
- (۴) کلمه «فرشته» به چه معنی می باشد؟
- (۵) هر دوره در داوران شامل ۵ مرحلهٔ مشخص می باشد. آنها را نام ببرید.
- (۶) دو مکاشفه از روح القدس را در داوران نام ببرید.
- (۷) سه درس روحانی از کتاب داوان را بیان کنید.
- (۸) مشعل های جدعون نشانه ..... و سبوهای خالی نشانه ..... می باشد.

# روت

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب نامعلوم می باشد ولی احتمالاً بوسیله سموئیل در حدود سال ۱۱۰۰ قبل از میلاد نوشته شده است.

## زمینه و موضوعات اصلی

کتاب روت داستان زیبای عشق و وفاداری است که در زمان داوران در اسرائیل اتفاق می افتد. این کتاب نقطه روشنی در سالهای تاریک داوران است. این کتاب داستان زنی غیریهودی (موآبی) است که مملکت خود و دین خود را ترک می کند تا خدای واقعی اسرائیل را بشناسد. روت در زمانی که تمام قوم اسرائیل نسبت به خدا بی وفا بودند، به خداوند یهوه وفادار می ماند و بخاطر همین، خدا به او پاداش داده و او را برکت می دهد. خدا به او نه تنها یک شوهر خوب و یک پسر می دهد بلکه به او مقام تاریخی مهمی را در شجره نامه عیسای مسیح عطا می کند.

کلمه «روت» به معنی «دوستی» می باشد.

این کتاب نشان می دهد که غیریهودی ها هم می توانستند خدای واقعی یهوه را بشناسند. یکی از دلایل نوشتن این کتاب این است که به یهودیان دوره داوران بگوید. «شما که به اصطلاح قوم خدا هستید، باید از خودتان خجالت بکشید. شما نسبت به خداوند یهوه وفادار نیستید اما یک زن غیریهودی وفادار است. شما در بی برکتی زندگی می کنید اما خداوند او را برکت می دهد.»

## کلمات کلیدی : محبت و وفاداری

## آیات کلیدی : ۱ : ۱۶ و ۳ : ۱۱

۱ : ۱۶ ..... « روت گفت بر من اصرار مکن که ترا ترک کنم و از نزد تو برگردم زیرا هر جائیکه روی می آیم و هر جائیکه منزل کنی منزل می کنم. قوم تو قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود. »  
۳ : ۱۱ ..... « و حال ای دختر من مترس. هرآنچه بمن گفתי برایت خواهم کرد زیرا که تمام شهر قوم من ترا زن نیکو می دانند. »

## فصل کلیدی : فصل ۴

در این فصل، در عرض ۲۲ آیه، روت از بیوه گی و فقر، به ازدواج و ثروت می رسد و مهم تر از همه جایی در شجره نامه عیسای مسیح کسب می کند.

## بررسی

روت داستان زنی عفیف می باشد که هم‌رنگ جامعه اش زندگی نمی کند. در دوران تاریکی (زمان داوران) که یهودیان در بت پرستی اقوام اطرافشان شریک بوده و نسبت به خدای خود بی وفا می باشند، روت که یک غیر یهودی است، برعکس آنها، در وفاداری نسبت به خدای زنده، زندگی پاکی دارد. خدا یک غیریهودی را برای یهودیان نمونه ایمان و اخلاق قرار می دهد تا آنها از خود و خدای خود خجالت بکشند.

در زیر دو کتاب روت و داوران (یعنی روحیه روت و روحیه یهودیان همزمان با او) مقایسه می گردد.

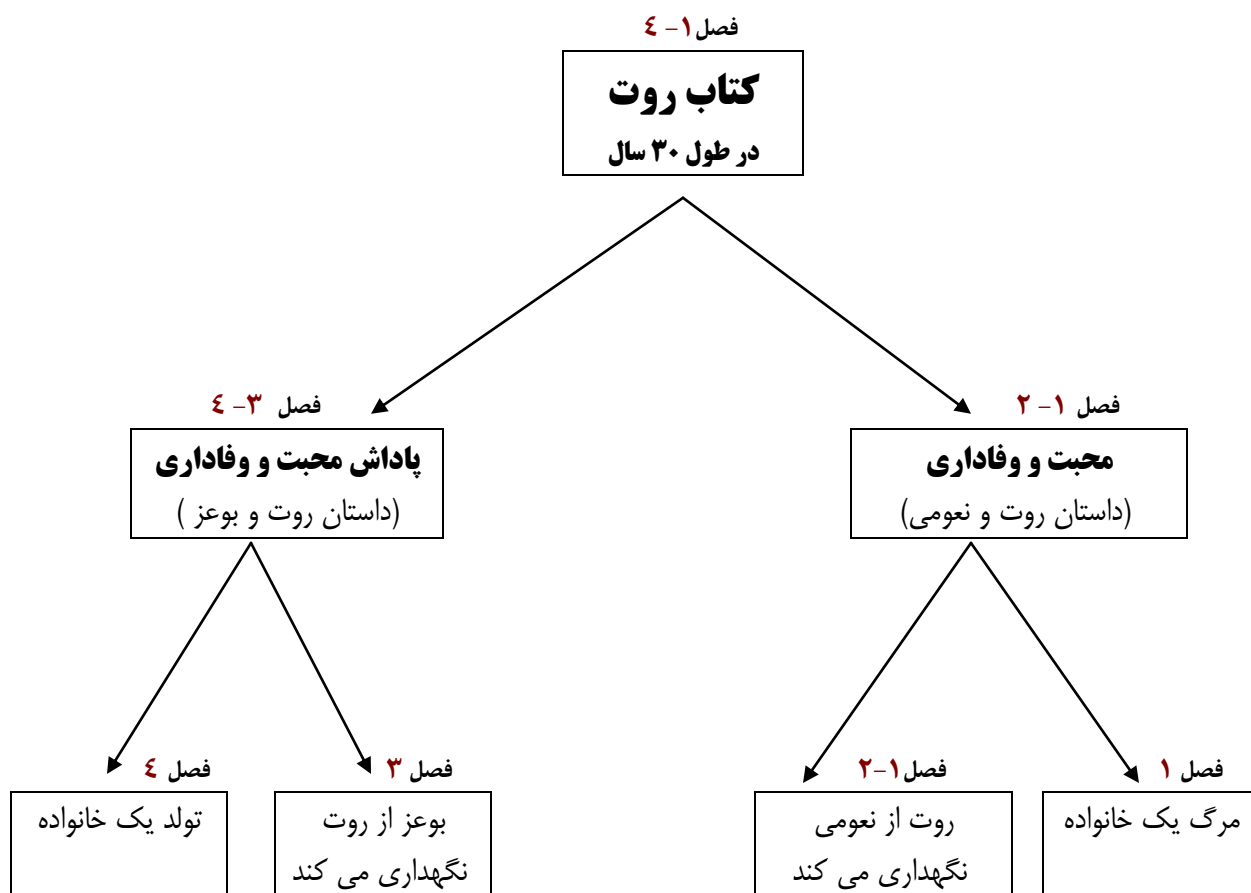
روت	داوران
وفاداری ، عدالت و پاکی	گناه و ناپاکی
دنباله روی از خدای حقیقی	بت پرستی
تعهد	بی وفایی
محبت	شهوت
آرامش	جنگ
مهربانی	خشونت
اطاعت و دریافت برکت خدا	بی اطاعتی و مصیبت دیدن
نور روحانی	تاریکی روحانی

کتاب روت دارای دو بخش اساسی می باشد.

**۱) محبت و وفاداری (فصل های ۱ تا ۲)** \_ داستان با قحطی در زمین کنعان شروع می شود که طبق تنبیه ۲۸-۳۰، بخاطر بت پرستی قوم می باشد. مردی به نام الیمک (به معنی «خدا پادشاه من است») بخاطر قحطی از بیت لحم (به معنی «خانه نان») به موآب می رود. پسرانش زنهای موآبی می گیرند. بعد از مرگ او و پسرانش، زنش نعومی (به معنی «با صفا و خوش مشرب») اسم خود را به مرّه («تلخ») عوض می کند و وقتی که می شنود قحطی به پایان رسیده، می خواهد به بیت لحم برگردد. عروس اولش به قوم خود و خدایان خود بر می گردد. اما به روت هرچه اصرار می کند که به قوم خود برگردد، روت نمی پذیرد. روت به خاطر محبت و وفاداریش، قوم خود، فرهنگ خود، زبان خود، کشور خود و دین خود را ترک می کند تا نعومی و خدای او را دنبال کند.

در بیت لحم روت در منزل خویشاوند خود بوعز («در او قدرت است») برای امرار معاش خوشه چینی می کند.

**۲) پاداش محبت و وفاداری (فصل های ۳ تا ۴)** \_ در این فصول، خدا به ایمان روت پاداش داده و او را برکت می دهد و اجازه می دهد با مرد ثروتمند و خدا شناسی چون بوعز ازدواج کند. ثمره این ازدواج عوبید، پدر بزرگ داود می باشد که از آن نسل عیسیای مسیح نجات دهنده عالم به دنیا آمد.



### مکاشفه عیسای مسیح

**بو عز (ولی)** \_ بو عز نمونه ای از مسیح می باشد. کلمه « ولی » که ۱۳ بار در این کتاب کوتاه بکار برده شده است، نمونه کار مسیح می باشد. « ولی » شخصیت خاصی در عهد عتیق می باشد. در شریعت یهود، ولی کسی است که یکی از اعضای خانواده خود را باز خرید می کند. یک « ولی » برای آنکه حق باز خرید داشته باشد، می بایست واجد شرایط زیر می بود : (۱) خود او شخص آزاد باشد، (۲) او می بایست از لحاظ مالی قادر باشد قیمت باز خرید را برای خویشاوند خود بدهد، (۳) او باید داوطلبانه حاضر باشد که این قیمت را بپردازد و خویشاوند خود را خریده و آزاد کند.

عیسای مسیح « ولی » ما بوده و واجد همه این شرایط می باشد. او مانند ما بود اما مانند ما در بند گناه نبود بلکه از گناه آزاد بود. او قادر بود قیمت باز خرید ما را روی صلیب بدهد و او با جان و دل بخاطر محبتی که به ما داشت حاضر شد داوطلبانه این بهای گزاف را بپردازد.

## مکاشفه روح القدس

**نعومی** \_ گرچه کلمه روح القدس در این کتاب به کار برده نشده است، اما نقشی که نعومی در این کتاب بازی می کند، بسیار شبیه نقش روح القدس است. نعومی کسی است که به فکر آینده روت (نمونه یک ایماندار) می باشد. اوست که روت را با بوعز (نمونه عیسای مسیح) آشنا میکند و ترتیب ازدواج آنها را می دهد. به همین صورت روح القدس به فکر ماست و ما را به عیسای مسیح راهنمایی می کند و ما را با او آشنا می کند تا به عقد روحانی او درآییم و متعلق به او گردیم.

## دروس اصلی روحانی

### **(۱) در هر خانواده (و در کلیسا که خود یک خانواده است) می توان دو نوع رابطه داشت.**

یا رابطه از نوع عُرْفه یا رابطه از نوع روت. رابطه از نوع عُرْفه برپایه محبت انسانی و احتیاجات جسمانی بنا شده است. این نوع رابطه تا وقتی ادامه دارد که طرفین نقطه مشترکی دارند و احتیاج خاص هر دو برطرف می شود. زمانی که این نقطه مشترک از بین رود و یا به دلیلی به احتیاجات یکدیگر نرسند، هر کدام راه خود را گرفته از هم جدا می شوند.

بسیاری از زن و شوهرها و بسیاری از دوستی ها بر اساس این نوع رابطه است. یعنی رابطه تا وقتی ادامه پیدا می کند که برای طرفین نفع داشته باشد. وقتی نقطه مشترک وجود ندارد یا به یکی از طرفین نفعی نمی رسد، آماده هستند دوستی ها را قطع کرده و یا طلاق بگیرند. حتی گاهی رابطه یک شخص با کلیسا نیز از همین نوع رابطه می باشد. تا وقتی بودنش در کلیسا به او نفع می رساند، در کلیسا دیده می شود و وقتی نفع شخصی به او نرسد، خیلی راحت خدا حافظی کرده (وگاهی هم بدون خدا حافظی!) کلیسا را ترک می کند.

رابطه نوع دوم از نوع روت می باشد که برپایه محبت الهی و از خودگذشتگی بنا شده است. این رابطه عمیق تر و بالاتر از احتیاجات امروز و وقایع فردا می باشد. این رابطه هیچگاه گسیخته نمی شود (طلاق در خانواده و ترک کلیسا برای چنین شخصی وجود ندارد) چون بر پایه تعهد و وفاداری به خود خدا و محبت الهی به یکدیگر بنا شده است. این رابطه می گوید: «هرجاییکه بروی می آیم و هر جاییکه منزل کنی منزل می کنم. قوم تو قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود. جاییکه بمیری می میرم.»

رابطه شما با همسران و دوستانان از چه نوع می باشد؟ رابطه تان با کلیسا از چه نوع می باشد؟ یک خادم خدا رابطه ای جز از نوع روت و نعومی ندارد.

### **(۲) خدا همیشه به فکر نجات تمام بشر بوده است و هست.**

او افرادی غیر یهودی مانند راحاب و روت را نه تنها با نقشه خاصی نجات می دهد، بلکه به آنها نقش اساسی در نجات بشر می دهد. خدا برای اقوام مختلف راههای مختلف (ادیان مختلف) نهاده است تا نجات یابند. در همه اعصار و در همه قوم ها، تنها راه نجات، ایمان به یهوه، تنها خدای حقیقی بوده است. دید خدا همیشه جهانی بوده است زیرا او خدای جهان است و همه جهانیان را دوست دارد. محبت او و نقشه او برای نجات بشر را می توان در

و عده هایی که به ابراهیم، اسحق، یعقوب و یوسف داد مشاهده نمود. نجات راحب و روت و ماموریتی که به یونس داد همه نشان دهنده این است که قلب خدا آنقدر بزرگ است که تمام جهان و جهانیان در آن جای دارند. خداوند به فکر نجات ایران بوده و می باشد و از وقایع تاریخی (حتی از وقایع تلخ) استفاده کرده و خواهد کرد تا ایرانیان را نجات بخشد. خدا نه تنها به فکر ایران و ایرانی می باشد، بلکه به فکر نجات تمام اقوام و ملت های خاورمیانه می باشد که در بند شریر گرفتار می باشند. نقشه خداوند این است که ابتدا ایران را نجات داده و از اقوام داخل ایران (کرد، ترک، عرب، ترکمان، بلوچ، فارس، ...) برای نجات اقوام دیگر در خاورمیانه استفاده نماید.

### ۳) شخصیت نیکوی روحانی را خدا احترام می کند و برکت می دهد.

روت شخصیتی است وفادار، با محبت، متعهد، فروتن، حاضر به خدمت و امین در کاری که به او سپرده می شود. همانطور که در عهد جدید نیز می بینیم، وفاداری و امانت برای خدا مهم و با ارزش است (متی ۲۵ : ۲۱-۲۳). خدا شخصی را که به تعهدات خود وفادار می باشد را برکت می دهد. او قول می دهد کسی که در چیزهای کوچک امین و وفادار باشد را برکت داده و چیزهای عظیم به او بسپارد.

این دروغ شیطان و دنیا را نپذیرید که انسان نیکو و روراست «کلاشه پس معرکه» است و در این دنیا اگر می خواهی بجایی بررسی باید به هر کاری دست بزنی. خداوند خود پشتیبان کسی است که شخصیتی مسیحی وار دارد و با گناه سازش نمی کند. چه بسیار چنین اشخاص را خدا در زندگی موفق می گرداند و ترفیع مقام می دهد. زمانی که در کلیسای والنات کریک خدمت می کردم، یکی از عزیزان آنجا به دنبال کاری در سن حوزه بود. کاری بسیار عالی با حقوق بیشتر و شرایط بهتر به او پیشنهاد شد. اما شرطش این بود که این شخص بلافاصله از هفته بعد در این کار جدید مشغول شود. بعد از مشورت با من، این ایماندار، به این صورت به آنها جواب داد : «من کار شما را دوست دارم ولی نمی توانم هفته آینده آنطور که خواسته بودید سرکار شما حاضر شوم. دلیلش این است که اولاً نمی خواهم شرکت فعلی خود را ناگهان دست تنها بگذارم. آنها به من پروژه ای داده اند و من می خواهم در این کار امین باشم و اول آن را به پایان برسانم. ثانیاً "در کلیسایی که هستم، نیز وظایفی دارم که کسی را باید بجای خود تربیت کنم.»

پس از شنیدن این جواب، فکر می کنید این شرکت به او چه گفتند؟ آیا گفتند : «نه پس اگر نمی توانی زود بیایی پیشنهاد کاری ما را فراموش کن؟» خیر! بلکه گفتند : «ما تا بحال با شخصی مثل تو برخورد نکرده ایم که اینقدر نسبت به کارش امین و وفادار باشد. وظایف خود را جدی بگیرد و کار را در نیمه رها نکند. بخاطر جوابی که دادی تازه تو را بیشتر از قبل می خواهیم. حاضریم منتظر تو بشویم که کارت را آنجا تمام کنی و بعلاوه حقوق بالاتر از آنچه که قبلاً به تو پیشنهاد کردیم، اکنون به تو پیشنهائی می کنیم.»

خدا امانت و وفاداری و شخصیت نیکویی مسیحی ما را سر کار برکت می دهد. لازم نیست از روشهای نادرست دنیای برای پیشرفت کارمان و ترفیع مقام استفاده نماییم.

#### **(۴) ایمان ما باید بر فرهنگ و زبان و قومیت و غیرت ملی ما ارجحیت داشت باشد.**

روت به خاطر محبت و وفاداریش، حاضر شد که قوم خود، فرهنگ خود، زبان خود، کشور خود و دین خود را ترک کند تا نعومی و یهوه خدای او را دنبال کند.

ما نیز باید دنبال کردن و اطاعت خدا را در زندگی خود اول قرار دهیم و آنرا بالاتر از ایرانی بودنمان، بالاتر از زبانمان، بالاتر از فرهنگمان و بالاتر از خانواده غیر ایماندار خود قرار دهیم. گرچه باید قوم خود، زبان خود، فرهنگ خود را دوست بداریم و برای نجات ایران و ایرانی با غیرت و جدیت فعالیت کنیم، اما باید همواره هوشیار باشیم که تعهد اول و اصلی ما به خدا است که بالاتر و مهم تر از غیرت ایرانی بودن ما می باشد.

ما نباید فرهنگ خود را بیشتر از خدا دوست داشته باشیم. افتخار ما به ایران هیچگاه نباید بیشتر از این افتخار باشد که فرزند خدا هستیم. باید آماده باشیم آن قسمت از فرهنگ ما که با کلام خدا تطابق ندارد را دور ریخته و از خود دور کنیم.

نباید اصرار کنیم که چون اینجا کلیسای ایرانیان است، در کانون شادی حتما فارسی صحبت کرده شود که اکثر بچه ها آن را خوب نمی فهمند. چرا که باید تربیت روحانی بچه های ما بالاتر از زبان فارسی باشد. البته باید در آموزش زبان فارسی به بچه هایمان کمال سعی و کوشش را بکنیم ولی نه به قیمت نجات روحانی و رشد شخصیتی آنها و رابطه آنها با خدا.

#### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی روت چه می باشد؟
- (۲) کتاب روت دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) در کتاب روت، بوعز نمونه ای از ..... و نعومی نمونه ای از ..... می باشد.
- (۴) کلمات زیر به چه معنی هستند؟  
روت ..... بیت لحم ..... نعومی .....
- (۵) «ولی» چه کسی می باشد؟
- (۶) دو درس روحانی از کتاب روت را بیان کنید.
- (۷) دو رابطه از نوع «عرفه» و «روت» را توضیح دهید.

# اول سموئیل

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب نامعلوم است اما کتاب های سنتی یهود، سموئیل نبی را نویسنده آن می دانند. (البته غیر از قسمتی که راجع به مرگ خود او صحبت می کند یعنی ۲۵ : ۱). تاریخ نگارش، حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد تخمین زده می شود. کلمه «سموئیل» به معنی «از خدا خواسته» یا «از خدا شنیده» می باشد.

## زمینه و موضوعات اصلی

این کتاب توضیح می دهد که چگونه رهبری قوم اسرائیل از داوران به پادشاهان رسید. این کتاب ۹۴ سال تاریخ قوم را از تولد سموئیل (۱۱۰۵ قبل از میلاد) تا مرگ شائول (۱۰۱۱ قبل از میلاد) بیان می کند. در این کتاب، با سموئیل (آخرین داور)، دوران ۳۵۰ ساله داوران تمام شده و با شائول (اولین پادشاه)، دوران ۵۰۰ ساله پادشاهی شروع می شود.

در اواخر دوره داوران، قوم عملاً "پادشاهی آسمانی یهوه را رد کرده و خواستار یک پادشاه زمینی شدند. متأسفانه برای انسانها راحت تر است که یک پادشاه انسانی را پیروی کنند تا یک پادشاه آسمانی را. قوم اسرائیل می خواهد و اصرار می کند که مانند اقوام دیگر بوده و پادشاه داشته باشند، در صورتیکه خدا می خواهد آنها با اقوام دیگر فرق داشته و خود او پادشاه آنها باشد. اما در هر صورت، خدا به این درخواست آنها جواب مثبت داده و شائول را که انتخاب مردم است، پادشاه می سازد. اما شائول پادشاه خوبی نمی باشد و یاد نمی گیرد که «اطاعت بهتر از قربانی است». پس از خدا بی اطاعتی کرده و بوسیله خدا رد می شود. شائول به خاطر خشم و حسادت، تعادل فکری خود را از دست داده و به حماقت و گناه کشیده می شود. پس خدا داود را به پادشاهی انتخاب می کند. داود شخصی مطیع، فروتن، حکیم و کاملاً وابسته به خدا می باشد.

سموئیل نیز در این کتاب شخصیت بسیار مهمی است. او نمونه خوبی از یک نبی است و نشان می دهد نقش یک نبی در رابطه با پادشاه و مردم باید چه باشد. خدمت نبوت، بوسیله سموئیل پایه گذاری شده و گسترش می یابد بطوریکه بعد از او انبیای بسیاری در قوم خدمت می کنند و نبوت و خدمت یک نبی، امری عادی در میان قوم می شود.

کلمه یهوه صبايوت (به معنی «خدای لشکرها») برای اولین بار، در این کتاب بکار برده شده است (۱ : ۳). عیسیای مسیح، حداقل در دو مورد از کتاب اول سموئیل نقل قول می کند (۲۱ : ۶ را در متی ۱۲ : ۳-۴ و ۱۶ : ۷ را در لوقا ۱۶ : ۱۵).



### **کلمات کلیدی :** انتقال پادشاهی

در این کتاب پادشاهی دوبار منتقل می شود. ابتدا پادشاهی از خدا به شائول منتقل می شود و بعد، بخاطر گناه شائول، پادشاهی از او گرفته شده و به داود منتقل می شود.

### **آیات کلیدی :** (۸ : ۷-۴ و ۱۵ : ۲۲-۲۳)

۸ : ۷-۴ « پس جمیع مشایخ اسرائیل جمع شده نزد سموئیل به رامه آمدند و او را گفتند : اینک تو پیر شده ای و پسرانت به راه تو رفتار نمی نمایند پس الان برای ما پادشاهی نصب نما تا مثل سایر امتهای بر ما حکومت نماید. و این امر در نظر سموئیل ناپسند آمد چونکه گفتند ما را پادشاهی بده تا بر ما حکومت نماید و سموئیل نزد خداوند دعا کرد و خداوند به سموئیل گفت آواز قوم را در هر چه به تو گفتند بشنو زیرا که ترا ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند تا برایشان پادشاهی ننمایم.»

۱۵ : ۲۳-۲۲ « سموئیل گفت : آیا خداوند به قربانی های سوختنی و ذبایح خشنود است یا به اطاعت فرمان خداوند؟ اینک اطاعت از قربانی ها و گوش گرفتن از پیله قوچها نیکوتر است. زیرا که تمرد مثل گناه جادوگری است و گردنکشی مثل بت پرستی و ترافیم است. چونکه کلام خداوند را ترک کردی، او نیز ترا از سلطنت رد نمود.»

### **فصل کلیدی :** فصل ۱۵

در این فصل، خدا پادشاهی را از شائول به داود منتقل می کند. در هر دو انتقال رهبری که در اول سموئیل وجود دارد، خدا بخاطر گناه، برکت را از یکی گرفته و به دیگری منتقل می کند. سموئیل به شائول می گوید : «چونکه کلام خداوند را ترک کردی، او نیز ترا از سلطنت رد نمود.» (۱۵ : ۲۳)

### **بررسی**

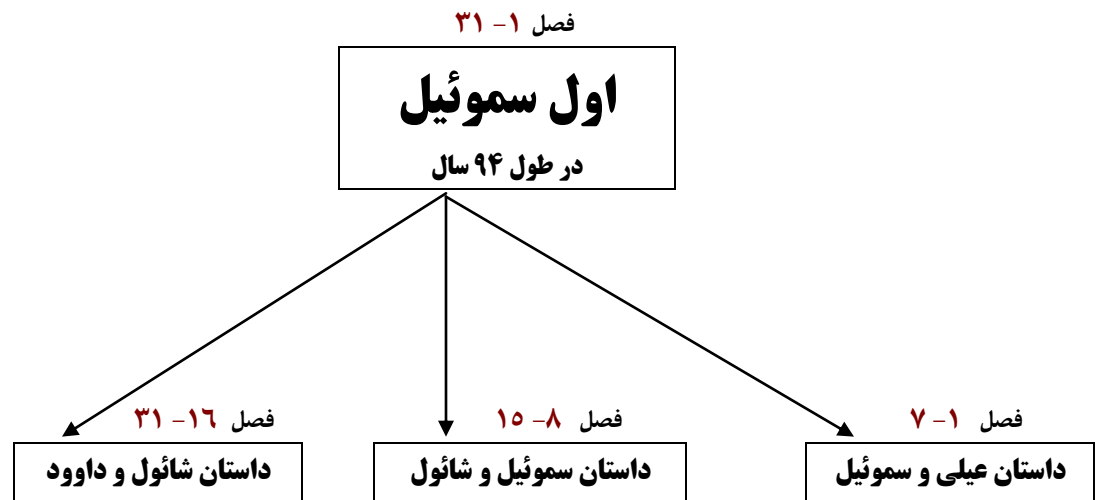
کتاب اول سموئیل، از زندگی ۴ شخصیت صحبت می کند : عیسی، سموئیل، شائول و داود.

**(۱ داستان عیسی و سموئیل (فصل های ۱ تا ۷) \_** تولد سموئیل و خوانده شدن او بوسیله یهوه در فصل های ۱ تا ۳ شرح داده می شود. در زمانی که «کلام خداوند نادر بود»، بخاطر حساسیتی که سموئیل نسبت به خدا دارد، خداوند او را به عنوان نبی می خواند. پسران شیریر عیسی باعث شکست اسرائیل در مقابل فلسطینی ها می شوند. در نتیجه تابوت عهد خداوند به دست فلسطینی ها می افتد.

اما خدمت نبوت سموئیل باعث بیداری روحانی، بازگشت تابوت عهد خداوند و شکست فلسطینی ها می شود (فصل ۷).

**۲) داستان سموئیل و شائول (فصل های ۸ تا ۵۱)** \_ قوم از سموئیل تقاضای پادشاه می کنند و با اجازه خدا، سموئیل شائول را پادشاه می کند. شائول خوب شروع می کند (فصول ۹-۱۱) اما بعد با وجود اخطارهای سموئیل در گناه می افتد. او خودسرانه نقش کاهن را ایفا کرده و قربانی می گذراند. با قوم عهد انسانی می بندد (۱۴ : ۲۴)، از دستور خدا در مورد نابودی عمالقه سرپیچی می کند و هنگامی که بوسیله سموئیل توبیخ می شود، بسیار ضعیف عمل کرده و فقط توبه ای ظاهری می کند تا مردم نسبت به او فکر بد نکنند.

**۳) داستان شائول و داود (فصل های ۶۱ تا ۱۳)** \_ وقتی خدا شائول را رد می کند، از سموئیل می خواهد که داود را به عنوان پادشاه انتخاب کند. داود در دربار، شائول را خدمت می کند. او با شجاعت و ایمان، جلیات را شکست می دهد (۱۷). شائول از روی حسادت همواره در پی کشتن داود است. اما پسرش یوناتان، داود را بسیار دوست داشته و او را انتخاب الهی می داند بطوریکه حتی حاضر است از تخت پادشاهی خود بخاطر داود بگذرد. پس از مرگ سموئیل (۲۵ : ۱)، شائول که از مقابله با فلسطینی ها می ترسد به یک فالگیر رجوع می کند تا روح سموئیل را احضار کند. خدا اجازه می دهد سموئیل ظاهر شود. سموئیل او را توبیخ کرده و مرگ او و پسرانش را در جنگ روز بعد پیشگویی می کند. شائول در آخر خودکشی می کند.



### مکاشفه عیسیای مسیح

**سموئیل** \_ سموئیل به عنوان کسی که در آن واحد نبی، کاهن و داور است، شبیه مسیح می باشد.

**داوود** \_ یکی از نمونه های مهم مسیح در عهد عتیق، داود می باشد. داود مانند مسیح، در بیت لحم به دنیا آمد، شبان بود و در آخر پادشاهی کرد. او در مزامیر پیشگویی های زیادی در مورد مسیح می کند. مسیح بارها پسر داوود خوانده می شود (رومیان ۱ : ۳ و مکاشفه ۲۲ : ۱۶).

**پیشگویی حنا** \_ حنا بعد از آنکه خداوند سموئیل را به او می دهد، سرودی زیبا می خواند و در آن سرود، در مورد شبانی و پادشاهی مسیح پیشگویی می کند (۲ : ۷ \_ ۱۰). کلمه «مسیح» اولین بار در کتاب مقدس در این کتاب و در آیه ۲ : ۱۰ بکار برده شده است.

## **مکاشفه روح القدس**

**روح نبوت** \_ روح القدس در اول سموئیل فعالیت خاصی دارد. بعد از آنکه برای دوره ای نبوت متوقف شده بود (۳ : ۱) با آمدن سموئیل روح نبوت آزاد می شود بطوریکه در عرض مدت کمی گروهی از انبیاء یافت می شوند (۱۰ : ۱۰ و ۱۹ : ۲۰). روح القدس حتی بر قاصدان شائول آمده و آنها هم نبوت می کنند (۱۹ : ۱۹ \_ ۲۱).

**نبوت و تبدیل شدن شائول** \_ وقتی روح القدس بر شائول آمد، او نبوت کرده و «به مرد دیگری مبدل» شد (۱۰ : ۶ و ۱۹ : ۲۳ \_ ۲۴) بطوریکه دیگران هم متعجب شدند که شائول هم نبوت می کند!

**پری و کنترل** \_ روح القدس بر داود «مستولی» شد (۱۶ : ۱۳).

**روغن** \_ روغن نشانه روح القدس می باشد (۱۰ : ۱ و ۱۶ : ۱۳). مسح کردن با روغن سمبل مسح روح القدس می باشد.

## **دروس اصلی روحانی**

### **۱ - خداوند به قلب نگاه می کند نه به ظاهر.**

انسانها به ظاهر نگاه کردند و شائول خوش قیافه و قد بلند را انتخاب کردند. اما خدا به قلب نگاه کرده و داود را انتخاب کرد. داود، پسرپچه ناچیز و ضعیفی بود که حتی برادرانش و پدرش برای او ارزشی قابل نبودند و اصلاً فراموش کردند او وجود دارد! ولی قلب راستین و آماده او را خداوند می دید. انسان برای انتخاب رهبر به ظاهر نگاه می کند. آنها جذب کسی می شوند که ظاهری جذاب و مردم پسند داشته و قوی، خوش قیافه و رهبری توانا باشد و بخصوص خوش صحبت باشد. اما برای خدا، قلب و شخصیت درونی که شبیه مسیح باشد مهم است او برای انتخاب خود، به قلب نگاه می کند (۱۶ : ۷).

در انتخاب رهبران در کلیسا باید بیشتر از هر چیز به قلب و شخصیت افراد نگاه کرد تا به ظاهر آنها. میوه های روح القدس مهم تر هستند از عطایای روح القدس چرا که میوه های روح القدس نشان دهنده شخصیت درونی و روحانی او می باشند اما عطایا، قابلیت و عملکرد بیرونی او را نشان می دهند. خدا در وهله اول، به قلب و روحیه نگاه می کند پس ما نیز باید دید خدا را داشته باشیم.

چون خدا به قلب نگاه می کند، پس خادم خدا باید همواره مواظب قلب خود باشد. چون گرچه ممکن است در مقابل دیگران بتوانیم ظاهر را حفظ کنیم، اما خداوند قلب ما را دیده و اگر قلب و روحیه غلط در ما ببیند، ما را برکت نمی دهد. اگر قلب ما درست باشد، حتی ممکن است دیگران ما را رد کنند، اما خداوند ما را تایید کرده و زندگی و خدمت ما را برکت می دهد.

## ۲- گناه سرکشی و بی اطاعتی از نظر خدا بسیار جدی است.

خدا قبل از هر چیز، اطاعت ما را می خواهد نه خدمت هایی که برای او می کنیم. ما روحیه سرکشی در فرزندانمان و در کلیسا را اکثر مواقع سرسری می گیریم اما خدا بسیار جدی می داند. چرا؟ چون گناه سرکشی مساوی با جادوگری می باشد (۱۵ : ۲۳). اما جادوگری چیست؟

چند سال پیش، روزی دخترم با روحیه سرکشی و بی اطاعتی با من و مادرش برخورد کرد. این آیه را به او نشان دادم و پرسیدم جادوگری چیست؟ گفت: «جادوگری چیزی شبیه پرستش است. اما بجای اینکه خدا را پرستی و او را به زندگی خود دعوت کنی، شیطان را می پرستی و شیطان را به زندگی خود دعوت می کنی.» بله، جادوگری پرستش شیطان و خدمت کردن روحهای شریر و دعوت کردن آنها به کنترل کردن زندگی می باشد! پس اگر فرزندانمان یا کسی در کلیسا روحیه سرکشی دارد، حتی اگر به ظاهر خداپرست است، اما در عمل دارد جادوگری می کند. یعنی دارد شیطان را می پرستد، روح های شریر را خدمت می کند و دارد از دیو ها درخواست می کند که زندگی او را کنترل کنند. خود شیطان منبع روح بی اطاعتی و سرکشی است و به همین دلیل بود که از درگاه خدا رانده شد. او می خواهد همین روحیه را در خانواده ها و کلیساها بیاورد تا کنترل آنها را به دست بگیرد.

روحیه شما در این مورد چگونه می باشد؟ تا چه حد به شیطان در زندگی خود جای پا داده اید؟ نسبت به کسانی که خدا بر شما قرار داده (همسر، پدر و مادر، کارفرما، رهبران کلیسا) آیا روحیه مطیع دارید؟ وقتی که آنها حرفی می زنند و یا تصمیمی می گیرند که با آن موافق نیستید، عکس العمل شما چیست؟ به یاد داشته باشید، تست اطاعت زمانی نیست که با تصمیمات این افراد موافق باشید بلکه زمانی است که با آنها موافق نمی باشید.

## ۳- مقابله داود و جلیات نمونه ای از جنگ ما با شیطان است.

از فصل ۱۷، درسهای زیادی در مورد جنگ روحانی می گیریم. داود نمونه ای از یک ایماندار است و جلیات نمونه شیطان است. روبرویی داود و جلیات نمونه روبرویی و جنگ هر مسیحی با شیطان می باشد. در جنگ روحانی، باید با ایمان و شجاعت در نام خداوند در مقابل شیطان ایستاد و از هیکل او، اسلحه های او و بخصوص زبان او و تهدید های او نترسید. باید دانست که وقتی با نام خداوند جلو می رویم، پیروزی از آن ما می باشد.

## ۴- فروتنی و صبر را می توان از داود آموخت.

داود گرچه برای پادشاهی مسح شده بود، اما نمی خواست پادشاهی را به زور بگیرد. او با فروتنی، به مقام شائول به عنوان پادشاه برگزیده خداوند احترام می گذاشت و او را «مسیح خداوند» می خواند. در دو موقعیت داود می توانست شائول را نابود کند، ولی نکرد (۲۴-۲۶). او حتی وقتی گوشه ای از لباس شائول را می بُرد از این امر مضطرب و ناراحت است. او نه تنها خود به شائول صدمه نمی زند، بلکه نمی گذارد حتی دوستانش نیز به شائول آسیب برسانند (۲۴ : ۷-۶).

اگر حس می کنید که خداوند شما را مسح کرده و برای خدمت خاصی خوانده است، ممکن است که دیگران در حال حاضر آن را نبینند. در این مورد چکار می کنید؟ آیا تلخ شده و یا سعی خواهید کرد آن خدمت را

به زور به دست آورید؟ اگر واقعا مسح و خواندگی شما از خداوند است، می توانید خیالتان راحت باشد که کسی که شما را خوانده، خود پشتیبان شما است و شما را تایید کرده و جلو خواهد برد. لازم نیست زور بزنید بلکه با فروتنی، صبر کنید. بخصوص مواظب روحیه خود باشید که تلخ نشوید و مواظب رفتار خود با رهبران باشید که در اطاعت و احترام باشید. بسیار مواظب باشید که خود شما خطا نکرده و از دور مسابقه خارج نشوید. چون در این صورت است که می توانید مطمئن باشید اگر کسی هم با شما مخالفت کرد، با خود خدا روبرو می باشد و حتی اگر لازم باشد، خود خدا او را برخواهد داشت (همانطور که با شاول کرد).

#### **۵- عیسی نمونه غلط تربیت فرزندان می باشد.**

عیسی خود گرچه کاهنی بود اما فرزنداناش خداوند را نمی شناختند و در گناه زندگی می کردند (۲: ۱۲-۱۷ و ۲۲). عیسی نمونه کسانی است که فرزندان خود را در ظاهر بسیار دوست دارند و آنها را آزاد گذاشته و تنبیه و تربیت نمی کنند (محبت انسانی) ولی در عمل دشمن آنها هستند و هلاکت آنها را تدارک می بینند (۲: ۲۹). بخاطر چنین محبت انسانی است که عیسی فرزنداناش را تربیت نمی کند و از خطاهای آنها آسان می گذرد (۲: ۲۳-۲۵). و در نتیجه لعنت و داوری و مرگ زودرس را بر فرزندان خود می آورد (۳: ۱۳). متأسفانه حتی بعد ها می بینیم سموئیل نیز فرزندانای شایسته تربیت نمی کند (۸: ۱-۴) چرا که شاید پدر بودن را از عیسی فرا گرفته است. طرز تربیت فرزندان یک خادم نه تنها آینده خود آنها را تعیین می کند، بلکه تاثیر مثبت یا منفی بر همه کلیسا دارد. برای همین است که در عهد جدید، شرط رهبری در کلیسا، اداره و تربیت فرزندان شایسته است (اول تیموتائوس ۳: ۴ و تیطس ۱: ۶). کسی که در مورد تربیت فرزنداناش جدی نیست و فکر می کند که محبت یعنی اینکه آنها را تنبیه نکند، در حقیقت فرزنداناش را دوست ندارد بلکه خودش را دوست دارد و از آنها عملا متنفر می باشد چرا که دارد اسباب هلاکت آنها را فراهم می سازد. شما فرزندان خود را چگونه تربیت می کنید؟ آیا در پاکی زندگی می کنند؟ آیا برای خدا و مسائل روحانی و کلیسا ارزش قائل هستند؟

#### **۶- دوستی داود و یوناتان نمونه زیبایی از دوستی روحانی دو ایماندار است.**

این دو، در دل با هم متحد بودند و یکدیگر را چون نفس خود دوست می داشتند (۱۸: ۱). یوناتان که خود شاهزاده و وارث تاج و تخت بود، مسح و خواندگی را در داود می دید و حاضر بود بخاطر دوست خود از تاج و تخت پادشاهی بگذرد و پیشرفت و موفقیت او را مقدم بر خود می دید. همه ما به چنین دوستی هایی احتیاج داریم. برای این منظور، لازم است خود ما چنین دوستی برای دیگران باشیم. آیا حاضرید بخاطر دوستان از حق خود بگذرید؟

#### **۷- خادم خدا سختی ها را از چشم خدا و برای بنای خود می بیند.**

باید دانست که روش خدا این است که او خادم خود را در سختی ها آماده می کند. ما نمی توانیم اعمال دیگران و بسیاری از سختی هایی که برای ما پیش می آید را کنترل کنیم اما عکس العمل خود را می توانیم کنترل کنیم.

این انتخاب ماست که در مقابل سختی ها روح تلخ پیدا کنیم یا مانند داود شیرین تر و شیرین تر شده و به خدا محتاج تر و نزدیک تر شویم.

داود سالها بعد از آنکه برای پادشاهی مسح شد در گریز و فرار زندگی می کرد و بارها جانش در خطر افتاد. این سختی ها شخصیت او را ساخت، و او را بسیار به خدا نزدیک کرد. در حقیقت این دوره، دوره کارآموزی او بود و خدا با سختی ها، او را داشت برای پادشاهی آماده می کرد. مزامیر ۳۷ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۹ نمونه ای از روحیه داود در سختی ها می باشد. او هیچگاه در مقابل کارهای شائول تاخ نشد و از او بدگویی نکرد بلکه در مقابل بدی های او نیکویی کرد. این رابطه نزدیک و شیرین او با خدا را که در مزامیر می بینیم، نتیجه عکس العمل های درست او در مقابل سختی ها می باشد.

عکس العمل شما در مقابل سختی ها و مخالفت ها چیست؟ وقتی حس می کنید کسی جلوی خدمت شما را می گیرد، چه عکس العملی نشان می دهید؟ تلخ می شوید یا اجازه می دهید خدا شما را بسازد. آیا از این فرصت استفاده می کنید که درآغوش خدا بیشتر فرو رفته و به او نزدیک تر شوید؟

## **۸ – خادم خدا باید اهل دعا باشد.**

سموئیل مرد دعا بود. او با دعای حنا به دنیا آمد، با دعا پیروزی را به قوم خود آورد (۷ : ۵-۱۰)، وقتی قوم، پادشاه می خواستند، او برای آن دعا کرد (۸ : ۶)، دعای شفاعت کلید زندگی موفق روحانی او بود (۱۲ : ۱۹-۲۳). داود نیز چنانکه در مزامیر کاملاً مشخص است مرد دعا و پرستش بوده است. یک خادم خدا نمی تواند نسبت به دعا بی توجه باشد اما انتظار داشته باشد خادم روحانی و موفق خدا باشد. دعا باید جزو اصلی زندگی یک خادم موفق و نمونه خدا باشد.

## **۹ – بری روح دیروز برای امروز کافی نیست.**

شائول پادشاهی و خدمت خود را بسیار خوب و با روح شروع کرد اما بعدها اجازه داد که حسادت، روح رقابت، عدم امنیت، خشم، غرور و سرکشی، باعث شود که روح القدس او را ترک کرده و روح شریر او را فرا بگیرد. ما هم ممکن است بسیار خوب شروع کنیم اما زمانی که اجازه دهیم روحیه بد ما را فرا بگیرد، بدانیم که خدمت و زندگی ما دارد به سوی نابودی پیش می رود.

این گناهان و وسوسه های نامبرده بالا متأسفانه بسیاری از خادمین ایرانی را به زمین زده است. پس باید هر کدام از ما در مقابل آن وسوسه ها به شدت بایستیم. یکی از آزمایش ها این است : وقتی کسی در خدمت از شما موفق تر می شود احساس شما چیست؟ (بخصوص وقتی آن شخص را شایسته آن موفقیت نمی دانید و خود را از لحاظ روحانیت، عطایا، و جدیت شایسته تر می دانید.) آیا خوشحال می شوید و او را پشتیبانی می کنید و یا مانند شائول اجازه می دهید حسادت، روح رقابت و خشم زندگی و خدمت شما را نابود کند؟ باید همواره مواظب قلب خود باشیم که نکند مانند داود شروع کنیم اما مانند شائول خدمت خود را به پایان برسانیم.

## ۱۰- خادم باید یاد بگیرد خود را در خداوند تقویت کند.

زمانی بود که تمامی قوم تلخ بوده و همه اتفاقات بد را از چشم داود می دیدند. حتی دوستانش او را ترک کرده و حتی می خواستند او را بکشند. فکر می کنید داود در این موقعیت چه کرد؟ دلسرد شده و خود نیز به حال خود تاسف خورد؟ نخیر! بلکه «داود خویشتن را در یهوه خدای خود تقویت نمود» (۳۰ : ۵-۶).

در خدمت هر خادم خدا زمانهایی پیش می آید که بخاطر سختی ها و فشارها، خود خادم احتیاج به تشویق و دلداری دارد. در آن شرایط سخت، معمولاً دیگران اگر وضعشان از خادم بدتر نباشد، بهتر نیست. در نتیجه، در سخت ترین شرایط، معمولاً نه تنها کسی برای تشویق و پشتیبانی خادم پیدا نمی شود، بلکه دشمنی ها، انتقادها و دلسرد کردن ها بالا می گیرد. یک خادم مفید خدا باید بلد باشد که در آن شرایط، بجای تلخ شدن، به حال خود تاسف خوردن و یا ول کردن خدمت، خود را در خداوند تقویت کند.

خود من بارها از میان این سختی ها عبور کرده ام. در اوج فشار و تنهایی آموختم که اگر همه مرا ترک کنند، خداوند مرا هرگز ترک نمی کند. یاد گرفتم و تجربه کردم که می توان در میان بیشترین سختی ها، شیرین ترین رابطه را با خدا داشت، در او فرو رفت و در او عمیق شد.

باید بدانید که اگر همه شما را ترک کنند، عیسای مسیح همیشه با خادمین امین خود ایستاده و آنها را تقویت و پشتیبانی می کند (دوم تیموتاوس ۴ : ۱۶-۱۷). وقتی همه ما را ترک می کنند، بهترین زمانی است که متوجه این حقیقت شویم که به هیچ کس احتیاج نداریم جز به خود عیسای مسیح. پس به او بچسبیم.

## سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی اول سموئیل چه می باشد؟
- ۲) کتاب اول سموئیل دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- ۳) دو نمونه و یا مکاشفه از عیسای مسیح را در اول سموئیل نام ببرید.
- ۴) کلمه «سموئیل» به چه معنی می باشد؟ کلمه «یهوه صباوت» به چه معنی می باشد؟
- ۵) آخرین داور چه کسی بود؟ اولین پادشاه چه کسی بود؟
- ۶) دو مکاشفه از روح القدس را در اول سموئیل نام ببرید.
- ۷) چهار درس روحانی از کتاب اول سموئیل را بیان کنید.

## دوم سموئیل

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب نامعلوم است. احتمالاً بعد از مرگ سلیمان در ۹۰۰ قبل از میلاد نوشته شده است.

### زمینه و موضوعات اصلی

دو کتاب اول و دوم سموئیل، در اصل عبری، یک کتاب بوده اند. در نتیجه، آیات شروعی دوم سموئیل، ادامه آیات آخر اول سموئیل می باشد.

لازم است بدانیم که کتاب هایی که که در عهد عتیق در کتاب مقدس «اول و دوم» دارند، در اصل عبری یک کتاب بوده اند. پس چگونه دو کتاب شدند؟ جواب در این است که در زبان عبری، حروف صدا دار نوشته نمی شوند در نتیجه نوشته ها جای کمتری را می گیرند. اما وقتی این نوشته ها به یونانی ترجمه می شوند، در زبان یونانی حروف صدا دار نیز نوشته می شوند پس جای بیشتری را می گیرند. بنابراین، به عنوان مثال، کتابهای اول و دوم سموئیل، در اصل عبری، روی یک طومار جا می گرفتند. اما وقتی در ترجمه ۷۰، آنها را به یونانی ترجمه کردند، روی یک طومار جا نگرفتند و مجبور شدند آنها تقسیم به دو کتاب کنند.

کتاب دوم سموئیل تماماً "به شرح سلطنت ۴۰ ساله داود اختصاص داده شده است. این کتاب زندگی داود را خیلی رک بررسی کرده و توضیح می دهد که چگونه داود به سلطنت می رسد، چگونه گناه می کند و چگونه این گناه به او، به خانواده اش و به کشورش صدمه می زند. این مسأله قابل توجه است که کتاب مقدس هیچگاه گناهان رهبران، انبیا و مردان خدا را نمی پوشاند. این خود نشانه دیگری است که در واقع نویسنده واقعی این کتاب خود خداوند می باشد چرا که کتاب های نوشته بوسیله دست انسان معمولاً از پادشاهان هم عصر خود تعریف می نمایند.

در زمان پادشاهی داود، قوم اسرائیل متحد شده و اورشلیم به عنوان پایتخت انتخاب می شود. اسرائیل تحت رهبری داود تمام دشمنان خود را تحت اطاعت خود در می آورد و کشور وارد دوران موفقی می شود. اما گناه داود باعث ضربه خوردن به او و کشور می شود.

### کلمه کلیدی : داود

چون زندگی داود را در طی سلطنت ۴۰ ساله او بیان می کند. کلمه «داود» به معنی «محبوب» می باشد.



## آیات کلیدی : ۷:۱۲-۱۳ و ۱۲:۱۰

۷: ۱۲-۱۳ ..... « زیرا روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابید و ذریت ترا که از صلب تو بیرون آید بعد از تو استوار خواهم ساخت و سلطنت او را پایدار خواهم نمود. او برای اسم من خانه ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهم ساخت.»

۱۲: ۱۰ ..... «پس حال شمشیر از خانه تو هرگز دور نخواهد شد به علت اینکه مرا تحقیر نموده زن اوریای حَتّی را گرفتی تا زن تو باشد.»

## فصل کلیدی : فصل ۱۱

در این فصل، گناه فاجعه انگیز داود نسبت به بت شبع و اوریا نقطه عطف می شود. برکات فراوان زندگی داوود ناگهان جای خود را به تنبیه خداوند می دهد.

## بررسی

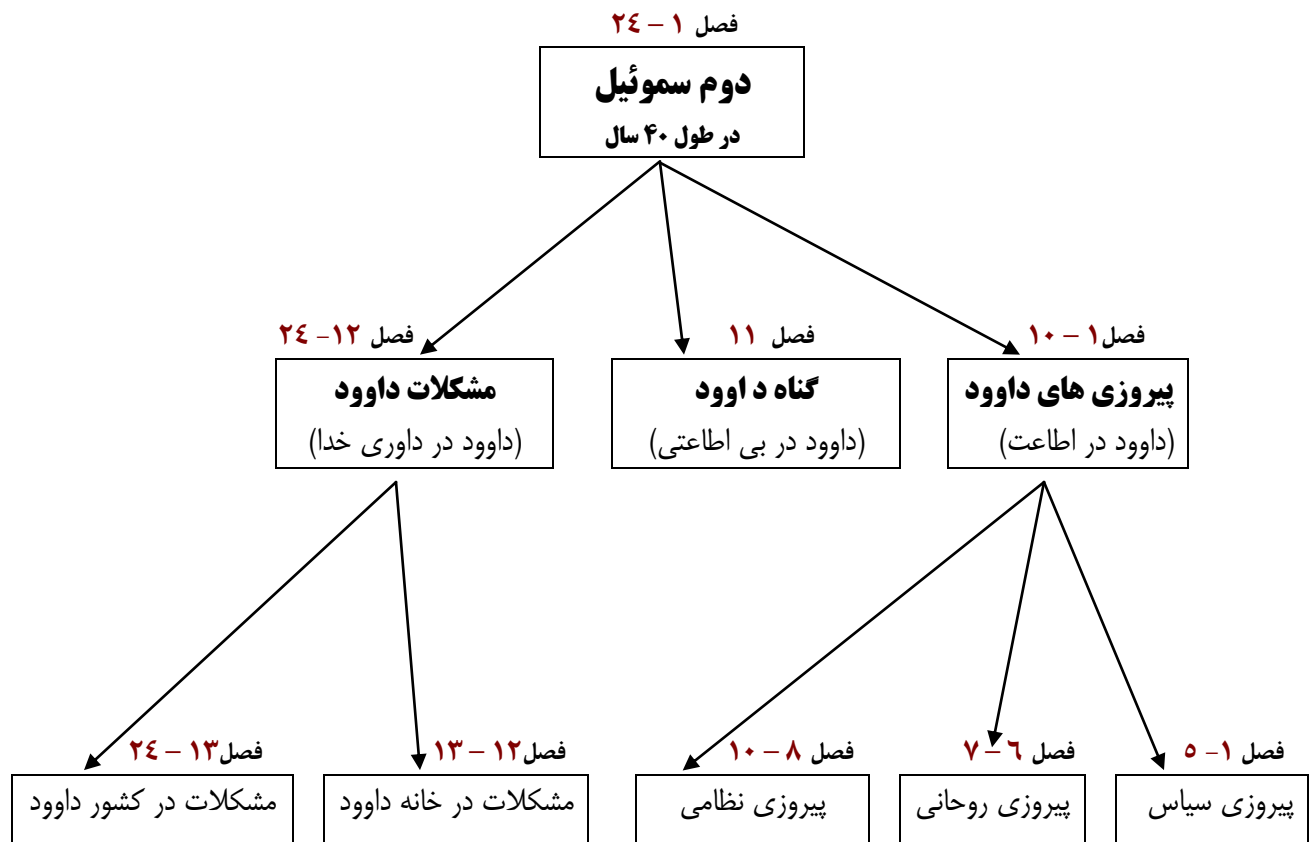
دوم سموئیل داستان زندگی داود را که در اول سموئیل شروع شده بود ادامه می دهد. این کتاب، وقایع سلطنت ۴۰ ساله داود را بررسی می کند. داود ابتدا به مدت ۷ سال بر یهودا (قسمت جنوبی اسرائیل) در شهر خَبرون پادشاهی می کند. سپس به مدت ۳۳ سال بر تمام اسرائیل در اورشلیم سلطنت می کند. کتاب دوم سموئیل دارای سه بخش اساسی می باشد.

**(۱) پیروزی های داود (فصل های ۱ تا ۱۰)** \_ گرچه شائول همواره به دنبال قتل داود بود، اما بعد از مرگش، داود خوشحال نمی شود. در سه سال اول، او فقط پادشاه یهود (قسمت جنوبی) است و اسرائیل (قسمت شمالی) خود پادشاهی جداگانه دارد. داود این دو قسمت را متحد می کند. اسرائیل تحت سلطنت داود از لحاظ سیاسی، نظامی و روحانی پیشرفت می کند. داود تابوت (صندوقچه) عهد را به اورشلیم می آورد و می خواهد برای خدا معبدی بسازد اما خدا به او اجازه ساختن معبد نمی دهد و از او می خواهد فقط وسایل ساختمان آنرا برای پسرش سلیمان فراهم کند.

**(۲) گناه داود (فصل ۱۱)** \_ گناه زنا و قتل داود در فصل ۱۱، نقطه عطف تمام کتاب است. بخاطر این گناهان، پیروزی هایش مبدل به مشکلات شخصی، خانوادگی و کشوری می شود.

**(۳) مشکلات داود (فصل های ۱۲ تا ۲۴)** \_ بخاطر گناه داود، مشکلات از هر طرف حمله می کند. گرچه وقتی ناتان نبی با او صحبت می کند، داود توبه می کند و خدا او را می بخشد، اما نتیجه گناهان او تا به آخر عمر گریبانگیر او می شود. بچه او و بتشبع می میرد، پسرش امنون به خواهرش تجاوز می کند و پسرش ابشالوم برادرش امنون را می کشد. سپس ابشالوم بر علیه پدرش سرکشی می کند. بطوریکه حتی به دنبال کشتن پدر خود

می رود. ایشالوم در جنگ کشته می شود و داود برایش عزا می گیرد. فصل های آخر، کارها و صحبت های داود را خلاصه می کند.



### مکاشفه عیسای مسیح

**پیشگویی آمدن مسیح** \_ در ۷: ۱۲ \_ ۱۷، خداوند پیشگویی آمدن مسیح را می کند که سلطنت او تا به ابد پایدار خواهد بود.

**داود** \_ داود به عنوان یک پادشاه روحانی، نمونه ای از مسیح می باشد (بخصوص در ۱۰ فصل اول).

## مکاشفه روح القدس

**وحی به داود** \_ روح القدس به داود کلام و وحی می دهد بطوریکه داود خود می داند که روح القدس بوسیله او متکلم شده است (۲۳ : ۲).

**بیان علم** \_ روح القدس به ناتان بیان علم می دهد تا گناه داود را دیده و با جرات بیان کند.

**روح توبه** \_ روح القدس روح توبه می باشد و به داود کمک می کند توبه واقعی کند.

## دروس اصلی روحانی

### **۱- گناه یک خادم بر خودش، خانواده اش و کلیسایش تأثیر زیاد می گذارد.**

همانطور که پاک زندگی کردن داود، به خودش، خانواده اش و کشورش برکت رسانید، گناه داود نیز نه تنها بر خودش، بلکه بر خانواده اش و کشورش تأثیر منفی گذاشت.

یک خادم به همان اندازه که می تواند وسیله دست خدا برای بنا و برکت دادن باشد، می تواند با گناه خود باعث خرابی و لعنت برای خود و کلیسای خود شود. یک رهبر (پدر، مادر، مسئول یک خدمت، مسئول گروه شباهنگ، شماس، شیخ و شبان) سرپرست روحانی می باشد که وظیفه حفاظت روحانی به او داده شده است. با گناه او، این حفاظت برداشته شده و خانواده، گروه و یا کلیسایی که او خدمت می کند، تحت حمله شیطان قرار می گیرد. برعکس، پاکی و قدوسیت و نمونگی یک خادم نیز باعث برکت و حفاظت روحانی خانواده و کلیسایش می شود.

پس چقدر مهم است به عنوان یک خادم در پاکی و قدوسیت زندگی کنید و اجازه ندهید گناه، آنچه که سال ها برای آن زحمت کشیده اید را نابود کند، برکت و پشیمانی خدا از شما برداشته شود و به شما و خانواده تان و خدمت تان و کلیسایتان ضربه وارد شود.

### **۲- مزد گناه با نتیجه گناه فرق می کند.**

مزد گناه، موت و جدایی ابدی از خدا می باشد. اگر توبه کنیم، خدا ما را می بخشد و مزد گناه ما را روی صلیب می دهد. ولی تأثیر تخریب کننده گناه نتیجه خود را نیز می دهد.

وقتی داود توبه واقعی کرد، خدا او را همان لحظه بخشید. اما اجازه داد نتیجه طبیعی گناه نیز سیر خود را طی کند. داود گرچه بخاطر گناه خود به جهنم نرفت و رابطه اش با خدا دوباره برقرار شد، اما برکت از زندگی او رفت و مشکلات و سختی ها وارد شد.

ما نیز نباید فکر کنیم که می توانیم گناه کنیم و بعد توبه کنیم و بعد، هیچ چیز عوض نشده و همه چیز به همان حالت اول باقی می ماند. باید بدانیم که هر گناه، عوارضی دارد و گرچه خدا ما را می بخشد و به جهنم نمی فرستد، اما گناه ما نتیجه منفی بر خو دما، خدمت ما، آینده ما و کلیسای ما دارد. بیاید پاک زندگی کنیم تا زندگی ما و نقشه های زیبای خدا برای ما تباه نشود. بیایید پاک زندگی کنیم تا زندگی ما پیروزمندانه بوده و باعث برکت

اطرافیانمان و جلال خدا شویم. بیایید پاک زندگی کنیم تا آبروی خود، خانواده خود، کلیسای خود و خداوندمان عیسیای مسیح را نبریم.

### ۳- نشانه توبه واقعی روح شکسته می باشد.

بار ها در طول خدمت خود دیده ام که بسیاری افراد، وقتی گناه آنها رو می شود، ادعا می کنند که توبه کرده اند ولی توبه آنها واقعی نبوده بلکه فقط متاسف هستند که گیر افتاده اند! روح آنها از گناه شان شکسته نشده است، بلکه ناراحت هستند که باید نتیجه این گناه را متحمل شوند. نه هر کس که می گوید «اشتباه کردم» و یا «توبه کردم»، در حقیقت توبه کرده است.

از کجا می توان فهمید که توبه ما و دیگران حقیقی است یا نه؟ برای جواب، کافی است توبه شائول در اول سموئیل ۱۵ را با توبه داود در مزمو ۵۱ مقایسه کنیم. توبه عمیق و واقعی، ثمرات عمیق و واقعی دارد. توبه واقعی دارای خصوصیات زیر است :

- ۱) قبول مسئولیت \_ کسی که توبه واقعی می کند، مسئولیت گناه خود را به عهده می گیرد. تقصیر را به گردن این و آن و شرایط نمی اندازد، بلکه قبول می کند که خود گناهکار است.
- ۲) دل شکسته و روح شکسته \_ روحیه شخص توبه کار نشانه توبه واقعی می باشد. او قلبش نسبت به گناه خود شکسته و از گناه خود متنفر است. تاسف کافی نیست، تنفر لازم است.
- ۳) تعمق \_ توبه واقعی سرسری از گناه رد نمی شود. نمی خواهد زود مساله را به اصطلاح «ماست مالی» کند. بلکه در آن تعمق می کند. زود نمی خواهد به خدمت خود برگردد، بلکه به خود وقت می دهد تا دوباره ساخته شود.
- ۴) حفظ ظاهر \_ توبه واقعی به فکر حفظ ظاهر نیست. سعی نمی کند پنهانی توبه کرده و به هر وسیله، گناه خود را بپوشاند. او اگر لازم و مفید باشد، حاضر است که در جمع توبه نماید.

### ۴- خادم خدا زودرنج نیست و حرف دیگران برایش مهم نیست.

داود همواره بدون اینکه برایش مهم باشد دیگران چه می گویند، آنچه را که درست بود انجام می داد (برخلاف شائول که حتی هنگام توبه اولین فکرش این بود که دیگران در مورد او چه فکر می کنند). داود شخصی است که حاضر است خود را خوار کرده و نیم لخت برای خدا برقصد و به حرف دیگران و زنش در این مورد اهمیت نمی دهد (فصل ۶). حتی وقتی کسی به او دشنام داده و او را کوچک می کند، آنها از چشم خداوند می بیند و می گوید به آن شخص کاری نداشته باشند (۱۶ : ۵-۱۰). داود این کلمات را در شرایطی می گوید که بسیار تحت فشار است و جانش از طرف پسرش ابشالوم درخطر می باشد. چنین روحیه زیبای داود، برای هر خادم نمونه خوبی می باشد.

من و شما در این مورد کجا هستیم؟ آیا بیشتر به دنبال راضی کردن مردم هستیم یا خدا. آیا آنچه که خدا در کلامش می گوید در درجه اول اهمیت قرار دارد یا آنچه که دیگران می گویند؟ آیا حرف دیگران شما را زود می

رنجانند؟ مانند داود حتی توهین های دیگران را باید از چشم خدا ببینیم و از آن درس بگیریم و به دنبال تلافی کردن و انتقامجویی بر نیاییم. بدانیم خدا در کنترل است و او مدافع ما می باشد.

## **۵ – داشتن نیت درست کافی نیست، باید کلام را دانست و آنرا مو به مو اطاعت کرد.**

خداوند گفته بود که تابوت را بر دست ها حمل کنند. اما قوم فکر کردند راحت تر است که آنرا با ارابه حمل کنند (روش منطقی انسانی که با دستور خدا مغایرت دارد). بعلاوه وقتی که تابوت داشت می افتاد، یکی از مردان با نیت درست خواست از افتادن آن جلوگیری کند و دست به تابوت زد که کشته شد (۶ : ۶ \_ ۷). نیت های ما ممکن است خوب باشند و روش های ما ممکن است منطقی باشند، اما هر دو باید با کلام خدا آزمایش شوند. برعکس گاهی عمل ما به ظاهر درست است اما چون نیت ما غلط است، خدا آنرا گناه می شمارد. مثلاً شمردن لشکریان بوسیله داود، به ظاهر کار غلطی نیست. ولی شمردن لشکریان با این روحیه که اعتماد ما به آنها باشد، گناه است (۲۴). بهترین روش این است که کار درست را با روش درست و با نیت درست انجام دهیم.

## **۶ – خادم خدا باید روحی جنگجو در مقابل شیطان و دلی رؤوف در مقابل انسان داشته باشد.**

داود با اینکه مردی جنگی و شجاع بود، ولی در عین حال قلبی فروتن و مهربان داشت. او برای مرگ دشمنش شائول و یوناتان ماتم و روزه می گیرد (۱ : ۱۱\_۱۲)، برای مرگ ناجوانمردانه ای نوحه می کند (۳ : ۳۱)، برای شفای بچه اش دعا کرده و روزه می گیرد (۱۲ : ۱۵\_۲۳)، همواره به فکر پسر سرکشش، ابشالوم است گرچه پسرش قصد جان او را دارد (۱۸ : ۵ و ۲۹ و ۳۲) و از مرگ او نوحه می کند (۱۸ : ۳۳) و برای قوم با دلسوزی شفاعت می کند (۲۴ : ۱۷). اما در جنگ شجاع و مصمم است.

این تعادل زیبا باید در شخصیت یک خادم نمونه مسیح دیده شود. او باید روحیه مقاوم در مقابل مشکلات و جنگجو در مقابل شیطان داشته باشد. اما در عین حال باید شخصی دلرحم و دلسوز در مقابل انسان و فروتن و شکسته در مقابل خدا باشد. خادم خدا می داند که جنگ او با انسان ها نیست بلکه با نیروهای شریر می باشد. در نتیجه هیچ انسانی را دشمن خود نمی داند. حتی اگر شخصی با او دشمنی کند، باز می داند که دشمن واقعی او این شخص نیست بلکه شیطان است که آن شخص بیچاره را در کنترل خود گرفته است.

## **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی دوم سموئیل چه می باشد؟
- ۲) کتاب دوم سموئیل دارای سه قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- ۳) چه کسی در دوم سموئیل عطیه بیان علم داشت؟ این عطیه را چگونه و در چه موردی استفاده کرد؟
- ۴) فصل کلیدی در دوم سموئیل کدام است؟ در این فصل چه اتفاقی می افتد؟
- ۵) دو مکاشفه از روح القدس را در دوم سموئیل نام ببرید.
- ۶) سه درس روحانی از کتاب دوم سموئیل را بیان کنید.
- ۷) کلمه «داوود» به چه معنی می باشد؟

# اول پادشاهان

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب نامعلوم است. کتاب « تلمود » (کتاب تفسیر شریعت یهود) نویسنده آنرا ارمیاء می داند. شباهتی که سبک این کتاب با کتاب ارمیاء دارد، تأیید می کند که نویسنده هر دو ارمیاء می باشد. تاریخ نگارش حدوداً "۵۵۰ قبل از میلاد می باشد.

## زمینه و موضوعات اصلی

دو کتاب اول و دوم پادشاهان در اصل یک کتاب بوده اند. این دو کتاب تاریخ دوران پادشاهی را بیان می کند و از سلطنت پر شکوه سلیمان شروع کرده و به نابودی و اسارت قوم بوسیله آشور و بابل ختم می کند. کتاب اول پادشاهان، تاریخ ۱۲۰ ساله قوم را از شروع پادشاهی سلیمان (۹۷۱ قبل از میلاد) تا پادشاهی آخزیا (۸۵۱ قبل از میلاد) توضیح می دهد.

نیمه اول کتاب اول پادشاهان، زندگی سلیمان را مرور می کند. تحت رهبری سلیمان، اسرائیل به اوج قدرت و جلال خود می رسد. مهمترین کار سلیمان، بنای معبد می باشد. سلیمان پادشاهی خود را بسیار پر جلال شروع می کند اما در میانسال، بخاطر ازدواج با زنهای بت پرست، عشق اولیه خود را به خدا از دست می دهد، از خدا دور شده و وارد گناهان مختلف می گردد. او به زنانش اجازه می دهد در خود قصر پادشاه و در گوشه و کنار مملکت، معابدی برای خدایان خود و بت ها بسازند.

البته در آخر عمر، سلیمان به پوچی و بیهودگی زندگی دور از خدا پی می برد و به ایمان بر می گردد (کتاب جامعه را در اواخر عمر خود می نویسد).

اما گناهان سلیمان در میانسالی باعث می شود عبادت خدایان بیگانه وارد قوم شده و موجب دودستگی و جدایی در قوم شود. در نتیجه، کشور در سال ۹۳۱ قبل از میلاد به دو حکومت شمالی (به نام اسرائیل) و جنوبی (به نام یهودا) تقسیم می شود. پایتخت اسرائیل، سامره و پایتخت یهودا، اورشلیم می شود.

در این کتاب، تاریخ وقایع پادشاهان شمالی و جنوبی همزمان با هم شرح داده می شوند. هر پادشاه با معیار عالی پادشاهی داود مقایسه می شود. بعلاوه در این کتاب می بینیم که خدمت انبیا که بوسیله سموئیل شروع شد، بیشتر شکل گرفته و انبیا در هدایت روحانی ملت نقش مهمتر و بیشتری را بازی می کنند. نمونه خدمت انبیا در این کتاب، خدمت ناتان و ایلیا می باشند.

## ترتیب پادشاهان به صورت زیر می باشد:

سال (قبل از میلاد)	سلطنت متحد	انبیاء همزمان (در پرانتز)
۱۰۵۰ _ ۱۰۱۰	شائول	
۹۷۰ _ ۱۰۱۰	داود	
۹۷۰ _ ۹۳۰	سلیمان	
	<b>اسرائیل (سلطنت شمالی)</b>	<b>یهودا (سلطنت جنوبی)</b>
۹۳۰	یَرُبَعَام	رَخُبَعَام
	ناداب	ابیتام
۹۰۰	بعشا	آسا
	ایلّه	
	زمری	
	عَمَری	
	آخاب	یهوشافاط
	آخزیا	پایان اول پادشاهان
۸۵۰	یورام	یهورام شروع دوم پادشاهان
	یهو	آخزیا
		عَتَلِیا (یوئیل)
۸۰۰	یَهوآخاز	یوآش
	یهوآش	آمصیا
	یربعام دوم (عاموس، یونس)	عَزَرِیا
	زکریا	
	شلوم	
۷۵۰	مَنَحیم	یوتام (هوشع، اشعیا)
	فَقَحیا	
	فَقَح	آحاز (میکا)
	هوشع	
۷۲۲		اسارت اسرائیل (بوسیله آشور)
	جَزَقِیا	
۷۰۰	مَنَسِی	
۶۵۰		آمون (ناحوم)
		یوشیا (صفیا)
		یهوآحاز (حقوق)
۶۰۰		یهویاقیم (ارمیا)
		یهویاکین (دانیال)
		صدقیا (حزقیال، عوبدیا)
۵۸۶		اسارت یهودا (بوسیله بابل)
۵۲۵		(حجی، زکریا)
۴۵۰		(ملاکی)

## کلمه کلیدی : تقسیم سلطنت

چون در این کتاب، یک سلطنت متحد و روحانی تقسیم به دو سلطنت غیر روحانی می شود.

## آیات کلیدی : ۹: ۴- ۵ و ۱۱: ۱۱

۹: ۴- ۵ ..... « پس اگر تو با دل کامل و استقامت بطوریکه پدرت داود رفتار نمود بحضور من سلوک نمایی و هرچه ترا امر فرمایم بجا آوری و فرایض و احکام مرا نگاه داری، آنگاه کرسی سلطنت ترا بر اسرائیل تا به ابد برقرار خواهم گردانید. چنانکه به پدر تو داود وعده دادم و گفتم که از تو کسیکه بر کرسی اسرائیل بنشیند مفقود نخواهد شد.»

۱۱: ۱۱ ..... « پس خداوند به سلیمان گفت چونکه این عمل را نمودی و عهد و فرایض مرا که به تو امر فرمودم نگاه نداشتی البته سلطنت را از تو پاره کرده آنرا به بنده ات خواهم داد.»

## فصل کلیدی : فصل ۱۲

این فصل، نقطه عطف اول پادشاهان می باشد چرا که در آن در سلطنت متحد، شقاق بوجود می آید. سلیمان می میرد و پسرش رحبعام با بی حکمتی باعث تقسیم شدن کشور می گردد.

## بررسی

این کتاب بطور واضح به دو بخش تقسیم می شود.

**(۱ سلطنت متحد (فصل های ۱ تا ۱۱) -** این قسمت با سلطنت سلیمان شروع می شود. تحت رهبری سلیمان، کشور پیشرفت کرده و قدرت و جلال بی سابقه ای پیدا می کند. سلیمان با عشق به خدا و حکمتی خدادادی شروع می کند (ناتان نبی او را در دوم سموئیل ۱۲ : ۲۵، دیدیا به معنی «عزیز خداوند» نام می نهد) اما بعداً عشق اولیه خود را به خدا از دست داده و در اواخر زندگی خود بسیار احمقانه و نفسانی عمل می کند در نتیجه خدا او را داوری کرده و می گوید که پسرش فقط قسمتی از کشور را (یهودا) سلطنت خواهد کرد. بزرگترین کار سلیمان ساختن معبد پرشکوهی برای یهوه می باشد. وقتی تابوت عهد در آن قرار می گیرد، جلال خدا معبد را پر می کند و سلیمان با یک دعای زیبا آنرا تقدیس می کند.

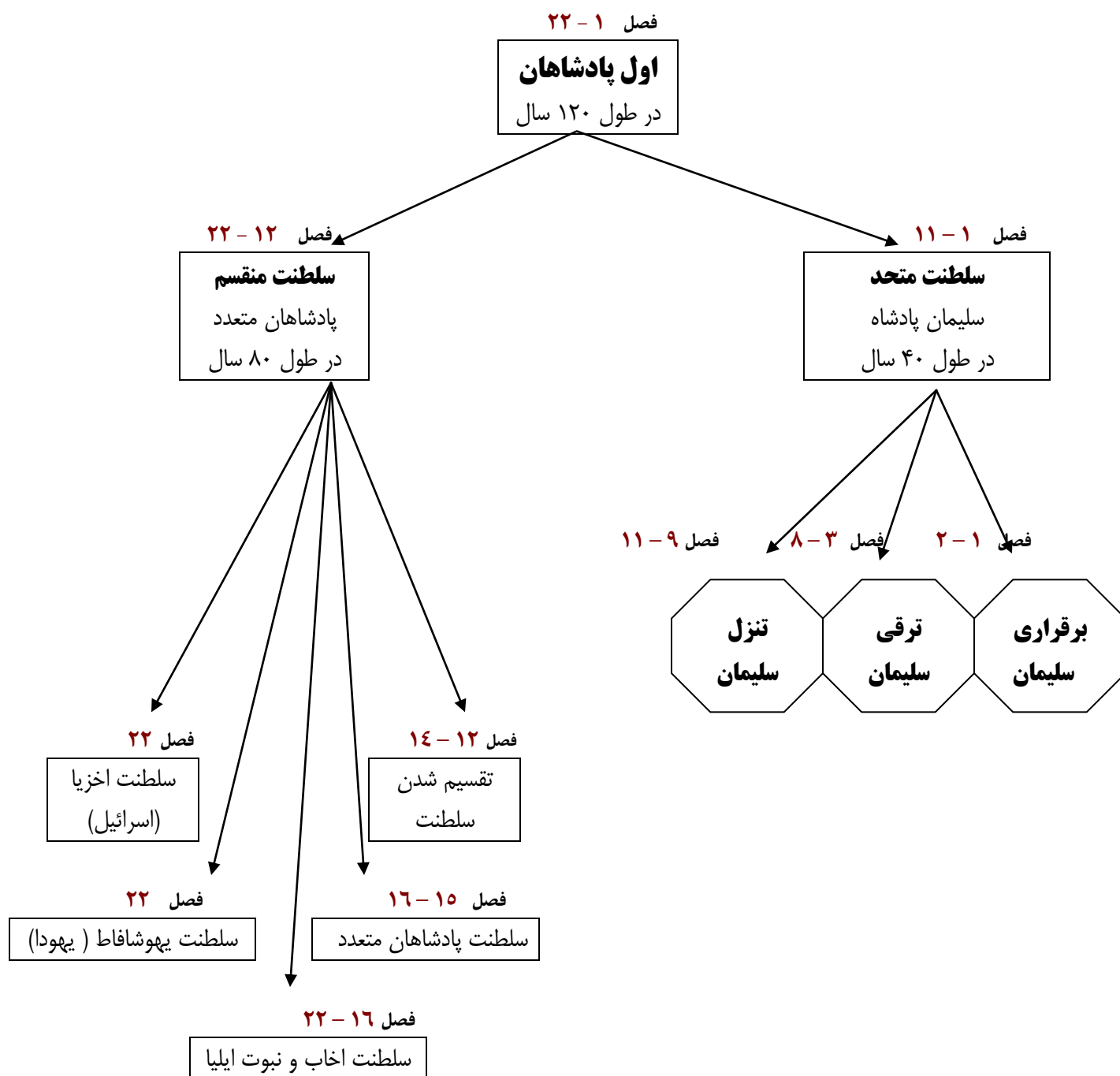
**(۲ سلطنت منقسم (فصل ۱۲ تا ۲۲) -** بعد از مرگ سلیمان، پسرش رحبعام با بی حکمتی باعث شقاق کشور می شود. او بجای اینکه به مشورت پیران و مشایخ قوم گوش دهد، بخاطر غرور، به مشورت جوانان هم سن خود گوش فرا می دهد. کنترل جوانان هم سن (Peer Pressure) همیشه مخرب است. یربعام که افسری در لشکر سلیمان بود در شمال، سلطنت را به دست می گیرد. در نتیجه ۱۰ طایفه شمالی، کشور «اسرائیل» و ۲ طایفه جنوبی، کشور «یهودا» را تشکیل می دهند و با اختلاف و دشمنی در کنار یکدیگر زندگی می کنند.



مملکت شمالی (اسرائیل)، بلافاصله به بت پرستی کشیده می شود. آنها برای آنکه افراد مملکتشان لازم نباشد طبق شریعت، حداقل سالی یکبار به اورشلیم رفته و مراسم قربانی را انجام دهند، در دو محل در مملکت شمالی، پرستشگاه بنا می نمایند. این کار خود بیشتر آنها را در جهت بت پرستی سوق می دهد. در نتیجه، هیچکدام از پادشاهان شمالی خدانشناس نبوده و خدا را دنبال نکردند. از پادشاهان جنوبی نیز فقط آسا (۱۵ : ۹ \_ ۲۴) و یهوشافاط (۲۲ : ۴۱ \_ ۵۰) «آنچه در نظر خداوند راست بود» را به عمل آوردند (۱۵ : ۱۱ و ۲۲ : ۴۳).

آخاب پادشاه سعی می کند از لحاظ سیاسی بین این دو پادشاهی همکاری بوجود آورد، اما از لحاظ روحانی کشور را به اوج شرارت می رساند. او با زنی بت پرست به نام ایزابل ازدواج می کند و این زن، عبادت بت «بعل» را در اسرائیل رواج می دهد. حتی با اخطارها و معجزات ایلای نبی، آخاب هیچوقت کاملاً توبه نمی کند تا با تمامی دل به یهوه برگردد.

ایلایا شخصیت بسیار مهم عهد عتیق می باشد که در عهد جدید با موسی سر کوه به عیسای مسیح ظاهر می شود (متی ۱۷). کلمه ایلایا به معنی «یهوه خدای من است» می باشد.



## مکاشفه عیسیای مسیح

**سلیمان** \_ حکمت سلیمان سایه ای است از عیسیای مسیح که خود برای ما حکمت شد (اول قرن‌تین ۱ : ۳۰). همینطور، شکوه و جلال سلیمان نیز سایه ای از مسیح است که راجع به خود گفت «شخصی بزرگتر از سلیمان در اینجا است» (متی ۱۲ : ۴۲). پادشاه واقعی، عیسیای مسیح می باشد (متی ۲۷ : ۱۱). اوست که پادشاه پادشاهان و رب الارباب است (مکاشفه ۱۹ : ۱۶). کلمه سلیمان به معنی «صلح و آرامش» است که این خود به شاهزاده صلح و آرامش یعنی عیسیای مسیح اشاره می کند که پادشاهی او را پایانی نخواهد بود (اشعیا ۹ : ۶).

**ایلیای نبی** \_ ایلیای نبی بیشتر نمونه ای از یحیی تعمید دهنده می باشد. اما معجزات فراوان و نبوت های او به کارهای مسیح شبیه است.

**ذریت داود** \_ در ۱۱ : ۳۹، خدا می گوید بخاطر گناه سلیمان، ذریت داود را ذلیل خواهد ساخت «اما نه تا به ابد.» به این معنی که گرچه بخاطر گناه، قوم را ذلیل کرده و به اسارت خواهد فرستاد، اما این وضع تا به ابد نخواهد بود بلکه عیسی مسیح (ذریت داود) جلال خواهد یافت.

## مکاشفه روح القدس

**انتقال دهنده مکان** \_ عوبدیا در ۱۸ : ۱۲ اشاره می کند که «روح خداوند» قادر است ایلیا را به مکان دیگر منتقل کند (مانند دوم پادشاهان ۲ : ۱۶ و فیلیپس در اعمال ۸ : ۳۹-۴۰).

**دهنده قدرت خارق العاده** \_ در ۱۸ : ۴۶، روح خدا به ایلیا قدرتی فوق العاده می دهد. او دویده و از عرابه آخاب نیز جلو می زند.

**روح نبوت** \_ از ۲۲ : ۲۵ می توان نتیجه گرفت که برای همه واضح بود که روح القدس، با انبیا صحبت کرده و نبوت می دهد.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خطر ازدواج غلط، هر خادم مجرد خدا را تهدید می کند.**

ازدواج غلط سلیمان با زنان بت پرست، باعث شد که نه تنها دل مشتاق او نسبت به خدا سرد شود، بلکه بت ها و خدایان دیگر وارد خانه و کشور او شوند (۱۱ : ۱ - ۴).

البته خداوند می خواهد که یک ایماندار با ایماندار ازدواج کند. اما برای یک خادم نه تنها باید همسر آینده او ایماندار قوی و جدی باشد، بلکه مانند خود او باید عاشق و تسلیم خدا بوده و متعهد به خدمت فعال باشد. نه هر که مسیحی است، برای ازدواج با یک خادم مناسب می باشد. بلکه باید خواندگی او نیز با شما یکی باشد چرا که اراده خدا این است که زن و شوهر یکی شده و با هم خدمت کنند. او هیچگاه زن و شوهر را بطوری نمی خواند که خواندگی های آنها با یکدیگر طوری تفاوت داشته باشد که باعث جدایی آنها شود.

باید بسیار هوشیار بود زیرا حيله بزرگ شيطان برای يك خادم مجرد اين است كه او وارد يك ازدواج غلط شود تا كه تا آخر عمر، زندگي پردرد و كم ثمری را برای ملكوت خدا داشته باشد. چه بسیار خادمین مجرد بوده اند كه با تصميم غلط در ازدواج، زندگي و خدمت و خواندگي خود را نابود ساخته اند.

خادمی ایرانی را می شناسم كه معلمی توانا بوده و مدارك عالی الهیات دارد. او شخصیت فروتن و زیبایی نیز در مسیح دارد. وقتی چند سال پیش، برای بار اول او را ملاقات كردم، تازه از دانشگاه الهیات فوق لیسانس گرفته بود و كاملاً واضح بود كه دست خداوند بر اوست و خدمتی مفید و پرثمر در انتظار او می باشد. اما سال بعد از آن با دختری ایرانی در کلیسا ازدواج كرد كه به ظاهر مسیحی خوبی بود اما در واقع شخصیت او اصلاً مسیحی نبود (و شاید حتی نجات نداشت). شيطان از این ازدواج غلط استفاده كرد كه این جوان را از دور خارج كند و زندگي و خدمت او را بی ثمر سازد. این ازدواج غلط باعث شد كه او از کلیسای ایرانی رفته و در يك کلیسای آمریکایی فقط شركت كنده باشد. او اکنون نه تنها خدمت نمی كند بلكه روزانه در درد و رنج می باشد.

خود من به عنوان شبان، در این مورد درد بسیار دارم. چرا كه در این کلیسا، جوانانی بوده اند پر از استعداد ها و عطایا، كه از خدا رویاهای عظیم برای زندگي و خدمت خود داشته اند. اما با ازدواج غلط، اکنون از دور خارج شده و در گوشه ای يك زندگي معمولی و بی ثمر را می گذرانند.

چقدر حكیمانه است كه هر خادم مجرد در زمینه ازدواج، با شبانش تماس و همکاری نزدیک داشته و راهنمایی ها و اختارهای مردان و زنان خدا را در این مورد جدی بگیرد. من به عنوان شبان از جوانان کلیسا كه خوانده شده اند تا خدا را خدمت كنند دعوت می كنم تا برای خیریت خودشان به من تعهد بدهند. تعهدشان این است كه اگر به فكر ازدواج با کسی می افتند مرا بلافاصله در این مورد درگیر كنند. همچنین از آنها می خواهم كه به من قول بدهند بدون تایید من به عنوان شبانشان، با کسی ازدواج نکنند.

اگر شما مجرد هستید و احساس می كنید كه خداوند شما را برای خدمتی موثر و عظیم خوانده است، آیا حاضرید چنین تعهدی را به شبانتان بدهید؟ با این تعهد چه بسا از لغزش ها و اشتباهات سنگین و دردآور حفظ خواهید شد.

## **۲- خادم خدا بجای تکیه به عقل خود یا حكمت ها و روش های انسانی، باید حكمت خدا را بطلبد.**

خدا به یوشع می گوید كه به عقل خود تکیه نكند و چقدر خشنود می شود كه سلیمان بجای هر چیز از او حكمت می خواهد و بخاطر همین، همه چیز را نیز به سلیمان می دهد. پس خدا می خواهد كه خادم او مرتب در هر مورد حكمت او را طالب باشد و به عقل و روش ها و سیاست های انسانی تکیه نكند. یعقوب در عهد جدید به ما می آموزد كه اگر در هر شرایط، با ایمان، حكمت خدا را بطلبیم، آنرا به طور قطع دریافت خواهیم كرد (۳: ۵-۱۴).

انسانها، مسایل انسانی و خدمت آنقدر پیچیده است كه ما خادمین، روزانه به حكمت خدا احتیاج داریم چراكه مغز و هوش ما قادر نیست همه مسایل را به درستی تجزیه تحلیل نماید و به نتیجه و راه حل برسد.

چه بسا خادمی را می شناسم كه بجای حكمت الهی، خواسته اند با زرنگی انسانی خدمت خود را به پیش برند. آنها در هوش و سیاست و زرنگی آنقدر پیشرفته بودند كه من غالباً خود را در مقابل آنها «بچه و هالو» احساس می كردم. در طی این سالها، آنها با حكمت انسانی عمل کرده اند (كه البته، این حكمت انسانی، برای خدا

حماقت بوده است \_ اول قرن‌تین ۱ : ۲۰). واضح است که نتیجه این زرنگی های انسانی (یعنی حماقت های الهی)، برای آنها چیزی جز ضربه زدن به خدمت خود و کلیسای خود نبوده است. با دیدن سرنوشت آنها، اکنون بجای قطعه خوردن به هوش و زرنگی و سیاست بازی های آنها، خدا را شکر می کنم که مرا بسیار شخص ساده ای آفریده است بطوری که حتی اگر هم بخواهم، قادر به شطرنجی فکر کردن نمی باشم.

### ۳ \_ خادم خدا برای نسل آینده (جسمانی و ایمانی) دید دارد و تهیه می بیند.

خداوند از داود خواست که وسایل ساختن معبد را فراهم کند تا فرزندش سلیمان آنرا بسازد. خدا از خادم خود می خواهد که فکر او فقط به خودش محدود نباشد بلکه فرزندان جسمانی و روحانی خود را آماده کند که کارهای بزرگتر از او انجام دهند و بعلاوه حتی وسایل آنرا برای نسل آینده مهیا کند (۸ : ۱۸ \_ ۱۹).

ما باید برای فرزندان روحانی خود (نوایمانان) دید داشته باشیم. ما باید برنامه ریزی کنیم و وسایلی را فراهم کنیم که آنها کارهای عظیم تر از ما برای خدا بکنند. نقشه ها و دید های ما نباید محدود به خود ما باشد بلکه باید برای نسل های آینده نیز فکر کنیم و برنامه ریزی نماییم.

ایلیا در زمان حیات خود الیشع را با هدایت خدا انتخاب کرده و با او همراه می شود تا مسح او به الیشع منتقل شود. شما چه کسی را دارید آماده می کنید؟ آیا اصلاً فرزندان ایمانی دارید؟ آیا برای این فرزندان دید دارید؟ آیا مشتاق هستید هر چیز نیکو که خدا به شما داده هرچه زودتر به آنها منتقل شود تا آنها کارهای عظیم تر از شما بکنند؟

به عنوان خادم خدا، وظیفه شما تنها این نیست که از خادمین و معلمین کلیسا، تعلیم یافته و تربیت شوید. شما وظیفه دارید آنچه را به دیگران انتقال دهید. چه بسیار نوایمانان هستند که مانند بچه های تازه متولد شده به دنبال مامان و بابایی می گردند که آنها را دوست داشته، به آنها توجه کنند و روش زندگی موفق روحانی را به آنها بیاموزند. خواست خدا این است که حداقل یک نفر را انتخاب کرده و هرآنچه که از دانش و تجربیات روحانی دارید را به او منتقل کنید.

### ۴ \_ بخاطر گناه رهبران، گاهی خدا اجازه جدایی می دهد اما می خواهد رابطه، برادرانه باقی بماند.

بخاطر گناه سلیمان و گناه پسرش رحبعام، خدا اجازه داد کشور دو قسمت شود اما با این وجود، به آنها تاکید می کند «مروید و با برادران خود جنگ نکنید» (۱۲ : ۲۴).

خواست خدا البته هیچوقت جدایی نیست. خدا از جدایی و طلاق نفرت دارد. اما گاهی بخاطر سنگدلی و گناه ما جدایی پیش می آید (متی ۱۹ : ۸). در چنین حالتی، خدا می خواهد که آن گروه دیگر (یا کلیسای دیگر) را دشمن ندانید بلکه برادر بدانید و با آنها درگیر نشوید.

دید ما نسبت به کلیساهای دیگر ایرانی (حتی آنهایی که از ما جدا شده اند) در این شهر باید همین باشد. آنها با ما همسنگر و برادران و خواهران ما می باشند. با آنها جنگ، ضدیت و رقابت نداریم. جنگ ما فقط با شیطان و برای نجات جانها می باشد. خدا ما را قاضی و داور بر آنها قرار نداده است که حکم کنیم چه کار آنها درست

است و چه درست نیست. حتی اگر احیانا کار اشتباهی کنند و یا حرفی ناشایسته بزنند، به ما جوابگو نمی باشند. وظیفه ما این است که آنها را محبت کرده، برای آنها دعای خیر بکنیم و هیچ حرف منفی پشت سر آنها نزنیم.

#### **۵- ترتیب غلط در خانه، روح شریر را در خانه آزاد کرده، مانع برکت شده و باعث لعنت می شود.**

آخاب پادشاه خودش قلبا مرد خوبی بود و به دنبال صلح و صفا و دوستی و آشتی بود. اما او نه تنها با زنی غیر ایماندار چون ایزابل ازدواج کرد بلکه اجازه داد که در خانه اش، ترتیب الهی به هم خورده و زنش ایزابل در کنترل باشد (۲۱: ۱-۱۶). این باعث شد که برکت از او و خانواده و کشورش برود.

روح القدس در ترتیب الهی در خانه و کلیسا عمل می کند. وقتی این ترتیب به هم می خورد، روح القدس نمی تواند آنچه که مخالف کلام خدا و اراده اوست را تایید کرده و برکت دهد. در نتیجه با بهم خوردن ترتیب الهی در خانه، روح القدس محزون شده و نه تنها جلوی جاری شدن برکات خدا گرفته می شود بلکه روح شریر جای پایی پیدا کرده و مرتب به آن خانواده و به آن کلیسا ضربه می زند. برای همین در عهد جدید خادمی که نتواند ترتیب الهی را در خانه حفظ کند، برای رهبری در کلیسا واجد شرایط نمی باشد (اول تیموتاوس ۳: ۴-۵).

تا بحال خانواده ای را ندیده ام که ترتیب الهی در آن حفظ نشده باشد اما آرامش، سلامتی و برکت خدا در آن خانه جاری باشد. متأسفانه در کلیساهای ایرانی دیده ام که گاهی حتی در بین خادمین و مشایخ نیز این ترتیب حفظ نمی شود. شخصی را می شناسم که در کلیسا شیخ می بود، اما در خانه، زن او رهبری را به عهده می داشت. این خادم و شیخ با وجود روحیه شیرین، فروتن و با محبتی که خود دارد، ناخواسته و ندانسته بجای برکت، برای کلیسایش باعث لعنت بوده و از طریق او، شیطان در کلیسایش برای خرابی فعالیت زیاد نموده است.

شما اگر ازدواج کرده اید، رابطه شما با همسران چگونه است؟ انتظار نداشته باشید که روح القدس زندگی و خدمت شما را تایید کرده و برکت دهد اگر این ترتیب، مخالف کلام و اراده خدا می باشد. اگر مجرد هستید، آیا رابطه درست با پدر و مادر خود دارید؟ آیا در اطاعت و احترام پدر و مادران هستید؟ در هر سنی که هستید، اگر با پدر و مادران رابطه درست ندارید، خدا نمی تواند شما را تایید کرده و برکت دهد تا اینکه این رابطه را تا آنجایی که در قدرت شما است شفا ببخشید و رابطه ای بر اساس احترام و اطاعت (اگر با آنها یا تحت حمایت آنها زندگی می کنید) داشته باشید.

#### **۶- خادم خدا بوسیله دعا، قدرت بسیار دارد.**

کلام خدا می گوید ایلیا شخصی بود مثل من و شما (یعقوب ۵: ۱۷) اما با تمامی دل دعا می کرد (فصل های ۱۷ و ۱۸) و معجزات خدا جاری می شد (بسته شدن آسمان برای سه سال، باز شدن آسمان، معجزه کوزه های روغن، زنده کردن مرده و به مقابله طلبیدن انبیای بعل بر سر کوه کرمل). بخاطر همین، خادم خدا باید برای دعا مُصِر و در روبرو شدن با کارهای شریر شجاع باشد چون می داند که خدا قدرت زیادی را در دعا برای او قرار داده است. او می داند که «دعای مرد عادل در عمل قدرت بسیار دارد.» (یعقوب ۵: ۱۶) او دعا را فقط انجام وظیفه نمی داند. فکر او این نیست که دعا وقت تلف کردن است و فقط به انسان احساس بهتری می دهد (مانند Meditation)

بلکه ایمان دارد وقتی را که در دعا می گذارد، پرثمر بوده، قدرت های آسمان به حرکت در می آیند و عملاً در آسمان و زمین کار انجام می شود.

دید شما نسبت به دعا چیست؟ آیا با ایمان دعا می کنید؟ آیا ایمان دارید که وقت شما در دعا، بیهوده نمی باشد بلکه وقتی دعا می کنید، در زندگی شما و دیگران و برای ملکوت خدا کار اساسی انجام می شود؟ اگر بله، پس بیشتر دعا کنید و از این قدرت برای پیشرفت کارتان بیشتر استفاده نمایید.

### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی اول پادشاهان چه می باشد؟
- (۲) کتاب اول پادشاهان دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) سه پادشاه «سلطنت متحد» به ترتیب کدام می باشند؟
- (۴) فصل کلیدی در اول پادشاهان کدام است؟ در این فصل چه اتفاقی می افتد؟
- (۵) دو مکاشفه از روح القدس را در اول پادشاهان نام ببرید.
- (۶) سه درس روحانی از کتاب اول پادشاهان را بیان کنید.
- (۷) کلمات «ایلیا» و «سلیمان» به چه معنی می باشند.

## دوم پادشاهان

### نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب نامعلوم است. کتاب «تلمود» (کتاب تفسیر شریعت یهود) نویسنده آنرا ارمیاء می داند. شباهتی که سبک این کتاب با کتاب ارمیاء دارد، تأیید می کند که نویسنده هر دو ارمیاء می باشد. تاریخ نگارش حدوداً ۵۵۰ قبل از میلاد می باشد.

### زمینه و موضوعات اصلی

دو کتاب اول و دوم پادشاهان در اصل یک کتاب بوده اند. پس این کتاب، داستان کتاب اول پادشاهان را ادامه می دهد و داستان تاسف آور دو ملت (حکومت شمالی و جنوبی) را ترسیم می کند که بخاطر گناه، بسوی اسارت و نابودی پیش می روند. این دو کتاب خطاب به اسرای یهود در بابل نوشته شده است و برای آنها توضیح می دهد که چه اتفاقی در تاریخ قوم یهود افتاده که اکنون آنها در اسارت هستند.

از ۱۹ پادشاه اسرائیل (سلطنت شمالی) حتی یکی از آنها خداترس نبودند. اما در یهودا (سلطنت جنوبی) بعضی از پادشاهان به دنبال خدا بودند. برای همین، پادشاهی شمالی زودتر از پادشاهی جنوبی به اسارت می رود. یعنی خدا اجازه می دهد که یهودا، ۱۴۰ سال بیشتر پابرجا بماند.

در این سالها، خداوند انبیای زیادی را می فرستد که شاید قوم توبه کرده و از نابودی که در انتظار آنهاست نجات یابند. در این سالها انبیایی چون ایلیا، الیشع، عاموس، هوشع در اسرائیل و انبیایی چون عوبدیا، یوئیل، اشعیا، میکاه، ناحوم، صفنیا، ارمیاء و حبقوق در یهودا نبوت می کردند.

خدا مرتب نقشه های خود را به این انبیا آشکار می کرد تا آنها پادشاهان و قوم را هشدار داده و به توبه و رهایی از قضاوت هولناک خدا دعوت کنند. در دفعات محدود، پادشاهی در یهودا به خدا برمی گشت و باعث بیداری روحانی قوم خود می شد. اما این بیداری همیشه کوتاه مدت بوده و قوم به زودی دوباره به بت پرستی بر می گشتند.

در اول پادشاهان، دیدیم که گناه باعث جدایی و تقسیم شدن یک ملت می شود. در دوم پادشاهان می بینیم که این گناه بت پرستی، در این دو ملت ادامه پیدا کرده و در آخر به اسارت هر دو می انجامد.

### **کلمه کلیدی :** اسارت دو پادشاهی

در این کتاب می بینیم که هر دو سلطنت اسرائیل و یهودا به اسارت می روند.



## آیات کلیدی : ۱۷ : ۲۲ \_ ۲۳ و ۲۳ : ۲۷

۱۷ : ۲۲ \_ ۲۳ ... « و بنی اسرائیل به تمامی گناهای که یربعام ورزیده بود سلوک نموده از آنها اجتناب نکردند. تا آنکه خداوند اسرائیل را موافق آنچه به واسطه جمیع بندگان خود انبیا گفته بود از حضور خود دور انداخت. پس اسرائیل از زمین خود تا امروز به آشور جلای وطن شدند.»

۲۳ : ۲۷ ... « و خداوند گفت یهودا را نیز از نظر خود دور خواهم کرد چنانکه اسرائیل را دور کردم و این شهر اورشلیم را که برگزیدم و خانه ای را که گفتم اسم من در آنجا خواهد بود ترک خواهم نمود.»

## فصل کلیدی : فصل ۲۵

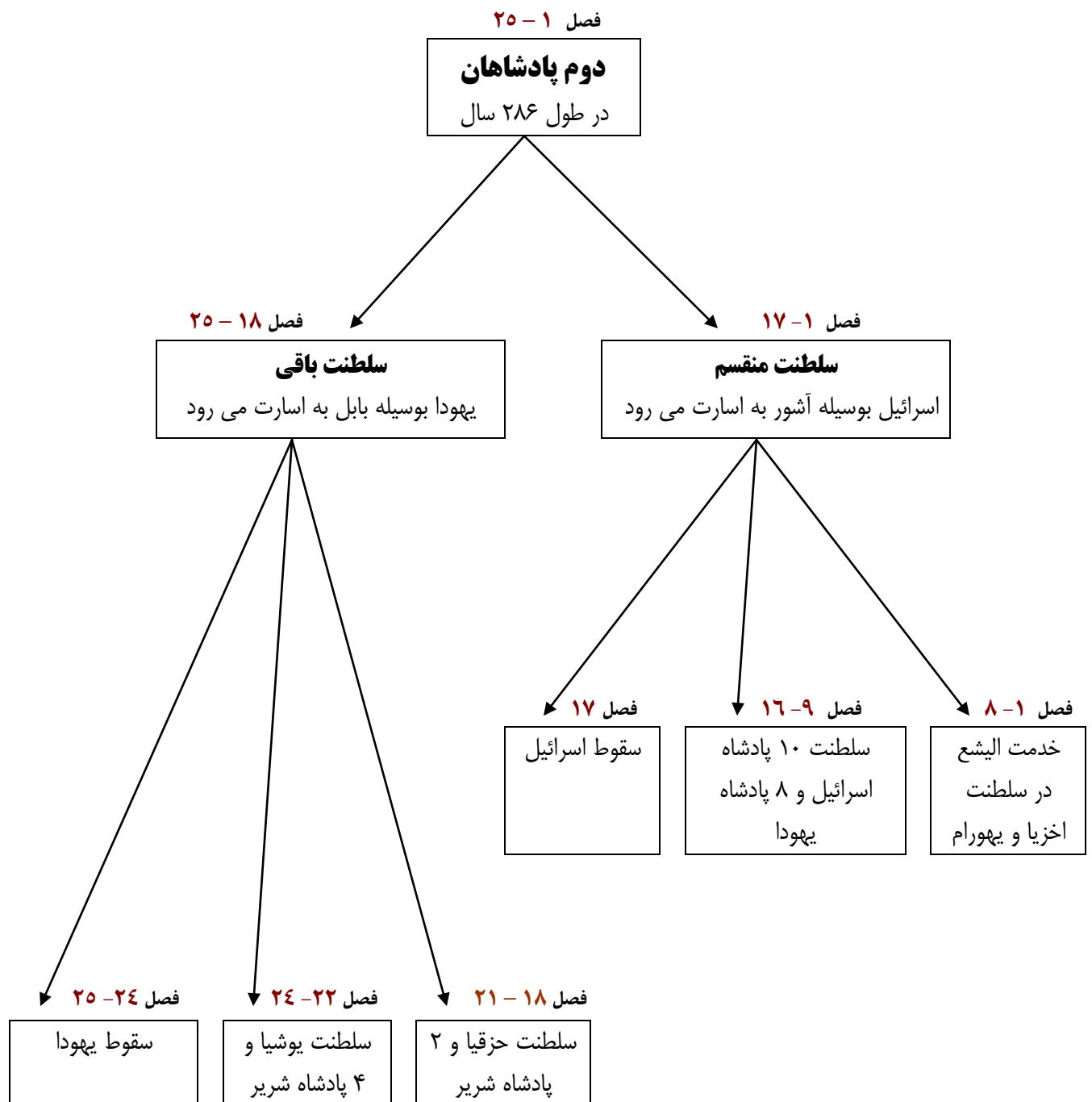
فصل آخر دوم پادشاهان، از نابودی کامل اورشلیم و معبد سخن می گوید. تمامی قوم به اسارت می روند و فقط فقرا باقی می مانند. تازه بسیاری از آنها هم به مصر فرار می کنند.

## بررسی

این کتاب بطور واضح به دو بخش تقسیم می شود.

**(۱) سلطنت منقسم (فصل های ۱ تا ۱۷)** \_ در این فصل ها، داستان پادشاهان شیر و بت پرستی قوم ادامه پیدا می کند. تنها نقاط روشن در این فصل ها، خدمت ایلیا و الیشع می باشند که در اسرائیل خدمت می کنند. ولی خدمت این دو نبی بوسیله قوم رد می شود و قوم حاضر به توبه نمی باشند. در جنوب، دختر ایزابل، عتلیا، تمام فرزندان داود را می کشد (بجز یوآش که معجزه آسا زنده می ماند) و خود سلطنت می کند. خدا اجازه می دهد سوریه بر اسرائیل مسلط شود ولی حتی این هم باعث توبه آنها نمی شود و پادشاه پشت پادشاه به شرارت ادامه می دهند. بالاخره خدا به اخطارهای خود از طریق پیامبران عمل نموده و اجازه می دهد اسرائیل به اسارت آشور برود (سال ۷۲۲ قبل از میلاد).

**(۲) سلطنت باقی (فصل های ۱۸ تا ۲۵)** \_ از ۱۹ پادشاه اسرائیل، حتی یکی از آنها خداپسندانه رفتار نمی کند. از ۹ سلسله سلطنتی در شمال، ۸ تای آن بوسیله کشتن شاه قبلی شروع می شود. در جنوب (یهودا)، فقط یک سلسله (همگی از نسل داود) پادشاهی می کنند. ولی فقط ۸ پادشاه از ۲۰ پادشاه نسبتاً خوب رفتار می کنند. با این وجود، یهودا هم بخاطر پافشاری بر گناه، به اسارت بابل می رود (سال ۵۸۶ قبل از میلاد). چون پادشاهی اسرائیل در فصل ۱۷ منقطع شده است، در این فصل ها، فقط راجع به پادشاهی جنوبی (یهودا) می خوانیم. این کتاب با این نقطه امید پایان می پذیرد که گرچه تمام قوم به اسارت رفته اند اما خدا برای خود باقیمانده ای را حفظ می کند.



## مکاشفه عیسیای مسیح

**نسل داود** \_ گرچه شیطان از طریق ملکه عتلیا می خواهد نسل داود را به کلی نابود کند، اما چون خدا قول داده است که مسیح از نسل داود خواهد آمد، آنرا به طور معجزه آسا حفظ می کند.

**الیشع** \_ ایلیا بیشتر نمونه یحیی تعمید دهنده است، اما الیشع نمونه مسیح می باشد. ایلیا مثل یحیی، کلا دور از مردم زندگی می کند و پیغام او شریعت، داوری و توبه است. اما الیشع مانند مسیح در میان مردم زندگی می کند و تاکید پیغام او فیض، حیات و امید می باشد.

## مکاشفه روح القدس

**انتقال دهنده مکان** \_ روح خدا گاهی ایلیا را از مکانی به مکان دیگر انتقال می داد (۲ : ۱۶) مانند فیلیپس در اعمال ۸ : ۳۹ \_ ۴۰.

**ریختن روح بر الیشع** \_ آنچه که در ۲ : ۹ \_ ۱۶ می بینیم (ربوده شدن ایلیا و ریختن روح القدس بر الیشع) شبیه بالا رفتن مسیح و ریختن روح القدس بر شاگردان است (اعمال ۱ : ۴ \_ ۹ و ۲ : ۱ \_ ۴). روح خداوند، الیشع را پر کرد تا کارهای ایلیا را ادامه دهد. روح القدس نیز کلیسا را پرمی کند تا کارهای مسیح را ادامه دهد.

**روح نبوت** \_ در ۳ : ۱۵ بعد از موسیقی و پرستش، روح خدا (دست خداوند) بر الیشع آمده و او نبوت می کند.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خداوند فرزندان خود را بوسیله دنیا و شریر تنبیه می کند.**

گرچه صبر خدا زیاد است و فرصت های زیادی برای توبه به ما می دهد. اما اگر در گناه پافشاری کنیم، خدا مانند پدری نمونه نمی تواند ببیند که با گناه، زندگی خود و دیگران را تباه کرده و برکت او را از زندگی خود قطع می کنیم. بنابراین او با محبتی واقعی اجازه می دهد شریر و دنیا ما را به اسارت ببرند تا مگر آنکه از رفتار مخرب خود توبه کرده و به حضور پربرکت او برگردیم. او لازم نیست خود شخصا ما را بزند بلکه فقط کافی است که دست محافظ خود را از ما بردارد تا نتیجه طبیعی گناهان خود را ببینیم و حتی به اسارت و بدبختی بیافتیم تا اینکه به توبه بیافتیم.

او قرن ها به قوم اسرائیل فرصت داد و مرتب بوسیله انبیاء به آنها اخطار داد که از بت پرستی دست بکشند اما آنها از انبیاء درس نگرفته و به اخطارهایشان توجه نکردند. در نتیجه قوم به اسارت رفت. قوم یهود در ۷۰ سال اسارت، سختی زیاد کشیدند. اما نتیجه این شد که آنچه که انبیاء نتوانستند به قوم یاد بدهند، سختی اسارت به آنها آموخت و می بینیم که بعد از آن دیگر هیچوقت حداقل گناه بت پرستی را تکرار نکردند.

اگر در گناه زندگی می کنیم و خدا، پدر ما می باشد، باید انتظار داشته باشیم که بخاطر محبتش و خیریت ما، نگذارد ما به گناه ادامه دهیم. اما آیا باید حتما تحت جفا و سختی و فشارها قرار بگیریم تا از گناهان خود توبه کنیم؟ آیا می خواهیم منتظر شویم تا دست حفاظتی خدا از زندگی ما برداشته شود و ما تحت حمله شریر قرار

بگیریم تا توبه کنیم؟ اگر امروز در گناه می باشید، چرا همین امروز از گناهان خود توبه نمی کنید و به سوی حضور پر محبت و بخشنده خدا بر نمی گردید؟ اگر نه او اجازه خواهد داد نتیجه گناه خود را ببینید و ضربه بخورید که شاید آن موقع توبه کرده و به زیر برکات او برگردید.

## **۲- برای قوی شدن در روح و خدمت موثر، خادم خدا باید با شخصی نمونه معاشرت کند.**

کسی که در زندگی ایمانی اش جدی است، می بایست بسیار در معاشرت هایش محتاط باشد. او خودش می بایست به دنبال نمونه های عالی مردان و زنان خدا بگردد و با پافشاری، با آنها معاشرت کند و خواستار دریافت مسح آنها باشد. به پافشاری الیشع در ۲ : ۲ \_ ۴ توجه کنید که مسح ایلیا را می بیند و با اصرار می خواهد شاگرد و همراه او باشد : «به حیات یهوه و حیات خودت قسم که ترا ترک نکنم.»

یک خادم خدا، معاشرت ها و دوستی های خود را به دقت انتخاب می کند. ما که نجات پیدا کرده ایم، دیگر از آن نوع معاشرت های انسانی قبلی آزاد شده ایم. یا با کسانی معاشرت می کنیم که ما بر آنها تاثیر بگذاریم (غیر ایمانداران یا نوایمانان) یا با کسانی معاشرت می کنیم که آنها تاثیر درست بر ما بگذارند (خادمین و مسیحیان نمونه). اگر در معاشرت با کسی چیز های بدی منتقل می شود، باید آن معاشرت را قطع نمود. حتی اگر در معاشرتی چیز بدی منتقل نمی شود اما چیز نیکویی نیز داده و یا گرفته نمی شود، باید آن معاشرت را قطع کرده و وقت خود را در معاشرت های سالم تر صرف نماییم.

شما با چه کسانی معاشرت دارید؟ چه کسی را می شناسید که در امری نمونه است و در موردی مسح خاصی دارد؟ با پافشاری با او معاشرت کنید، از او بیاموزید و از خدا بخواهید مسح او را به شما بدهد. از او بخواهید بر شما دست گذاشته و برای شما دعا کند. از او بخواهید آنچه که می داند را به شما منتقل کند. اگر با غیر ایمانداران و یا نوایمانان و یا مسیحیان غیر نمونه معاشرت دارید، آیا آنها از شما چیزی می گیرند؟ اگر نه آن شخص را به کس دیگری بسپارید و خود وارد مشارکت با شخص دیگری شوید.

همین حالا دعا کنید و از خدا بخواهید که چه معاشرت هایی را باید در زندگی خود قطع کنید و چه معاشرت هایی را باید با جدیت بیشتر دنبال کنید.

## **۳- خادم خدا قدرت و اختیار دادن برکت و لعنت را دارد.**

الیشع با اختیاری که داشت آب را برکت داد تا زمین را حاصل خیز کند (۲ : ۲۲). همینطور با لعنت، مرگ را آورد (۲ : ۲۳\_۲۵). خادم خدا باید بداند که در او قدرت برکت دادن و یا لعنت کردن وجود دارد پس باید با هدایت خدا و با اختیاری که دارد زبانش را برای برکت دادن و شفا دادن بکار ببرد.

آیا شما از اختیار خود به عنوان خادم خدا چگونه استفاده می کنید؟ خدا می خواهد شما در زندگی خود، در روابط خود و در گروه شباهنگ خود عامل برکت باشید. آیا می دانید حرف شما فقط حرف نیست بلکه قدرت خدا پشت آن است؟ آیا می دانید که وقتی با اقتداری که خدا به شما داده بر کسی دست گذاشته و او را برکت می دهید، در آسمان کاری انجام شده و عمبا برکات خدا بر زندگی آن شخص جاری می شود؟ آیا می دانید که تعریف

ها و تشویق های زبانی شما قدرت دارد؟ پس چرا امروز با هدایت خدا با زبان خود به کسی برکت نمی دهید؟ چرا امروز بر کسی دست نمی گذارید تا با دعای خود او را برکت دهید؟ برکت دادن را با زبان و دعا تمرین کنید. هفته پیش، یکی از شاگردان همین کلاس، با هدایت خداوند، زن و شوهری را کنار کشید و آنها را تشویق نمود. آن شوهر در طول هفته برای من توضیح می داد که چگونه در آن روز دلسرد بود و چگونه این خواهر، با هدایت خدا در زمان مناسب باعث تشویق و دلگرمی آنها شد.

### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی دوم پادشاهان چه می باشد؟
- (۲) کتاب دوم پادشاهان دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) دو کتاب اول و دوم پادشاهان، خطاب به چه کسانی نوشته شده است؟
- (۴) نام و پایتخت کشور شمالی و جنوبی را بیان کنید.
- (۵) اسرائیل، در چه سالی و بوسیله چه قدرتی به اسارت رفت؟
- (۶) یهودا، در چه سالی و بوسیله چه قدرتی به اسارت رفت؟
- (۷) دو درس روحانی از کتاب دوم پادشاهان را بیان کنید.
- (۸) دو پیامبر ذکر شده در دوم پادشاهان کدامند و با یکدیگر چه رابطه ای دارند؟
- (۹) ایلیا بیشتر نمونه ..... و الیشع بیشتر نمونه ..... می باشد.

# اول تواریخ

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب عزرا می باشد که آنرا بعد از دوران اسارت حدودا در سال ۴۲۰ قبل از میلاد نوشته است.

## زمینه و موضوعات اصلی

دو کتاب اول و دوم تواریخ در اصل یک کتاب بوده اند. این دو کتاب همان دوره ای از تاریخ را بررسی می کنند که سه کتاب دوم سموئیل، اول پادشاهان و دوم پادشاهان بیان می کنند. اما نقطه نظر آنها متفاوت است. کتاب های اول و دوم پادشاهان خطاب به قوم یهود زمانی که تازه به اسارت رفته بودند نوشته شده اند اما کتاب های اول و دوم تواریخ خطاب به قوم یهود زمانی که دارند آزاد می شوند نوشته شده است. پس این کتابها همان دوره تاریخی (از داود تا کورش) را اما نه از نقطه نظر تاریخی، بلکه از نقطه نظر الهی و روحانی بررسی می کنند. تاکید اصلی این کتاب ها بر روی خاندان داود می باشد که در یهودا سلطنت می کردند.

جدول زیر، این کتابها را با هم مقایسه می کند :

اول و دوم تواریخ	دوم سموئیل و اول و دوم پادشاهان
تمرکز روی سلطنت خاندان داود در حکومت جنوبی است	تاریخ اسرائیل از سلطنت متحد تا اسارتها
تاریخ روحانی را بیان می کند	تاریخ سیاسی را بیان می کند
بعد از دوران اسارت نوشته شده است	بلافاصله بعد از وقایع تاریخی نوشته شده است
به حالت مثبت نوشته شده است	به حالت منفی نوشته شده است
تأکید روی امید است	تأکید روی داوری است
وفاداری خدا را بیان می کند	گناهان انسان را بیان می کند
روی معبد و کهنانت تأکید می کند.	روی انبیا و پادشاهان تأکید می کند

اول و دوم تواریخ خطاب به اسیرانی نوشته شده است که بعد از دوران اسارت آزاد شده اند. در نتیجه هدف این کتاب ها این است که :

۱) به این قوم هویت بدهد. این کتاب ها، با مرور تاریخ اسرائیل، به این اسیران آزاد شده که دارند به سرزمین خود برمی گردند، هویت می دهد. یعنی اینکه به آنها می گوید از کجا می آیند و آنها را آگاه می سازد که خود زمانی کسی بوده اند. باید توجه نمود که بعد از ۷۰ سال اسارت، اکنون اکثر افراد این قوم نسل جدیدی هستند که در اسارت متولد شده اند و تا حدودی هویت قومیت خود را از دست داده اند.

۲) به این قوم درس های روحانی بدهد. با مرور تاریخ قوم، این کتب می خواهد از آنها درس های روحانی گرفته و نتیجه گیری های روحانی کند تا اینکه این نسل جدید، اشتباهات و گناهان پدران و اجداد خود را تکرار ننمایند. این کتاب به باقیمانده قوم یاد می دهد که از گذشته درس گرفته و ارتداد، بت پرستی، ازدواج با اقوام بی خدا و اختلاف را کنار گذاشته و قومی نمونه برای خدای خود بپوه باشند.

۳) این قوم را آگاه کند که قوم خدا هستند و آنها را تشویق کند که اگر قوم خدا رفتار نمایند، آینده ای روشن در انتظار آنها می باشد. برای همین، این کتاب ها گرچه فجایع تاریخ اسرائیل را مرور می کنند، اما می توان در آنها روحیه مثبت همراه با امید را نیز احساس نمود.

هنگام نوشتن این کتاب، عزرا رهبر **روحانی** قوم، نحیمیا رهبر **سیاسی** قوم و ملاکی رهبر **اخلاقی** قوم می باشند و امپراطوری فارس قدرت دنیا را در دست دارد.

### **کلمه کلیدی : عهد خدا با داوود**

این کتاب، عهد خدا با داود را به قوم یهود یادآوری می شود و به آنها نشان می دهد این عهد هنوز ادامه دارد.

### **آیات کلیدی : ۱۷ : ۱۱ \_ ۱۴ و ۲۹ : ۱۱**

۱۷ : ۱۱ \_ ۱۴ ... « و چون روزهای عمر تو تمام شود که نزد پدران خود رحلت کنی، آنگاه ذریت ترا که از پسران تو خواهد بود بعد از تو خواهیم برانگیخت و سلطنت او را پایدار خواهیم نمود. او خانه ای برای بنا خواهد کرد و من کرسی او را تا به ابد استوار خواهیم ساخت. من او را پدر خواهیم بود و او مرا پسر خواهد بود و رحمت خود را از او دور نخواهم کرد چنانکه آنها از کسیکه قبل از تو بود دور کردم. و او را در خانه و سلطنت خودم تا به ابد پایدار خواهیم ساخت و کرسی او استوار خواهد ماند تا ابدالابد.»

۲۹ : ۱۱ ... « ای خداوند عظمت و جبروت و جلال و قوت و کبریا از آن توست زیرا هرچه در آسمان و زمین است از آن تو می باشد و ای خداوند ملکوت از آن توست و تو بر همه سر و متعال هستی.»

### **فصل کلیدی : فصل ۱۷**

این فصل نه تنها برای کتاب اول تواریخ بلکه برای بقیه کتاب مقدس نیز مهم می باشد. چرا که در آن همان عهد خدا با داوود که در دوم سموئیل فصل ۷ بود تکرار می شود. در این عهد، خدا قول می دهد که ذریت داوود (یعنی عیسیای مسیح) بر خانه و ملکوت خدا تا به ابد سلطنت خواهد نمود.

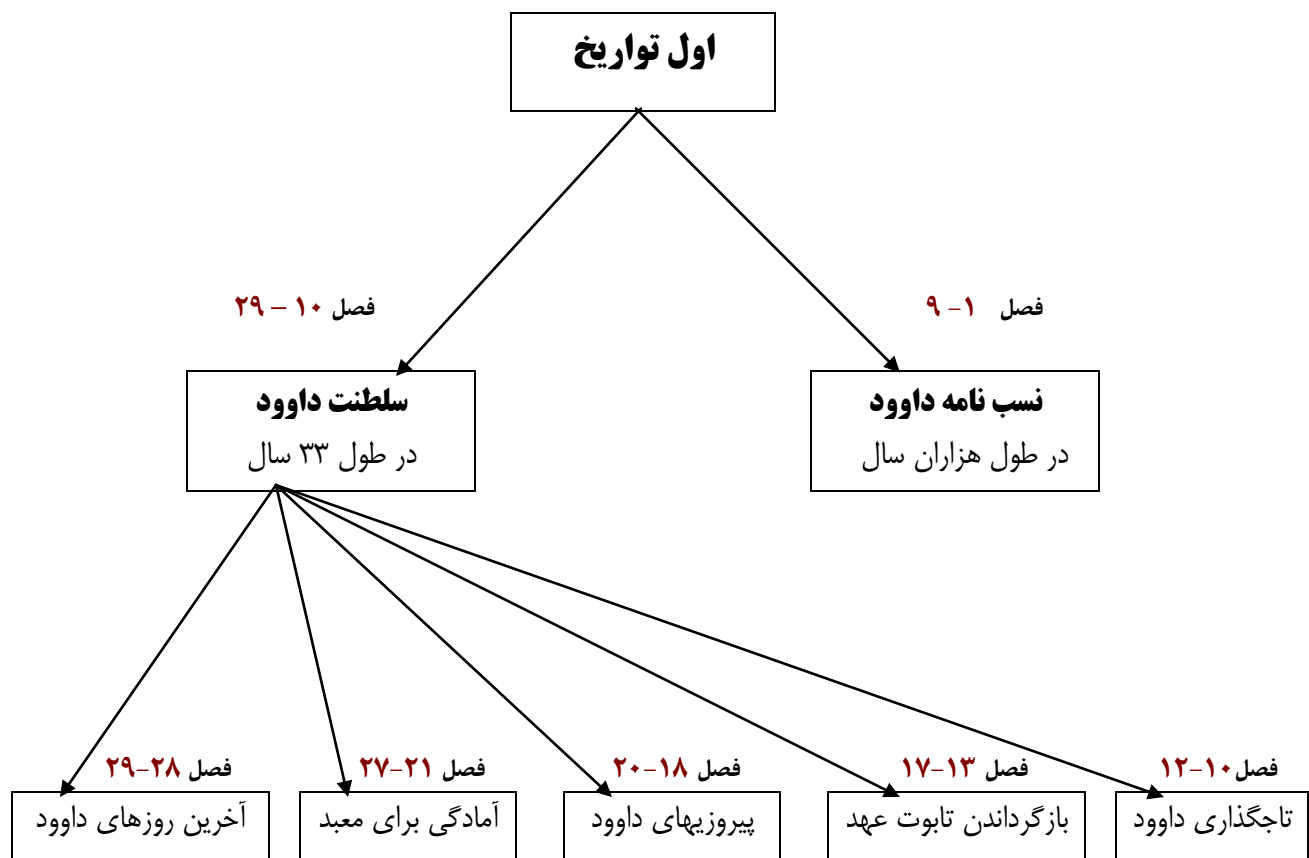
### **بررسی**

این کتاب، تاریخ قوم اسرائیل را از ابتدا تا زمان بازگشت آنها از اسارت بیان می کند تا به اسرای آزاد شده، دیدی الهی از گذشته بدهد. کتاب اول تواریخ مانند کتاب دوم سموئیل به زندگی داوود اختصاص داده شده است. در نتیجه، با نسب نامه داود شروع شده و بعد وقایع مهم سلطنت داوود بررسی می شود.

**(۱) نسب نامه داود (فصل های ۱ تا ۹)** \_ در این ۹ فصل، نسب نامه تمام قوم مطرح نمی شود. بلکه تمرکز فقط روی دو طایفه یهودا و بنیامین می باشد چرا که توجه فقط بر حکومت جنوبی و بخصوص خاندان سلطنتی داود می باشد. ۱۰ طایفه شمالی، در اسارت طولانی تری قرار گرفتند و در طول اسارت پخش و نابود شدند. در این فصل ها، به طایفه لاوی نیز توجه خاصی می شود چون کهانت از آن نسل می آید و قرار است که به زودی بعد از آزادی قوم، خدمت معبد و کهانت دوباره راه بیافتد. این نسب نامه نشان می دهد که خدا چگونه طبق وعده خود عمل کرده و همیشه بقیتی را از ابتدای تاریخ بشر تا بازگشت از بابل، برای خود حفظ نموده است.

**(۲) سلطنت داود (فصل های ۱۰ تا ۲۹)** \_ شرح سلطنت داوود که در دوم سموئیل بیان شده، در اینجا از نقطه نظر متفاوتی مطرح می شود. از بعضی از اتفاقات مهم در زندگی داود (مانند کشمکش او با شائول، حکومت ۷ ساله او در جبرون، زنهای متعدد او، سرکشی پسرش ابشالوم و حتی گناه با بتشییع) نامی برده نمی شود چراکه کتاب اول و دوم تواریخ مسایل را با دید مثبت بیان کرده و تاکید آنها بیشتر فیض و بخشش خداوند می باشد تا اینکه به یهودیان تازه آزاد شده از اسارت امید داده و آنها را برای زندگی خدا پسندانه تشویق نماید. در این بخش، فقط یک فصل (۱۰) به شائول اختصاص داده شده است و بقیه آن شرح زندگی و خدمات روحانی داود است. بعلاوه، به کار و خدمت کهانت و عبادت معبد نیز توجه خاصی می شود.

فصل ۱-۲۹





## مکاشفه عیسای مسیح

**عهد با داوود** \_ عهد که خدا با داود در مورد سلطنت ابدی ذریت او می بندد به همان صورت که در دوم سموئیل ۷ بود در اینجا در ۷ : ۱۱ \_ ۱۴ تکرار می شود. این قول در مورد آمدن و سلطنت روحانی و ابدی عیسای مسیح می باشد.

**داوود** \_ مانند اول و دوم سموئیل، در اینجا هم داوود سایه ای از خود عیسای مسیح می باشد.

**نسب نامه** \_ نسب نامه بر روی طایفه یهودا تمرکز می کند چرا که طبق پیشگویی پیدایش ۴۹ : ۱۰، مسیح می بایست از این طایفه بیاید.

## مکاشفه روح القدس

**روح نبوت** \_ روح خدا بر عماسای نازل شده (او را پوشانید) و او نبوت می کند (۱۲ : ۱۸).

**روح هدایت** \_ روح خدا نقشه ساختن معبد را به داود می دهد (۲۸ : ۱۲). امروز نیز روح القدس باید خادمین را هدایت کند تا کلیسای خداوند بنا شود.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خدا همیشه برای خود بقیته ایماندار را حفظ می کند.**

خدا قول داده بود که جهان را از طریق عیسای مسیح که می بایست از طایفه یهودا و از نسل داود به دنیا آید نجات بخشد. بخاطر همین او همیشه بقیته (هرچند تعداد محدود) را در طول تاریخ برای انجام اهداف خودش حفظ کرده و می کند.

هر چقدر که انسان و جهان در گناه فرو رود، اما خدا امین است و عهد خود را نگاه می دارد. حتی اگر لازم باشد، تعداد محدودی را برای خود نگاه می دارد تا از طریق آنها وعده های خود را به انجام برساند. بیرون آمدن ابراهیم از اور، کشتی نوح، و بازگشت بقیته از یهودیان از اسارت همگی این حقیقت را نشان می دهد. تاریخ ۲۰۰۰ ساله کلیسا بخصوص در قرون وسطی نیز این روش خدا را تایید می کند. حتی در تاریک ترین دوران کلیسا در قرون وسطی، خدا همیشه تعدادی ایمانداران حقیقی خود را داشته است. امروزه نیز خدا با ایمانداران محدودی دارد کلیسای نمونه اعمال رسولان را زنده و بازسازی می کند.

برای نجات ایران هم خدا از بقیته محدود استفاده نمود. آیا شما هم می خواهید جزو آن تعداد ایمانداران محدودی باشید که از طریق شما ایران و ایرانی را نجات دهد؟ یا می خواهید جزو آن عده عظیم مسیحیانی باشید که با دنیا قاطی شده و برای خدا بی اثر هستند؟ انتخاب با من و شما است.

## ۲- ایمانداری که به گناه ادامه می دهد به اسارت شیطان می رود.

خدا قوم یهود را دوست داشت و برای آنان نقشه های عالی داشت. اما وقتی به اخطارهای او توجه ننموده و به گناه خود ادامه دادند، خود او اجازه داد که دشمنان بر آنها پیروز شده و به اسارت روند. این آخرین راه چاره خدا می باشد که قوم خود را به توبه آورده و به برکات الهی برگرداند.

وقتی شخصی ایمان می آورد، از اسارت نوع مصر آزاد می شود و فرزند خدا و قوم خدا می شود. خواست خدا برای او آنگاه این است که با پاکی زندگی کرده و با قوت روح القدس، زمین ها شیطان را گرفته و با پیروزی وارد کنعان (وعده های خدا) گردد. اما اگر او بجای آنکه برای خدا بدرخشد، با گناه و دنیا قاطی شود، خداوند اجازه می دهد به اسارت از نوع آشور (نابودی کامل) یا از نوع بابل (توبه و بازگشت) بیافتد. در عهد جدید نیز «به شیطان سپردن» روشی است که خدا در مورد مسیحی که در گناه پافشاری می کند و از کلیسا اخراج می شود، بکار می برد (اول تیموتاوس ۱ : ۲۰).

گناه اسارت می آورد. وقتی در گناه پافشاری می کنیم، پدر آسمانی ما بخاطر محبتی که دارد، چاره ای ندارد جز اینکه اجازه دهد به اسارت شیطان بیافتیم تا قدر عافیت را دریابیم. زیر دست شیطان آنقدر آزار ببینیم و شلاق بخوریم که شاید به خود آمده و مثل پسر گمشده به سوی پدر برگردیم. اما چرا باید اینطور باشد؟ چرا نباید گوش ما آنقدر به خدا حساس باشد که با اولین اخطار، توبه کرده و به سوی او برگردیم؟ اگر امروز در گناه ادامه می دهید و به اخطارهای خدا توجه نمی کنید، بدانید که خدا را دارید مجبور می کنید که شما را به شیطان بسپارد تا اینکه حتی جسم شما نابود شود ولی روح شما نجات یابد.

## ۳- یک نبی می تواند اشتباه کند و نبی دروغین نباشد.

ناتان نبی به اشتباه به داود گفت که او باید معبد را بسازد و خداوند او را تصحیح کرد و او بلافاصله پذیرفت (۱۷ : ۲ - ۴). او اشتباه کرد اما نبی دروغین نبود. نبی دروغین علاوه بر نبوت غلط، روحیه غلط (غرور و عدم تصحیح پذیری، عدم تعلیم پذیری، خود مرکزی...) و میوه های غلط دارد. یک نبوت غلط، کسی را نبی دروغین نمی سازد (وگرنه ناتان، نبی دروغین بود) چرا که او نیز ممکن است مانند هر خادم دیگر صادق باشد ولی گاهی در خدمت خود اشتباه کند و صدای خواسته خود را با صدای خداوند اشتباه بگیرد.

طبق تعالیم عهد جدید، عطیه نبوت بسیار برای کلیسا مهم است و از ایمانداران خواسته می شود همه آنها این عطیه را با غیرت بطلبند. برای آنکه عطیه نبوت (یا هر عطیه دیگر) در کلیسا تشویق شود و افراد در عطیه خود رشد کنند، باید اجازه داد افراد گاهی اشتباه کنند و با ملایمت اشتباهات آنها را تصحیح کرد تا یاد گرفته و در خدمت خود بالغ شوند. در کلیسای، در مورد اشتباه باید ملایمت و صبر داشت اما باید با روحیه غلط و شخصیت غیر مسیحی به شدت برخورد نمود.

هر شخص که دارد در عطیه اش رشد می کند، طبیعتاً اشتباهاتی خواهد کرد. ترس از اشتباه کردن، رشد خدمت را کند می کند. کلیسای ایرانیان باید محلی باشد که گناه و روحیه غلط تحمل نمی شود اما اشتباه با محبت تحمل و تصحیح می شود. آیا شما از اشتباه کردن می ترسید؟ اگر می ترسید، عطیه شما هیچگاه شکوفا نخواهد. آنچه که خدا به شما داده است را با جرات به کار ببرید. از اشتباه کردن یا حرف دیگران نترسید.

فوقش اشتباه خواهید کرد که باعث می شود از آن بیاموزید. نگران نباشید. خادمین این کلیسا (کلیسای ایرانیان) هیچوقت کسی را فقط برای اشتباه در خدمت توبیخ نخواهند کرد (توبیخ برای کسی است که در روحیه غلط، در گناه خود و در راههای غلط خود پافشاری می کند و باقی می ماند). پس با جرات خدمت کنید. این جرات و شهامت شما و ترسیدن از اشتباه کردن، باعث می شود که عطیه و خدمت و خواندگی شما با سرعت بیشتری شکوفا شده و برای خداوندان عیسای مسیح ثمرات نیکو و فراوان آورید.

#### **۴ - خدا بوسیله موسیقی و سرود و نوازندگی نیز نبوت می دهد.**

خداوند از طریق سرود و موسیقی با قوم خود سخن می گوید. ایمانداران باید آماده باشند که خدا در هر جلسه و گردهمایی به آنها سرود و یا قطعه ای موسیقی بدهد که بوسیله آن کلیسای خداوند را بنا و تشویق کرده و تسلی دهند. نمونه این را در ۲۵ : ۱ - ۷ می بینیم و خدا در اول قرتیان ۱۴ : ۲۶ و افسسیان ۵ : ۱۷ - ۲۰ نیز آنرا برای کلیسا تایید می کند.

وقتی عبادت می کنیم، نه تنها ما با خدا صحبت می کنیم و او را جلال می دهیم، بلکه باید بدانیم که خدا نیز می خواهد با ما صحبت کند و به ما پیغام بدهد. پس هنگام پرستش باید گوش ما به روح القدس باشد که با ما صحبت کند و یا همانجا به ما سرودی جدید بدهد.

برای خادم خدا، نواختن یک آلت موسیقی، وسیله ای پر قدرت در خدمتش می باشد. ما در طول عمر خود کلاس ها و دوره هایی را دیده ایم و می بینیم که اکثراً "تاثیر چندانی در زندگی ما و دیگران ندارد. اما وقتی که برای آموختن یک آلت موسیقی صرف می کنیم، با به آخر عمر و سالها برای خود ما و دیگران باعث بنا و برکت می باشد. اگر نواختن آلت موسیقی بلد می باشید، آن را در عبادت شخصی خود بکار ببرید. آن را در گروه های شباهنگ خود بکار ببرید تا دعا و عبادت و روح نبوت جاری شود. اگر اشتیاقی در قلب خود برای یادگیری یک آلت موسیقی دارید تا با آن خدا را جلال داده و قوم او را خدمت کنید، بدانید این اشتیاق از روح القدس می باشد. آن را عقب نیندازید و گرنه سالها می گذرد و از اینکه این کار را نکردید افسوس خواهید خورد. همین هفته، با معلمی تماس گرفته و یا در کلاسی ثبت نام کنید. آنگاه متعهد خواهید شد که این اشتیاق مهم الهی را به نتیجه برسانید. موسیقی اکثراً بیشتر از یک درس یا تعلیم قلب و روح دیگران را لمس می کند.

#### **۵ - ده یک و هدیه دادن نتیجه طبیعی رشد روحانی می باشد.**

نه هر که هدیه و ده یک می دهد در ایمان شخص بالغی می باشد اما هر کس که در شخصیت ایمانی و روحانی خود رشد کرده است، ممکن نیست در هدیه دادن و ده یک دادن مشکل داشته باشد.

در ۲۹ : ۵ - ۱۷، روحیه درست درمورد هدیه دادن را می بینیم :

(۱) هدیه دادن نتیجه وقف کرده خود است (تسلیم کردن خود به خداوندی عیسای مسیح) (آیه ۵).

(۲) هدیه باید به خوشی دل (نه با زور و ناراحتی) و به دل کامل (نه با دودلی) داده شود (آیه ۹).

(۳) باید این دید را داشت که همه چیز از آن خداوند است و این افتخار ما است که خدا ما را قادر ساخته به

او هدیه بدهیم چرا که هدیه دادن «از دست او به او دادن» می باشد (آیات ۱۰ - ۱۴).

۴) باید زندگی و دنیا را کوتاه و فانی دید تا پول و وقت خود را نه برای چیزهای فانی بلکه ابدی سرمایه گذاری کنیم (آیه ۱۵).

آیا با شادمانی و با تمامی دل هدیه و ده یک می دهید؟ اگر نه بدانید این مساله، ریشه روحانی دارد. پس قلب خود را در مقابل خدا بیازمایید تا به شما نشان دهد ریشه مشکل شما در کدامیک از موارد بالا می باشد. آیا وقتی می گوئید « خداوند است » آیا واقعا قلب و زبان شما یکی است؟ اگر یکی است آنگاه خداوندی مسیح در اعمال شما نیز دیده می شود.

### **۶- خادم خدا باید از خدا مأموریت گرفته و بعد با دلیری و بدون ترس آنرا به انجام برساند.**

خداوند وقتی به کسی مأموریتی می دهد، او را تنها نمی گذارد بلکه حضورش با او می ماند. او خودش از خادمش پشتیبانی می کند تا آن کار به پایان برسد (۲۸ : ۲۰). اما این پشتیبانی و حضور خاص خدا شرط دارد. چه شرطی؟ به شرط آنکه خادم خدا ترس را کنار گذاشته و با ایمان قوی و دلیر شده و نایستد بلکه مشغول به کار شود. خدا به شما چه مأموریتی را در ملکوت خود داده است. از شما خواسته چه چیزی را برای او بنا کنید؟ پس با جرات و دلیری مشغول به کار شوید و ایمان داشته باشید که او نیز شما را ترک نخواهد کرد و با حضور خود از شما پشتیبانی خواهد کرد. اگر نترسیده و با ایمان قدم به جلو بگذارید، پیروزی و موفقیت شما حتمی است چرا که خود خدا آن را تضمین می کند.

### **سوالات برای مرور درس**

- ۱) کلمه کلیدی اول تواریخ چه می باشد؟
- ۲) کتاب اول تواریخ دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- ۳) فصل کلیدی در اول تواریخ کدام است؟ در این فصل چه موضوعی مطرح می شود؟
- ۴) سه هدف نوشتن اول و دوم تواریخ کدام می باشند؟
- ۵) کتب اول و دوم تواریخ در چه زمان در طول اسارت نوشته شده اند؟
- ۶) سه درس روحانی از کتاب اول تواریخ را بیان کنید.
- ۷) نویسنده کتاب اول تواریخ چه کسی می باشد؟
- ۸) کتاب اول تواریخ شبیه کدام کتاب دیگر از کتابمقدس می باشد؟
- ۹) سه درس روحانی از کتاب اول تواریخ را بیان کنید.
- ۱۰) نقشه ساخته شدن معبد را چه کسی به داود داد؟

# دوم تواریخ

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب عزرا می باشد که آنرا بعد از دوران اسارت حدودا در سال ۴۲۰ قبل از میلاد نوشته است.

## زمینه و موضوعات اصلی

دو کتاب اول و دوم تواریخ در اصل یک کتاب بوده اند. پس این کتاب دنباله کتاب اول تواریخ می باشد. کتاب دوم تواریخ همان وقایع اول و دوم پادشاهان را بیان می کند ولی تاریخ حکومت شمالی را بخاطر عبادت غلط شان و رد کردن معبد اورشلیم، کاملا نادیده می گیرد. در بررسی حکومت جنوبی (یهودا) نیز به پادشاهانی بیشتر می پردازد که نسبتا خدا شناس بوده و خط داوود را ادامه دادند. در نتیجه به پادشاهانی چون آسا، یهوشافاط، یوآش، حزقیا و یوشیا که بیداری روحانی را برای نسل خود آوردند، بیشتر توجه می کند.

این کتاب نیز مانند اول تواریخ خطاب به اسرای آزاد شده که به سرزمین خود بر می گردند، نوشته شده است و هدف آن این است که به آنها زمینه ای از گذشته تاریخی و روحانی قوم بدهد تا آنها را تشویق کند که این بار درست عمل کرده و به شریعت موسی و مرکزیت معبد وفادار باشند.

بنابراین، معبد اورشلیم و عبادت در معبد موضوعات مهمی هستند که در اول و دوم تواریخ به آن توجه خاصی می شود. با تشریح مفصل چگونگی ساخته شدن معبد سلیمان، مراسم تقدیس آن و عبادت در آن، عزرا می خواهد اسرای آزاد شده را تشویق کند که معبد تازه ساخته شده و مراسم و عبادت در آن را جدی بگیرند چرا که معبد، نشانه و یادآور خواندگی آنها به عنوان قوم خدا و امانت خدا نسبت به عهد خود می باشد.

این کتاب به گذشته نگاه می کند و از آن درس می گیرد، به حال نگاه می کند و وفاداری خدا را می بیند (در آزاد کردن اسرا و ساخته شدن معبد نو) و به آینده نگاه می کند و وعده های خدا (آمدن مسیح) را یادآور می شود.

## کلمه کلیدی : میراث روحانی یهودا

چون نشان می دهد سطلنت خاندان داود در یهودا چگونه بود و از آن چه وعده ها و چه درس های روحانی برای نسلی که آزاد شده و به سرزمین خود بر می گردد وجود دارد.

## آیات کلیدی : ۱۴: ۷ و ۱۶: ۹

۱۴: ۷ ... «اگر قوم من که به اسم من نامیده شده اند، متواضع شوند و دعا کرده طالب حضور من باشند و از راههای بد خویش بازگشت نمایند، آنگاه من از آسمان اجابت خواهم فرمود و گناهان ایشان را خواهم آمرزید و زمین ایشان را شفا خواهم داد.»

۱۶ : ۹ ... « زیرا که چشان خداوند در تمام جهان تردد می کند تا قوت خویش را بر آنانی که دل ایشان با او کامل است نمایان سازد.»

### فصل کلیدی : فصل ۷

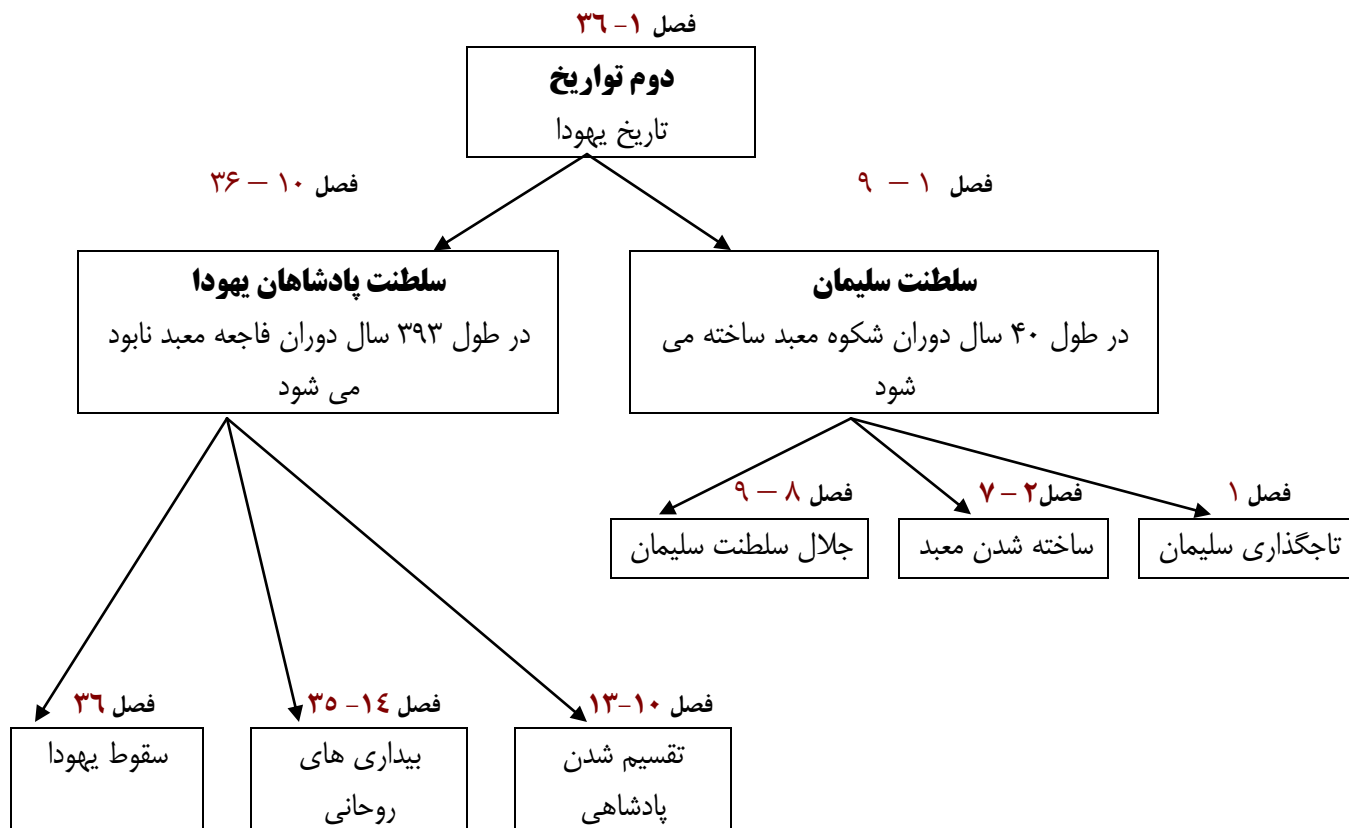
در این فصل، خداوند دعای سلیمان در فصل قبل را شنیده و با نازل کردن آتش از آسمان و پر کردن معبد از جلال خود، بر ساخته شدن معبد تأیید می گذارد. سپس با قوم عهد برکت و لعنت می بندد.

### بررسی

این کتاب وقایع اول تواریخ را ادامه می دهد. چون معبد موضوع مهمی است، ۹ فصل اول مربوط به ساخته شدن و تقدیس معبد سلیمان می باشد و در فصل آخر (۳۶) نیز کتاب با دستور کورش برای ساخته شدن دوباره معبد به پایان می رسد.

**(۱) سلطنت سلیمان (فصل های ۱ تا ۹)** \_ حکومت سلیمان، اسرائیل را به اوج قدرت سیاسی و روحانی می رساند. علاوه بر کشور گشایی، آسایش و صلح کشور را فرا گرفته بود و معبد پرشکوهی نیز ساخته شده بود. بخاطر تأکیدی که کل کتاب دوم تواریخ روی معبد دارد، تعجبی ندارد که ۶ فصل از این ۹ فصل به ساخته شدن و تقدیس معبد اختصاص داده شده است.

**(۲) سلطنت پادشاهان یهودا (فصل های ۱۰ تا ۳۶)** \_ متأسفانه جلال اسرائیل زود گذر است. بعداً از مرگ سلیمان، کشور تقسیم شده و هر دو قسمت، سیر قهقرایی به سوی نابودی را طی می کنند. بعضی از پادشاهان یهودا بیداری آورده و اصلاحاتی را انجام می دهند. اما این بیداری هیچوقت بیشتر از یک نسل ادامه پیدا نکرده و به نسل بعد منتقل نمی گردد. در نتیجه ۷۰ درصد فصل ۱۰ تا ۳۶ در مورد ۸ پادشاه نیک رفتار و ۳۰ درصد بقیه در مورد ۱۲ پادشاه شریر می باشد. هر پادشاه بر اساس روحانیتش و رابطه اش با معبد ارزیابی می شود.



## مکاشفه عیسیای مسیح

**نسل داود** \_ خدا قول داده بود که مسیح از طایفه یهودا و از نسل داود خواهد بود. با وجود جنگ ها، قتل ها، خیانت ها، دسیسه ها و حتی اسارت در مملکتی دوردست، خداوند به وعده خود امین است و نسل داوود را نگاه می دارد تا به زرو بابل برسد.

**معبد** \_ معبد (کلمه عبری آن «هیكل» است) نمونه مهمی از عیسیای مسیح می باشد. خود مسیح راجع به خودش گفت: « بدانید که شخصی بزرگتر از معبد در اینجا است.» (متی ۱۲: ۶). همچنین عیسیای مسیح بدن خود را به معبد تشبیه می کند: «این معبد را ویران کنید و من آنرا در سه روز برپا خواهم کرد.» (یوحنا ۲: ۱۹) ایمانداران مسیحی نیز معبد خدا خوانده شده اند (اول قرنیتیان ۳: ۱۶ \_ ۱۷ و ۶: ۱۹ و افسسیان ۲: ۱۹ \_ ۲۲) این نشان می دهد که مسیح خود را با بدن خود یکی دانسته و مجموع را «معبد» می خواند. در آسمان معبدی وجود ندارد چون خود عیسیای مسیح معبد آن است: «در شهر معبدی ندیدم زیرا معبدش خداوند، خدای قادر مطلق و بره بود.» (مکاشفه ۲۱: ۲۲)

**ظاهر شدن به سلیمان** \_ خداوند (عیسای مسیح) در شب به سلیمان ظاهر شده و روبرو با او سخن می گوید (۷: ۱۲).

## مکاشفه روح القدس

**روح نبوت** \_ روح القدس روح نبوت می باشد و وقتی نازل می شود، نبوت می دهد. او بر عَزْرِیا (۱۵ : ۱) و یَحْزَئِیل (۲۰ : ۱۴) نازل شد و زکریا را ملبس ساخت (۲۴ : ۲۰) و آنها نبوت کردند. آیه ۱۸ : ۲۳ نیز اشاره به این است که روح القدس سخن می گوید. روح القدس هنوز هم سخن می گوید و افرادی که «ایماندار» هستند (یعنی به این کار روح القدس ایمان دارند) را ملبس ساخته و به آنها نبوت می دهد.

**ابر و جلال خدا** \_ در (۵ : ۱۳-۱۴)، بعد از پرستش، روح القدس (جلال یهوه)، معبد را پر می کند. و کاهنان به زمین می افتند. هنوز هم ایمانداران معبد روح القدس هستند (اول قرن‌تین ۳ : ۱۶ و ۶ : ۱۹) و هنوز با پرستش، این معبد از روح القدس و حضور جلال خدا پر می شود.

**آتش** \_ آتش از آسمان آمده و قربانی ها را در معبد سوزانید (۷ : ۱). قربانی های عهد جدید بدن های ماست (رومیان ۱۲ : ۱). وقتی خود را به خدا تقدیم می کنیم، آتش روح القدس معبد های ما (بدن های ما) را فرا می گیرد.

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - خدا، خداوند تاریخ است.**

گرچه خدا با انسان آزادی داده و تاریخ بشریت بیشتر تاریخ گناه بشر می باشد، اما قدرت خدا را در این می بینیم که این تاریخ هیچگاه از کنترل او خارج نبوده و نمی باشد. گناهان انسان در تاریخ هیچگاه نمی تواند مانع انجام وعده های خدا شود. گناه اسرائیل و اقوامی مانند آشور و بابل و فارس نه تنها مانع انجام وعده آمدن مسیح نشد بلکه برعکس خدا از آنها برای انجام این وعده نیز استفاده کرد.

در طول این ۲۰۰۰ سال نیز گرچه کلیسای خداوند بارها در ضعف و گناه بوده و می باشد و در نتیجه به اسارت دنیا افتاده است، اما همانطور که خدا قوم خود را از اسارت آزاد کرده و به مکان اولیه خود برگرداند تا زمینه را برای بازگشت مسیح آماده کند، اکنون نیز در زمانهای آخر، خداوند قوم خود یعنی کلیسا را آزاد می کند و به کنعان یعنی محل اولیه خود (کلیسای کتاب اعمال رسولان) بر می گرداند تا زمینه را برای بازگشت ثانوی عیسای مسیح آماده کند. در این سالهای آخر، خداوند دارد خدمت رسالت و نبوت را به کلیسا برگردانده و عطایای روح القدس چون شفا، معجزات، بیان علم، بیان حکمت، نبوت، زبانها، تفسیر زبانها، ایمان و تمیز ارواح را در آن جاری می سازد.

خداوند کلیسای ایرانیان را خوانده است که کلیسایی مطابق نمونه اول (اعمال رسولان) باشد و با نجات ایران و ایرانی، زمینه را برای بازگشت ثانوی مسیح فراهم نماید.



## ۲- خادم خدا برای خدمت خود باید همواره حکمت خدا را طالب باشد.

سلیمان از خدا فقط حکمت خواست و خداوند به او دولت و توانگری و حشمت را نیز داد (۱ : ۱۰-۱۲). حکمت یعنی «مسایل را از دیدگاه خدا دیدن و راه حل ها را از خدا گرفتن».

خادم خدا باید حکیم باشد. اما شخص حکیم از دید خداوند کسی نیست که فکرش نقشه های زیرکانه می کشد بلکه کسی است که همیشه در هر مساله شخصی، خانوادگی و کلیسایی، اقلکار و راههای خود را کنار گذاشته و جویای این است که ببیند خداوند آن مساله را چگونه می بیند و برای آن چه راه حلی دارد. به این منظور، کلام خدا را تفحص و جستجو می کند، و با دعا و روزه، هدایت روح القدس را طالب می شود تا صدای او را بشنود. او همچنین از مشورت مردان و زنان خدا که خداوند در کنار او یا بر سر او قرار داده استفاده کرده و مشورت های آنها را جدی می گیرد چرا که می داند خدا از طریق مشورت مردان و زنان خدا نیز حکمت را به او جاری می سازد.

## ۳- روش خدا برای بیداری و نجات ایران، توبه، تواضع و دعای ایمانداران است.

در ۷ : ۱۴، خدا عهدهی را با قوم خود می بندد. قسمت اول این وعده مربوط به ماست که اگر انجام دهیم، او قسمت دوم آنرا انجام می دهد. برای نجات کشور ایران، خدا می خواهد که فوم او (ایمانداران ایرانی)،

(۱) متواضع شوند

(۲) دعا کنند

(۳) طالب حضور او باشند

(۴) از راه های بد خویش توبه کنند،

آنگاه او :

(۱) از آسمان اجابت خواهد نمود

(۲) گناهان آنها را خواهد آمرزید

(۳) زمین آنها (ایران) را شفا خواهد داد

(۴) چشم ها و گوش های او به دعاها و ایمانداران ایرانی شنوا خواهد بود.

پس کلید نجات و شفای ایران در این است که ما ایمانداران فعلی کلیساهای ایرانی روحیه بالا را داشته باشیم.

## ۴- خادم خدا با داشتن دل کامل، وسیله ظهور قدرت خدا می شود.

چشمان خداوند در تمام جهان می گردد و به دنبال کسی است که تمامی دل خود را تقدیم خدا کرده است. وقتی چنین شخصی را پیدا کرد، خدا می خواهد قوت خود را (برای بشارت، خدمت، معجزات، شفاء...) از طریق او به جهان ظاهر سازد (۱۶ : ۹).

آیا می خواهید قوت خدا از ما نمایان شود؟ قلب خود را آزمایش کنیم. آیا تمامی آن متعلق به خداوند است؟ به همان اندازه که تسلیم خدا هستیم، به همان اندازه قدرت او در ما جاری می باشد. چشمان خدا در جهان می گردد و قلب ها را می بیند. آنچه که او را تکان می دهد، یک قلب آماده و مطیع و پاک می باشد.

#### **۵- سرود و پرستش اسلحه موثری برای جنگ روحانی با شریر می باشد.**

در فصل ۲۰، یهوشافاط بعد از دعا و پرستش شخصی، پیش روی لشکر خود، نوازندگان و خوانندگان و عبادت کنندگان را فرستاد. نتیجه این شد که دشمن به جان همدیگر افتاده و یکدیگر را کشتند (۲۰ : ۱۸-۲۵). غنیمت آنقدر زیاد بود که سه روز تمام مشغول غارت بودند.

خادم مفید خدا باید در پرستش و دعای شخصی قوی باشد و نقش مهم آنرا در خدمت خود (در هر کجا که باشد) ببیند. وقتی شخصا در جنگ روحانی هستید و شریر با حملات مختلف (بخصوص حمله فکری) می خواهد شما را افسرده، دلسرد و در مقابل مشکلات ترسان کند، نواری پرستشی گذاشته و شروع به عبادت کنید. وقتی فضای خانه تان متشنج است و شیطان دارد اعضای خانواده تان را از هم دور می کند و یا به جان یکدیگر می اندازد، نواری پرستشی گذاشته و شروع به عبادت کنید. هر موقع جو گروه شباهنگ تان سنگین است و شریر فعالیت می کند، هر کاری را متوقف کرده و به دعا و عبادت و پرستش و سرود مشغول شوید و ادامه دهید تا جو آن محل عوض شود. همیشه و در هر موقعیت، پرستش و عبادت، اسلحه قوی در مقابل کارهای شریر می باشد. در زندگی شخصی و خدمت خود، از آن مرتب استفاده کنید.

#### **۶- همیشه بهتر است ضرر مالی را قبول کنیم تا اینکه کار اشتباه خود را ادامه دهیم.**

أمصیا پادشاه یهود، صدهزار مرد جنگی را با قیمتی گزاف استخدام کرد. اما وقتی «مرد خثائی» این اشتباه او را به او گوشزد کرد، پذیرفت و حاضر شد ضرر زیادی را قبول کند چرا که ایمان داشت اگر کار درست را بکند، «خداوند قادر است که او را بیشتر از این بدهد.» (۲۵ : ۵ - ۱۰)

گاهی کاری را با بی حکمتی و مخالف اراده خدا شروع می کنیم و پولمان (و یا وقتمان) را هم در آن کار سرمایه گذاری می کنیم. بعد که متوجه اشتباه خود می شویم، احساس می کنیم که برای از دست ندادن آن سرمایه (پول و وقت)، مجبور هستیم که به مسیر خود ادامه دهیم. برای ما سخت است که اولاً "اعتراف کنیم که اشتباه کرده ایم و ثانياً "ضرر مالی و وقتی را بپذیریم. اما راه خدا چیست؟ خواست خدا در این شرایط این است که هرچه زودتر ضرر را قبول کرده و از آن راه اشتباه بیرون بیایم. نگذاریم پول باعث شود که اراده خدا را انجام ندهیم و به کار و راه اشتباهمان ادامه بدهیم.

شما امروز در چه موقعیتی گیر کرده اید که می دانید درست نیست اما بخاطر سرمایه پولی و وقتی، حس می کنید مجبور هستید که در آن موقعیت باقی مانده و ادامه دهید؟ خواست خداوند این است که هرچه زودتر از آن موقعیت بیرون آیید. نترسید و جرات داشته باشید. ضرر را قبول کنید و مطمئن باشید که «خداوند قادر است که ما را بیشتر از این بدهد.» خداوند تصمیم درست شما را تایید و پشتیبانی خواهد کرد و بیشتر از پیش به شما برکت خواهد داد.

## ۷- خدا همیشه مغروران را پست کرده و فروتنان را بلند کرده و برکت می دهد.

در بررسی زندگی پادشاهان متعدد می بینیم شخصیت و روش های خدا ثابت است. او همواره گناه و غرور را داوری می کند و همیشه شخص فروتن و توبه کار را برکت می دهد. این روش خدا هنوز عوض نشده است (یعقوب ۴ : ۴ \_ ۱۰). یکی از بارز ترین خصوصیت یک شخص فروتن، تعلیم پذیری و تصحیح پذیری اوست. او آماده است که اشتباه و گناه خود را قبول کند (حالا هر کس که آن را به او گوشزد کرده است) و از راه های خود بازگشت کند.

وقتی کسی اشتباه شما را به شما گوشزد می کند، عکس العمل شما چیست؟ آیا به دنبال عذر و بهانه می گردید که خود را توجیه کنید و ثابت کنید که او اشتباه می کند؟ آیا با او دشمن می شوید و پیش خود می گوئید : «او کیست که به من بگوید. خودش صد اشتباه بیشتر از من دارد؟» یا اینکه از شخص مقابل تشکر کرده و می گوئید : «حرف تو را جدی گرفته و در مورد آن دعا می کنم.» آیا به خدا می گوئید : «خداوند! چه این شخص با غرض و چه بدون غرض این ایراد را از من گرفته، باز می خواهم بدانم تو چه می گویی. آیا حقیقتی در آنچه این شخص می گوید وجود دارد؟ به من نشان بده. نباشد که تو شخصی را برای تصحیح من و برکت دادن من فرستاده ای و من او را و برکت تو را رد کنم.»

## سوالات برای مرور درس

- ۱) کلمه کلیدی دوم تواریخ چه می باشد؟
- ۲) کتاب دوم تواریخ دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- ۳) فصل کلیدی در دوم تواریخ کدام است؟ در این فصل چه اتفاقی می افتد؟
- ۴) دو مکاشفه روح القدس را در کتاب دوم تواریخ نام ببرید.
- ۵) سه درس روحانی از کتاب دوم تواریخ را بیان کنید.
- ۶) کتاب دوم تواریخ شبیه کدام کتاب دیگر از کتاب مقدس می باشد؟
- ۷) در دوم تواریخ، عیسای مسیح به چه کسی ظاهر می شود؟

# عزرا

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب عزرا می باشد که آنرا بعد از دوران اسارت حدودا در سال ۴۴۰ قبل از میلاد نوشته است. کلمه «عزرا» به معنی «یهوه کمک می کند» می باشد. عزرا کاتب بود. کاتب کسی بود که از کتاب تورات نسخه برداری می کرد. او می بایست تورات را بسیار خوب بداند و بتواند آن را تعلیم دهد.

## زمینه و موضوعات اصلی

دو کتاب عزرا و نحمیا در اصل یک کتاب بوده اند و داستان بازگشتن قوم یهود از اسارت را بیان می کنند. کتاب عزرا، شرح وقایع کتاب دوم تواریخ را ادامه داده و نشان می دهد خدا چگونه به وعده خود در ارمیاء ۲۵ : ۱۲ و ارمیاء ۲۹ : ۱۰ \_ ۱۴ عمل کرده و قوم خود را بعد از ۷۰ سال اسارت به سرزمین موعود بر می گرداند. این کتاب راجع به دو بازگشت از اسارت صحبت می کند. بازگشت اول به رهبری زروبابل (در طی سالهای ۵۳۸ تا ۵۱۵ قبل از میلاد) و برای بازسازی معبد می باشد (فصل های ۱\_۶) و بازگشت دوم تحت رهبری عزرا (در سال ۴۵۷ قبل از میلاد) و برای بازسازی وضع روحانی قوم صورت می گیرد (فصل های ۷ \_ ۱۰). بین این دو بازگشت، ۶۰ سال اختلاف می باشد که در آن فاصله، استر ملکه ایران شده و وقایع کتاب استر اتفاق می افتد. کتاب عزرا، بازسازی روحانی، اخلاقی و اجتماعی آن بقیتی که به اورشلیم برگشته اند را تحت رهبری زروبابل و عزرا نشان می دهد. این کتاب تاکید زیادی روی کلام خدا و اهمیت اطاعت کردن از آن دارد.

### کلمه کلیدی : بازسازی معبد

چون معبد خدا دوباره ساخته شده و مراسم عبادتی آن دوباره آغاز می شود.

### آیات کلیدی : ۱ : ۳ و ۷ : ۱۰

۱ : ۳ ... « پس کیست از شما از تمامی قوم او که خدایش با وی باشد؟ او به اورشلیم که در یهودا است برود و خانه یهوه را که خدای اسرائیل و خدای حقیقی است در اورشلیم بنا نماید.»  
۷ : ۱۰ ... « چونکه عزرا دل خود را به طلب نمودن شریعت خداوند و به عمل آوردن آن و به تعلیم دادن فرایض و احکام به اسرائیل مهیا ساخته بود.»

### فصل کلیدی : فصل ۶

این فصل کامل شدن ساختمان معبد و تقدیس آنرا بیان می کند. در تقدیس معبد، از بقیت قوم خواسته می شود خود را از « رجاسات امت های زمین جدا ساخته» و عید فصح را جشن بگیرند.

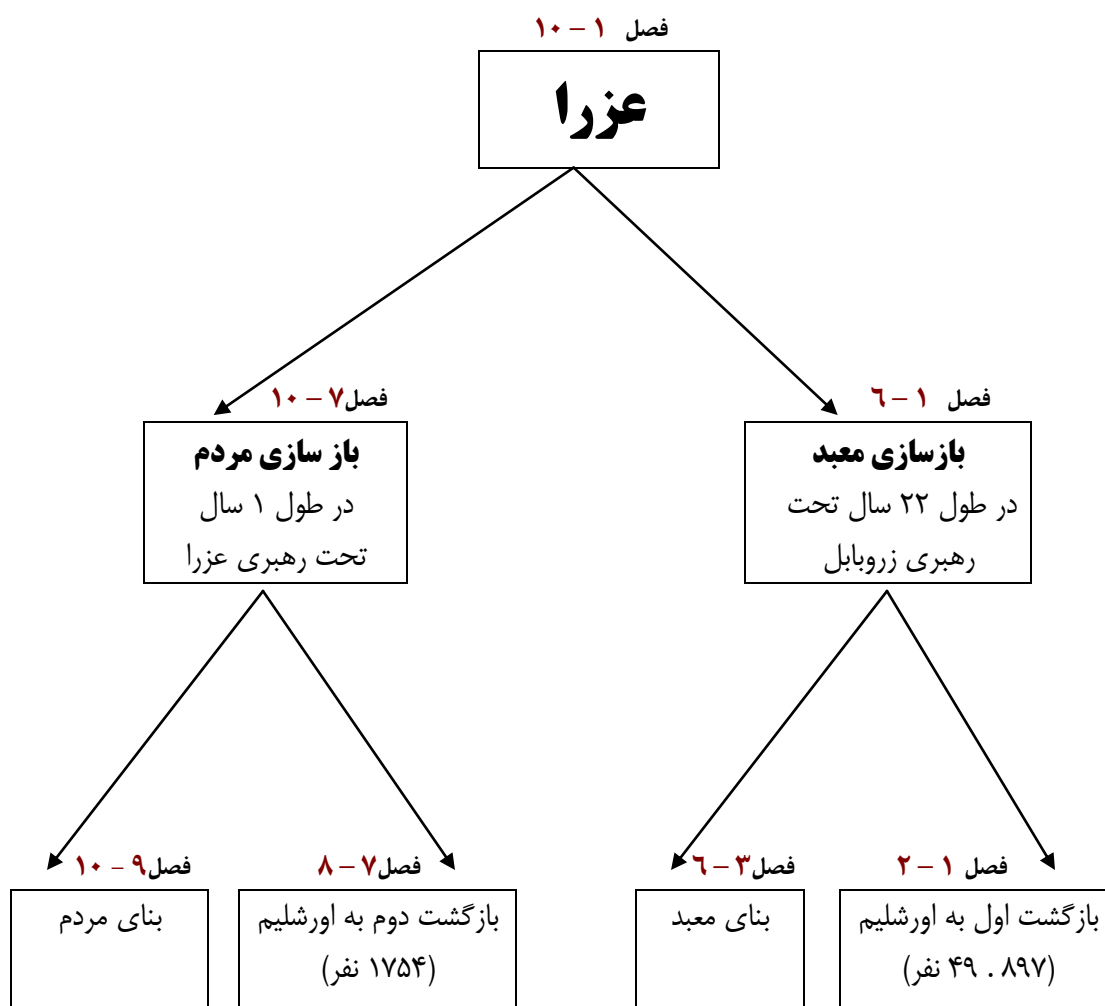
## بررسی

این کتاب راجع به دو بازگشت و دو بازسازی صحبت می کند. بازگشت اول (فصل های ۱ \_ ۶) به رهبری زروبابل به منظور بازسازی معبد می باشد و بازگشت دوم (فصل های ۷ \_ ۱۰) به رهبری عزرا و به منظور بازسازی وضع روحانی مردم است. بین این دو بازگشت، یعنی بین فصل ۶ و ۷ این کتاب، فاصله ۶۰ ساله می باشد.

**(۱) بازسازی معبد (فصل های ۱ تا ۶) \_** کورش، پادشاه فارس، بابل را در سال ۵۳۹ قبل از میلاد فتح کرده و در سال ۵۳۸ قبل از میلاد فرمانی را صادر می کند که به یهودیان اجازه می دهد به سرزمین خود برگردند. اشعیا (اشعیا ۴۴: ۲۸ \_ ۴۵: ۴). کورش احتمالاً این پیشگویی را خوانده بود و تحت تأثیر آن قرار گرفته بود. از دو یا سه میلیون یهودی که در اسارت بودند، فقط ۵۰ هزار نفر از صدور این فرمان استفاده می کنند و بقیه راحتی در بابل را به بازگشت به سرزمین نیمه خراب یهودا ترجیح می دهند. برای آنها مشکل بود که آنچه که داشتند را رها کرده و بعد از مسافرت ۹۰۰ مایلی دوباره از صفر شروع کرده و زندگی و خانه خود را بنا کنند و سپس شروع به ساختن معبد و شهر اورشلیم کنند.

زروبابل که از نسل داود است، رهبری این بقیه را به عهده دارد. آنهايي که برمی گردند اکثراً "از طایفه یهودا، بنیامین و لاوی می باشند. تعداد محدودی هم از ۱۰ طایفه دیگر هستند. کلمه «یهود» یا «جهود» (Jew) که از کلمه «یهودا» گرفته شده است از همین دوره به تمام قوم اطلاق شد که تا به امروز باقی است. زروبابل ابتدا مذبح را بازسازی می کند و جشن گرفتن اعیاد را دوباره شروع می کند و سپس به ساختن معبد می پردازد. اما مخالفت با بازسازی معبد بوسیله دشمنان بالا می گیرد بطوریکه بخاطر دسیسه های سیاسی آنها، ساختن معبد بین سالهای ۵۳۴ تا ۵۲۰ قبل از میلاد متوقف می شود تا اینکه به دستور داریوش اول و تشویق انبیایی چون حجی و زکریا، این کار دوباره آغاز شده و در سال ۵۱۵ قبل از میلاد به پایان می رسد.

**(۲) بازسازی مردم (فصل های ۷ تا ۱۰) \_** در سال ۴۵۷ (۸۱ سال بعد از آنکه اولین گروه برگشتند) اردشیر اول به عزرا این اختیار را می دهد که با هدایایی با ارزش برای معبد از طرف کشور فارس به اورشلیم بروند. این بار کمتر از ۲۰۰۰ نفر با عزرا می روند تا وضع روحانی و اخلاقی مردم را بازسازی کنند چراکه در مدت ۶۰ سال بین فصل ۶ و ۷، وضع روحانی قوم به انحطاط رفته است. وقتی عزرا این وضع را می بیند و بخصوص می بیند که حتی کاهنان گناهان اجداد خود را تکرار کرده و با زنان اقوام خدا شناس ازدواج کرده اند. بسیار آشفته می شود و از طرف آنها توبه نموده و دعای شفاعت می کند. عکس العمل قوم در مقابل این عمل عزرا مثبت است: آنها نیز توبه کرده و عهد می بندند که از شریعت اطاعت کرده و با اقوام دیگر ازدواج نکنند. این توبه باعث بیداری روحانی و عوض شدن زندگی ها می گردد.



### وضعیت قوم بعد از اسارت

اسارت ۷۰ ساله قوم برایشان بسیار دردناک بود. آنها متوجه شدند که این اسارت، نتیجه گناهان آنها و تأدیب خدا بر ایشان بود. آنها فهمیدند که چگونه تمامی قوم، کلام خدا را کنار گذاشته و به عبادت معبد بی توجهی کرده بودند. در نتیجه، بعد از ساخته شدن معبد، قوم برای آنکه اشتباهات گذشته خود را تکرار نکنند، به خدا تعهد دادند که به کلام و به معبد اورشلیم وفادار بمانند. پس به منظور نگاه داشتن این تعهدات خود، روش هایی را از قبیل زیر در پیش گرفتند.

ترجمه کلام \_ «ترگم» ( Tar gum ) در طول ۷۰ سالی که قوم در اسارت بودند، نسل جدید کم کم زبان خود را از دست داد و زبان اول آنها زبان آرامی (زبان بابلی ها) شد. در نتیجه، قومی که بازگشتند، دیگر زبان عبری را نمی فهمیدند. پس برای آنکه این نسل جدید کلام عهد عتیق را بخواند و درک کند، رهبران قوم کتب عهد عتیق را از عبری به آرامی ترجمه کردند که آنرا «ترگم» نام نهادند. کلمه «ترگم» به معنی «ترجمه» می باشد.

**شروع کنیسه ها** \_ گفته می شود اولین کنیسه بوسیله عزرا شروع شد. کلمه کنیسه به معنی «جماعت» می باشد. هدف از شروع کنیسه ها، ساختن مراکز عبادتی نبود چرا که مراسم عبادتی طبق شریعت می بایست فقط در معبد اورشلیم به انجام برسد و آنها به این امر وفادار بودند، بلکه هدف ساختن مراکزی بود که در آن کلام خدا به قوم تعلیم داده شود. در حقیقت کنیسه ها مراکز مطالعه و تعلیم تورات می بودند.

**نوشتن کتاب «تلمود»** \_ رهبران مذهبی یهود برای آنکه مطمئن شوند که قوم دیگر شریعت خدا را چه عمدی و چه غیر عمدی نخواهند شکست، به اصطلاح خود دور شریعت خداوند «حصاری» را کشیدند. به این صورت که برای هر دستور شریعت، آنها دستورات و قوانین سخت تری را وضع نمودند تا مطمئن شوند کسی خواسته یا ناخواسته شریعت خداوند را نشکند. خدمت معلمین کنیسه ها (خاخام ها یا رابی ها \_ کلمه «خاخام» یا «رابی» به معنی «معلم» است) از همین زمان شروع می شود. هدف مطالب کتاب تلمود ساختن چنین حصاری است. این کتاب راجع به سه مطلب زیر صحبت می کند :

(۱) تفسیر شریعت موسی،

(۲) ثبت احادیث نقل شده از گذشته قوم (بخصوص از موسی)

(۳) توضیح المسایل برای سوالات شرعی در مورد انجام شریعت.

به عنوان نمونه از کتاب تلمود، شریعت موسی از قوم می خواهد که روز شنبه (روز سَبَت) را مقدس بشمارند، در آن استراحت کرده و کار نکنند. اما سوال این است که چه چیزی کار محسوب می شود و چه چیزی کار محسوب نمی شود؟ پس کتاب تلمود در صفحات زیادی معنی «کار» در روز سبت را توضیح می دهد.

**عهد جدا بودن از اقوام بیگانه و عدم ازدواج با آنها** \_ در فصل ۱۰ عزرا، قوم عهدی می بندد که با اقوام بیگانه ازدواج نکنند. این عهد را قوم یهود طوری جدی نگاه داشتند که در طول ۲۴۰۰ سال توانسته اند که در میان اقوام بیگانه زندگی کنند اما ملیت خود را حفظ کنند. این عهد هنوز در بسیاری از خانواده های یهودی پا برجا می باشد و با جدیت اجرا می گردد.

## مکاشفه عیسای مسیح

**نسل عیسای مسیح** \_ خدا با نگاه داشتن نسل داود نشان می دهد که به وعده اش در مورد آمدن مسیح امین می باشد. زروباבל خود از نسل داود می باشد (اول تواریخ ۳ : ۱۹) که بعدها مسیح از نسل او خواهد بود . (متی ۱ : ۱۲-۱۳). خدا نسل داود را از اسارت به منطقه یهودا بر می گرداند چرا که مسیح می بایست در بیت لحم به دنیا آید (میکاه ۵ : ۲).

## مکاشفه روح القدس

**برانگیختن روح کورش** \_ روح القدس روح کورش را برای انجام اراده اش بر می انگیزاند (۱ : ۱) تا نه تنها اسیران یهودی را آزاد کند بلکه به آنها کمک کند تا معبد یهوه را بنا کنند. حتی دل پادشاهان خدانشناس در دست خداوند است (۶ : ۲۲) اما چنانکه از سخنان کورش در فصل ۱ بر می آید، او به «یهوه خدای حقیقی» ایمان دارد و او را در آسمان خواهیم دید.

**دست خداوند** \_ این عبارت ۶ بار در این کتاب بکار برده شده است و کار روح القدس را بیان می کند (به عنوان مثال ۷ : ۲۸ و ۸ : ۳۱) که به عنوان دست خداوند، عامل اجرایی و قدرت عملی خدا می باشد.

**روح نبوت** \_ حجتی و زکریا و انبیای دیگر در اورشلیم نبوت کرده و قوم را به ادامه کار ساختن معبد تشویق می کردند (۵ : ۱-۲).

## دروس اصلی روحانی

### **۱ - قبل از ساختن معبد باید مذبج را ساخت.**

زروبابل قبل از آنکه معبد را بسازد، اول مذبج را ساخت و قربانی های سوختنی گذرانید (۳ : ۱ - ۳). هر کار مهمی برای خداوند با ساختن مذبج و دادن قربانی شروع می شود.

به عنوان مثال اگر ما می خواهیم خود را در روح و ایمان بسازیم باید اول مذبج در قلب ما ساخته شود. مذبج جایی است که بوسیله دعا با خدا ملاقات کرده، مسأله گناه را در حضور او حل می کنیم و سپس خود را تقدیم و تسلیم او می کنیم. مذبج محلی است که نفس ما، خواسته های انسانی ما، نقشه های شخصی ما تقدیم خدا می شود تا خدا آن را با آتش روح القدس خود بسوزاند. اگر می خواهید ازدواج و خانواده خود را بنا کنید، باز هم قدم اول این است که اعضای خانواده دور مذبج جمع شده و خود را تک تک تقدیم خدا کنند.

برای ساختن کلیسای خداوند که معبد روح القدس می باشد هم باید ابتدا ایمانداران خود را روی مذبج با دعا به خدا تسلیم می کنند. کلیسای ایرانیان خوانده شده است که کلیساهای ایرانی را در داخل و خارج ایران بنا کند. اما قبل از شروع و بنای هر کلیسا، باید ابتدا مذبج آن ساخته شود و تعدادی ایمانداران متعهد دور آن جمع شده و برای خداوند قربانی بگذرانند. یعنی خود را و پول و وقت و استعدادهای خود را تسلیم خدا کنند.

می خواهید چه چیزی را در زندگی خود بنا کنید؟ خانواده خود؟ تجارت و کار خود؟ خدمت خود؟ ایمان خود؟ در هر مورد، اولین قدم، دعا و تسلیم کردن خود به خدا بر روی مذبج می باشد.

### **۲ - یکی از روش های شیطان، دست همکاری دادن است.**

در ۴ : ۱ - ۳، دشمنان قوم آمده و پیشنهاد همکاری برای بنای معبد به زروبابل می دهند. اما زروبابل و رهبران قوم با حکمت الهی این دعوت را رد می کنند.



این روش همیشه یکی از تله های شیطان می باشد و بخصوص وسوسه خطرناکی است برای خادمی است که برای کار خدا بسیار غیرت دارد و می گوید «به هر نحوی شده کار خدا پیش رود.» خادم خدا همه را دوست دارد و با کسی دشمن نمی باشد اما با هر کسی هم همکاری نزدیک نمی کند حتی اگر برای کار خیر باشد. ما باید خادمین کلیسا و همکاران خود را به دقت انتخاب کنیم. نباید استاندارد کلام را پایین آورده و فقط به فکر اینکه «کلیسا لازم دارد و به پیشرفت کلیسا کمک می کند» به هر کس در کلیسا خدمت بدهیم. در سالهای گذشته، خود من چند بار این اشتباه را کرده ام ولی نتیجه نهایی آن درد و پاشیدگی و خرابی بوده است.

این تاکتیک شیطان است که همیشه از داخل کلیسا بیشتر به کلیسا ضربه زده است تا از خارج. برای همین، هشدار پولس به رهبران کلیسای افسس این است که گرگان درنده به میان شما (رهبران) در خواهند آمد که بر گله رحم نخواهند کرد (اعمال ۲ : ۲۹). در طول تاریخ، رهبران ناشایسته به کلیسای خداوند بیشتر لطمه زده اند تا جفا و قتل عام مسیحیان.

### ۳- قبل از تعلیم، باید خود کلام را آموخت و آن را شخصا تجربه نمود.

عزرا نمونه خوب یک معلم کلام خدا می باشد (۷ : ۹-۱۰). او کلام را شخصا با جدیت مطالعه می کرد. آن را سپس در زندگی خود به انجام می رساند و آنگاه آنرا به دیگران تعلیم می داد.

همه ما خوانده شده ایم که تعلیم دهیم. البته ممکن است همه ما برای تعلیم در کلاس خوانده نشده باشیم، اما همه ما وظیفه داریم آنچه را که آموخته ایم و تجربه کرده ایم را به دیگران منتقل کنیم (یعنی تک به تک تعلیم دهیم). بخصوص مسئول هستیم که به نوایمانان که خدا به ما داده توجه کرده و آن ها را در راههای خدا تعلیم داده و تربیت کنیم. اما اگر می خواهید که مانند عزرا وقتی تعلیم می دهید، «دست نیکوی خدا» با شما باشد، پس همچنین می بایست مانند عزرا :

(۱) به تمامی دل کلام خدا را به خوبی مطالعه کنید. یک معلم خوب ابتدا خود شاگرد خوبی می باشد و در مطالعه جدیت دارد.

(۲) آن را ابتدا در زندگی خود به انجام برسانید. تعلیم فقط انتقال آموخته های فکری نیست بلکه انتقال تجارب روحانی است. آنچه را که تعلیم می دهیم، باید ابتدا خود تجربه کرده باشیم.

(۳) آنگاه آنرا به دیگران تعلیم دهید.

در کدام سه قسمت بالا ضعیف می باشید؟ آیا کلام خدا را خوب می دانید و آن را با جدیت مطالعه می نمایید؟ آیا کلام خدا را در زندگی خود انجام می دهید؟ آیا تجارب و آموخته های خود را به دیگران منتقل می کنید؟

#### **۴ - خادم خدا نه تنها برای گناهان خود متاثر است و توبه می کند بلکه برای گناهان کلیسا نیز متاثر است و توبه می کند.**

عزرا وقتی می شنود که قوم اسرائیل بار دیگر گناه کرده و با اقوام بیگانه ازدواج کرده اند، جامه و ردای خود را چاک داده و موی سر و ریش خود را کنده و ماتم می گیرد (تمام فصل ۹). سپس گناهان قوم را به صورت «ما» اعتراف کرده و توبه می کند. یعنی با اینکه آن گناه را خود شخصا نکرده است، باز خود را از قوم خود جدا نمی داند و گناهان آنها را گناهان خود می داند و برای آنها توبه می نماید.

گناه، خادم پاک مسیح را محزون می کند (چه گناه خودش و چه گناه دیگران در کلیسا). او خود را جدا از این گناه ندانسته و در دعا برای کلیسا شفاعت می کند.

شما وقتی گناه را در کلیسا می بینید، چه می کنید؟ آیا محزون می شوید؟ آیا خود را از آن گناه جدا می کنید بطوریکه فکر می کنید شما قدوس هستید و «آنها» گناهکار هستند؟ و یا اینکه خود را جزئی از آن گناه می دانید و برای آن دعا کرده و توبه می کنید؟ دعای عزرا در فصل ۹ نمونه زیبایی دعای شفاعت است. آنرا آموخته و طبق آن برای کلیسایتان شفاعت کنید.

#### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی عزرا چه می باشد؟
- (۲) کتاب عزرا دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) کلمه «عزرا» به چه معنی می باشد؟
- (۴) بازگشت اول و دوم به رهبری چه کسانی بود و بین آنها چند سال فاصله قرار داشت؟
- (۵) توضیح دهید «تلمود» چیست؟
- (۶) کلمه «خاخام» یا «رابی» به چه معنی می باشد؟
- (۷) ترجمه «ترگم» چه می باشد؟
- (۸) سه درس روحانی از کتاب عزرا را بیان کنید.

# نحمیا

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب خود نحمیا می باشد که آنرا بعد از دوران اسارت حدودا در سال ۴۲۰ قبل از میلاد نوشته است. کلمه «نحمیا» به معنی «یهوه تسلی می دهد» می باشد.

## زمینه و موضوعات اصلی

بین کتاب عزرا و نحمیا، ۱۳ سال فاصله زمانی وجود دارد. نحمیا که همزمان با عزرا زندگی می کرد، ساقی و پیش مرگ اردشیر اول در کاخ سلطنتی فارس بود. به عنوان ساقی (کسی که غذای پادشاه را می چشد تا مسموم نباشد)، مورد اعتماد پادشاه بود. او سومین گروه اسیران را از بابل به اورشلیم می برد. محبت او به خدا و قوم او باعث می شود تا با دلیری قدم جلو گذاشته و دیوارهای اورشلیم را آنهم در ۵۲ روز بنا کند.

نحمیا نمونه عالی یک رهبر روحانی می باشد که هم در روح و دعا قوی می باشد و هم در مدیریت و رهبری و هماهنگی قوم خدا برای انجام کاری مشترک. از نحمیا می توان درس های بسیاری در مورد خدمت و فن رهبری آموخت. در حقیقت، این کتاب را می توان به عنوان کتاب مرجع «روش رهبری» مورد استفاده قرار داد.

نحمیا و عزرا مانند یک تیم، با یکدیگر کار می کنند تا قوم آزاد شده و بازگشته را بنا کنند. کتاب عزرا بیشتر به شرح بازسازی روحانی قوم می پردازد اما کتاب نحمیا بازسازی کشوری و سیاسی را شرح می دهد. در زمان نحمیا، اورشلیم پایتخت سیاسی و روحانی قوم به حساب می آمد اما گرچه ۹۴ سال از بازگشت زروبابل می گذرد، اما دیوارهای شهر هنوز خراب است و شهر بدون دیوار در مقابل دشمنان بی دفاع می باشد.

ملاکی نیز همزمان با نحمیا می زیسته است. در نتیجه، مسائلی که در کتاب ملاکی می باشد با کتاب نحمیا مشابهت بسیار دارد. ملاکی، زکریا و حجی، سه نبی هستند که بعد از بازگشت قوم از اسارت، خدمت می کردند. از لحاظ بیان تاریخ، نحمیا آخرین وقایع تاریخی را در عهد عتیق بیان می کند و بعد از آن ۴۰۰ سال سکوت می باشد که خدا هیچ نبی را نمی فرستد.

**کلمه کلیدی :** بازسازی دیوارهای اورشلیم

چون دیوارهای اورشلیم دوباره بنا می شوند.

**آیات کلیدی :** ۱۵ : ۶ \_ ۱۶ و ۸ : ۸

۱۵ : ۶ \_ ۱۶ ... « پس حصار در بیست و پنجم ماه ایلول در پنجاه و دو روز به اتمام رسید و واقع شد که چون جمیع دشمنان ما این را شنیدند و همه امتهاییکه مجاور ما بودند این را دیدند، در نظر خود بسیار پست شدند و دانستند که این کار از جانب خدای ما معمول شده است.»

۸ : ۸ ... « پس کتاب تورات خدا را به صدای روشن خواندند و تفسیر کردند تا آنچه را که می خواندند بفهمند.»

## **فصل کلیدی : فصل ۹**

در این فصل، بعد از ساخته شدن دیوارها، قوم عهد و وفاداری خود را با خدا تجدید می کند.

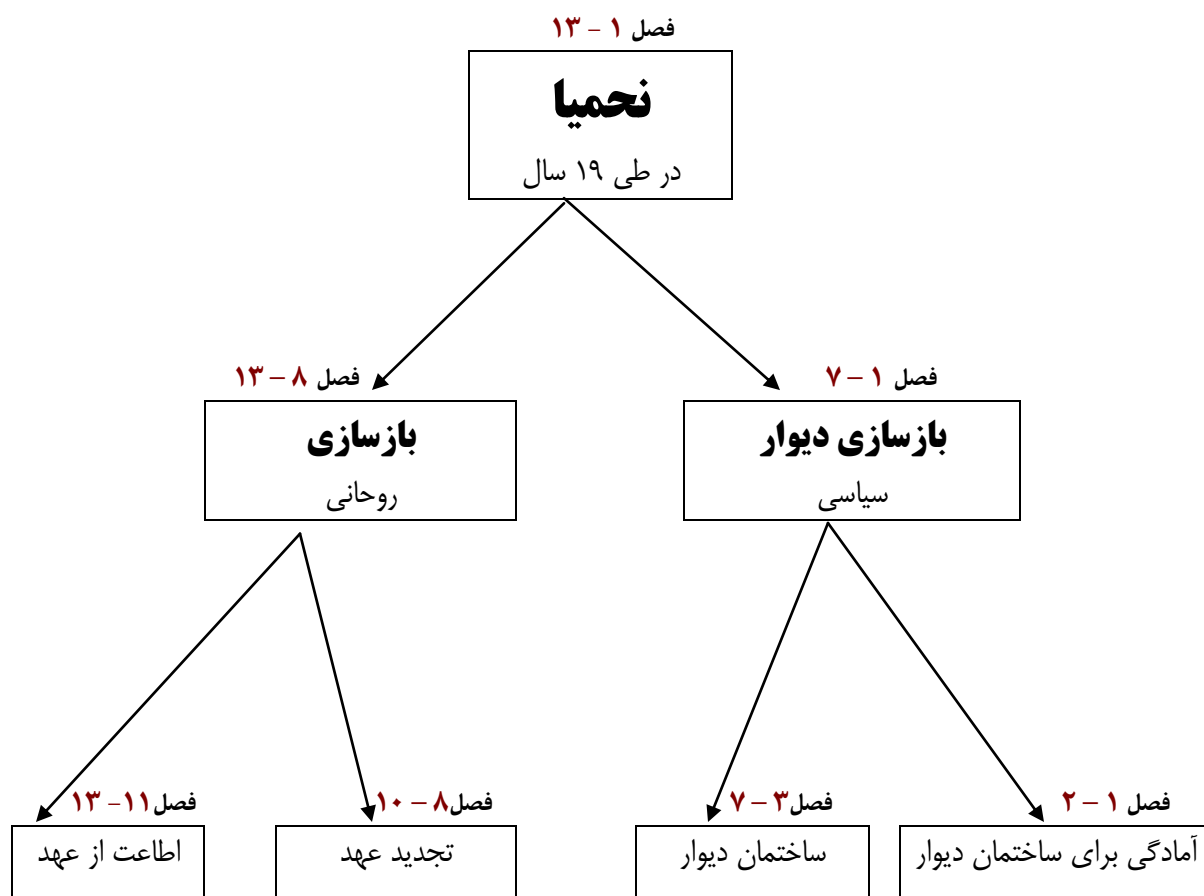
## **بررسی**

این کتاب نیز به دو قسمت تقسیم می شود. ابتدا دیوار ساخته می شود و سپس وضع روحانی قوم بازسازی می شود.

**(۱) بازسازی دیوار (فصل های ۱ تا ۷)** \_ علاقه نحمیا به خدا و قوم او باعث می شود قدم جلو بگذارد. او با جرأت حرکت کرده و مردم را برای ساختن دیوار تشویق و متشکل می کند. با وجود مخالفت ها، تحقیر ها و حتی دشمنی های خصمانه، دیوار سریع ساخته می شود.

**(۲) بازسازی مردم (فصل های ۸ تا ۱۳)** \_ بازسازی دیوار باعث اتحاد و یکدلی مردم می گردد و بیداری روحانی آغاز می شود. عزرا که ۱۳ سال قبل، قوم را در بیداری روحانی رهبری می کرد، این بار نیز رهبری روحانی این بیداری را به عهده می گیرد. او ساعت ها شریعت را از روی منبر خوانده و از زبان عبری به آرامی ترجمه می کند تا جماعت بفهمند. عکس العمل قوم ابتدا گریه، بعد اعتراف به گناهان، سپس اطاعت و در آخر شادی می باشد. آنگاه با خدا عهد خود را تجدید می کنند تا از اقوام دیگر جدا شده با آنها ازدواج نکنند و مطیع شریعت خداوند باشند.

این بیداری متأسفانه دوامی ندارد و نحمیا که در سال ۴۳۲ قبل از میلاد به فارس برگشته بود، دوباره در سال ۴۲۵ به اورشلیم بر می گردد. او معبد را پاک کرده، همه را مجبور به گرفتن روز سبت می کند و قوم را وادار می کند که زندهای اقوام بیگانه را برگردانند.



### مکاشفه عیسیای مسیح

**نحمیا** \_ نحمیا از این لحاظ به مسیح شبیه است که مقام عالی خود را ترک می کند تا به درد مردم عادی برسد. او مانند مسیح، با یک هدف مشخص آمد و آنرا به انجام رسانید. همانند مسیح، او همواره با دعا به خدا متکی بود.

**شروع زمان پیشگویی شده آمدن مسیح** \_ دستوری که اردشیر اول در فصل ۲ می دهد، شروع دوره ۶۹ هفته است (یعنی ۴۸۳ سال زیرا کلمه «هفته» به معنی «۷ سال» نیز می باشد) که دانیال پیشگویی کرده بود (دانیال ۹ : ۲۵-۲۷). طبق این پیشگویی، ۴۸۳ سال بعد از «صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا ظهور مسیح» ۶۹ هفته خواهد بود و بعد از آن «مسیح منقطع خواهد شد». این پیشگویی در سال ۳۳ میلادی با مصلوب شدن مسیح به انجام رسید.

## **مکاشفه روح القدس**

**دست خداوند** \_ دست خدا (عملکرد او بر روی زمین) روح القدس است که در زندگی نحما عمل می نمود (۲ : ۱۸).

## **دروس اصلی روحانی**

### **۱ - خواندگی انسان از درد او آشکار می شود.**

قلب نحما با شنیدن خبر وضع اورشلیم می شکند . او ماتم داشته، روزه گرفته و دعا می کند (۱ : ۱\_۱۱). از این شکستن و دعا و روزه است که خدا او را برای خدمت خاصی می خواند. خدمت درست از قلب شکسته و دلسوز بیرون می آید. قلب شما برای چه کمبودی در بدن مسیح می شکند و چه چیزی در کلیسا شما را محزون می کند؟ برای چه موضوعی درد دارید؟ چه ضعف و مشکلی در کلیسا می بینید که شما را می آزارد و می گویند «چرا کلیسا در این مورد کاری نمی کند؟». بجای شکایت کردن و ایراد گرفتن، بدانید که «کلیسا» کسی جز من و شما نمی باشیم. اگر خدا باری را بر قلب شما می گذارد و کمبودی در کلیسا شما را ناراحت می کند، به احتمال قوی، در همان زمینه است که خدا دارد شما را می خواند. پس این مأموریت را از خدا دریافت کرده و با امانت و جدیت آن ضعف و کمبود را پر کنید و کلیسای خداوند را تقویت نموده و برکت برسانید.

### **۲ - خادم خدا در هر مورد دعا کرده و دعای بلند و کوتاه دارد.**

خادم مفید خدا، مرد یا زن دعا می باشد. نحما در هر شرایط و برای هر موضوع دعا می کند. گرچه او مرد عمل است و برنامه ریز خوبی است، اما کار خدا را فقط با زور خود و جدا از خدا انجام نمی دهد. نکته دیگر اینکه چون نحما در خلوت دعاهای طولانی خود را کرده است، در جمع دعای کوتاه می کند و حتی گاهی با یک جمله در دل دعا می کند. او در فصل ۱ روزها روزه گرفته و با خدا خلوت کرده و دعا می کند. در نتیجه با شرایط مختلفی که در طول روز روبرو می شود، فقط به جملات کوتاه اما قوی اکتفا می کند (مثلاً ۲ : ۴\_ ۵ و ۷ : ۵ و ۹ : ۶ و ۱۳ : ۱۴).

بعضی ایمانداران در خلوت دعاهای کوتاه کرده و برعکس در جمع دعاهای بلند خود را می کنند. اما بهتر است که در خلوت دعاهای بلند خود را بکنیم. آنگاه در جلسه عبادتی یا در جلسه شباهنگ می توانیم دعاهای کوتاه ولی پر از روح بکنیم. حتی در جلسات مخصوص دعا نیز بهتر است که یک شخص بطور طولانی دعا نکند چرا که دیگران بعد از مدتی نمی توانند به دعاهای او آمین بگویند. پس حتی در جلسات دعا بهتر است که شخص دعا های کوتاه کند و بعد از آنکه دیگران دعا کردند او می تواند باز دعا کوتاه دیگری بکند.

شما در دعا کردن چطور هستید. آیا در خلوت دعا‌های طولانی دارید؟ در جمع چطور دعا می‌کنید؟ آیا دیگران می‌توانند از ته دل با دعای شما یک دل شده و به آن آمین بگویند؟ آیا در جمع دعا‌های طولانی می‌کنید بطوریکه دیگران خسته شده و از همراهی و آمین گفتن دست بر می‌دارند؟ گاهی «آمین» گفتن دیگران به این معنی است که «آمین» آخر را بگویید و دعای خود را تمام کنید. آنها را با «آمین» های تشویقی برای ادامه دعا اشتباه نگیرید.

### ۳- برای ساختن بدن مسیح باید هر شخص قسمت خود را بسازد.

نحمیا تقسیم کار کرده و هر قسمت دیوار را به یک خانواده داد تا قسمت جلوی خانه خود را بسازد. برای همین بود که کار با سرعت و با موفقیت به پایان رسید.

ساختن کلیسا هم به این خلاصه می‌شود که هر خانواده قسمت خود را برای خدا بنا کند و از لحاظ روحانی قوی و سالم و بنا شده باشد. اولین مسئولیت روحانی هر شخص این است که خودش و خانواده خودش را از لحاظ روحانی بنا کند. آنگاه است که می‌تواند آن کسی که خدا پیش روی او گذاشته است را بنا نماید.

چند سال پیش بعد از یک موعظه و درس در مورد اهمیت و روش شاگردسازی، از شرکت کنندگان پرسیدم «چند نفر از شما مایل هستید یک نفر را شاگردسازی و بنا نمایید و مواظبت روحانی از او بکنید؟» بسیاری دست خود را بلند کردند. آنگاه گفتم: «آن یک نفر خود شما هستید. اگر نتوانید مواظب خود باشید، چگونه می‌توانید مواظب دیگری باشید. اگر نمی‌توانید خود را بنا کنید، چگونه می‌توانید دیگران را بتا نمایید؟»

آیا شما قسمت خود را بنا می‌کنید؟ آیا خود را و آنکس را که خدا پیش روی شما می‌گذارد را بنا می‌کنید. آیا خدمتی را که خدا به شما سپرده است را با امانت انجام می‌دهید. آیا سر پست خود با جدیت ایستادگی می‌کنید؟

### ۴- هر خدمت با جنگ روحانی همراه است.

در هنگام ساختن دیوار در کتاب نحمیا، دشمن بیکار ننشست. شیطان از طریق انسان‌ها کار کرده و به طرق مختلف خواست که او را از کار کردن باز دارد. ابتدا دشمنان با مسخره کردن خواستند که آنها را دلسرد کنند. به آنها با مسخره گفته شد که آنها قادر به انجام این کار نیستند و آنچه که می‌سازند اگر یک شغال روی آن راه رود، خراب خواهد شد.

وقتی این روش به نتیجه نرسید، دشمنان روش خود را تغییر داده و به آنها تهمت زدند که آنها قصد سیاسی دارند و می خواهند خود پادشاهی ایجاد کرده و از دولت مرکزی سرپیچی کنند. وقتی این نیز نتیجه نداد، آنگاه خواستند که با صحبت با نحμία، وقت او را گرفته و او را از کار باز دارند. اما تنها عکس العمل نحμία در مقابل همه این دسیسه ها، فقط ادامه به کار بود.

در آخر که دشمن دید کار دارد به خوبی پیش می رود، خواست که حمله نظامی کند. برای مقابله با این مسأله، نحμία قوم را تقسیم کرد که همواره یک عده کار کنند و یک عده آماده جنگ باشند. حتی آنهایی که کار می کردند با اسلحه کار می کردند. دشمنان مرتب می خواستند در او ترس ایجاد کنند. آخرین روش دشمن این بود که خواست نحμία را نسبت به معبد به گناه بکشاند که در این مورد نیز او در دام نیافتاد.

هر خدمت موثر همراه با جنگ روحانی است. خادم مفید خدا باید در جنگ روحانی با شریر قوی بوده و از تاکتیک های او برای جلوگیری از کار، آگاه باشد. مسخره، تهمت، تهدید، کوچک کردن، حمله علنی، ایجاد ترس و بخصوص وسوسه به گناه کشیدن از روش های معمول شریر است.

در مقابل کدامیک از این روش ها ضعیف هستید که باعث می شود از خدمت خدا دست بردارید یا سست شوید؟ بهترین جواب به شیطان، خدمت موثرتر است. اگر کسی با شما دشمنی می کند، شما را مسخره می کند، به شما تهمت می زند و می خواهد شما را دلسرد کند، نباید با او دهن به دهن شده، سعی کنید به او جواب دهید. وقت و انرژی خود را تلف نکنید چون شیطان همین را می خواهد. بهترین عکس العمل در مقابل کسانی که به شما حسادت کرده و دشمنی می کنند، این است که به آنها توجه نکرده و با جدیت به خدمت مشغول شوید. موفقیت شما در کار خدا بهترین جواب به آنها می باشد.

## ۵- کلام خدا را باید جدی گرفت و به آن جواب داد.

خواندن و شنیدن کلام خدا باید همواره با عکس العمل درست ما همراه باشد تا فقط شنونده کلام نباشیم بلکه عمل کننده باشیم. هر بار که کلام خدا را در پیغامی می شنویم یا خود می خوانیم باید به آن جواب بدهیم. یعنی باید اجازه دهیم زندگی ما را تغییر دهد. وگرنه طبق کلام خود را فریب می دهیم. طبق فصل ۸، عکس العمل درست در مقابل خواندن یا شنیدن کلام این است :

(۱) قبول کردن آن (گفتن آمین آمین)

(۲) پرستش خداوند

(۳) توبه واقعی که نشانه آن محزون بودن برای گناهان خود می باشد.

(۴) شادی کردن و جشن گرفتن (که نتیجه طبیعی توبه واقعی می باشد).



## **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی نحمیا چه می باشد؟
- (۲) کتاب نحمیا دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) سه نبی که بعد از بازگشت قوم از اسارت خدمت می کردند کدامند؟
- (۴) پیشگویی دانیال چه بود؟ (از چه واقعه تا چه واقعه ای چند سال خواهد بود؟)
- (۵) نحمیا از چه لحاظ شبیه عیسای مسیح می باشد؟
- (۶) کلمه «نحمیا» به چه معنی می باشد؟
- (۷) چهار تاکتیک شریر برای جلوگیری از کار نحمیا را نام ببرید.
- (۸) سه درس روحانی از کتاب نحمیا را بیان کنید.

# استر

## نویسنده و تاریخ نگارش

نویسنده این کتاب نامعلوم می باشد. احتمالا خود مردخای (یکی از شخصیت های داستان) آنرا نوشته است. سال نگارش تقریباً ۴۵۰ قبل از میلاد می باشد.

## زمینه و موضوعات اصلی

داستان استر بین فصل ۶ و ۷ عزرا یعنی بین بازگشت اول بوسیله زروبابل و بازگشت دوم بوسیله عزرا اتفاق می افتد. این کتاب، داستان نجات یهودیانی است که با زروبابل به اورشلیم نرفته اند و در خطر قتل عام قرار دارند. اما خدا مداخله کرده آنها را نجات می بخشد. گرچه اسم خدا حتی یک بار در این کتاب برده نمی شود، اما دست او در کنترل مسائل به وضوح دیده می شود.

از لحاظ سبک داستانی نویسی، این کتاب شاهکار می باشد. ماجراهای پی در پی، تعلیقی که در کل داستان وجود دارد و طنزی که در آن جاری می باشد، توجه خواننده را تا به آخر حفظ می کند بطوری که مشکل است که آنرا شروع کرده و نیمه کاره زمین گذاشت و تا به آخر نخواند.

کلمه «استر» از کلمه «ستاره» فارسی گرفته شده است و به همان معنی می باشد. استر، ملکه خشایارشا در کشور فارس می باشد. وقایع کتاب استر در شهر شوش اتفاق می افتد. در این کتاب کلمه «یهود» و «یهودیان» ۵۱ بار بکار برده می شود که به تمام قوم اطلاق می شود.

## کلمه کلیدی : حمایت خدا

چون دست خدا را در حمایت و حفاظت قوم خود می توان دید.

## آیات کلیدی : ۴ : ۱۴ و ۸ : ۱۷

۴ : ۱۴ ... « بلکه اگر در این وقت، تو ساکت بمانی، راحت و نجات برای یهود از جای دیگر پدید خواهد شد. اما تو و خاندان پدرت هلاک خواهید گشت و کیست بداند که به جهت چنین وقت به سلطنت نرسیدی.»

۸ : ۱۷ .... « و در همه ولایت ها و جمیع شهر ها، در هر جایی که حکم و فرمان پادشاه رسید، برای یهودیان شادمانی و سرور و بزم و روز خوش بود و بسیاری از قوم های زمین به دین یهود گرویدند زیرا که ترس یهودیان بر ایشان مستولی گردیده بود.»

## فصل کلیدی : فصل ۸

در این فصل است که ورق بر می گردد و خشایار شاه، فرمان دوم را صادر می کند که یهودیان می توانند از خود دفاع کنند. نتیجه آخر این است که بسیاری از اقوام مختلف، ایمان یهود را می پذیرند.

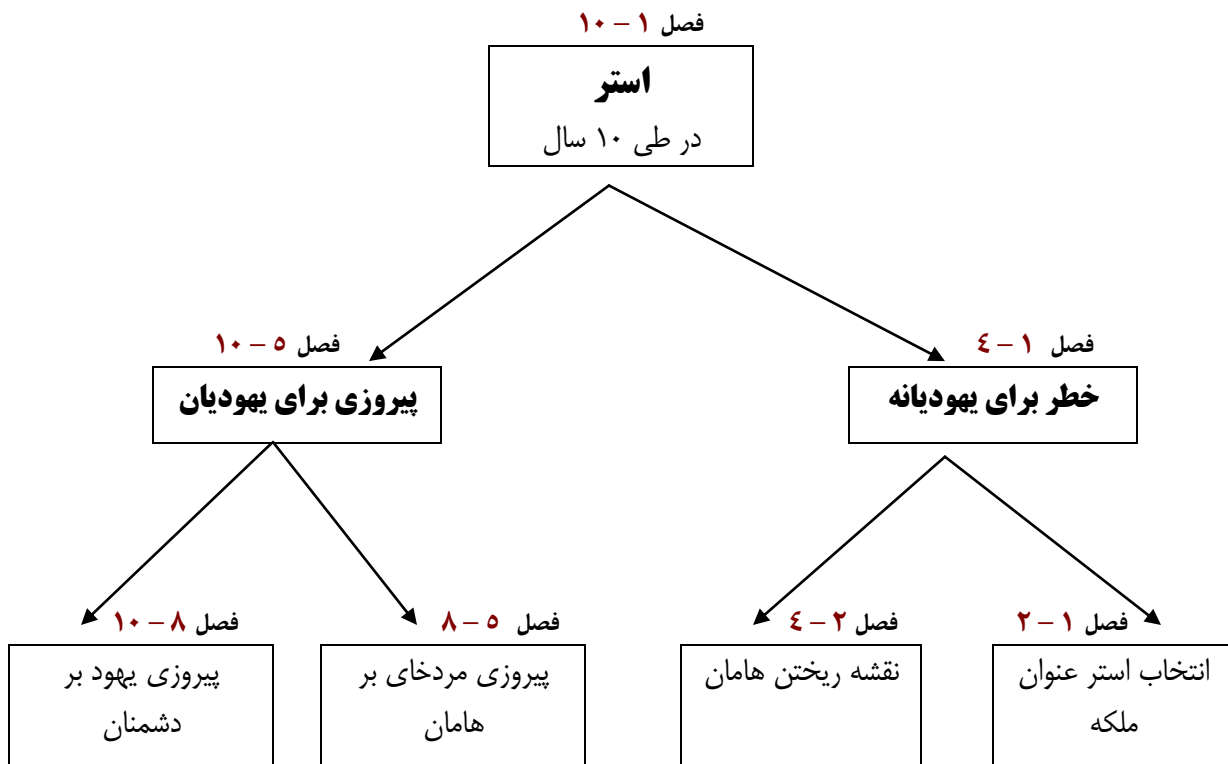
### بررسی

این کتاب به دو قسمت تقسیم می شود. در قسمت اول، خطری جدی برای قتل عام یهودیان شکل می گیرد و در قسمت دوم، این خطر تبدیل به پیروزی می شود.

**(۱) خطر برای یهودیان (فصل های ۱ تا ۴)** \_ داستان در قصر زمستانی خشایار شاه (اسم عبری او اخشورش می باشد) در شهر شوش اتفاق می افتد. بخاطر بی اطاعتی ملکه «وشتی»، بنا به هدایت و اراده خداوند، استر در نظر پادشاه التفات یافته و ملکه فارس می شود. بعد از این شخصی به نام هامان به نخست وزیری می رسد. او شخصی است مغرور و جاه طلب که از مقام خود و سجده مردم لذت می برد. اما مردخای، پسر عموی استر که مانند پدر برای استر می باشد و او را بزرگ کرده است، هامان را سجده نمی کند. هامان نه تنها نقشه قتل او بلکه قتل عام تمام قوم یهود را می کشد و پادشاه را با پول فریب می دهد که فرمان قتل عام یهودیان را صادر کند.

استر با تشویق مردخای و با دعا و روزه تصمیم می گیرد با در خطر انداختن جان خود، وسیله دست خدا قرار گیرد تا جلوی این قتل عام گرفته شود.

**(۲) پیروزی برای یهودیان (فصل های ۵ تا ۱۰)** \_ استر، پادشاه و هامان را به ضیافتی دعوت می کند. هامان با درست کردن چوبه داری نقشه قتل مردخای را می کشد اما خداوند ترتیبی می دهد که او مجبور شود با وجود غیظ و تنفر و خشمی که نسبت به مردخای دارد، او را در تمامی شهر گردانده و جلوی همه احترام کند. با وساطت استر و تقدیر خداوند، دست هامان باز شده و او روی همان چوب دار خود به دار کشیده می شود. در نتیجه، ورق برگشته و بجای یهودیان، دشمنان آنها کشته می شوند و حتی بسیاری به دین یهود می گروند. مردخای نیز نخست وزیر می شود. یهودیان از آن روز به بعد (و حتی تا به امروز) این روز را جشن می گیرند و به آن عید «پوریم» می گویند. پوریم به معنی «قرعه» است که یاد آور قرعه انداختن هامان برای نابودی یهود در ۳ : ۷ می باشد.



### مکاشفه عیسای مسیح

**استر** \_ در استر سایه ای از مسیح دیده می شود. او مانند مسیح برای قوم خود نزد پادشاه شفاعت کرد و حاضر بود که جان خود را بدهد تا قوم او نجات پیدا کنند. در این کتاب دوباره دست شیطان را می بینیم که می خواهد با نابودی قوم یهود، نسلی که مسیح از آن می بایست بیاید را نابود کرده و وعده ها و پیشگویی های خدا در مورد این قوم را خنثی کند. با نزدیک شدن به زمانهای آخر، شیطان یک بار دیگر از طریق هیتلر خواست که این قوم را نابود کند چرا که نه تنها هنوز همه پیشگویی ها و وعده های خدا در مورد قوم یهود به انجام نرسیده است، بلکه طبق کتاب مکاشفه، در دوره «عذاب عظیم»، ۱۴۴۰۰۰ یهودی به عیسای مسیح ایمان خواهند آورد (مکاشفه ۷: ۴ \_ ۸) و نقش مهمی را در آن زمان ایفا خواهند کرد.

## **مکاشفه روح القدس**

گرچه به روح القدس در این کتاب اشاره نشده است، اما دست او به عنوان کارگردان این نمایشنامه کاملاً مشهود و ملموس است.

## **دروس اصلی روحانی**

### **۱ - خدا از افراد معمولی بطور غیر معمول استفاده می کند.**

خدا وقتی صلاح بداند و اراده کند، می تواند یک دختر یتیم یهودی چون استر را که در مملکتی غریب اسیر است، ملکه آن کشور ساخته و مردی یهودی معمولی مانند مردخای را در کشوری که اسیر شده نخست وزیر سازد. خدا همواره از افرادی عادی استفاده می کند که از لحاظ دنیا هیچ شانس موفقیت ندارند تا قوت و حکمت خود را به دنیا ثابت کند. او می خواهد بطور واضح نشان دهد که نه زورها و استعدادها و هوش های انسانی است که دنیا را نجات می دهد بلکه خود اوست تا اینکه کسی به انسان فخر نکند و همه جلال حقاً به او برسد که تنها شخص شایسته جلال در دنیا می باشد.

آیا شما خود را انسانی معمولی می پندارید؟ آیا به شرایط خود نگاه می کنید و در آن آینده ای نمی بینید؟ اگر خدا از طریق یک اسیر بی ارزش (از چشم دنیا) قومی را نجات داد، فکر می کنید برای نجات ایران چکار خواهد کرد؟ آیا می دانید که اگر خود را به خدا تسلیم کرده و مانند استر با جرات اراده او را انجام دهید، او قادر است بوسیله شما مسیر تاریخی کشور ایران را عوض کند؟ آیا به این حقیقت ایمان دارید؟ اگر بله، طبق همین حقیقت زندگی کنید. مانند استر خود را کاملاً به خدا تسلیم نمایید تا هرگونه که او مایل است، از شما استفاده نماید.

### **۲ - خادم خدا اتفاقات روزانه را «اتفاقی» نمی بیند در نتیجه همیشه آماده است وسیله دست خدا باشد.**

باید بدانیم که اتفاقات معمولی روزمره نیز در کنترل خداوند هستند و برای ملکوت او نقش مهمی را بازی می کنند. هیچ اتفاقی نیست که بیافتد و خدا از آن اتفاق یکه بخورد چراکه خدا از همین اتفاقات معمولی برای پیشبرد ملکوت و انجام اراده خود استفاده می نماید.

در داستان استر وقایع مختلفی بوقوع می پیوندد که به ظاهر «اتفاقی» است اما دست خداوند در آن دیده می شود. اتفاقی وشتی از ملکه بودن خلع می شود، اتفاقی استر وارد دربار می شود، اتفاقی استر در چشم پادشاه التفات یافته و ملکه می شود، اتفاقی وقتی مردخای در دروازه نشسته است از دسیسه ای بر علیه پادشاه خبردار می شود، اتفاقی هامان دار را تهیه می کند، اتفاقی شبی که فردای آن قرار است مردخای اعدام شود، خواب از پادشاه می رود، اتفاقی او برای به خواب رفتن می خواهد کتاب تاریخ برایش بخوانند، اتفاقی داستان دسیسه خوانده می شود و اتفاقی پادشاه زمانی وارد اطاق استر می شود که هامان را در بستر استر می بیند.

همه اینها به ظاهر اتفاقی است ولی در واقع دست خداوند در کنترل است. پس خادم خدا، اتفاقات روزانه را «اتفاقی» نمی بیند بلکه آنها را از چشم خدا دیده و آماده است که اراده خدا را در هر موقعیت انجام دهد. ملاقات ها و آشنایی ها و وقایع هر روز زندگی ما، اتفاقی نیستند. پس خادم با هر که «اتفاقی» روبرو شده و آشنا می شود، می داند که آن شخص طبق نقشه خدا سر راه او قرار گرفته است. پس بعد از مشورت با روح القدس، نقش خود را در آن مقطع زمانی در زندگی آن شخص بازی می کند و به این وسیله همکار خداوند می گردد. حتی مسایلی که به ظاهر منفی هستند، اتفاقی نیستند بلکه باید بدانیم هیچ کدام از کنترل خداوند خارج نیستند. نکته مهم در اینجا، عکس العمل ما است که از روی ایمان است یا از روی بی ایمانی. اگر اتفاق ناگوار باعث شود که ما روحیه منفی پیدا کنیم و با دلسردی، منفی صحبت کنیم، قطعاً خدا این بی ایمانی ما را تأیید نخواهد کرد. اما اگر ایمان داشته باشیم که خدا هنوز در کنترل است و طبق وعده اش همه چیز را به نفع کسانی که او را دوست دارند و برای جلال خود بکار می برد، آنگاه روحیه و زبان ما نیز مثبت خواهد بود. این ایمان ما باعث می شود که قدرت و معجزات خدا در آن مورد جاری شوند.

### **۳ - خدا موقعیت ها را برای کسانی که شخصیت و روحیه درست دارند فراهم می کند.**

موقعیت های استثنایی را خدا بوجود می آورد. خدا قول می دهد فروتنان را بلند کند اما فروتن شدن و داشتن روحیه درست، دست خود ما و مسئولیت خود ما است.

استر و مردخای هر دو در شرایط سخت اسارت زندگی می کردند و استر حتی پدر و مادر خود را در بچگی از دست داده بود. اما هیچکدام روحیه منفی و شکست خورده نداشتند. هیچکدام نسبت به خدا و حتی نسبت به اربابان خود (ایرانیان) تلخی نداشتند (اگر می داشتند این داستان چه مسیری را طی می کرد؟) هردو با جرات آنچه را که درست بود انجام می دادند و از انسان نمی ترسیدند. هر دو در اطاعت و احترام پادشاه بودند و بجای تلخ بودن، حتی دسیسه ای را بر علیه او فاش کردند. استر حتی بعد از ملکه شدن، مغرور نشد بلکه هنوز حرف پدر خوانده خود مردخای را به گوش می گرفت (۲ : ۲۰) و نمی گفت «تا حالا من حرف تو را گوش کرده ام و حالا که من ملکه هستم و برای خودم کسی شده ام، بعد از این تو حرف مرا گوش کن».

خدا قول می دهد که همه چیز برای خیریت کسانی که او را دوست دارند با هم در کارند (رومیان ۸ : ۲۸). کسی که شخصیت نیکو دارد و به دنبال راستی است، از تلخی آزاد است و در مقابل خدا و انسان فروتن است هیچوقت ضرر نمی کند، چرا که خدایی که قدرت زمین و آسمان در دست اوست خودش پشیمان چنین شخصی می باشد. او همه چیز را طوری با هم جور می کند که چنین شخصی را برکت دهد.

خادم خدا باید بسیار مواظب روحیه و شخصیت خود باشد. چرا که تنها چیزی که ما را از برکات و معجزات خدا محروم می کند، روحیه منفی و شخصیت غیر مسیحی ما می باشد.

#### **۴ - خدا حرف خود را عوض نمی کند و شیطان را قبل از زمان تعیین شده بر نمی دارد، اما به ما قدرت می دهد بر او پیروز شویم.**

در داستان استر، پادشاه فرمان اول خود را در مورد قتل یهودیان در روز معین عوض نکرد اما دستور دیگری صادر کرد که یهودیان می توانند در مقابل دشمنانشان بجنگند. بعلاوه تمام قوای نظامی خود را به کمک آنها فرستاد (۹: ۳).

این تصویری از روش عملکرد خدا در حال حاضر می باشد. خدا قبل از زمانی که در مکاشفه گفته است (مکاشفه ۲۰: ۲ و ۱۰) شیطان را بر نمی دارد. اما بوسیله روح القدس به ما قدرت می دهد که بر او پیروز گردیم. در نتیجه چون به ما آنچه که لازم داریم یعنی اقتدار (آتوریته) و قدرت را داده است، پس انتظار دارد که بر شیطان پیروز شویم. بعلاوه همانطور که خساریار شاه لشکر خود را به کمک یهودیان فرستاد، خدا هم تمام فرشته ها و تمام قوای آسمانی خود را می فرستد تا در این جنگ به ما کمک کنند.

#### **۵ - کسی که خدا را خدمت نمی کند، به خدا ضربه نمی زند بلکه به خودش ضرر می رساند.**

مردخای به استر گفت: «اگر در این وقت تو ساکت بمانی، راحت و نجات برای یهود از جای دیگر پدید خواهد شد اما تو و خاندان پدرت هلاک خواهید شد.» خدا همیشه کارش را پیش خواهد برد و هیچکس نمی تواند جلوی او را بگیرد. اگر او از ما می خواهد در کارش و خدمتش سهیم شویم، نه اینکه از روی ناچاری به ما متصل شده است، بلکه دارد به ما لطف می کند و افتخار می دهد تا در کار عظیم او سهیم شویم. اگر جواب ما نه باشد، او شخص دیگری را بکار خواهد برد و این وسط ما ضرر می کنیم.

در این روزهای تاریخی، خداوند من و شما را خوانده است که پیغام محبت آمیز و انجیل نجات بخش او را به ایرانیان اعلام نماییم. اما اگر کلام خدا را به ایرانیان اعلام نکنیم و ساکت بمانیم، خدا در هر صورت ایران را نجات خواهد داد (چون وعده داده است) اما خود ما ضرر بزرگ روحانی خواهیم کرد و از برکت همکاری با خدا و شادی دیدن کارهای عظیم او محروم خواهیم شد.

خدا از شما می خواهد چه نقشی را در ملکوت او و نجات ایران و ایرانی بازی کنید؟ خدا از شما چه دعوتی کرده است. از روی ترس و کم ایمانی و خودکم بینی، و یا احياناً بخاطر خوشی ها، راحتی ها و موفقیت های این دنیا به او نه نگویید. زیرا که با نه گفتن، شما خود را از آن برکت، مسح، پیروزی و موفقیت عظیمی را که خدا برای شما در نظر دارد، محروم می کنید. در نتیجه، خدا ماموریت شما را به کس دیگر پیشنهاد خواهد کرد.

### **سوالات برای مرور درس**

- (۱) کلمه کلیدی استر چه می باشد؟
- (۲) کتاب استر دارای دو قسمت اصلی می باشد آنها را نام برده و با یک جمله توضیح دهید.
- (۳) عید «پوریم» به چه مناسبتی می باشد؟
- (۴) کلمه «پوریم» به چه معنی می باشد؟
- (۵) کلمه «استر» به چه معنی می باشد؟
- (۶) سه درس روحانی از کتاب استر را بیان کنید.



## ایران در کتاب مقدس

در تمام کتاب مقدس، از صفحات اول تورات تا آخرین صفحه مکاشفه، خدایی را می بینیم که تمامی جهان را دوست دارد و برای تمامی جهان دلسوزی داشته و برای نجات آن نقشه دارد. برای انجام نقشه خود، این خدا انسانی را به نام ابراهیم برمی گزیند تا از نسل او جهانیان را برکت داده و نجات بخشد. از نسل ابراهیم، خدا پیامبرانی را بر می گزیند تا شریعت او را تعلیم داده و با پیشگویی های خود، جهان را برای آمدن نجات دهنده، عیسی مسیح آماده سازند. در نتیجه، طبیعی است که بیشتر کتب عهد عتیق بطور مستقیم و غیر مستقیم در مورد نسل ابراهیم که بعدها اسرائیل خوانده شد باشد.

بعد از قوم اسرائیل، کتاب مقدس بیشتر از هر قوم دیگر به ایران و اقوام ایرانی مرتبط می باشد.

### اقوام ایرانی کدامند؟

ایران همیشه و حتی امروز منزلگاه اقوام مختلفی بوده است. گرچه کلمه «ایران» بعد ها به این منطقه داده شد، اما هر موقع در کتاب مقدس راجع به اقوام فارس، ماد و ایلام (عیلام) می خوانیم، در حقیقت داریم راجع به خود ایران می خوانیم چرا که این اقوام در داخل خاک ایران سکونت داشته و دارند.

### چه کتاب های عهد عتیق در ایران نوشته شده اند؟

بعضی از کتاب های عهد عتیق در ایران نوشته شده اند. کتاب های استر و نحمیا و دانیال در ایران نوشته شده اند و هر کدام از این شخصیت ها، در دولت ایران مقام مهمی داشتند. پیامبرانی چون عزرا، حجی، زکریا، ملاکی قبل از آزاد شدن و برگشتن به سرزمین خود، در ایران سکونت داشتند و در کتاب هایشان مکرراً به ایران و نقش ایران در انجام اراده خدا اشاره می کنند.

### چه وقایع عهد عتیق در ایران اتفاق افتاده اند؟

بسیاری از وقایع ذکر شده در عهد عتیق در ایران اتفاق می افتد. تمام وقایع کتب استر و دانیال و بخشی از وقایع بیان شده در نحمیا و عزرا، در ایران اتفاق می افتد.

### خدا چه قولی به ایران و ایرانی می دهد؟

به غیر از اسرائیل، ایران تنها کشوری است که خود خدا آن را برای هدف خاصی یعنی برای برکت دادن به اقوام دیگر بوجود آورد (اشعیا ۴۴ \_ ۴۵). خداوند اقوامی مانند آشور و بابل را برانگیخت تا قوم خود، اسرائیل را داوری کند. خدا آنها را برای به اسارت گرفتن و تأدیب قوم اسرائیل بکار برد و بعد از آنکه آشور و بابل نقش خود را بازی کردند، خدا آنها را نیز بخاطر شرارتشان داوری نمود.

اما ایران را خدا طبق نقشه قبلی خود بوجود آورد تا باعث برکت قوم اسرائیل و آزاد شدن اسیران یهود گردد. اما باید این را بخاطر داشته باشیم که روش عمومی خدا در کتاب مقدس می باشد که :

(۱) او هر شخص یا قومی را که برای برکت دادن انتخاب نماید، خود آن شخص یا قوم را نیز مبارک می سازد (امثال ۱۱ : ۲۵ و متی ۵ : ۷).

(۲) خدا قول داده است هر که به قوم اسرائیل برکت برساند، خدا خود او را برکت می دهد (پیدایش ۷۲ : ۹۲).

(۳) در نتیجه خدا چون ایران را برای برکت دادن به یهودیان استفاده نمود، به خود آنها نیز قول برکت می دهد (ارمیا ۴۹) که اسیران ایران را برگردانده و پادشاهی خود را در قلب ایرانیان برقرار خواهد نمود.

### پادشاهان ایرانی ذکر شده در کتاب مقدس کدامند؟

ترتیب تاریخی پادشاهان هخامنشی به شرح زیر می باشد (تاریخ ها قبل از میلاد می باشند) :

نام پادشاه به فارسی	نام در کتاب مقدس	نام به انگلیسی	تاریخ پادشاهی	ذکر در کتاب مقدس
کوروش	کوروش	Cyrus	۵۳۹ - ۵۳۰	اشعیا ۴۴ - ۴۵ ، دانیال ، عزرا
کمبوجیه	- -	Cambysses	۵۳۰ - ۵۲۱	-----
بردیه دروغی	- -	Pseudo Smerdis	۵۲۱	-----
داریوش	داریوش	Darius	۵۲۱ - ۴۸۶	عزرا ۴ - ۶
خشایارشاه	آخسورش	Xerxes	۴۸۶ - ۴۶۵	استر ۱ - ۱۰
اردشیردراز دست	آرتخشستا	Artaxerxes I	۴۶۴ - ۴۲۳	عزرا ۷ - ۱۰ ، نحمیا ۱ - ۱۳

### شهر ها و مناطق ایرانی ذکر شده در کتاب مقدس کدامند؟

در کتاب مقدس از مناطق ایلام، ماد و فارس که هر سه جزو کشور ایران می باشند نام برده شده است. از شهر ها

نام شهر به فارسی	نام در کتاب مقدس	ذکر در کتاب مقدس
شوش	شوشن	نحمیا ۱:۱ عزرا ۴ : ۹ ، استر ۱ - ۲ ، دانیال ۸ : ۲
همدان ( اکباتان)	آحمتا	عزرا ۶ : ۲

شوش مرکز «ایلام» می باشد. ایلام «منطقه غرب رود دجله» و در جلگه خوزستان می باشد. همدان مرکز «ماد» می باشد. در زمان هخامنشیان، دو سرزمین ایلام و ماد هر دو تحت حکومت فارس قرار داشتند.

### **انبیاء عهد عتیق در زمان کدام پادشاهان ایرانی خدمت می کردند؟**

دانیال ..... همزمان با کورش و داریوش  
زکریا ..... همزمان با داریوش و خشایارشا  
حجی ..... همزمان با داریوش و خشایارشا  
عزرا ..... همزمان با اردشیر (گرچه در کتب عزرا شرح وقایع زمان کورش، داریوش، خشایارشا نیز نوشته شده است).  
نحمیا ..... همزمان با اردشیر  
ملاکی ..... همزمان با اردشیر

### **مراجع عهد عتیق در مورد ایران**

- (۱) پیدایش ۱۰ : ۲۲ و ۱۴ : ۹، ۱
- (۲) اول تواریخ ۱ : ۱۷ و ۸ : ۲۴ و ۲۶ : ۳
- (۳) دوم تواریخ ۳۶ : ۲۲
- (۴) عزرا (تمام کتاب)
- (۵) نحمیا (تمام کتاب)
- (۶) استر (تمام کتاب)
- (۷) دانیال (از ۵ : ۲۵ تا آخر کتاب)
- (۸) حزقیال ۲۷ : ۱۰ و ۳۸ : ۵ و ۳۲ : ۲۴
- (۹) اشعیا ۴۴ : ۲۸ و ۴۵ : ۱ \_ ۱۳ و ۱۱ : ۱۱ و ۲۱ : ۲ و ۲۲ : ۶
- (۱۰) ارمیا ۴۹ : ۳۴ \_ ۳۹
- (۱۱) حجی ۱ : ۱
- (۱۲) زکریا ۱ : ۱

## ایران در عهد جدید

ایرانیان اولین کسانی بودند که با مسیح متولد شده ملاقات کرده و او را به عنوان خداوند پرستیدند. ملیت مجوسیانی که در متی ۲ : ۱ \_ ۱۲ برای پرستش عیسای مسیح آمده بودند، در کتاب مقدس ذکر نشده است و فقط گفته شده است که آنان از مشرق بودند. در مورد اینکه این مجوسیان چه کسانی بودند و از کجا آمده بودند، نظریات مختلف وجود دارد. اما به قریب یقین می توان گفت که آنها ایرانی بودند. چرا که خود کلمه «مجوسی» کلمه ای ایرانی می باشد. مجوسیان، کاهنان و روحانیان دین زرتشتی بودند که دین رسمی ایران در آن زمان می بود. بعد ها مجوسیان به حکیمان و ستارشناسانی گفته می شد که در دربار پادشاه، نقش مشاوران او را داشتند.

اما چگونه این مجوسیان راجع به عیسای مسیح می دانستند؟ جواب این سؤال را می توان در کتاب استر و دانیال یافت. در کتاب استر ۸ : ۱۷ می بینیم که بسیاری از ایرانیان به یهوه خدای حقیقی ایمان می آوردند. بسیاری از این افراد و بخصوص مجوسیان، عهد عتیق را مطالعه کرده و در مورد وعده های آمدن نجات دهنده می دانستند.

در کتاب دانیال نیز می بینیم پیشگویی ها دقیقی در مورد آمدن مسیح وجود دارد. ایمان و موفقیت و قدرت دانیال در تعبیر خواب ها و پیشگویی آینده، به او عزت و احترام خاصی را در بین مجوسیان بخشیده بود. دانیال در حین موفقیت سیاسی، نمونه عالی یک شخص روحانی نیز بود. تعجبی ندارد که حتی داریوش پادشاه به خدای دانیال ایمان می آورد (دانیال ۶ : ۲۷ \_ ۲۸) و فرمانی صادر می کند و ایمان خود را به همه اعلام می کند. پس تعجبی ندارد اگر تعدادی از مجوسیان دربار او نیز به چنین خدایی ایمان آورده و مطالعه کنندگان عهد عتیق و بخصوص کتاب خود دانیال گردند و در نتیجه متوجه آمدن مسیح شوند.

مهم ترین مورد در عهد جدید، حضور ایرانی ها در روز پنطیکاست می باشد (اعمال ۲ : ۹). در این روز، افراد زیادی از سه قوم ایرانی (فارسی، مادی و ایلامی) برای زیارت در اورشلیم حضور داشتند. در نتیجه، مژده نجات را از زبان رسولان به زبان خود شنیدند. بله وقتی رسولان از روح القدس پر شدند، به فارسی صحبت کردند و فارس ها آن را شنیده و به عیسای مسیح ایمان آوردند. در نتیجه می توان گفت که تاریخ مسیحیت در ایران، به روز اول تولد کلیسای عیسای مسیح در روز پنطیکاست بر می گردد. در این روز بسیاری از ایرانیان به مسیح ایمان آورده، تعمید گرفته و به مملکت خود بازگشتند.

## مسیحیت در ایران

ایرانیان مسیحی شده و تعمید یافته در اورشلیم، به کشور و سرزمین خود برگشته و مسیحیت را رواج دادند. در سه قرن او، مسیحیت در ایران رشد کرد و ترویج یافت تا اینکه شاهپور دوم، شروع به قبل مسیحیان کرد و ۱۶۰۰۰ مسیحی ایرانی را شهید ساخت. اما با این وجود، مسیحیت در ایران تا قرن ۶ رشد نمود. تعداد کلیساهای به حدی زیاد بود که ایران تقسیم به ۲۰۰ منطقه شده بودند و کلیساهای هر منطقه یک اسقف (سرپرست) داشتند. حتی در جزیره خارک مسیحیان زندگی می کردند و کلیسایی ساخته بودند که تا به امروز باقی می باشد. کلیساهای ایرانی طوری سالم بودند که به مناطق دیگر و حتی تا هند و چین مسیونر می فرستادند تا ایمان مسیحی را بشارت داده و کلیساهای تازه را بنیان گذاری کنند.

چند سال پیش در شهر **Siantu** در چین، کتیبه ای کشف شد که از آمدن مسیونر های ایرانی به چین سخن می گوید. تاریخ روی این کتیبه، ۷۸۱ میلادی می باشد. مارکوپولو که در قرن ۱۳ به شرق سفر می کرد گزارش می دهد که چگونه در طی سفر خود به گروه های مسیحی بر خورده است.

بعد از حمله اعراب به ایران، تحمیل دین اسلام، و جفا و فشار به مسیحیان، کم کم کلیساهای ایران ضعیف گردیدند. آنها حق بشارت به مسلمانان را نداشتند، حق ساختن کلیسا و یا نشان دادن صلیب را نداشتند. مسیحیت در ایران ضعیف تر و ضعیف تر گردید تا اینکه چنگیزخان و مغول ها به ایران حمله کردند (قرن ۱۳) و قتل عام عظیمی را در بین مسیحیان نمودند.

در ابتدا قرن ۱۷، شاه عباس صفوی، ارمنی های زیادی را مجبور کرد تا به ایران کوچ نمایند. در نتیجه ۱۲۰۰۰ ارمنی در تبریز و ۷۵۰۰۰ در جلفای اصفهان سکنی گرفتند. شاه عباس ندانسته وسیله دست خداوند شد تا حضور مسیحیت دوباره در ایران جا بگیرد.

در ابتدای قرن ۱۹، هنری مارتین که کشیش کلیسای اسقفی انگلستان بود هنگام بازگشت از هندوستان به ایران آمد و در شیراز، عهد جدید را به فارسی ترجمه کرد. ویلیام گلن نیز عهد عتیق را در اواسط قرن ۱۹ کامل نمود. رابرت بروس این دو ترجمه را تصحیح نموده و به صورت کتاب مقدس چاپ نمود که همان ترجمه قدیم کتاب مقدس است که اکنون در دست ما می باشد. ترجمه کتاب مقدس نیز قدم مهم دیگری بود تا مسیحیت در ایران دوباره ترویج یابد.

در قرن ۱۹، مسیونر های مختلف وارد ایران شدند. مسیونر های کلیسای اسقفی انگلستان بیشتر در جنوب کشور ایران فعالیت کردند (اصفهان، شیراز، کرمان، اهواز) و مسیونر های پرزبتری آمریکایی در شمال کشور خدمت کردند (تبریز، رضاییه، تهران، رشت، مشهد، کرمانشاه و همدان). اکثر کسانی که بوسیله این مسیونر ها ایمان آوردند، آسوری و ارمنی بودند.

در اواسط قرن ۲۰، تعدادی ارمنی که از مراسم و سکون روحانی کلیسای سنتی خسته شده بودند و بسیار مشتاق ملاقات با خدا و پیشرفت روحانی بودند، در خانه «برادر ست» جمع شدند و خداوند روح القدس خود را بر آنها ریخت. برادر لون که رهبر حزب ناسیونالیستی ارمنی در اصفهان بود و به پوچی این کار پی برده بود نیز ایمان آورده بود. به زودی افراد بسیاری در آن خانه به مسیح ایمان آوردند. از جمله کسانی که ایمان آوردند، دو برادر نوجوان بودند که در محله به شرارت معروف بودند. نام این دو برادر هایک و ادوارد بود. به اصرار برادر لون، کلیسا رسماً شروع شد. همزمان با این اتفاقات، دو برادر ارمنی که در انگلستان درس مهندسی می خواندند، نجات یافتند، از روح القدس پر شدند و برای خدمت به ایران برگشتند. این دو برادر نیز به برادر ست و لون پیوستند تا برای گسترش ملکوت خدا در بین ایرانیان همکاری نمایند.

در سال ۱۹۷۹، با انقلاب اسلامی، خداوند نجات ایران را به مرحله جدیدی برد. طبق پیشگویی های خودش در ارمیا ۴۹، پادشاهی را از ایران برداشت و ایرانیان را به تمامی جهان پراکنده ساخت. نتیجه این انقلاب این بود که در اواخر قرن ۲۰، کلیساهای ایرانی در سراسر جهان برپا شد و همزمان خداوند از شرایط داخل و خارج ایران استفاده نمود تا ایرانی ها را تشنه تر و تشنه تر نماید.

اکنون در ابتدای قرن ۲۱، موقعیتی استثنایی و تاریخی در انتظار ایران و ایرانی می باشد که در طول تاریخ چند هزارساله ایران بی سابقه می باشد. خداوند هنوز به نوشتن تاریخ ادامه می دهد و به دنبال افرادی امین و سرسپرده می گردد تا در نوشتن تاریخ ایران، با او همکاری نمایند. بله، خداوند من و شما را در داخل و خارج ایران نجات داده است تا بخش بعدی داستان نجات ایران و ایرانی را بنویسیم. آیا می خواهید در نوشتن تاریخ نجات ایران با خداوند همکاری نمایید؟

## ترتیب کتابهای عهد عتیق

اکثر افراد آنچه را که می بینند بهتر به خاطر می سپارند تا آنچه را که می شنوند. برای کسانی که مثل من حافظه قوی ندارند، ساختن داستانی بوسیله شکل ها، یکی از راه های موثر حفظ کردن می باشد. به پیوست، اشکالی را می بینید (که با یک قرار داد مالی، بوسیله پسرمان جاناتان کشیده شده اند) و کمک می کنند ترتیب کتاب های عهد عتیق را حفظ نمایید. یکی از مزایای این روش این است که بعد از حفظ کردن، با دادن نام یک کتاب به راحتی می توانید نام کتاب بعد و قبل آنرا بگویید. پس ابتدا سعی کنید که این داستان را همراه با اشکال آن حفظ نمایید.

در محبت مسیح  
کشیش هرمز

### داستان مربوط به اشکال

- ۱) شخصی یک سکه ای را پیدایش (پیدایش) می کند.
- ۲) بعد از پیدا کردن سکه، از در خروجی (خروج) خارج می شود.
- ۳) وقتی خارج می شود، به شخص با محبتی بر می خورد که به شکل قلب **Love** (لاویان) می باشد.
- ۴) این شخص، طنابی را در دست دارد که روی آن اعداد بزرگی (اعداد) به نخ کشیده شده اند.
- ۵) آن سر این طناب به دور سر شخصی تاس (تثنیه) بسته شده است!
- ۶) این شخص تاس با یک دست این طناب را گرفته و با دست دیگر یک **U** بزرگ (یوشع) را محکم گرفته است.
- ۷) آن طرف **U** را یک داور مسابقات (داوران) گرفته است و می کشد.
- ۸) این داور با یک دست **U** را گرفته و با دست دیگر ریشه ای **Root** (روت) را به دست دارد.
- ۹) این ریشه، ریشه یک علف است پس دو شیشه سم (اول و دوم سموئیل) دارد روی آن خالی می شود.
- ۱۰) دوم سموئیل
- ۱۱) این دو شیشه سم را یک پادشاه گرفته است (اول پادشاهان).
- ۱۲) پشت سر این پادشاه، پادشاه دیگری ایستاده است (دوم پادشاهان).
- ۱۳) این پادشاه دو تار یخی (اول و دوم تواریخ) در دست دارد.
- ۱۴) دوم تواریخ
- ۱۵) این دو تار یخی دارند آب می شوند و روی جاده ای ریخته می شوند که به «EZ راه» (عزرا) معروف است.
- ۱۶) این راه به دیواری ختم می شود که آن دیوار را شخصی به نام **نَحْمِیا** (نَحْمِیا) ساخته است که روی آن هم ایستاده است.
- ۱۷) آقای نحمیا از دیوار پایین آمده و سوار آستری (اِستِر) می شود و به سرعت می تازد.

۱۸) این آستر، برای ملاقات شخص بیچاره و مریضی می رود که روی زمین نشسته و ماتم گرفته است (ایوب).

۱۹) برای اینکه آقای ایوب از غم و ماتم در آید، شخصی دارد برای او هارپ زده و سرود می خواند (مزامیر).

۲۰) این هارپ را شخص عاقل و دانشمند و حکیمی (امثال) به دست دارد.

۲۱) این شخص حکیم، جامه ای به تن دارد (جامعه) که کسی دارد آن را محکم از پشت می کشد.

۲۲) کسی که دارد آن را می کشد، یک آهو یا غزال است (غزل غزل ها).

۲۳) پشت این غزال، عیالی دارد آش درست می کند. پس این آش، «آش عیال» (اشعیا) نامیده می شود.

۲۴) اما این آش آنقدر بدمزه است که حتی میکرب ها یعنی جرم ها (ارمیا) دارند از آن فرار می کنند.

۲۵) این جرم ها تظاهرات به راه انداخته و با یکدیگر فریاد می زنند «مرا سیر کنید» (مراثی).

۲۶) این جرم ها همراه با تظاهرات، به خاطر گرسنگی که دارند، به سوی کبابی می روند که متاسفانه سوخته یعنی جزقاله (جزقیال) شده است.

۲۷) از آن طرف، شیر گرسنه ای (دانیال) هم می خواهد این کباب جزقاله شده را بخورد.

۲۸) دم این شیر به موشک (هوشع) بسته شده است.

۲۹) یک ایلی به نام «ایلی U» (یوئیل) دارند وارد این موشک می شوند.

۳۰) آخر این ایلی، یک شتری است که دم آن را یک عموی اصفهانی به نام «عامو آس» (عاموس) گرفته است.

۳۱) شخصی که خود اهل قمار است، زانو زده و این آس را عبادت (عوبدیا) می کند.

۳۲) این شخص در حال عبادت است و حواسش نیست که یک ماهی بزرگ دارد او را می بلعد (یونس).

۳۳) برای نجات این شخص، میک ها (میکا) که هواپیماهای جنگنده روسی هستند به این ماهی حمله می کنند.

۳۴) جنگ بالا می گیرد و صمد آقا هم وارد جنگ می شود. اما تنها اسلحه او ناخن (ناحوم) اوست که نشانه می گیرد.

۳۵) صمد شخص مردم آزاری است. او بوقی را گرفته و بوسیله آن حبه هایی را به سر مردم می زند (حَبَقوق).

۳۶) این افراد که حبه ها به سرشان می خورد بیچاره ها توی صف هستند و به صمد می گویند «توی صف نیا» (صَفَنیا).

۳۷) این افراد همگی اصفهانی هستند و صف کشیده اند تا وارد مکه شده و حاجی (حَجی) شوند.

۳۸) اما آن طرف کسی ایستاده و دارد با صدای بلند اعتراض می کند. او به زوار اشاره کرده و می گوید : «زکی، این ها ریا می کنند» (زَکَریا) و سپس با دست دیگر به ملایی که تازه از زیارت حج بیرون آمده اشاره می کند و می گوید : «با زیارت کردن کی کسی ملا می شود؟» (مَلاکی).

۳۹) ملاکی



## روش تشکیل کلمات از حروف اول هر کتاب

در این روش، از حروف اول هر کتاب (با حفظ ترتیب کتاب) کلماتی تشکیل می شود. برای حفظ کردن ترتیب کتب، این کلمات را می بایست حفظ نمود. برای یاد آوری، باید به حروف این کلمات توجه کرد که هر کدام، حرف اول کتاب مربوطه می باشد و ما را برای بخاطر آوردن اسم آن کتاب یاری می دهد. کلمات زیر و توضیحات آن از خانم پروین کمالی می باشد که امیدواریم در حفظ کردن ترتیب کتاب های عهد عتیق شما را یاری دهند.

### ۱) کلمه مربوط به ۵ کتاب شریعت (تورات) : پخلات

پ=پیدایش      خ=خروج      ل=لاویان      ا=اعداد      ت=تثنیه

توضیح به منظور بخاطر سپردن «پخلات» :

«بخیل» یعنی حسود و جمع آن «بخیلان» است. جمع آن به عربی «بخیلات» است. اما چون بُخل و حسد از صفات شیطان است، لذا بجای «ب»، «پ» می گذاریم که می شود «پخیلات».

### ۲) کلمات مربوط به ۱۲ کتاب های تاریخی : ی درس پت رعنا

ی=یوشع      د=داوران      ر=روت      س=اول و دوم سموئیل      پ=اول و دوم پادشاهان  
ت=اول و دوم تواریخ      ع=عزرا      ن=نحمیا      ا=استر

توضیح به منظور بخاطر سپردن «ی درس پت رعنا».

«ی» به معنی یک است.

«درس» به معنی همان درس در کلاس است. شماره ۲ روی هر حرف نشان دهنده این است که دو کتاب از آن نوع موجود است.

«پت» در انگلیسی به معنی حیوان خانگی می باشد.

این حیوان خانگی رعنا می باشد اما متأسفانه سرش را بریده اند! در نتیجه، حرف «ر» را از دست داده است و شده «عنا»

### ۳) کلمات مربوط به ۵ کتاب شعری : آماج غم

ا=ایوب      م=مزامیر      ا=امثال سلیمان      ج=جامعه      غ=غزل غزل ها

توضیح به منظور بخاطر سپردن «آماج غم»

«آماج» به معنی هدف و نشانه می باشد.

این «آماج غم» تیر خورده و «م» از آن شکسته شده است.

#### ۴) کلمات مربوط به ۵ کتاب انبیای بزرگ : ۱۱ محد

ا= اشعیا      ا= ارمیا      م= مرثی، ارمیا      ح= حزقیال      د= دانیال

توضیح به منظور بخاطر سپردن «۱۱ محد»

یازده گهواره (مهد) را در نظر بگیرید.

#### ۵) کلمات مربوط به ۱۲ کتاب انبیای کوچک : هی عو عو یمن حص عزم

ه= هوشع      ی= یوئیل      ع= عاموس      ع= عوبدیا      ی= یونس      م= میکاه  
ن= ناحوم      ح= حبقوق      ص= صفیا      ح= حجی      ز= زکریا      م= ملاکی

توضیح به منظور بخاطر سپردن «هی عو عو یمن حص عزم»

«هی» کلمه است که گفته می شود تا توجه را جلب نماید.

«عو عو» صدای هشدار دهنده یک سگ می باشد که «و» های آن حذف شده است.

«مَن» سرزمینی است در آفریقا

«حص» همان حس می باشد

«حزم» به معنی هوشیاری و احتیاط می باشد.

برای بخاطر سپردن همه این کلمات، به جمله زیر فکر کنید : یک شخص با سگش به شما هشدار می دهد  
«هی! عو عو» که اگر به سرزمین «یمن» بروی، «حص حزم» و احتیاط شما زیر سؤال می رود.

